

# کاشان

مجله کاشان‌شناسی مقالات پژوهشی مربوط به تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر، معماری تاریخی، جغرافیای تاریخی و مشاهیر منطقه کاشان شامل شهرستان‌های کاشان، نطنز و آران و بیدگل را منتشر می‌کند.

## شیوه‌نامه درج منابع و استناد

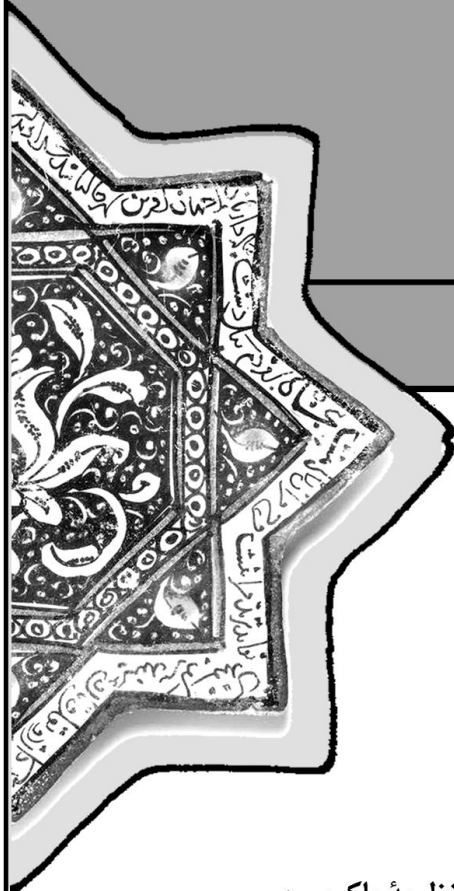
- درج مشخصات منابع متن و تصاویر، براساس شیوه‌نامه ایران (تهیه‌شده توسط پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) است.
- این شیوه‌نامه در وبگاه نشریه موجود و قابل بارگیری است.
- در متن مقاله به‌صورت: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، صفحه.
- در فهرست منابع پایان مقاله به‌صورت:
  - کتاب‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، ناشر.
  - مقاله‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مجله، دوره (شماره مجله): شماره صفحه ابتدا – شماره صفحه انتها.
  - مقاله اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، عنوان مجله علمی، دوره ش. نشانی الکترونیکی مقاله (دسترسی در تاریخ)

## ضوابط و راهنمای تدوین مقالات

- مقاله ارسالی قبلاً در جایی چاپ یا ارائه نشده باشد.
- مقاله مبتنی بر تحقیق و شامل مطالب نو و ابتکاری می‌باشد.
- چاپ مقالات و تقدم و تأخر آن با بررسی و تأیید هیئت تحریریه تعیین می‌گردد.
- هیئت تحریریه در ویرایش مطالب و یکسان‌سازی مقاله آزاد است و مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- مقاله‌های مندرج صرفاً مبین آرای نویسندگان است.
- مقاله‌ها پس از داوری تخصصی و احراز شرایط در مجله چاپ می‌شوند.
- مقاله باید در محیط Word تایپ و از طریق سامانه «کاشان‌شناسی» به‌صورت الکترونیک ارسال شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله حداکثر در ۳۰۰ واژه بیاید.
- ذکر کلید واژه‌های مقاله (حداکثر ۵ واژه) الزامی است.
- نویسندگان برای مطالعه راهنمای تدوین مقالات به سامانه [sh-kashan.kashanu.ac.ir](http://sh-kashan.kashanu.ac.ir) مراجعه کنند.

# کاشان‌شناسی

مجله علمی کاشان‌شناسی، مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱



- ۳ بررسی ارتباط زبانی در الأربعین علوی بروجردی بر اساس نظریهٔ یاکوبسن  
محمد منتظمی، روح‌الله صیادی‌نژاد، مریم جلائی پیکانی
- ۲۵ کالبد فرهنگی شهر: واکاوی الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین  
نقشهٔ فرهنگی / میثم نمکی، سعید شریفی، محمد لطیفی
- ۴۷ تبیین رابطهٔ جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایهٔ اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان...  
مهدی محمدزاده راوندی، حجت مهکویی، حمید صابری
- ۶۵ گونه‌شناسی معماری مساجد بازار تاریخی کاشان / حمیدرضا جیحانی، ثمینه صابری
- ۱۰۱ ارزیابی اثر ابعاد توسعهٔ گردشگری بر میزان شادی ساکنان؛ نمونهٔ موردی: شهر کاشان  
ابراهیم مولوی، یونس غلامی، راضیه کریمی آنچه
- ۱۲۳ بازخوانی قالی میرزا کوچک منسوب به کاشان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی  
سید محمدرضا طبسی، ایمان زکریایی کرمانی
- ۱۴۹ قالی به مثابهٔ عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۳-۲۴

مقاله علمی پژوهشی

## بررسی ارتباط زبانی در الأربعین علوی بروجردی بر اساس نظریه یاکوبسن

محمد منتظمی\*

روح‌الله صیادی‌نژاد\*\*

مریم جلائی پیکانی\*\*\*

### چکیده

زبان‌شناسی پراگ تحت تأثیر اندیشه‌های یاکوبسن، نظریه ارتباط میان زبان عادی و زبان ادبی را ارائه کرد و نقش شعری زبان را از نقش ارتباطی آن متمایز ساخت. پیروان این مکتب بر این باور بودند که زبان عادی، تنها متوجه مدلول است، اما نقش شعری زبان به سوی نشانه و دال و اهمیت خاص آن گرایش دارد. نگارندگان در این تحقیق بر آن‌اند که با در پیش گرفتن روش توصیفی تحلیلی و با توجه به رهیافت یاکوبسن، به بررسی ارتباط زبانی شعر محمد بن ابراهیم الموسوی معروف به علوی بروجردی (۱۲۷۲-۱۳۶۲ق) از فقیهان و شاعران قرن چهاردهم بپردازند. دستاورد تحقیق بیانگر آن است که این شاعر دل‌سوخته، اندیشه و احساسات خاص خود را صادقانه بیان می‌کند. ضمیر مستتر در افعال امری این سروده متوجه مخاطب خاصی نیست، بلکه این ضمیر به‌منظور ترغیب و طلب همنوایی متوجه هر شخصی است که این سروده را بخواند. شاعر برای انتقال پیام خویش از عناصری کمک می‌گیرد که می‌توان آن را با حواس ظاهری و باطنی دریافت. وی با این شیوه توانسته است میان جهان بیرون و جهان درون مخاطب (گیرنده) پیوند ناگسستنی برقرار نماید. از آنجاکه در نقش ادبی تأکید بر خود پیام است، علوی بروجردی از این طریق توانسته است زبان پیام را از طریق زبان معیار برجسته نماید. وی با کاربرد توازی نحوی - که از جمله تکرارهای پنهان است و در مرکز خلاقیت هنری شاعر قرار دارد - انسجام سروده خویش را دوچندان نموده و سطح موسیقایی آن را به اوج رسانده است. هدف او از به‌کارگیری آرایه‌های ادبی نظیر تضاد و هم‌پاغازی اقناع مخاطب و لذت‌بخشی به مخاطب است.

کلیدواژه‌ها: منظومه الأربعین، مرثیه، علوی بروجردی، نظریه ارتباط یاکوبسن.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / mh.montazamipor@gmail.com

\*\* دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) / saiiadi57@gmail.com

\*\*\* دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / maryamjalaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه یاکوبسن



## ۱. مقدمه

پیش از مکتب فرمالیسم (Formalisme) شاهد آن هستیم که منتقدان ادبی بر اساس نگاه تاریخی و اجتماعی به بررسی متون ادبی می‌پرداختند. در قرن بیستم میلادی دو انجمن زبان‌شناسی در روسیه به وجود آمد که آثار آثار ادبی را بر اساس فرم و شکل مورد ارزیابی قرار می‌داد. اولین انجمنی که به شکل قانونمند به ارائه نظریات فرمالیستی پرداخت، «انجمن زبان‌شناسی مسکو» بود. این انجمن به ریاست رومن یاکوبسن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۵م تأسیس شد (شایگان‌فر، ۴۳: ۱۳۹۰). فعالیت‌های این گروه بیشتر جنبه زبان‌شناسی داشت. این مکتب‌گرایش‌های فرامتنی را کنار گذاشت و به بررسی خود متن ادبی و اجزا و عناصر درونی آن روی آورد. هدف عمده بنیان‌گذاران این مجمع آن بود که علم زبان‌شناسی و فن شعر را به سطح بالاتری برسانند. نخستین مجموعه پژوهش‌ها درباره نظریه زبان شاعرانه در این مجمع شکل گرفت. در این پژوهش‌ها بر جنبه زبانی شعر بسیار تأکید می‌شد؛ یعنی ویژگی شاعرانه ساختار بیانی و زبانی در آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت.

یاکوبسن و بوگاتریف<sup>۲</sup> از بنیان‌گذاران حلقه زبان‌شناسی پراگ (Prague) هستند. اعضای مکتب زبان‌شناسی پراگ، اندیشه‌های فرمالیست‌ها را پروردند و آن را به استواری بیشتر در چهارچوب زبان‌شناسی سوسوری منظم کردند (ایلگتون، ۱۳۸۰: ۱۳۷). آنان نظریه ارتباط بین زبان عادی و زبان ادبی را ارائه کردند و نقش شعری زبان را از نقش ارتباطی آن متمایز ساختند. پیروان این مکتب بر این باور بودند: «نقش ارتباطی زبان، همان نقشی است که زبان عادی، روزمره و خودکار انجام می‌دهد. زبان عادی تنها متوجه مدلول است؛ اما نقش شعری زبان به سوی نشانه‌ها و دال‌ها و اهمیت خاص آن گرایش دارد. سطوح گوناگون یک نظام زبان‌شناختی که در زبان ارتباطی، هنجاری و خارجی کاربرد عملی دارند، در زبان شعری ارزش‌های مستقل و مهمی می‌یابند. اثر شاعرانه باید در ساختی کاربردی و مستقل مورد نقد و بررسی قرار گیرد و عناصر تشکیل‌دهنده آن تنها در پیوند با کلیت و تمامیت اثر، قابل درک و دریافت است (علوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۱۱).

شهر کاشان از دیرباز یکی از مهم‌ترین شهرهای شیعی ایران بوده است و در این شهر عالمان بزرگی دیده به جهان گشوده‌اند که نقش بسیار مؤثری در تولیدات علمی جهان تشیع داشته و در عرصه‌ها و زمینه‌های گوناگون دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش بسیار مهمی را در طول تاریخ ایفا کرده‌اند. از جمله این شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی می‌توان به فقیه



عالی قدر، ادیب فرزانه و رجالة بزرگ آیت‌الله سید محمد علوی بروجردی (ره) اشاره کرد. نگارندگان در این جستار بر آن‌اند که با در پیش گرفتن روش توصیفی تحلیلی سروده‌های اربعین «محمد بن ابراهیم الموسوی» معروف به علوی بروجردی (۱۲۷۲-۱۳۶۲ق) را بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن مورد نقد و تحلیل قرار دهند.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

الف. کدام‌یک از نقش‌های زبانی نظریه یاکوبسن در اشعار بروجردی علوی از بسامد بالایی برخوردار است؟

ب. شاعر (فرستنده) با توجه به مضمون شعر، چگونه توانسته است عظمت حادثه کربلا و احساسات درونی اندوه بار خود را به خواننده (گیرنده پیام) منتقل کند؟

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون آثار متعددی بر اساس نظریه کنش ارتباطی یاکوبسن و نقش‌های شش‌گانه زبانی تألیف شده است؛ از جمله:

- فرزانه سجودی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «شعرشناسی مکتب پراگ» به مفهوم «قطب‌ها» پرداخته و رابطه بین بعد استعاره قطب‌جانشینی و بعد مجازی قطب مقابل یعنی هم‌نشینی را بررسی کرده است.

- محمد آهی و مریم فیضی (۱۳۹۲) در جستاری با عنوان «نقش‌های شش‌گانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی» به بیان اهمیت کارکرد نقش‌های زبانی در القای مفاهیم به تحلیل و بررسی کارکرد آن‌ها در ادبیات تعلیمی بر اساس الگوی یاکوبسن می‌پردازند.

- مصطفی گرجی و یحیی نورالدین اقدم (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل قصیده ایوان مدائن خاقانی، بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن» به تحلیل قصیده ایوان مدائن بر اساس نظریه یاکوبسن پرداخته است.

- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی در چهارچوب نظریه یاکوبسن» به بررسی دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن می‌پردازد. نویسنده با بیان این دیدگاه به شناخت بهتر فضای شعر در قرن پنجم و ششم کمک می‌کند.

- روح‌الله صیادی‌نژاد (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «دراسة الوظيفة الانفعالية و الافهامية، و المرجعية فی القصيدة المدحیة للكفعمی فی ضوء نظریة النقدية - اللسانیة لجاكوبسون» نقش‌های گوینده، گیرنده و بافت

بررسی ارتباط  
زبانی در اربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه یاکوبسن



را در قصیده مشهور ابراهیم بن علی حارثی عاملی مشهور به کفعمی بررسی کرده است. – الهام عربشاهی کاشی و عباسعلی فراهتی (۱۳۹۹ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی شخصیت علمی، اخلاقی، و اجتماعی آیت‌الله العظمی سید محمد علوی بروجردی» به بررسی زندگی شخصی و علمی این عالم فرزانه پرداخته‌اند. – سمیه آقابابایی (۱۴۰۰ق) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی اخوان ثالث در مجموعه "آخر شاهنامه" با تکیه بر نظریه قطب‌های استعاری و مجازی یاکوبسن» به بررسی چگونگی انتخاب و ترکیب روی «محور جانشینی» و «محور همنشینی» در شعر شاعر معاصر فارسی، اخوان ثالث، پرداخته است تا از دید زبان‌شناسی، شیوه زیبایی‌آفرینی این شاعر بررسی و مقایسه شود.

هرچند برخی از محققان به بررسی زندگی شخصی و علمی این عالم فرهیخته پرداخته‌اند، اشعار عربی و فارسی این ادیب از منظر نقد نوین و نظریات زبان‌شناختی جدید مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفته است و می‌طلبند که در جستاری مستقل به این مهم پرداخته شود. نو بودن این موضوع از طرفی و معرفی این شاعر متعهد عربی‌سرا به جامعه ادبی ایران از سوی دیگر مشوق نگارندگان برای ارائه این پژوهش است.

## ۲. یاکوبسن و نظریه ارتباط زبانی

یاکوبسن در تحقیقات زبان‌شناختی‌اش به دنبال این بود که نشان دهد ارتباط بسیار مستحکمی بین زبان و فرهنگ بشری وجود دارد. از زمانی که شانون<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۹م نظریه ارتباط ریاضی را مطرح کرد، نظریه ارتباط یاکوبسن ابعاد علمی خود را یافت (نک: حسانی، ۲۰۱۳: ۷۰). یاکوبسن با حذف مفاهیم ریاضی، به‌ویژه الگوی احتمالات، از نظریه ارتباط ریاضی شانون، نظریه تکامل یافته ارتباط زبانی و کنش ارتباطی را که در ابتدا بر سه عنصر اصلی فرستنده، گیرنده و پیام استوار بود، مطرح کرد. یاکوبسن معتقد بود که برای تکمیل عملیات ارتباطی وجود شش عنصر ضرورت دارد که عبارت‌اند از:

### الف. فرستنده (Sender)

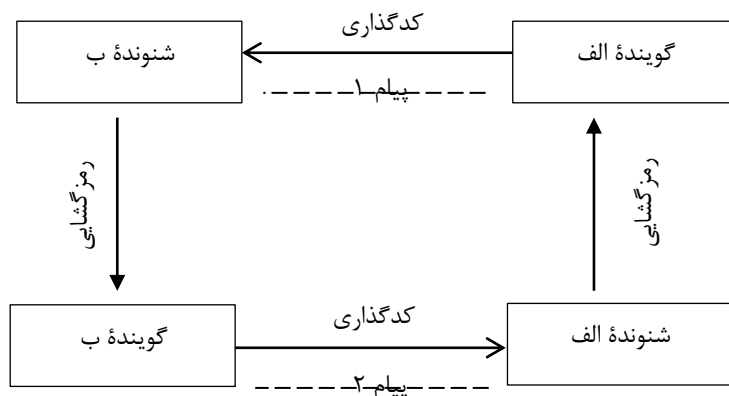
اصطلاح فرستنده صرفاً بر افراد اطلاق نمی‌شود، بلکه تجهیزات مخابراتی از قبیل رادیو، تلویزیون، اینترنت و رسانه‌های گروهی را در بر می‌گیرد. با این تعریف «فرستنده پیام یکی از ارکان حیاتی در چرخه ارتباط لفظی است. در هر شرایط ارتباطی لفظی، تصور حذف جزئی یا کلی فرستنده از پیام محال می‌باشد. همچنین فرستنده باید دو توانایی دریافت و هماهنگی جهت

انجام رمزگذاری (Codage) و رمزگشایی (Decodage) با توجه به نظام زبانی مشترک با گیرنده پیام یعنی نظام رمزگذاری (uncode) بین رمزگذار (Coder) و رمزگشا (Decodage) را داشته باشد (بومزیر، ۲۰۰۷: ۲۴-۲۶).

زبان‌شناسان این عامل را در قالب‌های اصطلاحی متفاوتی نظیر «ارسال‌کننده» و «گوینده» به کار برده‌اند و با وجود تفاوت در تعبیر، در واقع فرستنده اولین رکن از ارکان ارتباط به شمار می‌رود (المسدی، ۱۹۷۷: ۱۳۷-۱۳۸).

### ب. گیرنده (Receiver)

گیرنده در داخل چرخه ارتباط لفظی هنگام گفتمان در مقابل فرستنده قرار دارد و به‌طور مجازی اصطلاح دریافت‌کننده (Lerecepteur) نیز بر آن اطلاق شده است. گیرنده، کار رمزگشایی اجزای پیام اعم از کلمه، جمله یا متن را انجام می‌دهد. دی سوسور آن را متحدت یعنی گوینده (بومزیر، ۲۰۰۷: ۲۶) می‌خواند؛ زیرا وقتی گوینده (المتحدت) پیام مشخصی را برای شنونده (المتحدت) می‌فرستد، مخاطب، گیرنده پیام می‌شود؛ درحالی‌که هنگام پاسخ دادن به پیام دریافتی، فرستنده، شنونده پیام می‌شود و گیرنده، فرستنده پیام؛ چنان‌که در نمودار زیر پیداست:



نمودار ۱: پیام و رمز (بومزیر، ۲۰۰۷: ۲۶)

### ج. پیام (Message)

پیام عبارت است از یک واحد نشانه‌ای مربوط به قواعد ترکیب‌های مشخص که سیستم فرستنده برای گیرنده از طریق یک کانال ارسال می‌کند (همان، ۲۰۰۷: ۲۷). در واقع پیام یک اندوخته لغوی است که فرستنده به‌منظور بیان مقصود خود، آن را در قالب عبارتی، نظم می‌بخشد و برای گیرنده ارسال می‌کند.

بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه باکویسن



#### د. رمز (Code)

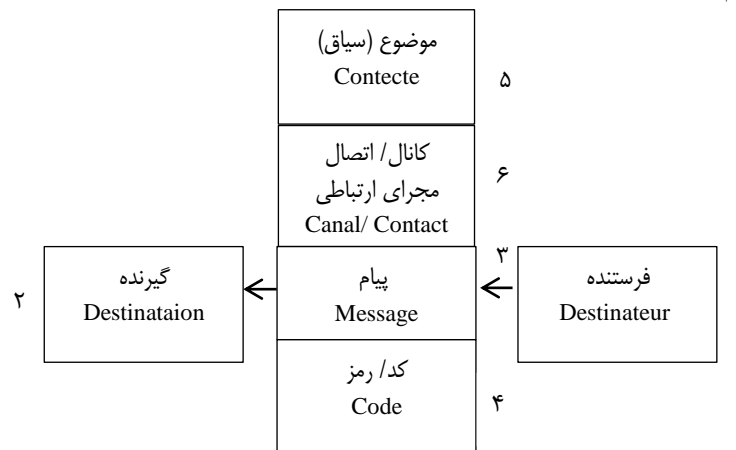
رومان یا کوبسن، نام رمز (Code) و دی سوسور، زبان (Langue) و همسلیف اصطلاح سیستم (System) را بر کد اطلاق می‌نمایند (نک: صیادی‌نژاد، ۲۰۲۰: ۱۱) و با وجود دال‌های متفاوت، این عنصر دارای یک مدلول واحد و به معنی سیستم رمزگذاری مشترک - کلی یا جزئی - بین فرستنده و گیرنده است. بنابراین، کد، قانونی منظم برای ارزش‌های اخباری و هرمی - سلسله‌وار است که از طریق نقاط مشترک بین گیرنده و فرستنده شکل می‌گیرد و اساساً موفقیت یک ارتباط به وجود این عامل بستگی دارد (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۲۶).

#### ج. سیاق (Contexte)

هر پیامی، مرجعی (Lereferant) دارد که به آن ارجاع داده می‌شود و صرفاً با ارجاع به شرایطی که این پیام در آن شکل گرفته، شاکله جزئی آن قابل فهم و کدهای آن قابل رمزگشایی است. قدر مسلم این است که رومان یا کوبسن تأکید دارد که سیاق عامل محرک ایجاد پیام در شرایط خاص است.

#### د. کانال (Canal)

پیام مستلزم وجود کانالی فیزیکی یا ارتباطی فیزیولوژیکی بین فرستنده و گیرنده است؛ به گونه‌ای که به منظور کسب اطمینان از سلامت مسیری که از طریق آن پیام بین فرستنده و گیرنده تبادل می‌شود، به آن‌ها اجازه برقراری ارتباط و حفظ آن را بدهد (بومزیر، ۲۰۰۷: ۳۳). می‌توانیم این عوامل شش‌گانه را که یک ارتباط لفظی سالم نمی‌تواند بی‌نیاز از آن‌ها باشد، در نمودار زیر خلاصه کنیم (یاکوبسن، ۱۹۸۸: ۲۷).



نمودار ۲: عوامل ارتباط لفظی (بومزیر، ۲۰۰۷: ۳۴)

شایان ذکر است که هریک از عناصر شش‌گانه مذکور یعنی فرستنده، گیرنده، پیام، سیاق، کانال ارتباطی و کد، کاربرد زبانی مشخصی دارند که پیش از یاکوبسن، کارل بوهرلر،<sup>۴</sup> پزشک و روان‌شناس آلمانی، آن را در سه کاربرد منحصر کرده بود: ۱. کاربرد تمثیلی؛ ۲. کاربرد تعبیری؛ ۳. کاربرد ندایی (غازی، ۱۹۸۵: ۵۱ و ۵۲). اما رومن یاکوبسن نظریه «بوهرلر» را به‌اعتبار پیامی که فرستنده از طریق کانال ارتباطی برای گیرنده می‌فرستد، در شش کاربرد یا نقش منحصر کرد که هرکدام بر یکی از عناصر شش‌گانه ارتباط منطبق است.

### ۳. تحلیل سروده علوی بروجردی بر اساس نقش‌های شش‌گانه یاکوبسن

محمد بن ابراهیم الموسوی معروف به علوی بروجردی در تاریخ ۱۲۷۲ق در شهر کاشان دیده به جهان گشود. پدر وی حاج سید ابراهیم از تجار معروف کاشان و از سادات موسوی و از ارادتمندان ملا محمد نراقی است. همسر ایشان از نوادگان سید الفقهاء والمجتهدین آقای سید محمدتقی پشت‌مشهدی است که جماعت بسیاری از اعلام و مراجع عظام تقلید از جمله حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شیخ ابوالقاسم قمی و آیت‌الله مرحوم آقا شیخ میرزا حسین محلاتی و... از جناب ایشان روایت می‌کرده‌اند.

وی از نوادر و ذخایر روزگار خود بوده است. در جامعیت و علوم ادبی بین مراجع تقلید بی‌نظیر و در محاسن اخلاق مشهور و معروف بوده است؛ به‌گونه‌ای که مردمان کاشان و اطراف و اکناف آن شیفته ایشان بودند. اکثر اکابر علمای شهر کاشان از محضر درس وی استفاده کرده‌اند. وی کتاب *فصول* شیخ محمد حسین اصفهانی را که از کتب مطول و مشکل اصول است، دوازده مرتبه و کتاب‌های *رسائل* و *مکاسب* شیخ انصاری را پنجاه دوره تدریس کرده‌اند (نک: صحیحی، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

ایشان علاوه بر علوم دینی، در فلسفه و حکمت و ریاضیات و جبر و علوم غریبه و ادبیات فارسی و عربی استادی کم‌نظیر بودند و در سرودن اشعار فارسی و عربی تبحری بسزا داشتند. تخلص ایشان در شعر «ضیایی» است (همان: ۲۰۵).

علوی بروجردی منظومه‌ای عاشورایی را به نام *الاربعین سروده* است. وی در مقدمه این منظومه پس از حمد و ثنای الهی می‌گوید: «من این مراثی را در دهه اول محرم الحرام هر سال سروده‌ام.» بدین ترتیب که در مدت حدوداً ۲۰ سال، یعنی از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۵۲ق سرایش این اشعار در قالب ۴۰ مرتبه در رثای ابا عبدالله الحسین (ع) و وقایع ایام تاسوعا و عاشورا به طول انجامیده است (علوی لبروجردی، بی‌تا: ۲). با توجه به اینکه این اشعار به‌طور سالانه سروده شده

بررسی ارتباط  
زبانی در *الاربعین*  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه یاکوبسن



و تا سال بعد و محرم آینده متوقف شده، بیشتر شبیه اشعار حولیات است. مجموعه دفتر شعری ایشان که به عنوان *المراثی العاشورية* برجای مانده، جزو شاهکارهای ادبی ایشان است و این مجموعه شعری در نوع خود کم نظیر یا بهتر بگوییم بی نظیر است. این دفتر شعری مشتمل بر ۴۰ مرثیه است که مجموع ابیات آن به ۱۰۶۷ بیت می رسد (همان: ۲۰۴۹). در اینجا مرثیه‌ای که در سال ۱۳۳۹ سروده است، بر اساس نقش‌های شش گانه یاکوبسن تحلیل می شود.

### ۱-۳. نقش عاطفی (Feeling Function)

از نقش عاطفی به عنوان نقش بیانی و یا انفعالی (Function emotive or expressive) نیز یاد می شود. این نقش را اولین بار مارتی<sup>۵</sup> مطرح کرد و بوهلر آن را به عنوان یکی از نقش‌های زبان مطرح نمود (صفوی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۲). به عقیده یاکوبسن وقتی جهت گیری پیام (سخن) به سوی فرستنده (= گوینده) باشد، نقش عاطفی یا بیانی زبان تحقق می یابد. این کارکرد زبان نشان دهنده احساس زبان حال و ذهنیت گوینده به موضوعی است که درباره اش صحبت می کند.

با نگاهی به این سوگ سروده علوی بروجردی درمی یابیم که عاطفه و احساس در این سروده موج می زند. این شاعر دل سوخته، اندیشه و احساسات خاص خود را صادقانه بیان می کند؛ چراکه بین اثر و روان شاعر ارتباط مستقیم وجود دارد. شاعر از طریق به کارگیری «ضمیر متکلم (أنا) شعر و سروده خود را به گفتمان انفعالی نزدیک می کند» (بومزیر، ۲۰۰۷: ۴۰). به این پاره گفت بنگرید:

ما بال بالی کالوطیس تسعرا	ومجال جالی کالشسیس توعرا
وعصام امری قد بدا متبترا	ونظام صبری قد غدا متشرا
وأوان کریمی بالمعرة اقبلا	عجلا و ابان المسرة ادبرا
وأرن فی غلس العشا متوحشا	واری الحشا مثل الرشا متمررا
وأبیت بین أذی الجوی و لظی الهوی	متحیرا فی غمتی متحسرا

(علوی بروجردی، بی تا: ۵۵)

ترجمه: دل مرا چه شده است که همچون تنور جنگ خروشان است؟! رشته امورم از هم گسسته، سررشته شکیبایی ام از هم گسیخته است. سرآغاز اندوهم در بیابان بلا، شتابان به من روی آورده و اوقات سرور پشت کرده است. در دل تاریکی شب و به تنهایی صدای ناله و نوحه ام بلند شد و دلم هیچو آهوی نوزاد مضطرب و لرزان گردید. شب را بین شدت فراق و آتش عشق توأم با اندوه و حسرت، حیران و سرگردان به سر می برم.

شاعر این سروده را در بحر کامل یعنی «مُتَّفَاعِلُن، مُتَّفَاعِلُن، مُتَّفَاعِلُن / مُتَّفَاعِلُن، مُتَّفَاعِلُن،

مُتَفَاعِلُن» سروده است. تعداد هجاهای کوتاه این بحر بیشتر از هجاهای بلند است؛ در نتیجه هیجان بیشتری در شنونده و خواننده ایجاد می‌کند. «همیشه تألیفی از الفاظ که در آن شماره نسبی هجاهای کوتاه یا شدیدتر بیشتر باشد، حالت عاطفی شدیدتر و مهیج‌تری القا می‌نماید» (ناتل خانلری، ۱۳۴۵: ۲۵۰). علوی بروجردی با وارد کردن زحاف اضمار بر حرف دوم تفعیله و ساکن کردن آن، تفعیله مُتَفَاعِلُن، به «مُتَفَاعِلُن» تبدیل می‌نماید تا وزن را سنگین‌تر کند و با ایجاد آرامش بیشتر، خواننده و شنونده را به تأمل و تأنی وادار نماید.

در این ابیات، علوی بروجردی با همنشینی آوها و با کاربست ترازوی واژگانی (Parallelism lexical)) باعث ایجاد موسیقی در شعر شده است و با مهارتی خاص آوها را در جایگاه خود قرار داده تا از این رهگذر بتواند احساسات و وجدان را تحت تأثیر قرار دهد و معنا را بر ذهن مخاطب القا کند.

ما بال بالی کالوطیس تسعرا      ومجال جالی کالشسیس توعرا  
وعصام امری قد بدا متبترا      ونظام صبری قد غدا متشرا

(علوی بروجردی، بی تا: ۵۵)

با بررسی کاربرد یک واژه در ترکیب اسنادی می‌توان موسیقی ایجادشده در اثر ترازوی آن کلمات را به مخاطب نشان داد. ترازوی واژگانی در ترکیب‌های ما بال بالی / مجال جالی، کالوطیس / کالشسیس، تسعرا / توعرا، عصام امری / نظام صبری، قد بدا متبترا / قد غدا متشرا باعث ایجاد موسیقی خاصی در شعر شده است که جلب توجه و تثبیت مفهوم مورد نظر شاعر در ذهن مخاطب را به دنبال دارد. از طرفی استفاده شاعر از ضمیر متکلم مفرد در ترکیب‌ها بیانگر صلابت و استواری گوینده در ذهن مخاطب است.

علوی بروجردی با استفاده از ادوات ترکیبی همچون تعجب (Interjection)، تحسر و دردمندی خویش را از شهادت امام حسین با لبان تشنه و نواختن تیر بر گلولی علی‌اصغر این چنین بیان می‌کند:

یا لهف قد قتلوا الامام علی الظمأ      من بعد ما ذبحوا العلی اکبرا  
یا لهف قد قتلوا الامام علی القفا      من بعد ما رشقوا العلی الأصغرا

(همان: ۵۵)

بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه پاکویسن

ترجمه: آه و افسوس که امام را با لب تشنه شهید کردند. پس از آنکه علی‌اکبر او را سر از تن جدا کردند. آه و افسوس که سر امام حسین (ع) را از قفا بریدند. پس از آنکه علی‌اصغر او را با



تیر هدف قرار دادند.

شاعر با به کار بردن حرف تنبیه «ألا» حالات روحی و عمق احساس و عاطفه خود را دربارهٔ حادثه عاشورا نشان می‌دهد؛ آنجا که می‌گوید:

ألا أخبرانی من غد إذ أهنی	مقانب شر قادهما و قوابنه
ألا أبکی دماً یا عین فی ماتم سری	إلی الملائة الأعلى و ذوالعرش صاحبه
ألا أبکی دماً أن اللعین لقد بغی	علیه إذا انتالت علیه کتابه
ألا أبکی فقد ناح الملائک فی السماء	وزعزع من عرش الملیک جوانبه

(علوی بروجردی، بی تا: ۷۶)

ترجمه: ای دو دوست من، آیا از فردا مرا خبردار نمی‌سازید آنگاه که اشرار و گرگ‌صفتان مرا اندوهگین نمودند. آیا در این ماتم نگریم که شبانه به آسمان عروج کرد و خداوند متعال صاحب‌عزای آن است؟ آیا در این مصیبت خون نگریم که ملعون‌زاده‌ای با لشکرش بر امام حسین (ع) هجوم برد. آیا در این ماتم نگریم که ملائکهٔ آسمان چنان در رثای آن مویه کردند که چهار گوشهٔ عرش الهی به لرزه درآمد.

شاعر با واج‌آرایی و استفاده از صامت‌هایی که مخرج تلفظ آن‌ها حلق و چاکنای است، قصد دارد حزن و اندوه خود را در مصیبت امام حسین (ع) به یارانش، به مخاطب منتقل نماید؛ برای مثال در ابیات فوق بسامد استفاده از حروف حلقوی مثل «همزه»، «عین»، «غین» و «قد» بیشتر از دیگر حروف است.

گاهی شاعر با تکرار عبارتی خاص سعی دارد مفاهیم درون ذهن خود را به دیگران منتقل کند، زیرا واژگان تکراری ارتباط دقیقی با معانی درون متن دارند؛ چنان‌که گفته‌اند: «تکرار علامتی متمایز در متن است و می‌تواند منظور شاعر را برساند» (الحوالی، ۲۰۱۱: ۱۰۶). در ابیاتی که پیش از این گذشت، علوی بروجردی با تکرار عبارت ألا أبکی (آیا نگریم؟) و ضمیر متکلم و کاریست توازی<sup>۶</sup> (parallelism) و افزایش موسیقی درونی متن درصدد نشان دادن شدت اندوه خویش در ماتم شهادت امامی است که حتی ملائکهٔ آسمان و عرشیان در عزای او گریان‌اند.

علوی بروجردی «تعجب» خویش را از ظلم و ستمی که در حق امام حسین (ع) و اهلش در روز عاشورا روا داشته‌اند، همچون سگان که بر شیر بیشه حمله‌ور شده‌اند، نشان می‌دهد:

عجبا فقد غلب الصعیوة بازیا      أسفاً فقد قتل الکلاب غضنفرأ

(علوی بروجردی، بی تا: ۵۵)



ترجمه: شگفتا که یک قوش باز، بر پهلوانی غلبه کرده. آه و افسوس که سگان، شیر غران را کشتند.

علوی بروجردی آن هنگام که آل رسول خدا به اسارت درمی‌آیند، زبان به نکوهش و سرزش دشمنان اهل بیت باز می‌کند و احساسات خود را این‌گونه بیان می‌کند:

فی الله جاد بماله وبنفسه      وسواهما مما المهیمن قدرا  
من اسر نسوته الکرائم بعده      وخفوق کوکب قدرهن تصغرا  
والله لانسی نیاحتیه بما      فی الصخرة الصماء کان موثرا

(همان: ۵۶)

ترجمه: امام حسین (ع) جان و مال خودش را در راه خداوند فدا کرد و غیر از جان و مال هر آنچه را خداوند متعال برای او تقدیر کرده بود. از اسارت اهل بیتش پس از خود و غروب ستاره اقبالشان را. به خدا سوگند مویه‌هایشان را که در صخره سخت، مؤثر بود فراموش نمی‌کنم.

### ۲-۳. نقش ترغیبی (Encouragement Function)

برخی از زبان‌شناسان اصطلاح نقش تأثیری (Impressive function) را بر آن اطلاق نموده‌اند و برخی نقش افهامی (Lafonction Cognitive) را (حسانی، ۲۰۰۷: ۷۴). این نقش در اشعار و گفتمان‌هایی که بر «گیرنده» متمرکز است، نمایان می‌شود. تکرار ضمیر مخاطب (أنت) و اسلوب «ندا» در سروده ناشی از این امر است. تأمل در این سروده پرده از این حقیقت برمی‌دارد که ضمیر مستتر در فعل امر متوجه مخاطب خاصی نیست، بلکه این ضمیر به منظور ترغیب و طلب همنوایی متوجه هر شخصی است که این سروده را بخواند؛ برای مثال به این ابیات بنگرید:

فعلی قتیل العبرة ابک توجعاً      واسمع بدمع کان کالدم احمرأ  
وعلی نوائبه انجبر تأثراً      و علی مصائبه اندبن تحسراً  
اقم النیاح اذا رواحک ادبراً      ادم الصیاح اذا اصباحک اسفراً

(علوی بروجردی، بی‌تا: ۵۶)

ترجمه: دردمندانه بر کشته اشک - امام حسین (ع) - مویه کن و سیل اشک را همچون خون سرخ در فراقش سرازیر کن. بر مصیبت‌های امام شهید، جامه عزا بپوش و بر رنج‌هایش مویه کن. چون شامگاهان فرارسد مجلس نوحه برپا کن و تا صبحگاهان به عزاداری ادامه بده.

وی از مخاطب خویش می‌خواهد که هر لحظه به یاد امام حسین (ع) باشد و روز را با روزه‌داری و شب را با بیداری به سر نماید:

و فی کلّ حین کن له متذکّراً و اصم نهارک و الیالی اسهرا  
(همان)  
ترجمه: پیوسته یاد این مصیبت را زنده نگاه دار و روز را روزه بدار و شب هنگام - به عزاء- بیدار باش.

از بافت موقعیتی شعر درمی یابیم که فعل امر خطاب به یک شخص خاص در عالم خارج نیست. شاعر در اینجا از ذات و وجود خویش، شخصی را انتزاع و به او خطاب کرده است. این ادعا ما را به این سخن یاکوبسن رهنمون می سازد که می گوید: «نوعی از ارتباط وجود دارد که در آن گوینده و فرستنده، یک شخص هستند و آن را می توان گفتمان و یا ارتباط داخلی (discours interieur) دانست» (یاکوبسن، ۱۹۹۳م: ۴۰).

کاربست اسلوب «ندا» نقش بسزایی در بالا بردن نقش ترغیبی دارد. شاعر دل سوخته در این سروده با کاربرد منادا، به گیرنده پیام که «یزید» است، هشدار می دهد و او را از زدن چوب بر لبان مبارک امام حسین(ع) باز می دارد:

ما زال ینکت ثغره بقضیبه      بترت یمینک یا یزید الابترا  
(علوی بروجردی، بی تا: ۵۶)  
«پیوسته با چوب دستی بر لب های مبارک امام می کوبید. دستانت فلج باد ای یزید مقطوع النسل».

شاعر در بیت فوق به سبب انحطاط منزلت و درجه یزید و همچنین به سبب غفلت و ناآگاهی اش، وی را با حرف منادای بعید «یا» مورد خطاب قرار می دهد. گاهی در این سروده منادا از معنای اصلی خارج می شود و در معنای دریغ و افسوس به کار می رود؛ آنجا که شاعر می گوید:

یا لهف قد قتلوا الامام علی الظما      من بعد ما ذبحوا العلی اکبرا  
یا لهف قد ذبحوا الامام من القفا      من بعد ما رشقوا العلی الاصغرا  
(همان: ۵۵)

ترجمه: «درد! که امام را با لبان تشنه کشتند بعد از آنکه علی اکبر را سر بریدند. دروغا که امام را از قفا (پشت) سر بریدند، بعد از آنکه علی اصغر را با تیر زدند!

علوی بروجردی همواره به شنونده و خواننده شعرش می اندیشد و او را از نظر دور نمی دارد و باورها و اعتقاداتش را صرفاً برای از بین بردن شک و تردید مخاطب بیان نمی کند، بلکه

می خواهد وی را اقناع نماید و او را به اوج لذت برساند. در اینجا درنگی بر این دو مقوله می نماییم.

### ۳-۲-۱. اقناع

شاعر از راهبردهای زبانی مختلفی همچون «هم‌پاغازی» یا «ردّ العجز علی الصدر» برای اقناع مخاطب استفاده می کند؛ برای مثال به این بیت بنگرید:

تَباً لَهُمْ قَتَلُوا الْإِمَامَ عَلِيَّ الظَّمْأُ وَالنَّهْرَ فَي جَرِيَانَهُ مَا أَنَهْرَا  
(علوی بروجردی، بی تا: ۵۷)

ترجمه: مرگ بر آنان باد! امام را با وجود تشنگی کشتند، درحالی که نهرها در جریان بود. شاعر در بیت فوق با تکرار تک‌واژه «نهر» در آغاز مصراع دوم و در پایان آن، به نوعی به شعر خویش انسجام بخشیده است. کاربرد این آرایه به شاعر کمک می کند تا سروده خویش را در اذهان شنوندگان ماندگارتر نماید.

تکرار یک واژه یا عبارت در متن ادبی حاکی از تمرکز شاعر یا نویسنده بر مفهوم آن واژه یا عبارت است که به موسیقی درونی سروده کمک می کند. تکرار در سروده بروجردی علوی در سطوح حرفی، واژگانی، کلامی و ساختاری دیده می شود. تکرار در سروده این شاعر آیینی «تا به آن پایه است که در مرکز خلاقیت گوینده قرار گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۹۴ و ۴۰۸). تکرارهای هنری در سروده علوی بروجردی دارای دو بعد هستند: یکی بعد جمال‌شناسیک و دیگر بعد معناشناسیک. وی به منظور تثبیت و گسترش مفهوم مورد نظر خویش در ذهن مخاطب از پدیده تکرار، نهایت بهره‌برداری را می نماید؛ به گونه‌ای که چهار بار شکل‌های مختلف واژه «کرکرا»، «ما للکری»، «کرالکری» و «کری الکری» در یک بیت به کار بسته شده است.

و علی اعادیه اللعائن کر کرا      ما للکری و کرالکری و کری الکرا  
(علوی بروجردی، بی تا: ۵۷)

شاعر با کاربرد تکرار و آرایه ردّ العجز علی الصدر و حرف راء که جزء حروف واکه‌دار است، ضمن ایجاد نوعی موسیقی درونی، شدت خشم خویش را به دشمنان امام حسین (ع) و عملکرد زشت آنان در روز عاشورا نشان می دهد.

### ۳-۲-۲. لذت بخشی

علوی بروجردی برای آنکه شنونده را به اوج لذت برساند، راهبردهای زبانی مختلفی در پیش می گیرد که پرداختن به همه آنها از حوصله این مجال خارج است؛ اما برای نشان دادن قدرت

زبانی شاعر به دو مورد بسنده می‌کنیم:

۱. شاعر برای جلب توجه هرچه بیشتر مخاطب، دو بیت نخست سروده خویش را به صورت «مصرع» آورده است؛ یعنی دو بیت را بر یک «وزن» و «روی» می‌آورد؛ چراکه ابیات مصرع، موسیقی سروده را به اوج می‌رساند.

۲. شاعر در ابتدا قصد دارد احساسات مخاطب را به تحریک دریاورد، سپس عقل وی را تسخیر نماید. بنابراین برای حصول این مهم، از استراتژی «توازی» بهره می‌گیرد. به نحوه چینش و آرایش واژگان در دو بیت ذیل بنگرید:

یا لهف قد قتلوا الامام علی الظما      من بعد ما ذبحوا العلی الاکبرا

یا لهف قد ذبحوا الامام من القفا      من بعد ما رشقوا العلی الاصغرا

بیت اول: حرف ندا + منادا + حرف تحقیق (قد) + فعل ماضی + مفعول + جار + مجرور + حرف جار + مجرور + مضاف الیه + فعل ماضی + مفعول به + صفت .

بیت دوم: حرف ندا + منادا + حرف تحقیق (قد) + فعل ماضی + مفعول + جار + مجرور + حرف جار + مجرور + مضاف الیه + فعل ماضی + مفعول به + صفت.

این ترفند زبانی به شاعر کمک می‌کند تا احساسات مخاطب را تحریک نماید.

### ۳-۳. نقش ارجاعی (Function Referentially)

در عوامل شش گانه زبانی یاکوبسن هرگاه جهت‌گیری پیام (متن) به سوی زمینه یا سیاق باشد، کارکرد ارجاعی زبان برتری می‌یابد؛ زمینه همان حقایق و واقعیت‌های جهان بیرون است که برای خواننده قابل لمس و درک است.

در کتاب‌های زبان‌شناسی برای این نقش، اصطلاحات مختلفی دیده می‌شود؛ همچون «شناختی» (Cognitive) و تلقینی (Demotive) (المسدی، ۱۹۷۷: ۱۵۹). این اصطلاحات با وجود تفاوت ظاهری، در یک نکته مشترک‌اند و آن اینکه این نقش مربوط به زمانی است که پیام (متن) بر مفهوم و سیاق متمرکز باشد و کل ارتباط را در بر گیرد. گفتنی است که سایر نقش‌های نظریه ارتباط یاکوبسن در مقایسه با این نقش، کاربردی ثانویه دارند. در این نقش که از کارکردهای فرعی زبان به شمار می‌آید، ضمیر سوم شخص حضور فعال دارد و در متن (پیام) تبلیغی بیشترین کاربرد را داراست. علوی بروجردی با به‌کارگیری ضمیر سوم شخص قصد رساندن پیام تاریخی عاشورا به مخاطبین خود دارد؛ به همین دلیل ۸۲ بار از فعل و ضمیر غایب استفاده کرده است.

نام دیگر این نقش، نقش توصیفی است (صفوی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۴)؛ یعنی شاعر برای انتقال پیام خویش از عناصری کمک می‌گیرد که می‌توان آن را با حواس ظاهری و باطنی دریافت. با این شیوه می‌توان میان جهان بیرون و جریان درون مخاطب (گیرنده) پیوند ناگسستنی برقرار کرد؛ چراکه بسیاری از تأملات فلسفی و حقایق علمی که در حوزه شعر وارد می‌شوند، همه اندیشه‌هایی هستند که از یک سو با واقعیت جهان و با ذهن منطقی ما سروکار دارند و از سوی دیگر با حس و تجربه‌های شعوری و شهودی ما (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۶). به مطلع سروده بنگرید: شاعر برای توصیف شدت هیجان خود از کلمه «وطیس» یعنی تنور و کوره آتش بهره گرفته است:

ما بال بالی کالوطیس تسعرا و مجالی جالی کالشسیس توعرا

(علوی بروجردی، بی تا: ۵۵)

«دل مرا چه شده است که همچون تنور جنگ خروشان است!؟»

شاعر برای بیان شدت حزن و اندوه خویش در شهادت امام حسین (ع) و یارانش از الفاظ و واژگانی که برای مخاطب نام‌آشنا هستند بهره برده است؛ مانند کلمه «وطیس» به معنای تنور آتش. در حقیقت استفاده از کلمات مبهم، پیچیده و لایه‌دار سبب می‌شود که ارتباط شاعر و مخاطب قطع گردد. به کارگیری الفاظ ساده در سوگ سروده علوی بروجردی در راستای تحقق ارتباط کامل میان گفته پرداز و گفته یاب است.

#### ۴-۳. نقش ادبی (Literary Function)

نقش ادبی در واقع نقطه پیوند زبان و ادبیات به شمار می‌رود و زمانی مطرح می‌شود که جهت‌گیری پیام (متن) بر خود پیام متمرکز باشد؛ یعنی بر ادبیت پیام (متن) بدون اهمال نسبت به سایر عناصر زبان. به نظر یاکوبسن در این صورت، پیام صرفاً ابزار ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۲) و بدون این کارکرد، زبان مرده و کاملاً راکد می‌شود. شعر، دینامیک را وارد زندگی زبان می‌کند. با توجه به این نقش، «شاعر یا نویسنده از زبان به‌عنوان یک اصل زیبایی‌آفرین استفاده کرده و آن را در راستای تأثیرگذاری بر مخاطب به خدمت می‌گیرد» (گرجی و نورالدین اقدم، ۱۳۹۶: ۱۱۶). در حقیقت این نقش بیشتر جنبه زیبایی‌شناسی دارد.

موسیقی حروف که امروزه در ادبیات از آن با عنوان «واج‌آرایی» یاد می‌شود، بخش عظیمی از بار موسیقی شعر را بر دوش می‌کشد. در حقیقت آواها القاگر احساسات و عواطف هستند و عملکرد موسیقایی آن‌ها خالق اثر را یاری می‌رساند تا معانی ذهنی‌اش را بهتر به مخاطب انتقال

بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه یاکوبسن



دهد. بایسته ذکر است که علوی بروجردی برای آنکه عاطفه مخاطب را به اوج برساند و احساسات و وجدان آن‌ها را ارضا کند، حرف «راء» را برای «روی» سروده انتخاب کرده است. صوت و آوای «راء» جزو اصوات بینابینی است؛ یعنی «میان ویژگی‌هایی چون شدت، نرمی، غلظت و رقت در نوسان است». صوت «راء» دلالت بر تکرار دارد؛ از آن‌روی که در هنگام تلفظ، زبان پی‌درپی به کام بالا برخورد می‌کند. مصوت بلند «الف» تکرار حرف «راء» را برجسته می‌کند و بدان استمرار می‌بخشد تا جنبه موسیقی کلام را بالا ببرد (طالبیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۹) شاعر بدون آنکه مخاطب خود را خسته نماید و سروده خویش را یکنواخت نماید، صوت «راء» را در خلال سروده خویش به کار گرفته است؛ به ابیات ذیل بنگرید:

والله قدر ذال له و به قضی  
بخ لعبد فی شراشر أمره  
رضوان خالقه القدیر قد اشتری  
راض بما قلم القضاء به جری

(علوی بروجردی، بی تا: ۵۵)

ترجمه: قضا و قدر خداوند این‌گونه بوده است که آنچه مقدر شده باشد تغییر داده نمی‌شود. آفرین بر بنده‌ای که از وجودش به این قضا و قدر راضی و خرسند باشد، همچون شهید سرزمین کربلا که خالق توانا جان ارزشمندش را خرید.

در قلمرو موسیقی شعر، جناس<sup>۷</sup> «مهم‌ترین قلمرو است و استواری و انسجام و مبانی جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی در همین نوع از موسیقی نهفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۹۲). علوی بروجردی از جناس کمک می‌گیرد تا هارمونی شعر خویش را به سطح بالایی برساند که از این طریق بتواند به تعبیر ابن‌عاشور «به لطافت شنیداری مخاطب بیفزاید و موجب لذت، پسند و سرور شنونده می‌گردد» (علوی بروجردی، بی تا: ۴۲). به ابیات ذیل بنگرید:

و أو أن کربسی بالمعرة أقبلا  
و أرن فی غلس العشا متوحشا  
عجلاً و أبان المسرة أدبرا  
متحیرا فی غمتی متحسرا

(همان: ۵۵)

ترجمه: سختی در سرزمین معره شتابان به من روی آورد و شادی‌هایم از من روی برگرداند. در تاریکی شب وحشیانه می‌نگرم و اندرونم مثل طناب چاه در گذر است. من میان اذیت و آزار دل‌باختگی و سوزش عشق، شب را به صبح می‌رسانم درحالی‌که در غم و اندوهم سرگردان و

حسرت زده هستیم.

همان‌طور که از متن برمی‌آید، میان واژگان «مسرّة/ معرّة»، «العشاء/ الحشاء»، «أذى/ لظى» و «الجوى/ الهوى» جناس ناقص وجود دارد.

در اینجا باید گفت که تکرارهای علوی بروجردی از نوع تکرارهای مکانیکی نیست که فاقد ارزش‌های ادبی باشند. بر اساس گفتهٔ یاکوبسن، «در هر الگوی متوازن باید ضربی از تشابه و ضربی از تباین وجود داشته باشد. به عبارت ساده‌تر، بخشی از یک الگوی متوازن باید متشابه و بخشی دیگر متباین باشد و اگر میان دو ساخت متوازن ضربی از تباین وجود نداشته باشد، تکرار به‌دست‌آمده صرفاً جنبهٔ مکانیکی خواهد داشت» (صیادی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۸).

در بستر زبان ادبی، مجازگویی مشخصهٔ برجستهٔ این زبان است. کاربرت انواع تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه همگی دست‌مایهٔ هنرورزی ادیبان و شاعران هستند. دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به در سرودهٔ وی حسی هستند و فاصلهٔ میان مشبه و مشبه‌به اندک است. در واقع این یکی از ترفندهای زبانی اوست برای اقناع هرچه بیشتر مخاطب؛ برای مثال به بیت زیر بنگرید:

کم بالقضاء لدى مزاولة الغزا      أودی بمخلب ثعلب أسد الشری  
(بروجردی علوی، بی تا: ۵۵)

ترجمه: چه بسیار قضا و حکم این‌گونه بود که در جنگ‌ها انسان‌های شجاع به دست روبه‌صفتان از بین رفته‌اند.

«ثعلب» استعاره از انسان «روبه‌صفت» و «اسد» استعاره از «انسان شجاع» است. در اینجا مشبه و مشبه‌به هر دو حسی هستند.

بروجردی علوی از استعارهٔ مکنیه که از قوهٔ اقناع بیشتری برخوردار است، بهره می‌برد. همان‌طور که می‌دانید در استعارهٔ مکنیه، مشبه‌به حذف می‌شود و این سبب می‌شود که ذهن مخاطب و شنونده به پردازش دربیاید و به دنبال شیء محذوف بگردد. این حذف سبب می‌شود که شنونده یا خواننده با گوینده متن هم‌نوا شود. در بیت زیر، «السماء» (آسمان) به «انسان» تشبیه شده است. مشبه‌به حذف شده و لوازم و نشانه‌های آن، که گریستن (بکت) است، ذکر گردیده است:

وعلیه قد بکت السماء تولها      و النیران الأعظمان تکوڑا  
(همان: ۵۷)

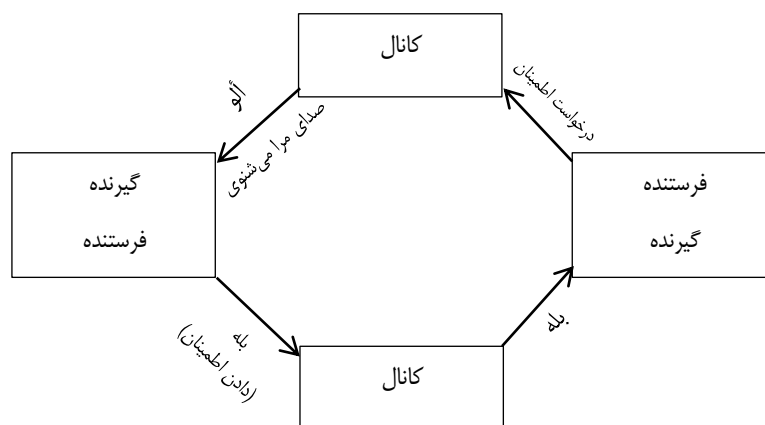
بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریهٔ یاکوبسن



علوی بروجردی با استفاده از الگوهای آوایی، آرایه‌های بدیع و بیان به برجستگی و زیبایی‌شناسی سروده افزوده و توجه خواننده را به خود جلب کرده است. او بر نقش ادبی متن تمرکز نموده و از آنجاکه در نقش ادبی تأکید بر خود پیام است، از این طریق توانسته است زبان پیام از طریق زبان معیار برجسته نماید.

### ۴-۳. نقش همدلی (unanimity Function)

نقش همدلی همان کاربرد انتباهی (Lau fanetion phatigue) است (یاکوبسن، ۱۹۸۸م: ۲۶). این زمانی رخ می‌دهد که فرستنده (متکلم) با گیرنده (مخاطب) ارتباط برقرار می‌کند و سعی در حفظ این ارتباط دارد. به عقیده یاکوبسن، نقش انتباهی تنها کاربردی است که بین انسان‌ها و پرندگان مشترک است. فرستنده در این حالت از واژگانی همچون «آلو» یا «آها» استفاده می‌کند که معنا یا هدفی جز حفظ ارتباط ندارد (همان: ۳۰). نمودار زیر چگونگی کاربرد نقش انتباهی یا همدلی را بر اساس الگوی ارتباطی یاکوبسن نشان می‌دهد.



نمودار: گیرنده، فرستنده و کانال (بومزبر، ۲۰۰۷: ۴۳)

بنابراین در این نقش، جهت‌گیری پیام (متن) به سوی تماس (مجموعه ارتباطی = کانال) معطوف می‌شود و به اصطلاح باب سخن گشوده می‌شود. در واقع هدف از ارتباط در این نقش، برقراری، تداوم یا قطع ارتباط است (سلدن، ۱۳۷۲: ۷). شاعر برای ایجاد فضای همدلی میان خود و مخاطب باید از کلماتی استفاده نماید که دارای بار عاطفی هستند یا از جملات ساده



تأثیربرانگیز بهره بگیرد. به بیت زیر بنگرید:

قتلوه ضیماً ثم عترته سبوا      من بعده و علوا بهن الأبعرا  
(علوی بروجردی، بی تا: ۵۷)

در بیت فوق، شاعر با کاربست ماهرانه ضمیر سوم شخص در فعل قتلوه (دو بار) و «عترته» و «بعده» و اسم اشاره «ذاک» و «هذا»، زمینه ارتباط با خواننده را به گونه‌ای پیش برده که گویی خواننده در کنار شاعر، شاهد این حوادث و صحنه‌ها در کربلاست. در حقیقت شاعر به خوبی توانسته است نوعی فضای همدلی و پیوند بین دو محور ارتباط یعنی گوینده (شاعر) و شنونده (خواننده) برقرار نماید. به ابیات زیر توجه کنید:

خلیلی ان البین قد صاح ناعبه      و حلت لادهاش القلوب مواکبه  
خلیلی ان القلب مزقه النوی      لدن نشبت لیل الوداع مخالبه  
(همان: ۶)

ترجمه: ای دو دوست من (ای همسفر من) بانگ جدایی را سر داده‌اند و کاروان جدایی برای لرزاندن دل‌ها رحل اقامت افکنده. ای دو دوست من گویی که رنج فراق قلب مرا پاره پاره کرده انگار که شب فراق چنگالش را فروکرد. ایشان (یاران امام حسین) ظهر هنگام در بیابان سوزان طف توسط ستمگری که از مسیر عدالت خارج شده است، کشته شدند.

در این ابیات شاعر با کاربست منادای مضاف (خلیلی) که از ویژگی‌های سبک دوره شعر جاهلی است، زمینه ارتباط با خواننده را فراهم آورده است. علوی بروجردی مانند فرمالیست‌ها به دنبال این نیست که به سخنانش لایه دهد و الفاظی را انتخاب نماید که جنبه اریستوکراسی داشته باشد تا صرفاً ابرخوانندگان پی به مقصود وی ببرند. وی خود را شاعر توده‌ها می‌داند از این روست که الفاظ وی ساده و قابل فهم است؛ حتی خوانندگان عادی پی به منظور و مقصود وی می‌برند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱. علوی بروجردی با به‌کارگیری عناصر آواسباز مانند تکرار حروف و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنادار موجود در ابیات موجب تهییج و تحریک خواننده و شنونده می‌شود و ذهن او را قبل از آنکه از راه معنی واژگان به پیام عبارت توجه نماید، از ضرباهنگ واج‌ها به پیام سخن دست می‌یابد. وی گذشته از اینکه دست به تکرار آشکار واج‌ها و واژگان می‌زند، با به‌کارگیری توازی نحوی، از تکرارهای پنهان که در مرکز خلاقیت هنری وی قرار دارد غافل نیست. وی تعمداً و

بررسی ارتباط  
زبانی در الأربعین  
علوی بروجردی  
بر اساس نظریه باکوینس

آگاهانه الفاظ ساده را که ذهن خوانندگان و شنوندگان با آن آشناسنت انتخاب و از الفاظ اریستوکراسی اجتناب می‌نماید تا از این طریق اشعارش به دل شنونده و خواننده راه یابد. وی کمتر دست به آشنایی‌زدایی می‌زند و از الفاظ لایه‌دار کمتر بهره می‌گیرد تا خواننده و شنونده عادی هم به‌منظور و مقصود وی پی ببرد. بی‌شک نقش ادبی در اشعار و سروده‌ی وی از بسامد بالایی برخوردار است.

۲. علوی بروجردی برای انتقال پیام عاشورای خویش به خواننده و شنونده، از بحر کامل استفاده کرده است. تعداد هجای کوتاه در تفعیله این بحر کمتر از هجاهای بلند است. این امر سبب می‌شود تا خواننده و شنونده از نظر احساسی و عاطفی تحریک گردد. وی با وارد نمودن زحاف «اضمار» بر حرف دوم تفعیله قصد آن دارد تا آهنگ سروده را سنگین‌تر نماید تا خواننده و شنونده‌ی احساسی و هیجانی محض نباشد؛ بلکه قصد دارد تا از این طریق وی را درخصوص حادثه کربلا به تأمل و تأنی وادارد. وی هیچ‌گاه مخاطب را از نظر دور نمی‌دارد. وی با کاربست راهبردهای زبانی اقناع و لذت‌بخشی، مخاطب را با خویش هم‌نوا می‌نماید. تضادها و حذف‌های موجود در شعر همگی در این راستا هستند تا شاعر بتواند انفعالات روحی و احساسات درونی خود را درباره‌ی حوادث دردناک کربلا و روز عاشورا به مخاطب انتقال نماید و به‌حق در این مهم موفق ظاهر شده است.

### سپاسگزاری

از باب قدرشناسی و ادب، نگارندگان بر خود فرض می‌نمایند که از جناب آقای دکتر فراهتی، اندیشمند فاضل و از جناب آقای جواد دقیق مسئول محترم کتابخانه آیت‌الله صبوری که نسخه مورد پژوهانه از سروده‌های الأربعین علوی بروجردی را در اختیار نگارندگان قرار دادند تشکر کنند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Roman Jacobsen
2. bogatriev

۳. شانون (Shannon) در سال ۱۹۱۶میلادی در آمریکا متولد شد. وی دانشمند ریاضی و مهندس مخابرات بود. او با مشارکت و همکاری ویور (weaver) نظریه ارتباط را پایه‌گذاری کردند. در این نظریه و مدل، پیام از طریق فرستنده، رمزگذاری و به نشانه و علامت تبدیل می‌شود؛ این علامت‌ها از

طریق حامل به گیرنده پیام می‌رسد و گفته‌یاب، علامت‌های دریافت‌شده را رمزگشایی می‌کند و به‌صورت اصل پیام درمی‌آورد و در اختیار مقصد قرار می‌دهد.

4. Karl Buhler

5. Marti

۶. منظور از توازی آن است که ترتیب و چینش کلمات در دو مصراع یا دو بیت مثل هم باشد، چه از نظر معنایی مطابق با هم باشد و چه مطابق نباشد (بدیده، ۲۰۱۴م: ۶۷).

۷. جناس، تشابه تلفظی بین دو کلمه است که اگر در نوع، تعداد، شکل و ترتیب حروف یکسان باشند، جناس تام و در غیر این صورت جناس ناقص نامیده می‌شود (هاشمی، بی‌تا: ۲۴۳).

## منابع

۱. آقابابایی، سمیه (۱۴۰۰)، «بررسی ویژگی‌های سبکی اخوان ثالث در مجموعه آخر شاهنامه با تکیه بر نظریه قطب‌های استعاری و مجازی یاکوبسن»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۷۳: ۹-۳۰.
۲. آهی، محمد، و فیضی، نجمه (۱۳۹۲)، «نقش‌های شش‌گانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، شماره ۲۰: ۱۸۷-۲۱۹.
۳. ایگلتن، تری (۱۳۸۰)، *پیش‌درآمدی به نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۴. بدیده، یوسف (۲۰۱۴)، *جمالیة التوازی فی شعر نزار قبانی، رساله الدكتوراه*، جامعة الحاج لخضر - باتنه.
۵. بومزبر، طاهر (۲۰۰۷)، *تواصل اللسانی، و الشعرية مقارنة، تحلیلیة نظریة رومان جاکوبسن، الطبعة الاولى*، الجزائر: دار العربية للعلوم.
۶. حسانی، احمد (۲۰۰۷)، *مباحث فی اللسانیات*، ط ۲، دبی: نسخة الکترونیة.
۷. الحولی، فیصل حسان (۲۰۱۱)، *التکرار فی الدراسات النقدیة بین الاصلة و المعاصرة*، رساله ماجستیر، جامعة موته.
۸. سلدن، رمان (۱۳۷۲)، *راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه عباس فجر، تهران: طرح نو.
۹. سجودی، فرزانه (۱۳۷۷)، «شعرشناسی مکتب پراگ»، *فصلنامه زبان و ادب*، دوره ۲، شماره ۵-۶: ۱۰۷-۱۱۶.
۱۰. شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *نقد ادبی معرفی مکاتب نقد*، چ ۴، تهران: انتشارات دستان.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: نشر آگاه.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، *موسیقی شعر*، تهران: نشر آگاه.
۱۳. صحیحی، علیرضا (۱۳۹۴)، *عربی‌سرایان کاشان*، کاشان، نشر مرسل.
۱۴. صفوی، کوروش (۱۳۸۰)، *از زبان‌شناسی به ادبیات*، چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر.
۱۵. صیادی‌نژاد، روح‌الله و همکاران (۱۴۰۰)، «بررسی انسجام آوایی الفراق؛ سروده متنبی»، *پژوهشنامه*

- ادب غنایی، سال نوزدهم، شماره ۳۶: ۱۵۷-۱۷۶.
۱۶. صیادی نژاد، روح الله (۲۰۲۰م)، *دراسة الوظيفة الانفعالية و الافهامية و المرجعية فى القصيدة المدحیظ للكفعمی فى ضوء نظرية النقدية - اللسانية لجاكوبسون*، مجلة تراث كربلاء السنة السابعة، المجلد السابع، العددان الثالث و الرابع، ۴۱-۱.
۱۷. طالبیان، منصوره و همکاران (۱۳۹۸)، «نقش آوا در تصویرسازی (مطالعه مورد پژوهانه: سوره نازعات)»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، سال هفتم، شماره ۲: ۱۹۱-۲۰۸.
۱۸. عربشاهی کاشی، الهام، و عباسعلی فراهتی (۱۳۹۹)، «واکاوی شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی آیت الله العظمی محمد علوی بروجردی»، *کاشان شناسی*، دوره ۱۳، شماره ۲: ۶۵-۹۰.
۱۹. علوی بروجردی، محمد، بی. تا، *المنظومة الموسوعة بالأربعین*.
۲۰. علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، *نظریه های نقد ادبی معاصر؛ صورت گرایی و ساختارگرایی*، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. غازی، یوسف (۱۹۸۵م)، *مدخل الى اللسنية*، دمشق: منشورات العالم، العربی الجامعیه.
۲۲. گرجی، یحیی، و نورالدین اقدم، یحیی (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل قصیده ایوان مدائن بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن»، *دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد*، دوره ۲، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۶.
۲۳. گودرزی، بشری (۱۳۹۷)، *بررسی توازی در سروده های فدوی طوقان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، استاد راهنما: روح الله صیادی نژاد.
۲۴. گیرو، پیر (۱۳۸۰)، *نشانه شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
۲۵. المسدی، عبدالسلام (۱۹۷۷م)، *الاسلوبية و الاسلوب*، لیبیا- تونس: دار العریة للکتاب.
۲۶. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۵)، *وزن شعر فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۷. نبی لو، علیرضا (۱۳۸۷)، «بررسی دیدگاه های زبانی و ادبی سنایی (در چهارچوب نظریه یاکوبسن)»، *پژوهش های ادبی*، شماره ۲۲: ۱۵۵-۱۷۷.
۲۸. هاشمی، سید احمد (بی تا)، *جواهر البلاغة فى المعانى والبیان و البديع*، تحقیق: حسن حمد، بیروت: دارالجليل.
۲۹. یاکوبسن، رومان (۱۳۸۰)، *زبان شناسی و شعرشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۸م)، *القضايا الشعرية*، ترجمه محمد ولی و مبارک حنون، المغرب: دار توبقال.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۳م)، *النظرية اللسانية*، ترجمه فاطمه الطبال، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.

## کالبد فرهنگی شهر: واکاوی الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی

میثم نمکی\*

سعید شریفی\*\*

محمد لطیفی\*\*\*

### چکیده

نقشه فرهنگی یکی از ابزارهای مهم برنامه‌ریزی و توسعه شهری با رویکرد فرهنگی و ناظر بر مهندسی دارایی‌های فرهنگی است. منظر فرهنگی که محصول مشترک مداخله هدفمند بشر در طبیعت است، یکی از دارایی‌های چندوجهی در نقشه فرهنگی به شمار می‌رود. در مطالعات شهری، تدوین نقشه فرهنگی نیازمند بررسی پایداری مناظر فرهنگی است؛ از این رو مسئله پژوهش حاضر واکاوی الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی شهر کاشان است. روش پژوهش ترکیبی و در دو فاز کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه و کمی به روش پیمایشی انجام گرفت. نمونه پژوهش در فاز اول ۱۵ نفر از متخصصان موضوعی است که به روش هدفمند وابسته به معیار برگزیده شدند؛ ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کولایزی و سنجش اعتبار داده‌های پژوهش از طریق ضریب توافق و دو کدگذار استفاده شد. در فاز دوم نمونه آماری ۱۵۰ نفر از کارشناسان بخش میراث فرهنگی و گردشگری، کارشناسان شهری، کارشناسان معماری و طراحی شهری در شهر کاشان بودند که به شیوه غیرتصادفی و در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته برگرفته از فاز اول بود که روایی صوری و محتوایی آن تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج نشان داد الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی شامل ۵ دسته فنی و زیرساختی، مراقبتی و ایمنی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی و طبیعی با ۴۳ مؤلفه بود. نتایج بخش کمی نشان داد بار عاملی عناصر طبیعی، زیرساختی و فرهنگی و اجتماعی به ترتیب بیشترین ضریب را دارند. از نظر میانگین نظرات متخصصان، بعد فرهنگی و اجتماعی و مراقبتی و ایمنی به ترتیب دارای اولویت بیشتری در پایداری مناظر فرهنگی در نقشه فرهنگی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** مناظر فرهنگی، کالبد شهری، کاشان، نقشه فرهنگی.

\* دانشجوی دکتری گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران / namakiarani.m@gmail.com

\*\* دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) // sa.sharifi@khuisf.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران / mlatifi@khuisf.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۴

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...



## ۱. مقدمه

از دهه اول سال ۲۰۰۰، نقشه‌برداری فرهنگی به‌طور گسترده در توسعه استراتژیک فعالیت‌های فرهنگی، امکانات و منابع برای جوامع جدید مورد استفاده قرار گرفت؛ چراکه رویکردهای نظام‌مندتری برای به دست آوردن دارایی‌های فرهنگی، به‌ویژه در پاسخ به بازآفرینی، رویدادهای مهم، رشد جمعیت و تنوع ایجاد کرده‌اند. توسعه رویکردها و مدل‌های نقشه‌برداری فرهنگی تحت استراتژی‌های زیرساختی فرهنگی مختلف، از جمله مناطقی که رشد جمعیت و تغییر کاربری زمین را تجربه می‌کنند، مانند مسکن‌های جدید و مناطقی که در معرض تغییرات محیط زیست و مداخلات بشری قرار دارند، اعمال شده است (Evans, 2013: 224). بر این اساس، مداخلات و تغییراتی که بشر در محیط‌های طبیعی ایجاد می‌کند می‌تواند مبنایی برای ایجاد یک منظر فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر ایجاد تنش‌های زیست‌محیطی باشد. به‌دلیل اینکه در شهرهای با سابقه تمدنی بالا همچون کاشان، میزان مداخلات در چند دهه اخیر به‌واسطه توسعه فناوری و رشد شهرنشینی و نیاز به توسعه شهری و مداخله در محیط شهری و طبیعی و مناظر تاریخی افزایش یافته، توجه به عامل پایداری برای ایجاد یک منظر فرهنگی که میراث تاریخی را حفظ و به نسل‌های بعد منتقل کند، حیاتی است. گسترش روزافزون شهرنشینی و ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی نیاز به برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار و کنترل آن را ضروری کرده است. این امر توجه به پایداری مناظر فرهنگی را در برنامه‌ریزی برای نقشه‌برداری فرهنگی ضروری می‌کند. توجه به جنبه‌های مختلفی که در ادامه خواهد آمد، نشان می‌دهد شهرهای تاریخی همچون کاشان با این چالش‌ها بیشتر مواجه‌اند و درک آن برای برنامه‌ریزان شهری قابل توجه است.

### ۱-۱. مسئله پژوهش

در دهه‌های اخیر، به‌واسطه طرح مسائل زیست‌محیطی و مداخلاتی که بشر در بازسازی محیط زیست داشته - که نتیجه آن ایجاد مناظر فرهنگی<sup>۱</sup> است - مبانی نظری نقشه‌برداری و سایر اشکال بازنمایی فضایی به‌طور مکرر به چالش کشیده شده و چیزی را ایجاد کرده‌اند که برخی آن را بحران بازنمایی می‌دانند (Pickles, 2004: 8). از این رو علاوه بر ماهیت و محتوای مناظر فرهنگی، دوام و پایداری آنچه از جنبه‌های فنی و زیرساختی و چه از منظر فرهنگی و اجتماعی یک چالش اساسی برای شهرهایی است که مناظر فرهنگی آن‌ها فارغ از محتوای تاریخی، مذهبی و طبیعی به‌عنوان یک دارایی فرهنگی ارزشمند شناخته می‌شوند.

در واقع رابطه مداوم بشر با محیط طبیعی، چشم‌اندازها و مناظری را در طبیعت ایجاد کرده

است که نه می‌توان آن‌ها را طبیعت بکر نامید و نه اینکه به‌عنوان محیط مصنوع انسان‌ساخت در نظر گرفت. این محیط‌های مشترک را به‌عنوان منظر فرهنگی می‌شناسند (2: Sauer, 1965). مداخله بشر در طبیعت مناظر متعددی را ایجاد کرده است؛ برخی از این مناظر حاصل کار بشر در محیط طبیعی است، برخی از آن‌ها به‌واسطه تاریخی بودن در مرحله‌ای از تاریخ زندگی بشر ارزشمند تلقی می‌شوند و برخی به‌واسطه ویژگی‌های اعتقادی و مذهبی که بشر برای برخی از اماکن و مناطق طبیعی قائل است، در زمره مناظر فرهنگی قرار می‌گیرند. با وجود این، مناظر فرهنگی به‌واسطه اهمیتی که هم به‌عنوان میراث فرهنگی و هم به‌عنوان قطب صنعت گردشگری دارند، ثبت جهانی می‌شوند.

چهارچوب‌های مفهومی برای بازسازی مناظر فرهنگی معمولاً رویکردی متمرکز بر جنبه‌های اکولوژیکی (زیستی و غیرزیستی) دارند، درحالی‌که اغلب با چالش‌های اجتماعی فرهنگی مانند منافع کاربری رقابتی زمین و مشارکت کم‌ذی‌نفعان نیز مواجه می‌شوند (Toma & Buisson, 2022: 1). علاوه بر این اقدامات پیشگیرانه و کاهش‌دهنده در برابر زلزله به‌عنوان بلایای طبیعی، باید مناظر فرهنگی را نیز پوشش دهد. هزاران سازه میراث فرهنگی در جهان در معرض خطر فعالیت‌های لرزه‌ای قرار دارند. اگر تعمیر و نگهداری انجام نشده باشد، آسیب‌پذیری سازه‌ها افزایش می‌یابد و این می‌تواند منجر به پوسیدگی بیشتر گردد و به‌جای محافظت از ساختمان‌ها در زمان وقوع زلزله بعدی آسیب‌های عمده‌تر وارد شوند (Ademovic, 2020).

امروزه یونسکو به‌عنوان یک مرجع جهانی ثبت منظر فرهنگی تلاش می‌کند این مناظر را شناسایی و ثبت نماید (17: Fowler, 2002)، چراکه این مناظر اگرچه به‌طور عمده دارای ظاهر طبیعی هستند، میراث ترکیبی<sup>۲</sup> محسوب می‌شوند. عمده مناظر فرهنگی را پارک‌ها و فضاهایی تشکیل داده‌اند که علاوه بر قابلیت استفاده برای زندگی، ابعاد زیبایی‌شناختی و مذهبی را نیز در خود دارند. در واقع مناظر فرهنگی دربرگیرنده حافظه و بیانگر هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنان آن هستند و از این‌رو حفاظت از مناظر فرهنگی و ارزش‌های آن از اهمیت بسزایی برخوردار است (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۱۳). بر این اساس توجه به مسائلی که به پایداری این مناظر کمک می‌کند شایان اهمیت است. در واقع حفظ مناظر ارزشمند اغلب نیازمند همکاری فعال

جوامع محلی در برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه پایدار است. دولت‌های مرکزی و محلی، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های ذی‌نفع و عموم مردم می‌توانند در برنامه‌ریزی و مدیریت مناظر فرهنگی با یکدیگر همکاری کنند؛ رویکردهای مشارکتی می‌توانند در موقعیت‌های هدفمندتر

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

مؤثر واقع شوند (Selman, 2004: 365).

شواهد نشان می‌دهد در حوزه مناظر فرهنگی توجه بر مواردی از قبیل شناسایی نیروهای محرک تغییر شکل، فرایندهای تغییر شکل، روش‌های تجزیه و تحلیل فرایندها، مدیریت و برنامه‌ریزی منظر لازم است. در نتیجه تغییر کانون تحقیقات یک مسئله اساسی است، با توجه به اینکه عمده تمرکز تحقیقات بر جنبه‌های فنی کالبدی بوده و در تحقیقات، کمتر به مطالعات مرتبط با اجتماع، اقتصاد و تأثیر رفتار انسان پرداخته شده است (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۳).

به دلیل یورش ساخت‌وساز شهری جدید مناظر فرهنگی و تاریخی به شدت تهدید می‌شوند. شواهد مطالعاتی اخیر در کاشان نشان می‌دهد محوطه باستانی سیلک در طول یک قرن اخیر آسیب‌های فراوانی را متحمل شده است، رویه ویرانگر و روزافزون گسترش و توسعه کالبدی شهر کاشان به طرف محوطه سیلک، کشاورزان منطقه نیز بیکار ننشسته و به اندازه وسع و توان خویش، به عرصه محوطه سیلک یورش برده و بخشی از آن را برای کشاورزی تصرف کرده‌اند (جاوری و همکاران، ۱۳۹۶). در همین راستا برخی از شواهد نشان می‌دهند دخالت‌های انسانی دوران معاصر از قبیل انتقال و حمل نخاله و آوار ساختمانی ریختار شهری دشت کاشان را بر هم زده است (جاوری و منتظر ظهوری، ۱۳۹۹). علاوه بر این دگرگونی در ساختار فضایی کاشان که خود حاصل توسعه‌های شهری معاصر و تغییر جایگاه محدوده‌های تاریخی در شهر است، سبب شده بناهای تاریخی تخریب یا دچار فرسودگی کالبدی گردد و کسب‌وکار در برخی از بازارچه‌های سنتی از رونق بیفتند (شفیعی و جیحانی، ۱۳۹۷).

برای تدوین نقشه فرهنگی به‌عنوان زیربنای برنامه‌ریزی توسعه شهری با رویکرد فرهنگی در کاشان توجه به پایداری مناظر فرهنگی یک مسئله قابل توجه است؛ از آنجاکه مدیران و برنامه‌ریزان شهری و همچنین متخصصان موضوعی در حوزه مناظر فرهنگی می‌توانند منبع مهمی برای بررسی وضعیت عناصر سازه‌ای و محتوایی مناظر فرهنگی باشند، واکاوی نظرات آن‌ها می‌تواند اطلاعات لازم درباره مناظر فرهنگی شهر را به دست دهد. بر این اساس این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال است: نخست اینکه الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی در شهر کاشان کدام است؟ و دیگر اینکه اولویت‌های عناصر شناسایی شده از منظر متخصصان موضوعی چیست؟

## ۲-۱. اهمیت و ضرورت مسئله

هدف پذیرش اصالت مناظر فرهنگی بومی ناظر بر پیوستگی هویت ما با سرزمین، نمادها،



ارزش‌ها و نظام باور ساکنان بومی است. از جمله مقولاتی که نشان از اهمیت حفظ و پاسداشت اصالت مناظر فرهنگی بومی دارد، ضرورت توجه به آثار نویسندگان بومی، حفظ اشیای فرهنگی تاریخی، برپایی نمایشگاه‌ها و فستیوال‌های منطقه‌ای و قدردانی از سازندگان و اهداکنندگان آثار هنری بومی است. اصالت/ ارزش اصالت مناظر فرهنگی بومی بر پیوستگی ناگزیر هویت و دانش بومی با سرزمین و میراث مادی و فرهنگی تأکید می‌کند. اگرچه توجه به اصالت مناظر فرهنگی بومی مجرای درک محیطی و نیز نوعی سپر بازدارنده در مواجهه با رویدادهای جاری و آتی است (ریاحی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸).

هرچند اهمیت این مناظر به‌ویژه زمانی که در نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی شهری ملاک قرار می‌گیرند به ضرورت بدل می‌شود، آنچه بیش از مناظر فرهنگی اهمیت دارد، پایداری آن از حیث محتوایی و ساختاری است. از این‌رو توجه به الزامات و چالش‌های پیش روی آن‌ها به‌ویژه با رویکرد محلی نیازمند توجه است. در واقع واکاوی الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی به‌دلیل مسئله‌مند شدن آن به‌ویژه برای جوامعی محلی مثل کاشان که بوم تاریخی و طبیعی ارزشمندی دارند و مداخلات متعدد طبیعی و انسانی در کاهش پایداری و آسیب به مناظر تأثیرگذار است، از چند منظر قابل تأمل می‌نماید.

نخست از حیث پیامدهای کوتاه و بلندمدت تغییرات ریختاری شهر توجه به پایداری مناظر فرهنگی در نقشه فرهنگی مسئله است. برای نمونه بازار تاریخی، کاشان به‌عنوان بخش پراهمیت از منظر فرهنگی اجتماعی و اقتصادی از بافت تاریخی شهر شناخته می‌شود؛ شواهد در این زمینه نشان می‌دهند ایجاد اختلال در نظم بازار، توسط شریان‌های تازه تأسیس و بی‌توجهی به تحکیم بافت بازار و مداخلات انسانی، سبب صدمه زدن به پایداری آن شده است (پارچه‌باف مطلق و عالمی، ۱۴۰۰: ۲۷).

در ایران پژوهش‌های متعددی در زمینه منظر فرهنگی در حوزه معماری، محیط زیست، شهرسازی و جغرافیا انجام شده است. از میان این پژوهش‌ها می‌توان به آثار حمه‌جانی و همکاران (۱۳۹۷)، دانایی‌نیا و ایل بیگی‌پور (۱۳۹۶)، مخلص و همکاران (۱۳۹۲)، قرایی و عینعلی (۱۳۹۸)، فریدون‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) و بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد. با وجود این، به جنبه‌های فرهنگی و با رویکرد نقشه فرهنگی به منظر فرهنگی توجه چندانی نشده است. شواهد بر عدم تعادل در فهرست میراث جهانی، ناکارآمدی تقسیم دقیق بین مناظر فرهنگی و طبیعی و رویکردهای نخبه‌گرایانه و مکان‌محور مرکز میراث جهانی یونسکو به‌عنوان چالش‌های

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

مناظر فرهنگی تأکید دارند (Hanachi & Eshrati, 2012).

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

حمه‌جانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی مراسم آیینی پیر شالیار در منظر فرهنگی هورامان» در قالب یک روش کیفی با استفاده از روش مردم‌نگاری و اسنادی و همچنین نشانه‌شناسی نشان می‌دهند نشانه‌های نمادین از باور قومی و جمعی مردم در منظر فرهنگی هورامان است که سطح جدیدی از معانی ضمنی را در برابر مخاطب نشان می‌دهد. همچنین، این مراسم از منظر نشانه‌شناختی، طرح قابل تأویلی از یک آیین عرفانی را روایت می‌کند که خداپرستی مردم این دیار را در یک انسجام و پیوستگی اجتماعی در منظر فرهنگی به عینیت می‌رساند.

دانایی‌نیا و ایل بیگی‌پور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ‌نشینی» که مبتنی بر روش کیفی و به لحاظ روش‌شناسی بر توصیف و تحلیل متکی است، نشان می‌دهند عامل اقلیم، مرتع، کوچ، قرارگاه‌های عشایری، معیشت، مصالح و تکنولوژی ساخت و منابع در دسترس، جایگاه زن، سنت و زبان، تفریح و سرگرمی، مذهب، دین و باورها، رنگ، امنیت و خویشاوندی در ایجاد الگوی منظر فرهنگی عشایر نقش بسزایی دارند.

قرایی و عینعلی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش «ادراک محیطی در فهم و طراحی منظر فرهنگی فضاهای ورودی شهرها؛ مورد مطالعاتی: ورودی غربی گرگان» با روش توصیفی تحلیلی نشان می‌دهند توجه به عوامل گوناگونی چون گروه‌های سنی و جنسی، حرکت یا سکون ناظر، پیاده یا سواره بودن ناظر، شهروند یا مسافر بودن ناظر و... در طراحی فضاها، در افزایش درک افراد از فضاهای هویت‌مند و دارای منظر فرهنگی اثرگذار است. از طرفی به‌کارگیری عوامل گوناگون انسانی، انسان ساخت و عناصر طبیعی در ایجاد منظر فرهنگی قابل ادراک مؤثر می‌افتد. درگیر نمودن گروه‌های مختلف سنی، جنسی و... و طراحی متناسب با ویژگی‌های ادراکی آن‌ها تحت فعالیت‌های مختلفی چون ایجاد گلستان، کشاورزی شهری و آگروتوریسم و... می‌تواند دستیابی به منظر فرهنگی قابل ادراک را فراهم نماید.

فریدون‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مزار پیرمراد، منظر فرهنگی — آیینی شهرستان بانه» نشان می‌دهد که محوطه مزار پیرمراد در پیوند با طبیعت پیرامون شهرستان بانه، به‌عنوان منظر فرهنگی ارگانیک، یکی از مکان‌های آیینی است که بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی

و ارتباط نزدیک با طبیعت از یک سو و قرار گرفتن در حاشیه شهر از سوی دیگر، به نقطه عطفی از نظر مذهبی و تفریحی در زندگی مردم تبدیل شده است. پیوند با طبیعت، نیازهای روحی و فیزیکی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد و همین امر باعث بقا و تداوم آن در طول زمان و شاخص شدن آن به صورت مجموعه‌ای واحد شده است.

بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «باززنده‌سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان با تأکید بر رویکردهای بازآفرینی و حفاظت از میراث جهانی» به روش توصیفی تحلیلی نشان می‌دهند دستیابی به روندی قانون‌مند در احیا و باززنده‌سازی مناظر فرهنگی با تأکید بر هویت تاریخی و طبیعی سایت است که به گونه‌ای یکپارچه در هم ادغام شده‌اند.

در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه منظر فرهنگی کمتر به روش‌های میدانی توجه شده است؛ از این رو درک واقعیت‌های موجود نیازمند توجه به اقتضائات مناظر فرهنگی است. از سوی دیگر توجه به دیدگاه متخصصان موضوعی، چه از منظر کیفی و چه کمی، تا حد زیادی می‌تواند امکان برنامه‌ریزی بر اولویت‌ها و مؤلفه‌های دارای اهمیت را میسر کند.

## ۲. چهارچوب نظری

در طول تاریخ از نقشه‌ها برای اهداف بسیاری برای راهیابی و ناوبری، آرشيو و طبقه‌بندی اطلاعات جغرافیایی و قوم‌نگاری، به عنوان اشیاء زیبایی‌شناختی، شناسایی و مدیریت مشکلات اجتماعی و همچنین در استراتژی‌های مدیریت و کنترل سرزمینی و «برای تثبیت ادعاهای مختلف بر حقیقت و اقتدار» استفاده شده است (Cosgrove, 2006: 49). همچنین نحوه رویکرد نقشه‌برداران/کاربران به کار توانمندسازی جامعه و فرایندهای حکمرانی و چگونگی بررسی تجربه زیست‌شده از فضا و مکان تأثیر می‌گذارند (Santos, 2007: 1).

همان‌طور که لیبن<sup>۳</sup> (194: 2006) می‌گوید نقشه‌های بازتولیدشده در این جلد به معنای دارایی‌های فرهنگی، خاطرات، الگوها و فرایندها هستند، اما آن‌ها نیز به خودی خود مستنداتی هستند که تحت تأثیر فناوری‌های جدید و سطوح جدید آگاهی فضایی در بسیاری از زمینه‌های مختلف تحقیق قرار دارند. نقشه‌برداری فرهنگی<sup>۴</sup> به‌طور کلی، روش‌های جدیدی را برای توصیف، محاسبه و تطابق با منابع فرهنگی<sup>۵</sup> جوامع و مکان‌ها نوید می‌دهد. مجموعه ابزار نقشه‌برداری فرهنگی شبکه شهر خلاق کانادا<sup>۶</sup> نقشه‌برداری فرهنگی را به‌عنوان یک فرایند جمع‌آوری، ثبت، تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات به منظور توصیف منابع فرهنگی، شبکه‌ها، پیوندها و الگوهای استفاده از یک جامعه معین یا گروه تعریف می‌کند (Stewart, 2007: 8). از این

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...



منظر، نقشه برداری فرهنگی به عنوان ابزاری نظام مند برای مشارکت جوامع در شناسایی و ثبت دارایی‌های فرهنگی<sup>۷</sup> محلی در نظر گرفته می‌شود، با این مفهوم که این دانش سپس برای اطلاع‌رسانی استراتژی‌های جمعی، فرایندهای برنامه‌ریزی یا سایر ابتکارات مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دارایی‌ها هم ملموس و کمی مانند (فضاهای فیزیکی، سازمان‌های فرهنگی، اشکال عمومی ترویج و خودنمایی، هنر عمومی، صنایع فرهنگی، میراث طبیعی و فرهنگی، معماری، مردم، آثار باستانی و سایر منابع مادی) و ناملموس، یا کیفی (مانند ارزش‌ها و هنجارها، باورها و فلسفه‌ها، زبان، روایت‌های جامعه، تاریخ‌ها و خاطرات، روابط، آیین‌ها، سنت‌ها، هویت‌ها و حس مشترک مکان) هستند (Weber, 2022: 517).

منظر که تفسیری از یک قلمرو است (Martínez et al., 2009: 1241) غالباً ترکیبی از یک واقعیت ذهنی، اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی دیده می‌شود (Palang et al., 2005: 3). ایجاد مناظر فرهنگی را می‌توان یک تاکتیک مناسب دیگر برای زیرسازی شهر خلاق بیان کرد. اشلوتر<sup>۸</sup> جغرافی‌دان آلمانی در سال ۱۹۰۸ برای اولین بار به‌طور رسمی از این واژه برای تمایز بین مناطق و مناظر طبیعی و منظر که توسط انسان دستکاری شده بود، استفاده کرد (Taylor & Lennon, 2012: 39). او با دسته‌بندی مفهوم دانش منظر (نمای زمین<sup>۹</sup>) مطالعه فضاهای طبیعی از فضاهایی را که انسان در آن مداخله داشته است، متمایز کرد. پس از او بسیاری از جغرافی‌دانان برای تمایز این محیط‌ها از فضاهای طبیعی از این واژه استفاده کردند (Tan, 2021: 15).

برای چندین دهه، مفهوم منظر، در رشته جغرافیا جایگاه خاصی داشت، سپس در حوزه علوم اجتماعی در مورد ساخت اجتماعی و ویژگی فرایندی مناظر (فرهنگی) منجر به گفتمان‌های جدیدی شد؛ مطالعات جدیدتر مناظر فرهنگی را به حوزه روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیز بسط داده است (Kilper & Gailing, 2019: 1). از این رو می‌توان به‌وضوح دید که مناظر فرهنگی نقش مهمی در کیفیت زندگی و احساس تعلق افراد دارند؛ ساختارهای هویتی و حس تاریخی ناشی از مناظر فرهنگی می‌تواند قوام‌دهنده هویت ملی- محلی افراد باشد.

بیرنهام<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۴) چهار دسته منظر فرهنگی را از هم متمایز می‌داند که همگی در منطقه جغرافیایی، منابع فرهنگی و طبیعی و حیات وحش یا حیوانات اهلی موجود در آن، مرتبط با رویداد، فعالیت یا شخص تاریخی یا نمایش ارزش‌های فرهنگی یا زیبایی‌شناختی بودن آن مکان‌ها اشتراک‌هایی دارند. سایت تاریخی<sup>۱۱</sup> به‌عنوان اولین گروه مناظر فرهنگی بر اساس شاخص‌هایی که یونسکو در نظر می‌گیرد، مکانی است که با یک رویداد، فعالیت یا شخص مهمی

از نظر تاریخی مرتبط باشد (UNESCO, 2022)؛ گروه دوم مناظر طراحی شده تاریخی<sup>۱۲</sup> هستند. این نوع سایت توسط یک طراح مهم ایجاد شده که زمین را به یک اثر هنری تغییر داده و شکل داده است که ایده یا اصل مهمی را از دوره زمانی خود به نمایش گذاشته است. سومین دسته مناظر بومی تاریخی<sup>۱۳</sup> هستند. منظره‌ای که مجموعه‌ای از «سنت‌ها، آداب، باورها یا ارزش‌ها» را از دوره‌ای از تاریخ منعکس می‌کند و در نهایت مناظر قوم‌نگاری<sup>۱۴</sup> که توسط ذی‌نفعان محلی تعریف می‌شود و آن‌ها تعیین می‌کنند کدام منابع میراث فرهنگی با زمین رابطه همزیستی دارند (Robinson, 2017: 1).

در تحقیقات دانشگاهی به‌طور گسترده پذیرفته شده است که طبیعت و فرهنگ به هم مرتبط‌اند. ظهور آنتروپوسن<sup>۱۵</sup> به‌عنوان یک مفهوم، تفکر درباره بحث‌های طبیعت - فرهنگ را برجسته و تشدید کرده است (Alexandra, 2022: 39)؛ هرچند هریسون محقق میراث فرهنگی این بحث را مطرح می‌کند که هیچ دوگانگی بین عناصر طبیعی و فرهنگی یک منظر وجود ندارد، زیرا ارتباطی بین همه چیزهایی که عموماً توسط مردم‌شناسان «توتمیسم»<sup>۱۶</sup> نامیده می‌شوند وجود دارد (Harrison, 2015: 29-31) اما نمی‌توان انکار کرد همه‌چیز (انسان و جهان طبیعی) بخشی از یک اکوسیستم پیوسته و در حال تکامل است.

محور طبیعت - فرهنگ حتی توسط دونا هاراوی<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۸) به‌عنوان «فرهنگ‌های طبیعی» بدون خط فاصله در نظر گرفته شده است که نشان می‌دهد چگونه این رابطه به هم پیوسته است. با این حال، هاروی و ویلکینسون<sup>۱۸</sup> (2019: 178) از استفاده از خط تیره حمایت می‌کنند، زیرا علامت نگارشی فضاهای بحرانی و روابط بین طبیعت و فرهنگ را منعکس می‌کند. در واقع خط فاصله می‌تواند نشان‌دهنده خودمحموری باشد.

متأثر از این بحث‌ها، ادغام طبیعت و فرهنگ نیز در نظریه سکونت یافت می‌شود که بر همگرایی، صمیمیت و تجسم بین انسان و طبیعت تمرکز دارد. انسان‌ها از طریق سکونت، بخشی از اکوسیستم‌ها هستند (Fidler et al., 2022: 2). به‌هم‌پیوستگی انسان و طبیعت در نظریه سکونت به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط همیشگی پدیده‌هایی است که در زمان‌ها و فضاهای خاص تعریف شده‌اند (Vasan, 2018: 481). مفهوم سکونت به‌عنوان فرایند فکری فراگیر عمل می‌کند که به دنبال جلوگیری از هرگونه تصور مخالف و هر نشانه‌ای از تقسیم بین فرهنگ و طبیعت است؛ جایی که تصور می‌شود انسان‌ها در بیوسفر زمین جاسازی شده‌اند (Folke et al., 2016: 1). این رویکرد نشان می‌دهد که بشر پرورش‌دهنده، مراقب و بهره‌بردار از طبیعت است.

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...



درحالی که برخی از آسیب‌ها چالش‌های زیادی را برای استمرار منظر بودگی برخی از سایت‌ها ایجاد کرده است. حفظ تنوع زیستی و مراقبت از گونه‌های نادر حیوانی و گیاهی نوعی مدیریت مناظر فرهنگی است (Herzog, 2018: 203). در بخش‌های بزرگ اروپا حفاظت از گونه‌های مناظر فرهنگی معمولاً به استفاده از زمین‌های خاص بستگی دارد. بر این اساس ضروری است طراحی اقدامات حفاظتی مقرون به صرفه تحت تغییرات آب و هوا صورت گیرد (Landis, 2017: 1). چراکه تغییرات آب و هوا و فعالیت‌های انسانی به طور فعال سابقه باستان‌شناختی را از بین می‌برد (Davis, 2021: 524 et al.). این امر سبب ناپدید شدن چشمگیر مناظر باستان‌شناختی می‌شود و این امر زمانی مشکل‌ساز می‌شود که آن‌ها ثبت نشده باشند. علاوه بر این باید در نظر داشت زمان‌بندی اقدامات حفاظتی ممکن است با چرخه حیات یک گونه تحت تغییرات آب و هوایی تغییر کند (Cardoso et al., 2020: 1). در حال حاضر، تغییرات آب و هوایی به مهم‌ترین چالش برای مناظر فرهنگی بدل شده است (Aktürk & Dastgerdi, 2021: 1).

پیشرفت‌های اخیر در فناوری، مناظر فرهنگی مجازی و مناظر دریایی را ایجاد می‌کنند که باستان‌شناسان و مردم با آن‌ها موقعیت را بهتر تجربه می‌کنند و درعین حال به باستان‌شناسان اجازه می‌دهد تا با جوامع بومی و مردم در حفاظت از مکان‌های ماقبل تاریخ و فضاهای مقدس از طریق مدیریت میراث فرهنگی درگیر شوند (Monteleone, 2021). این در حالی است که پیشرفت‌های شهری آسیب‌های جدی به این مناظر وارد آورده است. برخلاف موضع سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و شورای بین‌المللی معدن و فلزات در برخی از موارد حتی در اروپا مناظر فرهنگی حفاظت‌شده میراث جهانی، الزامات قانونی حفاظت از آن‌ها به اکتشاف و بهره‌برداری از معادن پرداخته می‌شود (Tost et al., 2021: 1).

پایداری مناظر فرهنگی به‌ویژه برای اماکن تاریخی و میراث فرهنگی شهرهای با سابقه تمدنی بالا نیازمند توجه به نکاتی است که بخش قابل توجهی از آن در حوزه انسانی قابل کنترل است. توجه به الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی به این دلیل که نقشه فرهنگی مسیر توسعه فرهنگی شهر را نشان می‌دهد و به دلیل پیچیده شدن فرایند توسعه کالبدی و مواجهه با پدیده‌های تاریخی و نفوذ فناوری، باید با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد؛ توجه به موضوعاتی چون فضاهای مقدس، فناوری مناظر فرهنگی، اقدامات حفاظتی، چالش‌های طبیعی و سیاست‌های توسعه شهری از الزامات آن است.

### ۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای، و از نظر ماهیت، در دو فاز کیفی با رویکرد پدیدارشناسی و کمی با روش پیمایشی است. از آنجاکه این روش ماهیت اکتشافی دارد، امکان مطالعه و درک عمیق‌تری درباره موضوع به دست خواهد داد. تحقیقات پیمایشی برای بررسی نظرات و تعمیم نتایج در یک جامعه وسیع‌تر استفاده می‌شود. پدیدارشناسی یکی از رویکردهای پژوهش کیفی متمرکز بر تجارب زندگی انسان‌هاست؛ در واقع در مطالعات کیفی تجارب روزمره زندگی افراد مطالعه می‌شود تا پدیده‌هایی که به‌طور طبیعی در حالت‌های معمول رخ می‌دهند، درک شوند (Morse, 2005) و در نهایت، پژوهش‌های پدیداری تلاشی برای معنا بخشیدن به زندگی روزمره است. به‌بیانی ساده، پدیدارشناسی توأمان فلسفه و روشی است که به بررسی ماهیت یا ذات پدیده‌ها می‌پردازد. یکی از فرض‌های بنیادی پدیدارشناسی آن است که ذات یا ذات‌هایی برای تجربه مشترک وجود دارند؛ در واقع نقطه مرکزی تمرکز پدیدارشناسی، تجربه زیسته<sup>۱۹</sup> است (محمدپور، ۱۳۹۲).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کولایزی<sup>۲۰</sup> (۱۹۷۸) شامل مروری بر تمام اطلاعات، بیرون کشیدن جملات مهم، ایجاد معانی فرموله‌شده، ایجاد مقوله‌ها، تشریح ساختاری بنیادین، تدوین و فرموله کردن ساختار پدیده، و تعیین اعتبار استفاده شد؛ در بخش کمی از تحلیل عاملی تأییدی برای تأیید مؤلفه‌ها و آزمون‌های تی تک‌راهه و فریدمن استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در پدیدارشناسی عموماً مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌مند و عمیق است. مؤلفه‌های بازشناسی‌شده در این پژوهش که مبنای بخش کمی قرار گرفت، عبارت‌اند از: ابعاد فنی و زیرساختی، مراقبتی و ایمنی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی، و طبیعی که ۴۳ مؤلفه در ذیل آن قرار گرفت.

برای دریافت پایایی در این روش، پژوهشگر مصاحبه‌ها را به‌صورت موازی و جداگانه انجام داد و نتایج آن را با یکدیگر مقایسه نمود. همسانی بالایی در چند مصاحبه به‌صورت تصادفی مشاهده شد. برای نشان دادن موثق بودن محقق، از دو کدگذار برای کدگذاری داده‌ها استفاده کرد و درجه توافق آن‌ها نشان داد اعتبار داده‌ها قابل قبول است. در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق ساخته<sup>۳۷</sup> گویه‌ای مبتنی بر داده‌های بخش اول استفاده شد. اعتبار گویه‌های مورد نظر با استفاده از آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ برآورد گردید.

جامعه پژوهش متخصصان موضوعی مرتبط با میراث فرهنگی، استادان دانشگاه در زمینه

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

معماری و شهرسازی و مدیران فرهنگی و شهری است. نمونه‌گیری در این پژوهش تا اشباع نظری داده‌ها تا ۱۵ نفر ادامه یافت؛ اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول ۱ آمده است. نمونه‌گیری به روش هدفمند وابسته به معیار و به شکل نامتجانس انجام گرفت. معیارهای ورود به پژوهش عبارت‌اند از اینکه افراد دارای تجربه در طراحی مناظر فرهنگی و شهری داشته و در این زمینه حداقل یک کتاب، مقاله یا فعالیت پژوهشی داشته‌اند و علاوه بر تجربه کار و دانش در این زمینه دارای تمایل به مصاحبه باشند. علاوه بر این در پژوهش حاضر تلاش شده است عدم تجانس به دلیل حفظ تنوع سطح اظهارات پدیدار شده حفظ شود از این رو همه جنبه‌های میراثی، طبیعی، فرهنگی و شهری و همچنین گروه‌های جنسی مختلف حضور داشته باشند؛ با در نظر گرفتن این شرایط نمونه تا ۱۵ نفر مصاحبه ادامه یافت؛ در بخش دوم جامعه آماری کلیه کارشناسان بخش میراث فرهنگی و گردشگری، کارشناسان شهری، متخصصان موضوعی معماری و طراحی شهری در شهر کاشان بود؛ از این میان، بر اساس نمونه‌گیری در غیر تصادفی ۱۵۰ نفر انتخاب شدند.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	تخصص	سن	جنس	تحصیلات	سابقه
۱.	کارشناس فرهنگی	۵۵	زن	کارشناسی ارشد	۲۰
۲.	کارشناس تاریخی	۴۴	مرد	کارشناسی ارشد	۲۲
۳.	مدرس دانشگاه	۵۴	مرد	دکتری	۲۳
۴.	هنرپژوه	۴۹	مرد	کارشناسی ارشد	۲۶
۵.	کارشناس هنر	۴۸	زن	کارشناسی ارشد	۲۰
۶.	کارشناس فرهنگی	۳۴	مرد	دکتری	۲۲
۷.	کارشناس معماری	۶۰	مرد	کارشناسی ارشد	۲۳
۸.	مدرس دانشگاه	۳۵	مرد	دکتری	۹
۹.	مدرس دانشگاه	۵۸	مرد	دکتری	۲۰
۱۰.	کارشناس هنر	۴۴	مرد	کارشناسی ارشد	۲۲
۱۱.	کارشناس شهری	۳۳	مرد	کارشناسی ارشد	۱۰
۱۲.	مدرس دانشگاه	۴۲	مرد	دکتری	۲۶
۱۳.	مدرس دانشگاه	۴۰	مرد	دکتری	۱۵
۱۴.	کارشناس معماری	۵۴	مرد	دکتری	۲۲
۱۵.	مدرس دانشگاه	۳۰	مرد	کارشناسی ارشد	۳



#### ۴. یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال پژوهش درباره الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی، جدول ۲ مقوله‌ها و مؤلفه‌های الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: واکاوی الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی

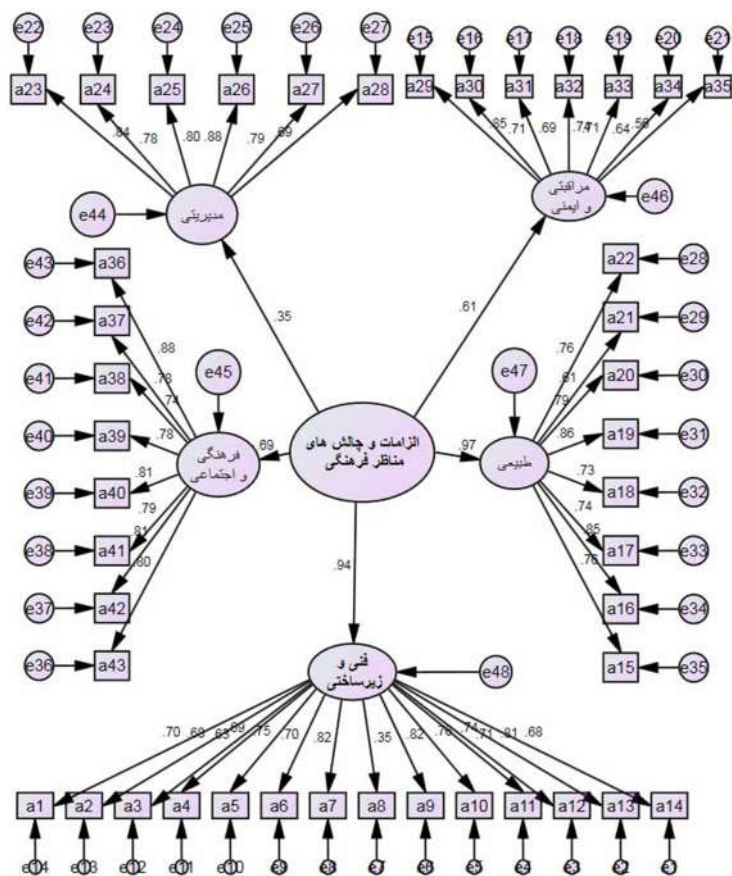
مقوله	مؤلفه‌ها
۱. پایداری فرهنگی	آرایش کلی و روابط میان اجزای بزرگ‌مقیاس
	سازمان‌دهی فضایی عناصر سازنده منظر
	تداوم تاریخی و شکل‌گیری بر اساس صفات بومی
	قابلیت احیا و بازسازی
	تناسب عناصر آبیاری و عناصر مصنوع
	همسویی مبلمان سایت و اشیاء
	استفاده از مصالح بوم‌آورد
	استفاده حداکثر از موقعیت و شکل بستر طبیعی زمین
	وجود عناصر و فضاهای مشترک
	طراحی همساز با اقلیم
۲. پایداری اجتماعی	طراحی منعطف بناها برای تغییرات و توسعه‌های احتمالی
	انتخاب فرم مناسب منظر
	طراحی جرم‌زدا (کالدهای غیر جرم‌خیز)
	اصالت در حفظ پیام میراث
	مراقبت از زیست‌گونه‌های مشخص گیاهان و جانوران
	مصرف انرژی و آلودگی‌های ناشی از آن
	توسعه‌های بیش از حد و ساخت‌وسازهای شهری
	توسعه پایدار از شاخصه‌های معماری
	امکان تجمع در محل
	امنیت استفاده از منظر در اقلیم طبیعی
۳. پایداری اقتصادی	برنامه‌های مدیریت و حفاظت منظر
	مدیریت اطلاعات بصری
	ساخت‌وساز بهینه و کنترل و مدیریت منابع
	رعایت الزامات مدیریتی سازمان‌ها و منشورهای ملل
	توجه به مدیریت و به‌روزرسانی اطلاعات و داده‌های منظر
	ایجاد سازوکارهای انتقال دانش منظر

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

مؤلفه‌ها	مقوله	
تسهیل فرایندهای بهره‌برداری، آموزشی، پژوهشی و تفریحی از منظر هم‌پیوندی با ارزش‌های مذهبی، هنری و فرهنگی	فرهنگ و میراث	
بازتاب شخصیت کالبدی، زیست‌شناختی و فرهنگی محلی		
تقویت حس تعلق به مکان		
مطابقت با فرهنگ و هویت محلی		
احترام به دستورالعمل‌های اخلاقی		
حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی		
بازتاب جنبه‌های هویتی منظر		
تداوم و انتقال فرهنگ ساخت‌وساز بومی		
اقدامات یکپارچه بومی برای کاهش آسیب‌های طبیعی		پایدار
احترام به طبیعت در طراحی منظر		
استفاده از مصالح بازیافت‌پذیر		
مدیریت کاهش تأثیر خطرات طبیعی		
افزایش پایداری اکوسیستم‌های شکننده		
ترکیب هم‌افزای فرهنگ طبیعت در طراحی منظر		
تعادل و عدم مداخله مصنوعات در طبیعت		
امکان تحول منظر نسبت به تغییرات محیط طبیعی		

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی شامل مقوله‌های فنی و زیرساختی، مراقبتی و ایمنی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی و طبیعی است. به‌منظور بررسی وضعیت وزن این مؤلفه‌ها و مقوله‌های شکل ۱ تحلیل عاملی مرتبه دوم را نشان می‌دهد.

در این قسمت الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی و ابعاد فرعی و پایه مرتبط با این متغیر بررسی و گزارش شده است. همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد مدل عاملی متغیر «الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی» به‌صورت مدل عاملی مرتبه دوم تدوین گردید. مقادیر برآوردشده بیانگر این است که بارهای عاملی مربوط به همه معرف‌های مربوط به راهبردها در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به‌عبارت دیگر، همبستگی این متغیر با معرف‌های مربوط در حد متوسط به بالا برآورد می‌شوند و در نتیجه ابزار سنجش از روایی عاملی برخوردار است.



شکل ۱: مدل عاملی «الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی در تدوین نقشه فرهنگی»

جدول ۳: شاخص‌های ارزیابی مدل عاملی الزامات و چالش‌های مناظر فرهنگی

شاخص	درجه آزادی	کای اسکور نسبی	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی مقتصد
مقدار	۸۵۵	۱۱۳۸/۹۱۳	۰/۹۵	۰/۹۶

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل عاملی درمجموع بیانگر این است که برازش داده‌ها به مدل برقرار است. همه شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل عاملی با مد نظر قرار دادن مقادیر مطلوب به این شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل عاملی دارند. در ادامه برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش جدول ۳، میانگین و رتبه اولویت الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی را نشان می‌دهد.

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

جدول ۴: میانگین و رتبه اولویت الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی

ردیف بعد	میانگین	تی	سطح معناداری	رتبه	کای مربع	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۴/۰۳	۱۸/۷۸	۰/۰۰۰	۲/۹۶	۱۹/۰۷۰	۶	۰/۰۰۱
۲	۳/۹	۱۶/۵۱	۰/۰۰۰	۲/۸۶	۱۹/۰۷۰	۶	۰/۰۰۱
۳	۳/۸۸	۱۶۰/۶	۰/۰۰۰	۲/۷۴	۱۹/۰۷۰	۶	۰/۰۰۱
۴	۴/۰۳	۲۰/۹۱	۰/۰۰۰	۳	۱۹/۰۷۰	۶	۰/۰۰۱
۵	۴/۲	۱۷/۷۵	۰/۰۰۰	۳/۴۴	۱۹/۰۷۰	۶	۰/۰۰۱

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین همه ابعاد شناسایی شده بالاتر از میانگین طیف است؛ درحالی‌که بعد فرهنگی و اجتماعی و مراقبتی و ایمنی به ترتیب دارای رتبه اهمیت بیشتری در پایداری مناظر فرهنگی هستند.

#### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی شامل ۵ دسته فنی و زیرساختی، مراقبتی و ایمنی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی و طبیعی است. همچنین بخشی از نتایج ناظر بالا بودن اهمیت بعد فرهنگی و اجتماعی در پایداری مناظر فرهنگی است. همان‌طور که تصریح شد، مناظر فرهنگی نتیجه روابط متقابل جاری میان اکوسیستم‌های گذشته و حال، فرهنگ‌ها و تاریخ‌هاست. منظر، شالوده‌ای است که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی است (منصوری و حبیبی، ۱۳۸۹: ۶۳). در واقع در مناظر فرهنگی تأکید بر تاریخ بشر و تداوم سنت‌های فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی است. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهند معماری منظر فرهنگی در تعامل کامل با ویژگی‌های سرزمینی است و معماری زمانی می‌تواند به عنوان یک عامل پایدار مطرح شود که متکی بر سبک زندگی و فعالیت‌های منطبق با بستر فرهنگی طبیعی باشد (اشرفی، ۱۳۹۹: ۹۷).

اصل توسعه پایدار که به پایداری زیست‌محیطی نیز توجه ویژه دارد، ارتباط تنگاتنگی با تأثیرات محیطی و الزامات تغییرات آب‌وهوایی دارد که الزام به حفاظت از آن از اجلاس‌ها و گفت‌وگوهای جهانی سرچشمه می‌گیرد؛ درحالی‌که فرهنگ برای یافتن جایگاه و ارزش خود در بحث پایداری تلاش کرده است. برای مثال، دستور کار بیست‌ویکم شهرهای متحد و دولت‌های

محلی برای فرهنگ<sup>۲۱</sup> (یو سی ال جی، ۲۰۰۴) تأکید دارد که ابتکارات موازی به دنبال جبران این غفلت‌اند و بر اهمیت فرهنگ در توسعه پایدار تأکید می‌کنند؛ از این رو فرهنگ را به‌عنوان «رکن چهارم» توسعه پایدار (Hawkes, 2001: 7) در شهرها و دولت محلی شناخته می‌شود. اعلامیه‌های بعدی سازمان ملل و آژانس در مورد فرهنگ و توسعه و تنوع، و اخیراً اعلامیه هانگژو<sup>۲۲</sup>، قرار دادن فرهنگ در قلب توسعه پایدار از این نمونه‌اند (Wu et al., 2016: 64).

در شهر کاشان به دلیل قابلیت‌های تاریخی و ظرفیت‌های میراثی توجه به الزامات فرهنگی در کنار چالش‌های مراقبتی و ایمنی از جمله توسعه‌های بیش از حد و ساخت‌وسازهای شهری، مراقبت از زیست‌گونه‌های مشخص گیاهان و جانوران و برنامه‌های مدیریت و حفاظت منظر اهمیت قابل توجهی دارد.

در مؤلفه حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی، توجه به توانایی منظر فرهنگی در بازاحیای آیین‌ها و امکان شکل‌دهی مجدد به‌ویژه به مراسم و آیین‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته یا از یاد رفته‌اند، نیازمند توجه است. علاوه بر این به نظر می‌رسد قابلیت مهم مناظر فرهنگی که ضرورتاً در طراحی و صورت‌بندی همه اجزا باید در نظر گرفته شود، بازتاب شخصیت کالبدی، زیست‌شناختی و فرهنگی محلی است. در واقع منظر فرهنگی نه تنها توانایی مطابقت با فرهنگ و هویت محلی را دارند بلکه ظرفیتی است که ترکیب «فرهنگ»، «شخصیت اجتماعی» و «طبیعت» را ممکن می‌سازد. همان‌طور که حمه‌جانی و همکاران (۱۳۹۷: ۱) تأکید دارند مناظر فرهنگی بستری است که نشانه‌های نمادین از باورهای قومی و جمعی در سطح جدیدی از معانی ضمنی را شکل می‌دهند و در نهایت یک انسجام و پیوستگی اجتماعی در منظر فرهنگی شکل می‌گیرد. به‌منظور پایداری مناظر فرهنگی علاوه بر عناصر فوق توجه به تداوم و انتقال فرهنگ ساخت‌وساز بومی و احترام به دستورالعمل‌های اخلاقی و سازگاری سازه با پیرامون که ناشی از هم‌پیوندی با ارزش‌های مذهبی، هنری و فرهنگی است، درخور توجه است.

نتایج این پژوهش نشان داد ابعاد مراقبتی و ایمنی در قالب مسائلی چون مراقبت از زیست‌گونه‌های مشخص گیاهان و جانوران، مصرف انرژی و آلودگی‌های ناشی از آن، امنیت استفاده از منظر در اقلیم طبیعی، برنامه‌های مدیریت و حفاظت منظر و موضوعاتی از این دست دارای ضریب اهمیت بیشتری به‌عنوان الزامات و چالش‌های فراروی توسعه منظر فرهنگی است که باید در تدوین نقشه فرهنگی مدنظر قرار گیرد. علاوه بر این در بعد فرهنگی و اجتماعی، عناصری چون بازتاب شخصیت کالبدی، زیست‌شناختی و فرهنگی محلی، بازتاب جنبه‌های

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش‌های پایداری  
مناظر فرهنگی در...

هویتی منظر، تداوم و انتقال فرهنگ ساخت و ساز بومی، حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی، تقویت حس تعلق به مکان و مطابقت با فرهنگ و هویت محلی و موضوعاتی از این دست نیازمند توجه جدی است. بر این اساس می‌توان تصریح داشت الزامات و چالش‌های پایداری مناظر فرهنگی که لازم است در تدوین نقشه فرهنگی مدنظر قرار گیرد، عمدتاً از حیث مراقبتی و ایمنی و فرهنگی و اجتماعی هستند. از این رو توجه به این جنبه‌ها در کنار سایر ابعاد همچون فنی و زیرساختی، طبیعی و مدیریتی از نظر متخصصان و کارشناسان دارای اهمیت بیشتری است. به منظور افزایش قابلیت‌های طراحان مناظر فرهنگی پیشنهاد می‌شود به مسائلی که ناظر به توسعه صلاحیت‌های میان‌فرهنگی از قبیل آگاهی فرهنگی و سواد فرهنگی است، توجه بیشتری شود. توسعه دانش فنی معماری بدون توجه به چهارچوب‌های فرهنگی، چه به معنای تاریخی و میراثی و چه در رویکرد روان‌شناسانه آن، نیازمند سواد فرهنگی است. علاوه بر این افزایش مشارکت عمومی در توسعه مناظر فرهنگی می‌تواند قابلیت‌های زیست‌فرهنگی و محیطی را در هم‌افزایی بیشتر پایا تر نماید.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Cultural Landscapes
2. Mixed heritage
3. Liben
4. Cultural mapping
5. Cultural resources
6. The Creative City Network of Canada's *Cultural Mapping Toolkit*
7. Cultural property
8. Otto Schlüter
9. landscape science
10. Birnbaum
11. Historic Site Cultural Landscapes
12. Historic Designed Landscapes
13. Historic Vernacular Landscapes
14. Ethnographic Landscapes
15. Anthropocene
16. Totemism
17. Haraway
18. Wilkinson
19. Lived Experiences
20. Colaizzi
21. United Cities and Local Governments
22. The Hangzhou declaration

## منابع

۱. ابراهیمی دهکردی، امین (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل ظرفیت های گردشگری هورامان با تأکید بر خوانش منظر فرهنگی»، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۴، شماره ۱۳: ۷۷-۵۹.
۲. اشرفی، مهناز (۱۳۹۹)، «پایداری در معماری استقرارگاه های منظر فرهنگی میمند»، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۷: ۹۷-۲۲.
۳. بمانیان، محمدرضا، انصاری، مجتبی، و الماسی فر، نینا (۱۳۸۹)، «باززنده سازی منظر فرهنگی تحت سلیمان با تأکید بر رویکرد های بازآفرینی و حفاظت از میراث جهانی ICOMOS (منشور فلورانس، پی. اچ. چایلدهود، سیاست بنگاه پارک های کانادایی، بنگاه پارک ملی ایالات متحده)»، مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶: ۲۶-۷.
۴. پارچه باف مطلق فاطمه، و عالمی، بابک (۱۴۰۰)، «بررسی و ارزیابی بازار تاریخی کاشان از منظر پایداری زیست محیطی»، دوفصلنامه علمی کاشان شناسی، دوره ۱۴، شماره ۲۷: ۵۶-۱.
۵. جاوری، محسن، و منتظر ظهوری، مجید (۱۳۹۹)، «اقبالیه کاشان؛ شواهد باستان شناسی از پهنه فرهنگی دشت کاشان»، دوفصلنامه علمی کاشان شناسی، دوره ۱۳، شماره ۲: ۱۳۵-۱۵۴.
۶. جاوری، محسن، منتظر ظهوری، مجید، و حسین زاده، جواد (۱۳۹۶)، «صیانت و سامان دهی عرصه و حریم منظر تپه های باستانی سیلک، دوفصلنامه علمی کاشان شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲: ۳۲-۳.
۷. حمه جانی، یوسف، بایزیدی، قادر، و سحابی، جلیل (۱۳۹۷)، «نشانه شناسی مراسم آیینی پیر شالیار در منظر فرهنگی هورامان»، باغ نظر، دوره ۱۵، شماره ۶۷: ۱۷-۳۰.
۸. دانایی نیا، احمد، و ایل بیگی پور، فرانک (۱۳۹۶)، «ویژگی های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ نشینی»، باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۵۷: ۵۷-۶۳.
۹. رباحی نیا، نصرت، عظیمی، علی، و لطیفی، معصومه (۱۳۹۸)، «نظریه اصالت اندروز» و «باگی» و نقش کتابخانه عمومی در حفظ و پاسداشت مناظر فرهنگی بومی ایران»، تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی (پیام کتابخانه)، دوره ۲۵، شماره ۳: ۴۲۹-۴۰۵.
۱۰. شفیع، پریچهر، و جیحانی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، «ارزیابی تغییر ساختار فضایی محدوده شهری محتشم کاشان»، دوفصلنامه علمی کاشان شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲: ۴۸-۳۱.
۱۱. فریدون زاده، حسن، کشاورز، گلناز، و یاری، فهیمه (۱۳۹۸)، «زیبایی شناسی منظر فرهنگی شهر در مختصات جغرافیا و قومیت؛ نمونه موردی: قوم بلوچ»، برنامه ریزی و توسعه کالبدی، دوره ۴، شماره ۲: ۷۸-۶۷.
۱۲. قرایی، فریبا، و عینعلی، عطیه (۱۳۹۸)، «نقش ادراک محیطی در فهم و طراحی منظر فضاهای ورودی شهرها؛ مورد مطالعاتی: ورودی غربی گرگان»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۱۲، شماره ۲: ۷۸-۶۷.

کالبد فرهنگی شهر:  
واکاوی الزامات و  
چالش های پایداری  
مناظر فرهنگی در...



۲۷: ۱۴۵-۱۵۴.

۱۳. کوکبی، لایلا، اکرمی، غلامرضا، بدری، سید علی، و رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، مروری بر تغییر شکل منظر فرهنگی از دیدگاه اکولوژی، اقتصادی-اجتماعی؛ مطالعه منظرهای شهری - روستایی اتحادیه اروپا، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۷: ۳۱-۵۰.
۱۴. مخلص، فرنوش، فرزین، احمدعلی، و جوادی، فرنوش (۱۳۹۲)، «مزار پیرمراد، منظر فرهنگی - آیینی شهرستان بانه»، *باغ نظر*، سال دهم، شماره ۲۴: ۲۷-۳۸.
۱۵. منصوری، سید امیر، و حبیبی، امین (۱۳۸۹)، «تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط؛ بررسی موردی رودخانه خشک شیراز»، *باغ نظر*، دوره ۷، شماره ۱۵: ۶۳-۷۸.
۱۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.

17. Ademovic N. (2020), *Cities and Cultural Landscapes*, in book: *Cities and Cultural Landscapes* (p. 76-97), Cambridge Scholars Publishing.
18. Aktürk, G., & Dastgerdi, A. S. (2021), "Cultural Landscapes under the Threat of Climate Change: A Systematic Study of Barriers to Resilience", *Sustainability*, 13 (17): 9974.
19. Alexandra, J. (2022), "Designer Ecosystems for the Anthropocene—Deliberately Creating Novel Ecosystems in Cultural Landscapes", *Sustainability*, 14 (7): 39-52.
20. Birnbaum, C. A. (1994), "Protecting cultural landscapes: Planning, treatment and management of historic landscapes", *Preservation briefs (USA)*.
21. Cardoso, P., Barton, P. S., Birkhofer, K., Chichorro, F., Deacon, C., Fartmann, T., ... & Samways, M. J. (2020), "Scientists' warning to humanity on insect extinctions", *Biological conservation*, 242, 108426.
22. Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-phenomenological alternatives for psychology* (pp. 48–71). New York: Oxford University Press.
23. Cosgrove, D. (2006), "Modernity, community and the landscape idea", *Journal of material culture*, 11 (1-2): 49-66.
24. Davis, D. S., Seeber, K. E., & Sanger, M. C. (2021), "Addressing the problem of disappearing cultural landscapes in archaeological research using multi-scalar survey", *The Journal of Island and Coastal Archaeology*, 16 (2-4): 524-540.
25. Evans, G. L. (2013), "Cultural planning and sustainable development", In G. Young and D. Stevenson (Eds.), *Handbook of planning and culture* (p. 223–228). London: Ashgate
26. Fidler, R. Y., Ahmadi, G. N., Amkieltiela, Awaludinnoer, Cox, C., Estradivari, ... & Harborne, A. R. (2022), "Participation, not penalties: Community involvement and equitable governance contribute to more effective multiuse protected areas", *Science Advances*, 8 (18): eabl8929.
27. Folke, C., Biggs, R., Norström, A. V., Reyers, B., & Rockström, J. (2016), "Social-ecological resilience and biosphere-based sustainability science", *Ecology and Society*, 21 (3).
28. Fowler, P. (2002), "World heritage cultural landscapes, 1992–2002: A review and prospect", *Cultural landscapes: The challenges of conservation*, 16.
29. Hanachi, P., & Eshrati, P. (2012), "Investigating the Main Challenges of Cultural Landscape Concept by Focusing on Analysis of Eighteen-Year Experience of this Concept in UNESCO World Heritage Center", *Journal of Architecture and Urban Planning*, 4 (7): 147-163.
30. Haraway, D. (2008), *When Species Meet* (Minnesota, University of Minnesota Press).
31. Harrison, R. (2015), "Beyond “natural” and “cultural” heritage: Toward an ontological



- politics of heritage in the age of Anthropocene", *Heritage & society*, 8 (1): 24-42.
32. Harvey, D. and Wilkinson, T. J. (2019), 'Landscape and Heritage: Emerging landscapes of heritage', in Howard, P., Thompson, I., Waterton, E., and Atha, M. (eds), *The Routledge Companion to Landscape Studies*. 2nd ed. Abingdon: Routledge, p. 176-191.
33. Hawkes, J. (2001), *The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning*. Melbourne: Common Ground.
34. Herzog, S. (2018), "Return of grey wolf (*Canis lupus*) to Central Europe: challenges and recommendations for future management in cultural landscapes", *Annals of Forest Research*, 61 (2): 203-209.
35. Kilper, H., & Gailing, L. (2019), "Cultural Landscapes", *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, 1-4.
36. Landis, D. A. (2017), "Designing agricultural landscapes for biodiversity-based ecosystem services", *Basic and Applied Ecology*, 18: 1-12.
37. Liben, L. (2006), "Education for spatial thinking", In W. Damon, R. M. Lerner, K. A. Renninger, and I. E. Sigel (Eds.), *Handbook of child psychology, Vol. 4: Child psychology in practice*, 6th ed. (p. 197-247). Hoboken, NJ: Wiley.
38. Martínez, J., Vega-García, C., & Chuvieco, E. (2009), "Human-caused wildfire risk rating for prevention planning in Spain", *Journal of environmental management*, 90 (2): 1241-1252.
39. Monteleone, K., Thompson, A. E., & Pruffer, K. M. (2021), "Virtual cultural landscapes: Geospatial visualizations of past environments", *Archaeological Prospection*, 28 (3): 379-401.
40. Morse, J. M. (2005), "What is qualitative research?", *Qualitative Health Research*, Thousand Oaks: Sep.15, 7.
41. Palang, H., Helmfrid, S., Antrop, M., & Alumäe, H. (2005), "Rural landscapes: past processes and future strategies", *Landscape and urban planning*, 70 (1-2): 3-8.
42. Pickles, J. (2004), *A history of spaces: Cartographic reason, mapping, and the geocoded world*, London/New York: Routledge.
43. Robinson, E. B. (2017), *Cultural landscapes and traditional cultural properties: a study in designation and protection* (Doctoral dissertation, Rutgers University-Graduate School-New Brunswick).
44. Santos, B. de Sousa. (2007), "Beyond abyssal thinking: From global lines to ecologies of knowledges", *Eurozine* (June 29). Retrieved from <http://www.eurozine.com/articles/2007-06-29-santos-en.html>.
45. Sauer, C. O. (1965), *The Morphology of Landscape*. University of California Publications in Geography, No. 22.
46. Selman, P. (2004), "Community participation in the planning and management of cultural landscapes", *Journal of environmental planning and management*, 47 (3): 365-392.
47. Stewart, S. (2007). *Cultural mapping toolkit*. Creative City Network of Canada.
48. Tan, J. (2021), "The characterization and management of the peri-urban landscape: evidence from Wuhan, China", In *ISUF 2020 Virtual Conference Proceedings* (Vol. 1).
49. Taylor, K., & Lennon, J. (2012), "Landscape and meaning: Context for a global discourse on cultural landscape values", *Managing cultural landscapes*, 39-62.
50. Toma, T. S. P., & Buisson, E. (2022), "Taking cultural landscapes into account: Implications for scaling up ecological restoration", *Land Use Policy*, 120: 106-233.
51. Tost, M., Ammerer, G., Kot-Niewiadomska, A., & Gugerell, K. (2021), "Mining and Europe's World Heritage Cultural Landscapes", *Resources*, 10 (2): 18.
52. UNESCO (2022), The Criteria for Selection, Accessed 03/01/22, <http://whc.unesco.org/en/criteria/>
53. Vasan, S. (2018), "Consuming the tiger: Experiencing neoliberal nature", *Conservation and Society*, 16 (4): 481-492.
54. Weber, M. (2022), "Private international law and cultural property and art disputes", In *Research Handbook on Intellectual Property and Cultural Heritage* (pp. 517-543). Edward

10.22052/KASHAN.2022.246593.1048

Elgar Publishing.

55. Wu, S. R., Fan, P., & Chen, J. (2016), "Incorporating culture into sustainable development: A cultural sustainability index framework for green buildings", *Sustainable Development*, 24 (1): 64-76.

کاشان‌شناسی  
شماره ۲ (پیاپی ۲۹)  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۴۷-۶۴  
مقاله علمی پژوهشی

## تبیین رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل)

\* مهدی محمدزاده راوندی

\*\* حجت مهکویی

\*\*\* حمید صابری

### چکیده

مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل از چه الگوی فضایی پیروی می‌کند؟ با توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر مشارکت سیاسی، پرسش‌نامه‌ای تهیه و بین ۸۷۰ نفر از شهروندان این دو شهرستان توزیع گردید. متغیرهای مستقل در این پژوهش، جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته، مشارکت سیاسی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از آمار توصیفی و آمار استنباطی و نرم‌افزار spss استفاده شده است. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که هرچه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و جامعه‌پذیری سیاسی از ۷/۲ به ۲۶/۹ و سرمایه اجتماعی از ۱۳/۴ در حد کم به ۲۳ درصد در حد زیاد افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $(r=0/195)$  و  $(sig=0/000)$  و بین جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی نیز همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $(r=0/344)$  و  $(sig=0/000)$  مورد تأیید قرار گرفته و رابطه معناداری وجود دارد. از منظر مطالعه تطبیقی، یافته‌های پژوهش بین دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل نشان می‌دهد که شهروندان شهرستان آران و بیدگل از مشارکت سیاسی بالاتری برخوردارند.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت سیاسی، انتخابات، الگوی فضایی مشارکت، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی.

\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / mahdi\_ravandi@yahoo.com

\*\* استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) /

hojat\_59\_m@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / Hamidsaberi2000@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

تبیین رابطه  
جامعه‌پذیری سیاسی  
و سرمایه اجتماعی با  
مشارکت سیاسی شهروندان



## ۱. مقدمه

امروزه اساس حرکت نظام‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، بر مشارکت<sup>۱</sup> مردم در عرصه‌های مختلف آن نظام استوار است، تا آنجا که هراندازه میزان مشارکت بخصوص در حوزه‌های سیاسی افزایش یابد، اعتبار و قدرت سیاسی نظام در عرصه‌های بین‌المللی افزایش می‌یابد و پشتوانه‌ای برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده دولتمردان می‌باشد. از مهم‌ترین انواع مشارکت در جامعه، مشارکت سیاسی است که رابطه‌ای تنگاتنگ با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و به‌میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه‌ای است. مشارکت سیاسی عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر، که برای اثرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا برگزیدن رهبران سیاسی در سطوح محلی یا ملی به‌صورت قانونی یا غیرقانونی به کار می‌رود (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). یکی از عوامل مهمی که بر روی مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، جامعه‌پذیری سیاسی است. هورتون و کولی<sup>۲</sup> تعلق به گروه و تأثیرپذیری از آن را زمینه‌ساز کنش سیاسی افراد می‌دانند. آن‌ها نه به‌دلیل افکار خود بلکه بر اساس معیارهای دوستان و خانواده به فعالیت سیاسی مبادرت می‌ورزند. لذا افراد آن‌گونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۷). سرمایه اجتماعی نیز از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی است. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهد نوعی همبستگی مثبت میان این دو پدیده وجود دارد. سرمایه اجتماعی ضمن تعدیل روابط، به بهبود انسجام، همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آن‌ها با دولت می‌شود (شوهانی و شوهانی، ۱۳۹۸: ۸۳). سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است که به‌عنوان ارزش و منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی، مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری غیررسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷: ۱۱۷). سرمایه اجتماعی به‌منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند. ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام شامل وجود مجموعه‌ای مترام از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی، سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی، هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آن‌ها یکدیگر را به‌لحاظ

شخصی می‌شناسند یا خیر، می‌باشد (سعادت، ۱۳۸۵: ۲۰۳). بنابراین سرمایه اجتماعی بر کیفیت مشارکت سیاسی مؤثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

در مجموع مشارکت شهروندان که بارزترین جلوه آن انتخابات است، به‌عنوان مؤثرترین بازیگران فضا در فرایندهای سیاسی از عمده دل‌مشغولی‌های اندیشمندان جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌رود. مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، نگرش سیاسی است که با کارکردهای ساختاری زیرسیستم‌های اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد. کمیت و کیفیت مشارکت انتخاباتی مردم می‌تواند میزان مشروعیت، کارآمدی نظام سیاسی و مقبولیت کارگزاران سیاسی را نشان دهد. اعتماد میان دولت و ملت موجب تعامل بیشتر و بهتر و افزایش مشارکت سیاسی مردم و کارایی نهادهای سیاسی می‌شود (هوشنگی و جعفرپور، ۱۳۹۱: ۶۱). شناخت رفتار شهروندان و الگوی شرکت در انتخابات برای احزاب، سیاستمداران و دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مشارکت گسترده و فراگیر جامعه به‌منزله پستوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار کشور در سطح بین‌المللی و منطقه است.

از آنجاکه شناسایی متغیرهای اصلی اثرگذار بر تمایل شهروندان در مشارکت و نیز تعیین میزان و سهم اثرگذاری هر یک از این متغیرها بر متغیر وابسته تحقیق ضروری است، این پژوهش درصدد یافتن پاسخ این پرسش‌هاست که در شهرهای مورد مطالعه، مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات شهروندان از چه الگویی پیروی می‌کنند؟ همچنین تعامل و پیوند متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه آماری مورد مطالعه چگونه است؟

## ۲. بیان مسئله

انتخابات و رأی‌گیری به‌عنوان نماد مشارکت سیاسی می‌تواند توجه یا بی‌توجهی شهروندان در قبال یک وظیفه را نشان دهد. همچنین میزان نوسان در تعداد، نسبت آرای اخذشده در بازه یک دوره معین و افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد (فرهادی، ۱۳۷۲: ۴۴). از آنجاکه میزان مشارکت فراگیر و گسترده شهروندان در انتخابات یکی از شاخص‌های میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در بسیاری از کشورها و به‌منزله پستوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار در سطح بین‌المللی است و نیز با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی در ایجاد جامعه‌ای متعادل، هماهنگ، پویا و باثبات که در آن حکومت از تجربه‌ها و آرای همه اقشار جامعه برخوردار می‌شود، شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در انتخابات مانند مؤلفه‌های

جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برای پژوهشگران و سیاستمداران برخوردار است تا بدین وسیله زمینه ثبات سیاسی و استحکام نظام را فراهم آورند. آلموند<sup>۳</sup> و وربا<sup>۴</sup> جامعه‌پذیری سیاسی و رشد انتظارات حمایتی شهروندان را از راه‌های حفظ و بقای نظام و امری مداوم و تعیین‌کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه دانسته است (غفاری هاشجین، ۱۳۸۹: ۲۱۴). وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی در هر جامعه بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه است. هرچه این شبکه‌ها گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی غنی‌تر است. سرمایه اجتماعی مبتنی بر مشارکت، انسجام، اعتماد و آگاهی اجتماعی، توانایی سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه برای رفع مشکلات عمومی جامعه است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰). تاجیک و جعفری معتقدند که سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مؤثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴). به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (Putnam, 2000: 65).

به‌رغم برگزاری انتخابات مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین مقالات متعدد در خصوص مشارکت سیاسی و علل و انگیزه‌های آن، تاکنون درباره مشارکت در انتخابات و تحلیل الگوهای فضایی<sup>۵</sup> در منطقه کاشان و آران و بیدگل بررسی و پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. مطالعه موقعیت و ویژگی‌های یک مکان یا منطقه جغرافیایی به ما کمک می‌کند تا تصویر بهتری از آن داشته باشیم. این موضوع به درک بهتر این مسئله که یک مکان یا منطقه جغرافیایی تا چه اندازه قدرت دارد و چه کارکرد و نقش‌هایی را در زمینه مسائل سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی می‌تواند بازی کند، کمک خواهد کرد (احمدی‌پور و قادری حاجت، ۱۳۹۴: ۱۶۳). لذا با توجه به عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در آن بیش از پیش مشخص می‌گردد.

### ۳. مبانی نظری

مشارکت، حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و به‌طور کلی ابعاد مختلف حیات انسان است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). مشارکت، حضور آگاهانه، خلاق و متعهدانه اقشار مختلف در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و فعالیت در تشکلهای محلی و ملی و حرفه‌ای جامعه است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۲۵). در این پژوهش، به عوامل جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی پرداخته شده است. جامعه‌پذیری سیاسی، همچون فرایند

آموزش با انتقال هنجارها و رفتارهای پذیرفته‌شده نظام سیاسی مستقر از نسلی به نسل دیگر با هدف تربیت و پرورش افراد کارآمد مؤثر است (احمدپور ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸).

سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده‌ای همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی، همکاری و آگاهی ارتباط دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۹). سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته و هرکدام تقویت‌کننده دیگری است، از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی در سه بعد شناختی، ارتباطی و ساختاری بررسی شده است. بعد شناختی سرمایه اجتماعی، درخصوص مشارکت و اعتماد موجود در مجموعه و بعد ساختاری درباره تصمیم‌گیری، ساختارها و فعالیت‌های گروهی در جامعه و بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی، در مورد ارتباطات گروهی و برون‌گروهی، کیفیت و کمیت آن‌هاست.

مشارکت سیاسی مهم‌ترین نوع مشارکت جوامع می‌باشد و رابطه‌ای مستقیم با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و نشان‌دهنده نوع نظام سیاسی هر جامعه‌ای است. مشارکت سیاسی یعنی رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های مختلف جامعه سیاسی برای کسب قدرت، اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲) و به هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه برای احراز، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی و اثرگذاری در سیاست‌های عمومی و نهادهای سیاسی اشاره دارد.

#### ۴. پیشینه تحقیق

درخصوص الگوی فضایی مشارکت سیاسی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل با تأکید بر دو مؤلفه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی، به‌عنوان مسئله اصلی این پژوهش تاکنون معدود مطالعاتی صورت گرفته است. لذا در ذیل نتایج برخی از مطالعات مرتبط با موضوع کلی پژوهش یعنی متغیرهای اثرگذار بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ارائه می‌شود:

سیدامامی و عبدالمطلب (۱۳۸۸) در «پژوهش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس» به علل و انگیزه‌های شهروندان برای مشارکت در انتخابات پرداخته‌اند. در این پژوهش، عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی مورد مذاقه قرار گرفته

است. از میزان عوامل انگیزشی، تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی، احساس تکلیف شرعی و از میان منابع اجتماعی، اعتماد سیاسی، علاقه‌مندی به سیاست، مهارت‌های مشارکتی و احساس اثربخشی سیاسی روابط معناداری با مشارکت انتخاباتی داشته‌اند.

خواج‌سروری و نوربخش (۱۳۹۷) «نحوه تأثیر رسانه‌های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی» را با هدف شناخت میزان و نوع مصرف رسانه‌ای و مشارکت سیاسی شهروندان با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) با شاخص‌هایی مانند شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها، تجمعات سیاسی، تبلیغ برای احزاب، گفت‌وگو با دیگران در حوزه مسائل سیاسی، پیگیری اخبار سیاسی، ارتباط معناداری وجود دارد و تأثیر رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان مستقیم بوده است. باقری و همکاران (۱۳۹۸) در «بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری» ضمن تأیید تأثیر طبقه اجتماعی و قومیت بر جامعه‌پذیری سیاسی، رابطه عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، سن، قومیت و طبقه اجتماعی با مشارکت سیاسی را معنادار می‌داند.

لیپست<sup>۶</sup> (۱۹۷۶) در اثر خود به نام مرد سیاسی، با استفاده از یافته‌های آماری درخصوص ویژگی‌های اجتماعی رأی‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های سیاسی و طبقه‌بندی آن‌ها به دو گروه (مشارکت‌بالا و مشارکت‌پایین) به تدوین قواعد آن در زمینه علل شرکت در انتخابات می‌پردازد. عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مورد بررسی لیپست عبارت است از: سن، درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل و عضویت در سازمان‌ها. یوگوا و مگبو (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی در نیجریه که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه انجام شده است، نتیجه می‌گیرند که بین متغیرهای سن و پایگاه اجتماعی اقتصادی، جنسیت، فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی در نیجریه، رابطه معناداری وجود دارد. هانگ و کولین (۲۰۱۷) در پژوهش تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی در مشارکت سیاسی جوانان سنگاپور نتیجه می‌گیرند که جامعه‌پذیری سیاسی از طریق خانواده و گروه دوستان بر انواع مشارکت سیاسی رابطه معناداری داشته است (Hong and Colin, 2017: 50).

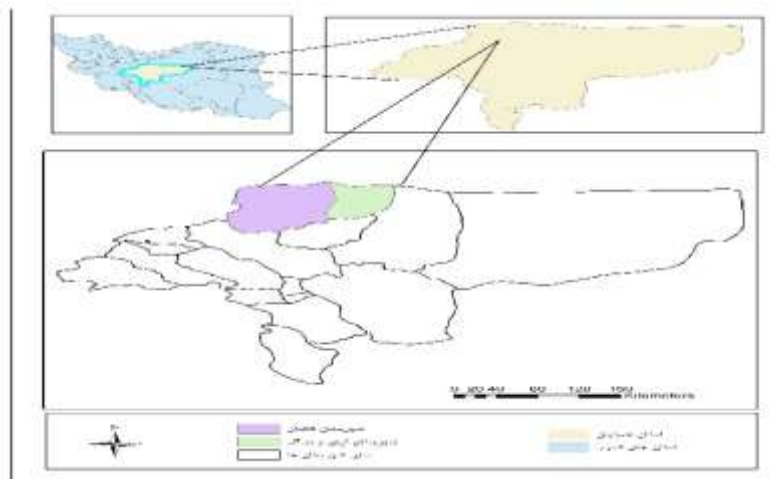


اسکورینگ و همکاریانش (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» نشان می‌دهند شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد. سو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، با در نظر گرفتن توسعه ملی، اقتصادی، سیاسی و نابرابری اقتصادی بر آن است تا همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی و روابط میان متغیرها در سطح کلان مانند توسعه سیاسی و اقتصادی، نابرابری را نشان دهد. نتایج تحقیق مبین آن است که سرمایه اجتماعی که از شاخص‌های عمومی اعتماد، اطمینان به دولت و مشارکت عمومی است، با مشارکت سیاسی ارتباط دارد.

به‌هرحال اکثر پژوهشگران این حوزه با رویکرد جامعه‌شناختی به ابعاد گوناگون مشارکت سیاسی و عوامل مختلف مؤثر بر آن پرداخته‌اند. این پژوهش درصدد است با رویکرد جغرافیای سیاسی و با بهره‌گیری از نتایج مطالعات رویکردهای مختلف، ضمن بررسی جامعه مورد هدف، به تبیین الگوی فضایی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهرهای کاشان و آران و بیدگل مورد نظر بپردازد.

## ۵. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی<sup>۷</sup> است و برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است. با توجه به زمان انجام پژوهش و محاسبه حداقل سنی شهروندان که در آخرین انتخابات ریاست جمهوری (۱۴۰۰) شرکت داشته‌اند، سنین ۲۱ سال به بالای شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. بر این اساس واحد تحلیل در پژوهش حاضر «فرد» می‌باشد و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حجم نمونه ۸۷۰ نفر در نظر گرفته شد که به نسبت جمعیت حدود یک‌سوم پرسش‌نامه‌ها در شهر آران و بیدگل و دوسوم آن در شهر کاشان توزیع گردید که از این تعداد ۸۳۴ پرسش‌نامه دریافت شد و مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS<sup>23</sup> استفاده شده است. به‌منظور بررسی و تعیین اعتبار و روایی مقیاس‌های پرسش‌نامه از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است.



نمودار ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۱-۶. یافته‌های توصیفی

در این بخش یافته‌های توصیفی پژوهش شامل مشخصات فردی و توزیع متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده است.

#### الف. مشخصات فردی

در این بخش هریک از مشخصات فردی پاسخ‌گویان در قالب جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع درصدی پاسخ‌گویان بر مبنای مشخصات فردی

محل سکونت	اشتغال		تحصیلات		تأهل		سن		جنس		مشخصات	
	کاشان	بیکار	شاغل	دیپلم به بالا	دیپلم به پایین	متأهل	مجرد	حداقل	حداکثر	مرد		زن
آران و بیدگل	۷۴/۵	۴۹/۳	۵۰/۸	۵۲/۳	۴۷/۷	۵۸/۷	۴۱/۳	۷۵	۲۱	۴۸/۴	۵۱/۶	درصد

بر اساس یافته‌های جدول فوق، ۴۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۵۱/۶ درصد زن هستند. حداقل سن پاسخ‌گویان مورد بررسی ۲۱ و حداکثر سن آنان ۷۵ سال است. در مجموع، میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۱/۵۱ با انحراف معیار ۱۰/۸۱ بوده است. همچنین یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد ۴۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۵۸/۷ درصد از آنان متأهل هستند. سطح تحصیلات ۵۲/۳ درصد بالای فوق‌دیپلم هستند که به‌طور تفصیلی، ۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد یا

ابتدایی، ۱۲/۵ درصد سیکل، ۳۱/۹ درصد دیپلم، ۴۲/۲ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۸/۵ درصد فوق‌لیسانس و دکتری هستند. ۱/۶ درصد از آنان نیز دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند. ۵۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان شاغل و ۴۹/۳ درصد غیرشاغل بوده‌اند. در نهایت اینکه بر اساس یافته‌های جدول، ۷۳/۱ درصد از پاسخ‌گویان ساکن شهر کاشان و ۲۵/۵ درصد ساکن شهر آران و بیدگل بوده‌اند.

### ب. سرمایه اجتماعی

در این پژوهش، برای سنجش سرمایه اجتماعی شهروندان مطابق نظریه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) در سه بعد شناختی، ارتباطی و ساختاری، از پرسش‌نامه اونیکس و بولن (۲۰۰۰) با اعمال تغییراتی برای سنجش در جامعه آماری استفاده شده است. این پرسش‌نامه حاوی ۳۴ سؤال است که سرمایه اجتماعی را در سه سطح شناختی (مشارکت، اعتماد، نگرش‌ها و تعهدات موجود در مجموعه) با ۱۰ سؤال، ساختاری (تصمیم‌گیری، ساختارها و فعالیت‌های گروهی در جامعه) با ۱۵ سؤال و ارتباطی (ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی، کمیت و کیفیت آن‌ها) با ۹ سؤال مورد سنجش قرار می‌دهد (رجبی گیلان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸). علاوه بر این، برای افزایش روایی و دقت در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از برخی گویه‌های پژوهش شیری و همکاران (۱۳۹۳: ۶۷ و ۶۸) نیز استفاده شده است. روایی این متغیر بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶۳ است.

جدول ۲: توزیع پراکندگی سرمایه اجتماعی شهروندان

میزان سرمایه اجتماعی			میانگین توزیع پراکندگی						
زیاد	متوسط	کم	انحراف معیار	میانگین	دامنه تغییر	حداکثر	حداقل	تعداد گویه	شاخص مفهوم
۱۵/۷	۵۷/۹	۲۶/۴	۴/۱۰	۱۹/۳۸	۲۱	۳۰	۹	۱۰	سرمایه اجتماعی شناختی
۳۴/۲	۵۶/۶	۹/۲	۵/۳۱	۳۲/۴۷	۲۷	۴۴	۱۷	۱۵	سرمایه اجتماعی ساختاری
۳۷/۴	۴۸/۶	۱۴	۳/۳۳	۱۹/۰۹	۱۹	۲۷	۸	۹	سرمایه اجتماعی ارتباطی
۲۹/۱	۵۴/۳۶	۱۶/۵							جمع کل

تبيين رابطه  
جامعه‌پذیری سیاسی  
و سرمایه اجتماعی با  
مشارکت سیاسی شهروندان



جدول ۳: میانگین متغیر سرمایه اجتماعی شهروندان به تفکیک شهرستان‌های مورد مطالعه

میزان سرمایه اجتماعی			میانگین توزیع پراکندگی				شاخص متغیر
زیاد	متوسط	کم	انحراف معیار	میانگین	خطای استاندارد	تعداد	
۲۸/۷	۵۳/۱	۱۸/۲	۱۰/۶۳۹۹۱	۷۰/۶۶۷۲	۴۳۰۸۰/	۶۱۰	شهرستان کاشان
۳۱/۶	۵۵	۱۳/۴	۹/۴۹۷۰۸	۷۱/۸۹۰۰	۶۵۶۹۳/	۲۰۹	شهرستان آران و بیدگل

طبق جدول فوق سرمایه اجتماعی در حد زیاد شهرستان کاشان ۲۸/۷ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۳۱/۶ درصد است. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی در شهرستان کاشان ۷۰/۶ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۷۱/۸ درصد می‌باشد که با ۱/۲ درصد سرمایه اجتماعی بیشتر، بالاتر از کاشان قرار گرفته است.

### ج. جامعه‌پذیری سیاسی

متغیر جامعه‌پذیری سیاسی با استفاده از ۱۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مجموع گویه‌ها و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان جامعه‌پذیری سیاسی مجموع شهروندان دو شهر به دست آمده است. روایی این متغیر بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۴۱ است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی میزان جامعه‌پذیری سیاسی

درصد	فراوانی	موارد
۲۷/۳	۲۲۸	کم
۴۶/۸	۳۹۰	متوسط
۲۵/۸	۲۱۵	زیاد
۰/۱	۱	بی‌پاسخ
۱۰۰	۸۳۴	جمع

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان جامعه‌پذیری سیاسی ۲۷/۳ درصد از شهروندان در حد کم، ۴۶/۸ درصد در حد متوسط و ۲۵/۸ درصد در حد زیاد است. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان،

میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان جامعه‌پذیری متوسط به میزان ۱۷/۶ درصد و جامعه‌پذیری سیاسی زیاد به میزان ۲۶/۹ درصد است.

در مجموع، همبستگی بین دو متغیر جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $r=0/344$  و  $sig=0/000$  مورد تأیید قرار گرفته است. لذا با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی داشته و از ۷۲/۲ درصد به ۲۶/۹ درصد در حد زیاد می‌رسد که رشد بیش از ۳/۷ درصدی را شاهد هستیم. بنابراین با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی دارد. در جدول زیر میانگین جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان دو شهرستان نشان داده شده است.

جدول ۵: میانگین جامعه‌پذیری سیاسی دو شهرستان

خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شهر	متغیر
۳۰۶۱۸	۷/۵۶۲۰۰	۳۶/۵۹۵۱	۶۱۰	کاشان	جامع‌پذیری
۴۹۹۳۶	۷/۲۰۱۴۸	۳۷/۲۲۶۰	۲۰۸	آران و بیدگل	سیاسی

بر اساس یافته‌های جدول، میزان جامعه‌پذیری شهروندان کاشان ۳۶/۵ درصد و بین شهروندان آران و بیدگل ۳۷/۲ درصد است. بنابراین شهروندان آران و بیدگل از جامعه‌پذیری بیشتری نسبت به شهروندان کاشان برخوردارند.

#### د. مشارکت سیاسی

در این پژوهش مشارکت سیاسی شهروندان با توجه به مجموع گویه‌های سنجش مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار گرفته و توزیع پراکندگی این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶: توزیع پراکندگی مشارکت سیاسی

شاخص	تعداد	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار
مفهوم	گویه	۱۴	۵۶	۴۲	۲۶/۱۲	۹/۱۳
مشارکت سیاسی	۱۴	۱۴	۵۶	۴۲	۲۶/۱۲	۹/۱۳

جدول فوق بیانگر این امر است که مشارکت سیاسی شهروندان با استفاده از ۱۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین نمرات پاسخ‌گویان در این متغیر ۲۶/۱۲ و انحراف معیار آن ۹/۱۳ می‌باشد، به گونه‌ای که کرانه پایین نمرات ۱۴، کرانه بالای آن ۵۶ و دامنه تغییر نمرات در

جامعه آماری مورد بررسی ۴۲ می‌باشد. با توجه به مجموع گویه‌های فوق و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان مشارکت سیاسی شهروندان به دست آمده است.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصدی میزان مشارکت سیاسی

موارد	فراوانی	درصد
کم	۴۰۰	۴۸
متوسط	۲۸۱	۳۳/۷
زیاد	۱۴۱	۱۶/۹
بی‌پاسخ	۱۲	۱/۴
جمع	۸۳۴	۱۰۰

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت سیاسی ۴۸/۷ درصد از شهروندان در حد کم، ۳۴/۲ درصد در حد متوسط و ۱۷/۲ درصد در حد زیاد است. همچنین میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان ساکن در شهر کاشان ۱۳/۹ درصد است. این میزان در بین شهروندان ساکن در آران و بیدگل به ۲۵/۹ درصد افزایش یافته است. متقابلاً میزان مشارکت سیاسی کم در بین شهروندان کاشانی با ۵۴ درصد بیش از شهروندان آران و بیدگلی با ۳۲/۸ درصد است.

جدول ۸: میزان مشارکت سیاسی شهروندان بر مبنای محل سکونت

جمع	مشارکت سیاسی			محل سکونت
	زیاد	متوسط	کم	
۶۰۶	۸۴	۱۹۵	۳۲۷	فراوانی کاشان
۱۰۰	۱۳/۹	۳۲/۲	۵۴	درصد
۲۰۱	۵۲	۸۳	۶۶	فراوانی آران و بیدگل
۱۰۰	۲۵/۹	۴۱/۳	۳۲/۸	درصد
۸۰۷	۱۳۶	۲۷۸	۳۹۳	فراوانی جمع
۱۰۰	۱۶/۹	۳۴/۴	۴۸/۷	درصد

## ۲-۶. یافته‌های تحلیلی

در این بخش یافته‌های تحلیلی در قالب آزمون t برای بررسی تفاوت میزان مشارکت سیاسی در بین دو حوزه فضایی و همچنین رابطه همبستگی بین متغیرها ارائه شده است. بر این مبنای اساس نتایج شاهد تفاوت میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان دو شهر هستیم. برای بررسی

معناداری این تفاوت از آزمون t استفاده شده است. نتایج این آزمون با مقدار t برابر با ۵.۱۸۹- و  $\text{sig}=0.000$  بیانگر تفاوت معنادار میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان این دو شهر است.

جدول ۹: نتایج آزمون t تفاوت مشارکت سیاسی در بین شهروندان کاشان و آران و بیدگل

میانگین و انحراف	محل سکونت		تعداد		میانگین		انحراف معیار	
	کاشان		۶۰۶		۲۵/۱۲۷۱		۸/۸۷۶۸۶	
سیاسی	آران و بیدگل		۲۰۱		۲۸/۹۰۰۵		۹/۱۰۵۵۰	
در بین شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل	آزمون لون		برای برابری میانگین t آزمون					
نتایج آزمون t	خروجی f	میانگین	خروجی t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین	خطای استاندارد میانگین	
برابری واریانس‌ها	۳۹۵/	۵۳۰/	۱۸۹/۵-	۸۰۵	۰۰۰۰	۳/۷۷۳۴۳-	۷/۲۷۲۱	
عدم برابری واریانس‌ها			۱۳۳/۵-	۹۶۵/۳۳۴	۰۰۰۰	۳/۷۷۳۴۳-	۷/۳۶۵۶	

در جدول زیر رابطه بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت سیاسی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۶۷/۷ درصد از شهروندانی که میزان جامعه‌پذیری سیاسی در حد کم داشته‌اند، از میزان مشارکت سیاسی در حد پایینی نیز برخوردارند، ۲۵/۱ درصد دارای مشارکت سیاسی در حد متوسط و ۷/۲ درصد از شهروندان با میزان جامعه‌پذیری کم از میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد برخوردار می‌باشند. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان جامعه‌پذیری متوسط به میزان ۱۷/۶ درصد و جامعه‌پذیری سیاسی زیاد به میزان ۲۶/۹ درصد می‌باشد. در مجموع، همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $I=0/344$  و  $\text{sig}=0/000$  مورد تأیید قرار گرفته است.

آلموند و وربا جامعه‌پذیری سیاسی و رشد انتظارات حمایتی شهروندان را از راه‌های حفظ و بقای نظام و امری مداوم و تعیین‌کننده می‌دانند. اولسون نیز بر نقش جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت تأکید دارد. یافته‌های تحقیق نشانی می‌دهد که در جامعه‌پذیری کم، مشارکت سیاسی

شهروندان به کمترین میزان ۷/۲ درصد می‌رسد و برعکس مشارکت سیاسی در حد کم، بالاترین درصد به میزان ۶۷/۷ را به خود اختصاص داده است. لذا با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی داشته و از ۷/۲ درصد به ۲۶/۹ درصد در حد زیاد می‌رسد که رشد بیش از ۳/۷ درصدی را شاهدیم. بنابراین با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۱۰: رابطه بین جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی			متغیرها	
زیاد	متوسط	کم	کم	سرمایه اجتماعی
۱۳/۴	۲۶/۱	۶۰/۶	کم	جامعه‌پذیری سیاسی
۷/۲	۲۵/۱	۶۷/۷		سرمایه اجتماعی
۱۵/۲	۳۳/۶	۵۱/۲	متوسط	جامعه‌پذیری سیاسی
۱۷/۶	۳۴/۱	۴۸/۳		سرمایه اجتماعی
۲۳	۴۰/۲	۳۶/۸	زیاد	جامعه‌پذیری سیاسی
۲۶/۹	۴۳/۹	۲۹/۲		سرمایه اجتماعی
۱۷/۲	۳۳/۳	۴۹/۵	سرمایه اجتماعی	جمع
۱۷/۲	۳۴/۳	۴۸/۴	جامعه‌پذیری سیاسی	

بر اساس نتایج تحقیق، کمترین میزان مشارکت سیاسی در حد بالا در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی در حد کم است. متقابلاً بالاترین میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی در حد زیاد مشاهده می‌گردد؛ به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندانی که از میزان سرمایه اجتماعی در سطح کم برخوردار بوده‌اند، به میزان ۱۳/۴ درصد است. با افزایش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان، میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش می‌یابد. میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی متوسط به میزان ۱۵/۲ درصد و سرمایه اجتماعی زیاد به میزان ۲۳ درصد افزایش یافته است. در مجموع، همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $r=0/195$  و  $(sig=0/000)$  مورد تأیید قرار گرفته است.

در پژوهش تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل، وجود همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی



شهروندان با میزان مشارکت سیاسی را مورد تأیید قرار داده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). درخصوص رابطه بین سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آنان نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در حد زیاد با ۱۳/۴ درصد در راستای سرمایه اجتماعی در حد کم قرار می‌گیرد و هرچه سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و از ۱۳/۴ در حد کم سرمایه اجتماعی به ۲۳ درصد در حد زیاد سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین مشارکت سیاسی در حد متوسط نیز با افزایش سرمایه اجتماعی، روند صعودی داشته و از ۲۶/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد افزایش می‌رسد. لذا وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان را معنادار و فرضیه پژوهش را تأیید می‌نماید.

## ۷. نتیجه‌گیری

در هر جامعه‌ای، دلایل متفاوت شهروندان برای مشارکت سیاسی یا عدم مشارکت وجود دارد و جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نیست. تحلیل فضایی انتخابات علاوه بر کمک به شناخت دقیق‌تر عوامل و زمینه‌های تأثیرگذار بر آراء، دیدگاه فضایی خاصی را ارائه می‌کند که طی آن مشخص می‌شود هر منطقه چه نوع رویکردی به انتخابات داشته‌اند (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۷۵). تحلیل درست عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، به شناخت رویکردها و نگرش‌های علمی و بهره‌گیری از ابزارهای فنی نیازمند است و نمی‌توان با استفاده از شیوه‌های سنتی و نگاه تک‌بعدی صرفاً به یک حوزه، به نتیجه مطلوب دست یافت. انتخابات یک سنجه خوب برای تغییرات اجتماعی است؛ زیرا مستقیماً بخش بزرگ‌تری از جمعیت را در مقایسه با دیگر آزمایش‌های افکار عمومی درگیر می‌کند. انتخابات از مؤلفه‌های اصلی مشارکت همگانی، همراه با احساس مسئولیت شهروندان در اداره کشور است. لذا بررسی لایه‌های اجتماعی انتخابات و فهم اینکه افراد، گروه‌ها و اقشار اجتماعی چه رفتاری در انتخابات بروز می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. قشر جوان که گاه به‌عنوان نسل ایکس از آن‌ها یاد می‌شود، شبکه‌های اجتماعی، رأی اولی‌ها، مناطق روستایی و شهری همه و همه دارای نقش مهمی در بحث مشارکت سیاسی و انتخابات هستند. در ارتباط با الگوی فضایی مشارکت سیاسی انتخاباتی، رویکردهای نظری متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. از این بین می‌توان به نظریه هویت حزبی، نظریه ایدئولوژی مسلط، اثربخشی سیاسی، نظریه هزینه فایده (دال)، سلسله‌مراتب نیازها (اینگلهارت)، مکتب شیکاگو، طبقه اجتماعی، عوامل فردی دخیل در رأی‌دهی اشاره کرد.

شناسایی عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی، این امکان را به برنامه‌ریزان سیستم سیاسی می‌دهد تا با حذف عوامل کاهش‌دهنده و ایجاد و توسعه عوامل مثبت در میزان مشارکت سیاسی، زمینه ثبات سیاسی و استحکام سیستم را فراهم آورند.

جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، در دولت‌های توسعه‌نیافته، خیلی جدی گرفته نشده، به‌ویژه نقش و تأثیرات سیاسی آن مورد غفلت بیشتری واقع شده است. این در حالی است که امروزه سرمایه اجتماعی در مقوله توسعه بسیار مورد توجه دانشمندان و نخبگان سیاسی است. مشارکت تحقق نمی‌یابد، مگر با تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد (شوهانی و شوهانی، ۱۳۹۸: ۳). سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی نقش اساسی بر شرکت مردم در انتخابات دارند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به هر میزان که بر جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی جامعه افزوده شود، بر میزان مشارکت شهروندان افزوده خواهد شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد شهروندانی که از میزان جامعه‌پذیری سیاسی در حد کم برخوردار بوده‌اند، دارای میزان مشارکت سیاسی در حد پایینی هستند. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی، میزان مشارکت سیاسی افزایش یافته است. همچنین هرچه سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و از ۱۳/۴ در حد کم به ۲۳ درصد در حد زیاد سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین مشارکت سیاسی در حد متوسط نیز با افزایش سرمایه اجتماعی، روند صعودی داشته و از ۲۶/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد افزایش می‌رسد. لذا وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان را معنادار و فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. در مجموع بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت سیاسی ۵۱/۴ درصد از شهروندان در حد متوسط و زیاد است. از منظر مطالعه تطبیقی یافته‌های پژوهش بین دو شهر کاشان و آران و بیدگل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی بین این دو شهرستان به ترتیب ۷۰/۶ و ۷۱/۸، ۳۶/۵ و ۳۷/۲، ۲۵/۱ و ۲۸/۹ درصد می‌باشد که در مجموع بیان‌کننده این است که شهر آران و بیدگل دارای مشارکت سیاسی بالاتر است.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                  |                                 |           |
|------------------|---------------------------------|-----------|
| 1. Participation | 2. Horton and Gypsy             | 3. Almond |
| 4. Verba         | 5. Analysis of spatial patterns | 6. Lipst  |

## 7. Survey

## منابع

۱. احمدپور ترکمانی، بابک، ازکیا، مصطفی، و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهر تهران»، مجله جهان رسانه، دوره ۱۳، شماره ۱: ۹۲-۶۶.
۲. احمدی‌پور، زهرا، و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴)، «ساماندهی و آمایش سیاسی فضای شهری»، چ ۱، تهران: سمت.
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی توسعه»، چ ۲، تهران: انتشارات کلمه.
۴. امام جمعه‌زاده، سید جواد، رهبر قاضی، محمودرضا، عیسی‌نژاد، مرید، و مرندی، زهره (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۴: ۳۳-۷.
۵. باقری، معصومه، حسین‌زاده، علی حسین، و شجاعی، حسن (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری»، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۹: ۸۵-۵۵.
۶. تاجبخش، کیان، و پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، بی‌جا: انتشارات شیرازه.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، «جامعه‌مانی و توسعه سیاسی در ایران»، تهران: علوم نوین.
۸. تاجیک، محمدرضا، و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، فرهنگ اندیشه، سال هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷: ۱۶۵-۱۹۵.
۹. حسن‌زاده، زهرا (۱۳۹۵)، «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان کاشان و آران و بیدگل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محسن نیازی و استاد مشاوره مهران سهراب‌زاده، دانشگاه کاشان، گروه جامعه‌شناسی.
۱۰. خواجه‌سروری، غلامرضا، و نوربخش، سیدمسعود (۱۳۹۷)، «نحوه تأثیر رسانه‌های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، جستارهای معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره ۲: ۸۱-۵۵.
۱۱. رجبی‌گیلان، نادر، قاسمی، سید رامین، رشادت، سهیلا، و رجبی، سجاد (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در معلمان»، فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۲۱، شماره ۸۸: ۱۰۷-۹۵.
۱۲. رنانی، محسن، و مویدفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران»، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۱، شماره ۲ و ۳ (۱۷۳۵-۱۷۱۹): ۷۹-۱۰۶.
۱۳. زرقانی، سیدهادی، و رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل الگوی فضایی پراکنش آراء در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوازدهم، شماره ۲: ۱۰۴-۷۳.

۱۴. سروش، مریم، و حسینی، مریم (۱۳۹۲)، «نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی، بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز»، *نشریه علوم اجتماعی*، سال دهم، شماره ۲: ۹۳-۱۲۶.
۱۵. سعادت، رحمان (۱۳۸۵)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲۳: ۱۷۳-۱۹۶.
۱۶. سیدامامی، کاووس، و عبدالمطلب، عبدالله (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۴: ۱۰۹-۱۴۶.
۱۷. شوهانی، احمد، و شوهانی، نادر (۱۳۹۸)، «سنجش و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم؛ مطالعه موردی: شهر ایلام»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره ۴: ۲۵۱-۲۵۱.
۱۸. شیرینی، نعمت‌الله، خوش‌مرام، مژگان، رستمی، فرحناز، و میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «نقش سرمایه اجتماعی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی»، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، دوره ۴، شماره ۶: ۵۷-۸۳.
۱۹. غفاری هنجین، زاهد، بیگی‌نیا، عبدالرضا، و تصمیم‌قطعی، اکرم (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *مجله دانش سیاسی*، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲): ۲۰۷-۲۴۰.
۲۰. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «فرهنگ یاریگری در ایران؛ درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون»، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاه.
۲۱. فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، چ ۱، تهران: کویر.
۲۲. هاشمی، سید ضیاء، فولادیان، مجید، و فاطمی امین، زینب (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷): ۱۹۹-۲۲۶.
۲۳. هوشنگی، حمید، و جعفرپور، رشید (۱۳۹۱)، «ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۲، شماره ۲: ۶۱-۷۵.
24. Hong, Yahhuei, and Colin, Trisha T. (2017), "The impact of political socialization on people's online and offline political participation – taking the youth of singapore as an example, advances", *Journalism and Communication*, No. 5: 30-70.
25. Lipset, Seymour Martin (1976), *Political Man*, Heinemann Educational Book Ltd, Eighth Published in Great Britain.
26. Nahapiet, J., and Ghoshal, S. (1998), "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage", *Academy of Management Review*, Vol. 23, No. 2: 242-266.
27. Putnam, R. (2000), *Bowling Alon: the Collapse and Revival of American Community* simon and Schuster, New York : Simon & Schuster, Social capital Gateway, <http://bowlingalone.com/> Twitter logo Facebook logo.
28. Skoric, Marko M., and Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer- Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2: 414-433
29. Suh, Hyungjun (2020), *Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political Development, and Economic Inequality*. University of Arizona.
30. Ugwa, Oko and Mgbo, Oguud Felicia (2010), "The Impact Of Political Sociolization on Political Participation a Nigerian View", *Continental Journal Social Sciences*, Vol. 3: 44-49.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۶۵-۱۰۰  
مقاله علمی پژوهشی

## گونه‌شناسی معماری مساجد بازار تاریخی کاشان

حمیدرضا جیحانی\*

ثمینه صابری\*\*

### چکیده

بازار کاشان دربردارنده یازده مسجد تاریخی است. این مساجد در کنار بناها و مجموعه‌های دیگر، بخش‌های مهمی از پیکره بازار را تشکیل می‌دهند؛ و علاوه بر این در شکل‌گیری هویت بازار نیز نقش دارند. از این رو شناخت مساجد از جمله الگو و نحوه شکل‌گیری‌شان و جایگاهی که از آن برخوردارند، از اهمیت برخوردار است و به شناخت دقیق‌تر بازار کاشان منجر می‌شود. همانند سایر عناصر تاریخی شهرها، این مساجد نیز تغییر کرده‌اند و گاه بخش‌هایی از آن‌ها از بین رفته و یا پس از تخریب به صورت جدیدی بازسازی شده‌اند. در این مطالعه، شناخت الگوها و نحوه کنارهم قرارگیری اجزا و فضاهای اصلی مساجد مدنظر است. لذا هدف این پژوهش شناخت و دسته‌بندی مساجد بازار کاشان است. در این راستا سه سؤال اصلی قابل طرح است: مهم‌ترین فضاهای مساجد بازار کاشان کدام‌اند؟ این مساجد دچار چه تغییراتی شده‌اند و از نظر کالبدی فضایی چه انواعی را شامل می‌شوند؟ این مطالعه به روش توصیفی تاریخی و همراه با پیمایش‌های میدانی صورت گرفته و تلاش شده تا طرح و ترکیب مساجد با یکدیگر مقایسه شوند. مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهند که بازار کاشان عمدتاً و بلااستثنا شامل مساجد شبستانی است و هیچ‌کدام از مساجد یادشده فضاهای گنبدخانه و ایوان ندارند. این در صورتی است که نمونه‌های مهمی همچون مسجد جامع، مسجد میرعماد و مسجد وزیر در کاشان دربردارنده دو فضای مهم گنبدخانه و ایوان هستند. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که مساجد بازار تاریخی کاشان را می‌توان به دو گونه شبستانی بدون صحن و شبستانی با صحن تقسیم‌بندی کرد. علاوه بر این، مساجد شبستانی دارای صحن را نیز می‌توان در دو دسته جای داد: نخست، آن‌هایی که دارای صحن یا حیاطی دارای تشخیص فضایی هستند و دوم آن‌هایی که حیاط در آن‌ها طرح یا جایگاه خاصی ندارد و صرفاً شامل فضاهای باز بدون شکل و تشخیص است.

**کلیدواژه‌ها:** کاشان، بازار تاریخی، مسجد تاریخی، گونه‌شناسی.

گونه‌شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان

\* دانشیار مرکز مستندنگاری، گروه مطالعات معماری و مرمت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران / h\_jayhani@sbu.ac.ir  
\*\* کارشناسی ارشد، گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / samineh.saberi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۸



## ۱. مقدمه

عناصر تاریخی شهرها همواره نشان‌دهنده هویت و شناسنامه فرهنگی یک شهر بوده‌اند؛ عناصری مانند مسجد جامع، بازار، میداين و مرکز محله‌ها که اغلب رخدادهای اجتماعی و اقتصادی نیز در بستر آن‌ها شکل گرفته‌اند. امروزه بیشتر این عناصر در مواجهه با تغییرات شهری، به دلیل بی‌توجهی در معرض تخریب و نابودی هستند. یکی از شاخص‌ترین این عناصر بازارها هستند، بازار در شهرهای ایرانی-اسلامی، به مثابه یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری و عناصر عملکردی قلمداد می‌شود و همواره به عنوان ستون فقرات شهر عمل کرده است.<sup>۱</sup> بازار در ساختمان و بافت شهری ما بنیادی است اقتصادی، و نهادی است اجتماعی، و میراثی است فرهنگی و به‌ویژه بازتابی است از هنر معماری در برابر شرایط و مقتضیات اقلیمی و جغرافیایی ایران. بازار به حقیقت مکانی بوده و است که مسائل زندگی انسانی از تولید تا پخش و توزیع و مصرف، از دادوستد ساده تا سیاست و مذهب، در زیر سقف آن مطرح است (وديعی، ۱۳۵۱: ۱۰-۱۱). عموماً بازارها از دو راسته دکان در مقابل یکدیگر تشکیل شده‌اند که غالباً سقفی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد؛ بناهایی از قبیل کاروان‌سرا، تیمچه، دربند، چهارسوق، مسجد، مدرسه، آب‌انبار و مانند آن‌ها از ملحقات بازار به شمار می‌آیند (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۴-۵). در واقع بناهای مذهبی، آموزشی و رفاهی مانند مساجد، تکایا، مدارس، حمام‌ها، دارالشفاء، قهوه‌خانه، خوراک‌پزی، آب‌انبار و سقاخانه در عمل کامل‌کننده محله تجاری-اجتماعی بازار هستند و به تناسب نیاز در محل‌های خاصی جای گرفته‌اند. در این میان، محل مسجد به دلیل مقدم بودن وظایف مذهبی مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. وجود مسجد برای بازار آنچنان حائز اهمیت است که مردم متعلق به حرفه‌های خاص و اصناف مختلف، اغلب برای خود، مسجدی جداگانه در بازار می‌سازند و این مساجد معمولاً در طول راسته بازارهای هر صنف، جایی که مغازه‌های سازندگان مسجد آن را اشغال کرده‌اند ساخته می‌شود؛ مثلاً مسجد کفاشان در طول راسته کفاشان جای گرفته است.<sup>۲</sup>

بازار کاشان از مهم‌ترین آثار تاریخی و دیدنی این شهر است؛ این مجموعه نیز شامل عناصری نظیر تیمچه‌ها، سراها، مساجد و زیارتگاه‌هاست.<sup>۳</sup> این بازار دارای یازده مسجد است که تاکنون مورد بررسی علمی قرار نگرفته‌اند و در کنار سایر عناصر بازار، بعضاً در طول تاریخ دچار تغییر و آسیب شده‌اند. مسجد طمقاجی‌ها (عبدالباقی) یکی از این مساجد است که با احداث خیابان باب‌الحوایج دچار آسیب شده است؛ همچنین مسجد میانچال دچار دخل و تصرفات

عمده‌ای شده است و شکل کنونی آن با تصویر تاریخی این مسجد تفاوت‌های بسیاری دارد. با آسیب‌های وارد شده به این مساجد در واقع به شکل اولیه و اصیل بازار به‌عنوان یک ساخت فضایی کهن آسیب وارد شده است که بخشی از هویت تاریخی شهر محسوب می‌شود و شناخت آن و عناصر مرتبط با آن می‌تواند درک ما را از شهر تاریخی افزایش دهد. در نتیجه هدف این پژوهش بررسی، دسته‌بندی و شناخت مساجد بازار کاشان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر بازار است. بدین منظور سه سؤال اصلی در این تحقیق مطرح است: مهم‌ترین اندام‌های فضایی مساجد بازار کاشان کدام‌اند؟ این مساجد دچار چه تغییراتی شده‌اند؟ و گونه‌شناسی آن‌ها چگونه است؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

اگرچه مطالعه درباره مساجد محدود نبوده، تاکنون مطالعه‌ای به‌طور خاص درباره گونه‌شناسی مساجد بازار صورت نگرفته است. تنها در مقاله «تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز» که در آن ۴۰ نمونه از مساجد تاریخی شهر تبریز بررسی شده‌اند، تأکید شده تمرکز عمده این مساجد در بازار این شهر است (معماریان و همکاران، ۱۳۹۶). از تحقیقات انجام شده درباره گونه‌شناسی مساجد به مقاله گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران می‌توان اشاره کرد که در آن مساجد منطقه کردستان معرفی و بر اساس اجزای فضایی، گونه‌شناسی شده‌اند (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). در مطالعه‌ای دیگر، گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجار تا معاصر صورت گرفته است که نویسندگان در آن به شناسایی ساختار شکلی فضایی مساجد بلوچستان و معرفی گونه‌های برآمده از این تحلیل شکلی فضایی پرداخته‌اند (پاسیان‌خمیری و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین در مقاله «گونه‌شناسی معماری مساجد محله‌ای شهر سنندج در دوره قاجار، شناخت ویژگی‌های فضایی - کالبدی این بناها و گونه‌شناسی آن‌ها آمده است (زارعی، ۱۳۹۴). در این میان، در مقاله مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار نیز که در آن به شناخت ویژگی‌های کالبدی و فضایی مساجد شهر بوشهر در دوره قاجار پرداخته شده، گونه‌شناسی این مساجد نیز صورت گرفته است (نژادابراهیمی و مرادزاده، ۱۳۹۷)، و در یک مطالعه دیگر، بالالی‌اسکویی و همکاران (۱۳۹۹) پس از بررسی مساجد اصفهان در عصر صفوی، به گونه‌شناسی این مساجد بر اساس اندام‌های بنیادین پرداخته‌اند.

گونه‌شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان

آنچه در این میان حائز اهمیت است، پرداختن محدود مطالعات علمی به شناخت و دسته‌بندی مساجد کاشان است. درباره این مساجد تنها به مطالعات پتروچلی ( Petruccioli,

2018) می‌توان اشاره کرد که در آن روند گونه‌شناسانه بناهای مذهبی کاشان مورد بحث قرار گرفته است و بر مبنای عناصری مانند شبستان و ایوان، گونه‌هایی برای مساجد کاشان تعریف شده‌اند.

## ۲-۱. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی، تاریخی - تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات هرکدام از مساجد بازار، ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نظیر کتب، متون تاریخی، مقالات و اسناد، بررسی، گردآوری و توصیف شده است. سپس با توجه به مطالعات میدانی، نقشه‌ها و تصاویر هوایی، اندام‌های فضایی این مساجد مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. در نتیجه و با توجه به اندام‌های فضایی، به منظور شناخت مساجد بازار کاشان گونه‌شناسی و دسته‌بندی این مساجد صورت پذیرفته است.

## ۲. مبانی نظری

راپاپورت گونه‌شناسی را تلاشی می‌داند برای قرار دادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی (ذاکر حقیقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در واقع در ابتدایی‌ترین لایه‌های معنای گونه‌شناسی، تلاش بر شناخت، دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات مورد مطالعه است که برحسب ویژگی‌های مشترک، که معمولاً معطوف به ویژگی‌های شکلی اثر است، انجام می‌شود (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). گونه‌شناسی شکلی عمومی‌ترین نوع گونه‌شناسی در بیشتر پژوهش‌هایی است که روی سبک‌های معاصر و گونه‌شناسی آثار تاریخی صورت گرفته است؛ این گونه‌شناسی یک بنا را به لحاظ عناصر شکلی و کالبدی آن مورد تحلیل قرار می‌دهد و گرایش‌ها و دسته‌بندی‌های آن بر مبنای تفاوت‌ها و شباهت‌های عناصر کالبدی است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). اندام‌های معماری به معنای اجزای کالبدی سازنده معماری را می‌توان بر چهار دسته «اندام‌های فضایی»، «اندام‌های سازه‌ای و ساخت‌مایه‌ها»، «اندام‌های نما» و «اندام‌های آرایه‌ای و تزئیناتی» تقسیم‌بندی کرد که در تناسب با دیدگاه محقق در گونه‌شناسی می‌توانند تعریف و طبقه‌بندی شوند. در این میان این نکته قابل توجه است که هرکدام از این اندام‌ها در واقع ما را به یک لایه شناختی عمیق‌تر راهنمایی می‌کنند. به بیانی دیگر در یک گونه معماری، در پس اندام‌های کالبدی، یکسری نقشه‌های معنایی - کالبدی پنهان است که «طرح‌واره» نامیده می‌شوند. در واقع طرح‌واره یک «واسط» است که مفاهیم را به زبان معماری ترجمه می‌کند و معمار با اندام‌ها و اجزای معماری آن را تحقق



می‌بخشد. برای مثال طرح‌واره فعالیت‌های روزانه، از ابتدایی‌ترین و دیرینه‌ترین طرح‌واره‌هاست که به دنبال پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت و فعالیت‌های انسان در ظرف معماری است (معماریان و دهقانی تفتی، ۱۳۹۷: ۳۰-۳۱).

گونه‌شناسی شکلی این پژوهش بر مبنای اندام فضایی مساجد یعنی شبستان، گنبدخانه، صحن و ایوان صورت خواهد گرفت؛ عناصر یادشده عناصری هستند که به منظور شناخت مساجد، اغلب گونه‌شناسی‌های این حوزه در خصوص آن‌ها شکل گرفته‌اند؛ پیرنیا (۱۳۹۰: ۲۶۰) مساجد ایرانی را به انواع شبستان ستون‌دار، گنبدخانه‌ای، ایوان‌دار و ایوان‌دار با گنبدخانه (گاه همراه با تنبی) تقسیم می‌کند. هیلن برنند نیز الگوی شکلی مساجد را به پنج گونه شبستانی، تک‌ایوانی، دویوانی، چهارایوانی و گنبددار تقسیم‌بندی می‌کند (نژادابراهیمی و مرادزاده، ۱۳۹۷: ۸۹). همچنین صارمی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۶) در پژوهش خود، برای شناسایی مساجد سراسر جهان، چهار الگوی مسجد با شبستان ستون‌دار، مسجد با شبستان ایوان‌دار، مسجد با شبستان ایوان‌دار و گنبدخانه پشت ایوان و مسجد دارای گنبدخانه میانی را تعریف کرده‌اند. در عین حال همان گونه که اشاره شد، از مفاهیمی که به شکل‌گیری معماری مساجد منجر شده‌اند نمی‌توان چشم پوشید. در کنار کاربرد مساجد برای امور مذهبی و عبادت، از ابتدا این فضاها کاربردهایی به منظور آموزش و تحصیل، دادرسی و سیاست نیز داشته‌اند (هیلن‌برنند، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۱). یکی از شاخص‌ترین این کاربردها، کاربری و نیاز آموزشی است که در کالبد مساجد نیز تأثیرگذار بوده است. اضافه شدن حجره طلاب به مساجد در راستای پاسخ‌گویی به همین نیاز آموزشی بوده است. استفاده از صحن مساجد برای مراسمی نظیر تعزیه نیز نمونه دیگری از پاسخ‌گویی مساجد به نیازی جدای از نیازهای عبادی مانند نماز است که بعضاً نیز در کالبد مساجد تأثیرگذار بوده است (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹: ۶۹).

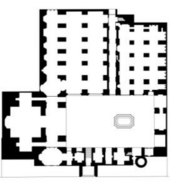
### ۳. مساجد کاشان و مهم‌ترین اندام‌های فضایی آن‌ها

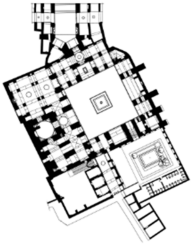
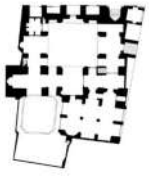

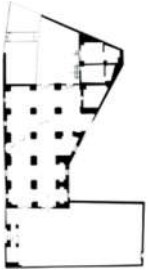
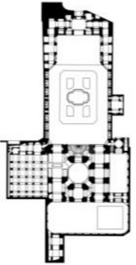
در گذشته در همه آبادی‌ها و شهرهای کهن، شاخص‌ترین ساختمان، نیایشگاه بوده است. پس از اسلام هم مهم‌ترین ساختمان شهر، مسجدها بودند (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۲۵۰). در کاشان مسجد جامع، کهن‌سال‌ترین بنای تاریخی شهر به شمار می‌رود. با توجه به کتیبه سه‌سطری پایین مناره آن که با آجر و به صورت برجسته ساخته شده است و تاریخ ۴۶۶ق را نشان می‌دهد، این مسجد را از بناهای دوره سلجوقی می‌دانند؛ هرچند که به دلیل خرابی‌ها و مرمت‌های متعدد در این بنا نمی‌توان شکل امروزی آن را به یک دوره مشخص تاریخی نسبت داد (نراقی، ۱۳۴۸: ۱۱۳-۱۲۰).

در کنار بنای مسجد جامع که قدیمی‌ترین مسجد شهر کاشان محسوب می‌شود، در طی سال‌ها با شکل‌گیری محله‌های مختلف شهر، مساجد نیز در کنار فضاها، مسکونی، حمام‌ها، آب‌انبارها و بازارچه‌ها ساخته شده‌اند. از شاخص‌ترین این مساجد می‌توان به مسجدهای پیرچراغ، حبیب‌موسی، وزیر و آقابزرگ اشاره کرد. همچنین یکی دیگر از مساجد شاخص کاشان مسجد میدان یا مسجد عمادی است. مسجد میدان به‌عنوان یک مسجد جامع جدید با فاصله تقریبی یک کیلومتر نسبت به جامع قدیم احداث شده است (بیرشک، ۱۳۷۵: ج ۳، ۳۹۰؛ همو، ۱۳۹۹: ۱۴۶).

در این میان، پیرامون بازار به‌عنوان یکی از شریان‌های اصلی و حیاتی شهر نیز عناصر مهمی نظیر آب‌انبار، حمام و مساجد شکل گرفته‌اند. پیرامون بازار کاشان یازده مسجد می‌توان سراغ گرفت که در این پژوهش بررسی خواهند شد. هدف از این بررسی به‌نوعی دسته‌بندی و شناخت مساجد بازار کاشان با توجه به مهم‌ترین اندام‌های فضایی تشکیل‌دهنده آن‌هاست. بدین منظور با توجه به شش مسجد شاخص کاشان که بدان‌ها اشاره شد، ابتدا مهم‌ترین اندام‌های فضایی مساجد کاشان مشخص شدند (جدول ۱). همان‌گونه که در بررسی‌های صورت گرفته در جدول (۱) دیده می‌شود، شبستان و صحن، اندام‌های فضایی هستند که در هر شش مسجد شاخص انتخاب شده وجود دارند. همه این مساجد به‌جز مسجد پیرچراغ، ایوان دارند و به‌جز مسجد پیرچراغ و وزیر، چهار مسجد جامع، میرعماد، حبیب‌موسی و آقابزرگ گنبدخانه دارند. در این میان، تنها مسجد آقابزرگ دارای کاربری مدرسه نیز هست و حجره دارد. در نتیجه عناصری مانند شبستان، صحن، ایوان، گنبدخانه و حجره در شش مسجد یادشده مورد استفاده قرار گرفته‌اند و می‌توان آن‌ها را از اندام‌های فضایی شاخص مساجد کاشان برشمرد.

جدول ۱: مشخصات ۶ مسجد شاخص کاشان

نام مسجد	قدمت	شبستان	صحن	ایوان	گنبدخانه	حجره	پلان
جامع	سلجوقی	*	*	*	*	-	

	-	*	*	*	*	قرن نهم قمری	میر عماد
	-	-	*	*	*	صفوی	وزیر
	-	*	*	*	*	صفوی و قاجاری	حبیب موسی
	-	-	-	*	*	قاجاری	پیر چراغ
	*	*	*	*	*	قاجاری	آقا

#### ۴. بازار کاشان

ثریا بیرشک (۱۳۷۵: ج ۳، ۳۸۳-۳۸۴) شروع و رشد نوار بازار کاشان را در جنوب محدوده مسجد جامع می‌داند؛ بازار شهر اولیه که احتمالاً در محل تقریبی بازار پانخل امروزی واقع بوده و در ضلع جنوبی میدان کهنه ویا در حوالی جنوبی آن قرار داشته است. وی معتقد است وجود امامزاده قاسم بن موسی بن جعفر(ع) در ابتدای این بازار که به زیارت پانخل معروف می‌باشد، حدود شهر اولیه را می‌نمایاند. طبق مطالعات وی توسعه فیزیکی شهر کاشان بعد از سال‌های اولیه اسلام بیشتر در تداوم راه‌هایی به طرف شرق و جنوب شهر صورت گرفته است. در نتیجه حرکت و رشد بازار نیز به همین صورت بوده است. طبق بررسی‌های بیرشک، بازار شهر در دوران آل‌بویه شامل بازارچه‌هایی می‌شود که امروزه به نام‌های پانخل، گذر نو، زرگرها، درب‌زن‌جیر و میانچال شناخته می‌شوند. هرکدام از بازارچه‌های یادشده در کنار عناصری مانند حمام، آب‌انبار و امامزاده دارای مساجدی نیز هستند؛ مسجد پانخل در بازارچه پانخل قرار گرفته که به واسطه احداث خیابان باباافضل از مجموعه بازار منفک شده است. مسجد گذر نو در بازارچه گذر نو و مسجد مهدیه نیز در بازارچه زرگرها واقع شده است. همچنین مساجد درب‌زن‌جیر و کفش‌دوزها در بازارچه درب‌زن‌جیر قرار گرفته‌اند و مسجد مدرسه میانچال در شمال بازارچه میانچال واقع شده است.

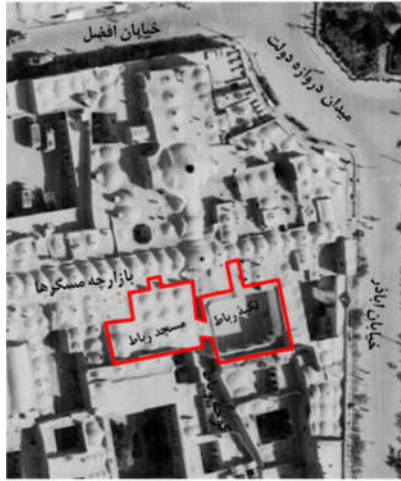
بعد از دوره آل‌بویه و در زمان سلجوقیان راسته اصلی بازار از چهارسوق میانچال به طرف شرق ادامه یافته و تا میدان جدید شهر یعنی میدان سنگ پیش رفته است (بیرشک، ۱۳۷۵: ج ۳، ۳۹۰). فاصله میان چهارسوق یادشده تا میدان سنگ، امروزه به عنوان بازارچه قیصریه شناخته می‌شود و عناصر شاخصی مانند تیمچه امین‌الدوله، کاروان‌سراهای بخشی و گمرک پیرامون آن سازمان یافته‌اند. در این فاصله مساجد تبریزی‌ها، بالابازار، طمقاجی‌ها (عبدالباقی) و طمقاجی‌ها ساخته شده‌اند. در ادامه بازارچه قیصریه و در فاصله میان میدان سنگ تا میدان دروازه دولت نیز، بخش انتهایی بازار یعنی بازارچه مسگرها قرار گرفته که در زمان صفویان به شهر اضافه شده است؛ کاروان‌سراهای میرپنج و ذغالی‌ها از شاخص‌ترین عناصر این بازارچه هستند و تنها مسجد این بازارچه، مسجد رباط است (تصویر ۱).

با توجه به مطالب بیان‌شده، بازار امروزی کاشان احتمالاً در دوران آل‌بویه شکل گرفته و در دوران صفویان استخوان‌بندی آن تکمیل شده است. در عین حال این نکته قابل اشاره است که اگرچه این بازار و آثار آن طبق مطالعات صورت‌گرفته دارای هسته‌های کهن تری هستند، قدمت



بر طبق مطالعات پرونده ثبتی این بناها، کتیبه و سندی وجود ندارد که تاریخ احداث آن‌ها را مشخص کند، و مردم محلی آن‌ها را متعلق به حدود ۱۵۰ سال قبل می‌دانند. همچنین گفته می‌شود به همت پهلوان اکبر رباطی، این دو بنا ساخته شده‌اند و اکنون نیز به نام او خوانده می‌شوند.<sup>۴</sup> در کنار موارد یادشده، قابل ذکر است که به نام مسجد رباط در قدیمی‌ترین کتاب نگارش شده‌ی زمان قاجار در مورد کاشان، یعنی *مرآت القاسان* نیز اشاره شده است. کلانترضرابی (۱۳۷۸: ۹۶-۹۷) در معرفی قنات میرباقر یادآور می‌شود که این قنات محلات دروازه ملک‌آباد، محلات پنجه‌شاه و میدان‌کهنه، کوچه‌های باشیه، شیشه، تبریزی‌ها و دمغچی‌ها و مساجد حاجی محمدحسین، میدان و رباط را تماماً مشروب می‌سازد. از سوی دیگر این نکته قابل اشاره است که در وقف‌نامه سید رکن‌الدین حسینی یزدی که از بزرگان یزد در اوایل قرن هشتم بوده، به خانقاه و رباطی اشاره شده که خارج از دروازه بازار کاشان ساخته شده‌اند (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۱: ۷-۶). این خانقاه و رباط در بازار مسگرها و نزدیک مسجد عمادی قرار داشته، یعنی در مکانی که امروزه کوچه رباط قرار گرفته است (نراقی، ۱۳۴۵: ۹۱)؛ مسجد و حسینیه رباط در دو سمت همین کوچه تاریخی و جنوب بازارچه مسگرها ساخته شده‌اند.

بناهای یادشده هم از کوچه رباط و هم از راسته بازار مسگرها دارای ورودی هستند. اما ورودی اصلی مسجد مستقیماً به بازار مسگرها گشوده می‌شود. میان این دو بنا و بازار مسگرها یک ردیف حجره قرار گرفته است. مسجد رباط به صورت شبستانی ساخته شده و فاقد صحن است. با توجه به این نکته که ساختن تکایا در زمان سلاطین قاجار رونق یافته (امین‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۰) و در صورتی که مسجد دارای هسته‌های کهن تری باشد، می‌توان تاریخ ساخت تکیه رباط را بعد از تاریخ ساخت مسجد دانست. همچنین می‌توان احتمال داد که زمانی این قسمت، صحن مسجد بوده است. در عین حال همان گونه که اشاره شد، امروزه این مسجد فاقد صحن است. محراب مسجد مقرنس‌کاری مختصری دارد و بنا به جز آجرکاری‌های پوشش زیر سقف، تزیینات خاص دیگری ندارد. این مسجد دارای یک قسمت الحاقی در بخش جنوبی است که سقفی پوشیده شده با تیر آهن دارد. این بخش در حدود نیم قرن اخیر به فضای مسجد اضافه شده است؛ گفته می‌شود تا پیش از زمان یادشده، مسجد یا بخشی از آن کاربری انبار داشته و پیش از تغییرات یادشده برای برگزاری نماز از آن استفاده نمی‌شده است. این نکته قابل توجه است که حسینیه رباط پس از تخریب بنای قدیمی تری که تکیه بوده ساخته شده و تقریباً بنایی نوساز محسوب می‌شود (تصویر ۲).



۱۳۳۵



وضع موجود



شهبستان مسجد    بخش الحاق شده به شهبستان مسجد    فضای تازه ساخته شده حسینیة



شهبستان مسجد



ورودی مسجد از بازارچه مسگرها

گونه‌شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان

تصویر ۲: مسجد رباط

### ۲-۵. مسجد میدان (عمادی)

گاه بنای این مسجد را متعلق به نیمه اول سده هفتم هجری قمری معرفی می‌کنند که بر اثر ویرانی‌های عهد مغول بعدها توسط خواجه عمادالدین محمود مرمت و تجدید بنا شده است.<sup>۵</sup> این انتصاب معمولاً با توجه به کتیبه محراب مسجد صورت می‌گیرد که ساخت آن توسط حسن بن عرشاه به سال ۶۲۳ق بازمی‌گردد. محراب یادشده اکنون در موزه اسلامی برلن نگهداری می‌شود (نراقی، ۱۳۷۴: ۱۵۰). در عین حال پژوهشگران بی‌شماری همچون گلمبک و ویلبر (۱۳۷۴: ۵۵۵) یادآور شده‌اند در تمام مسجد حتی یک ساختار منفرد که بتوان آن را به محراب زرین فام سلجوقی مربوط دانست وجود ندارد. به احتمال بسیار زیاد محراب مزبور مربوط به بنای دیگری بوده و بعدها به مسجد میدان آورده شده است.

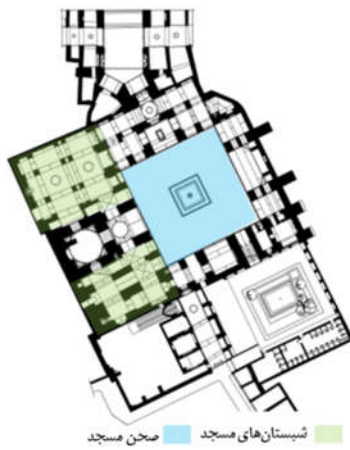
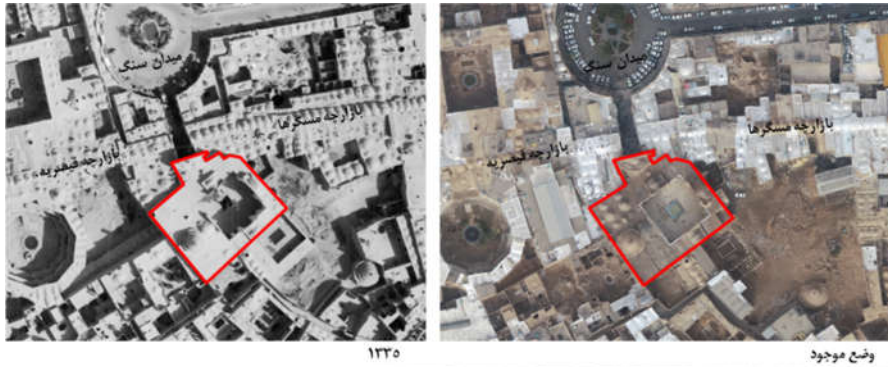
مسجد در جنوب میدان سنگ (میرعماد) ساخته شده و ورودی و دسترسی اصلی به آن از سوی همین میدان است. در کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌های این مسجد فرمان‌های مهم و مقررات وضع شده توسط حکومت قابل مشاهده است. مسجد منبر تمام کاشی معرق و همچنین در چوبی با تزئینات میخ‌کوبی و کنده‌کاری شده دارد. همچنین یک سنگ‌آب بزرگ پایه‌دار که از یک تخته سنگ تراشیده شده است در هشتی مسجد و مقابل ورودی قرار دارد. نکته قابل توجه قرینه‌سازی دو درگاه ورودی مزین به مقرنس‌های مفصلی است که ساختاری یکپارچه پیدا کرده‌اند. این قرینه‌سازی و زاویه میان دو درگاه واقع در زیر یک سردر مفصل آن موجب شده انحراف بنا نسبت به محور جلوخان و میدان مقابل به‌شکلی غیرمحسوس برطرف شود. این مسجد دارای دو شبستان متصل به هم در شمال غربی و جنوب غربی است؛ و علاوه بر این یک صحن وسیع دارد، یک گنبدخانه و چهار ایوان نیز دارد (تصویر ۳).

### ۳-۵. مسجد طمقاچی‌ها

مسجد طمقاچی‌ها بنای کوچکی است که در شمال راسته بالازار و در جنوب غربی کاروان‌سرای گمرک و همچنین در جداره شرقی بخش باقی‌مانده گذر تاریخی طمقاچی‌ها قرار گرفته است. بخش عمده گذر یادشده که در شمال بازار قرار داشته و ارتباط‌دهنده میان بازار و محله طمقاچی‌ها بوده از بین رفته و به قسمتی از خیابان باب‌الحوائح تبدیل شده است (جیحانی و صابری، ۱۳۹۸: ۷۰). نام مسجد برگرفته از نام محله و گذر طمقاچی‌هاست؛ اما در مورد قدمت آن اطلاعاتی در دست نیست. مسجد، شبستانی و فاقد صحن است. در قسمت شرقی شبستان یک نیم‌طبقه ایجاد شده است و از آن به‌عنوان شبستان بانوان بهره می‌گیرند. محراب مسجد به‌تازگی کاشی‌کاری شده و



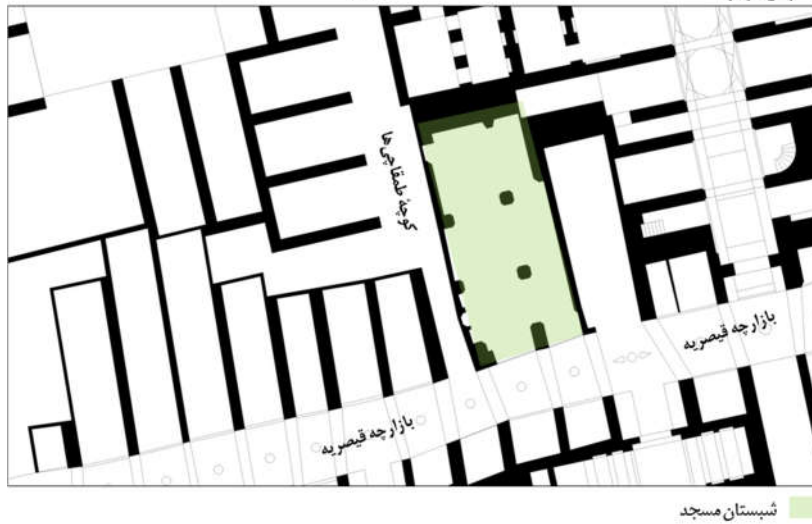
دورتادور آن نیز کنیبه‌ای قرار گرفته که سوره قدر روی آن نگاشته شده است؛ ازاره این محراب نیز از سنگ مرمر است. مسجد دو ورودی از راسته بالابازار و یک ورودی از کوچه طمقاچی‌ها دارد (تصویر ۴).



ورودی مسجد از میدان سنگ

تصویر ۳: مسجد میدان

گونه‌شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان



شهبستان مسجد

تصویر ۴: مسجد طماچی ها

#### ۴.۵. مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی)

این مسجد در گذشته در شمال راسته بالابازار و جنوب بخش اصلی گذر طمقاچی‌ها و در حقیقت در میان دو محور یادشده قرار داشته است. پرونده ثبتی بنا آن را مربوط به اوایل دوره صفوی و حتی کمی قبل‌تر معرفی می‌کند. مسجد دارای دو شبستان تحتانی و فوقانی است. شبستان فوقانی جدید است و ساخت آن به حدود ۷۰ سال پیش بازمی‌گردد. مسجد دارای یک صحن است و سقف شبستان تحتانی به مهتابی شبستان فوقانی تبدیل شده است. قسمت شمالی مسجد در اثر احداث خیابان باب‌الحوائج تخریب شده و علاوه بر شبستان‌ها، صحن، پلکان و هشتی ورودی آن نیز تخریب شده‌اند. امروزه نحوه دسترسی به این مسجد به دلیل تحولات ذکرشده تغییر کرده و بدین منظور ساخت‌وسازهایی نیز در بخش شمالی آن صورت گرفته است.<sup>۷</sup> همچنین در بخش جنوبی صحن نیز ساخت‌وسازهایی انجام گرفته است (تصویر ۵).

#### ۵.۵. مسجد بالابازار

مسجد بالابازار در جنوب راسته بالابازار و همچنین در غرب حمام خان و شرق تیمچه بخشی واقع شده است. در پرونده ثبت مسجد در فهرست آثار ملی و با توجه به ترکیب اجزاء شبستان و شباهت آن‌ها با مساجد میانچال، طمقاچی‌ها و آقابرگ، قدمت بنا به دوره قاجار منتسب شده است.<sup>۷</sup> همچنین در نوشته‌های عبدالحسین سپهر (۱۳۵۵: ۴۳۸) که متعلق به اواخر دوران قاجار است، به این مسجد اشاره شده است.

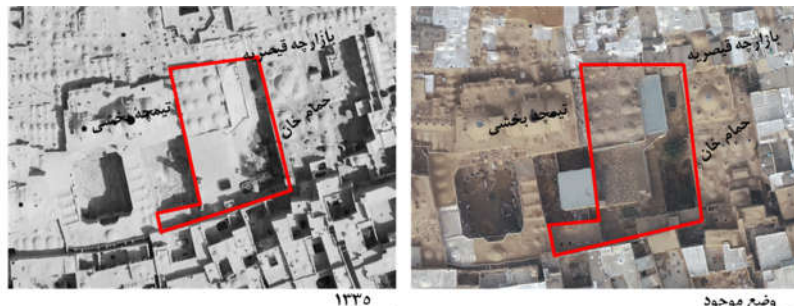
مسجد بالابازار که ورود به آن از راسته اصلی بازار میسر است، دارای دو شبستان است: یکی شبستان فوقانی که کف آن حدوداً هم‌تراز کف راسته است و دیگری شبستان تحتانی که تراز کف آن حدود ۶/۵ متر پایین‌تر از سطح کف راسته بالابازار است. ساخت این شبستان‌ها به گونه‌ای بوده است که دقیقاً روی یکدیگر قرار نگرفته‌اند؛ این موضوع موجب شده سقف شبستان تحتانی به مهتابی شبستان فوقانی تبدیل شود. برخلاف مسجد رباط، این مسجد دارای صحنی نامتقارن است؛ مسجد همچنین دارای سه بادگیر است که دو تای آن‌ها متعلق به شبستان فوقانی هستند و یکی متعلق به شبستان تحتانی است. مسجد بالابازار به‌غیر از آجرکاری سقف شبستان فوقانی که به شیوه‌های مختلف در آلت‌های رسمی ۸ و ۱۲ صورت گرفته‌اند، تزیینات خاص دیگری ندارد. از تغییراتی که در این مسجد به انجام رسیده می‌توان به حجره‌هایی اشاره کرد که حدوداً طی نیم‌قرن اخیر در قسمت جنوبی صحن ساخته شده‌اند. برخی از این فضاها به‌منظور کلاس و مکتب‌خانه طلاب علوم دینی استفاده می‌شوند و به مدرسه آیت‌الله امامی

اختصاص دارند (تصویر ۶).



تصویر ۵: مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی)





شهبستان فوقانی مسجد، دید به محراب



صحن مسجد، دید به مسجد

تصویر ۶: مسجد بالا بازار

گونه‌شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان



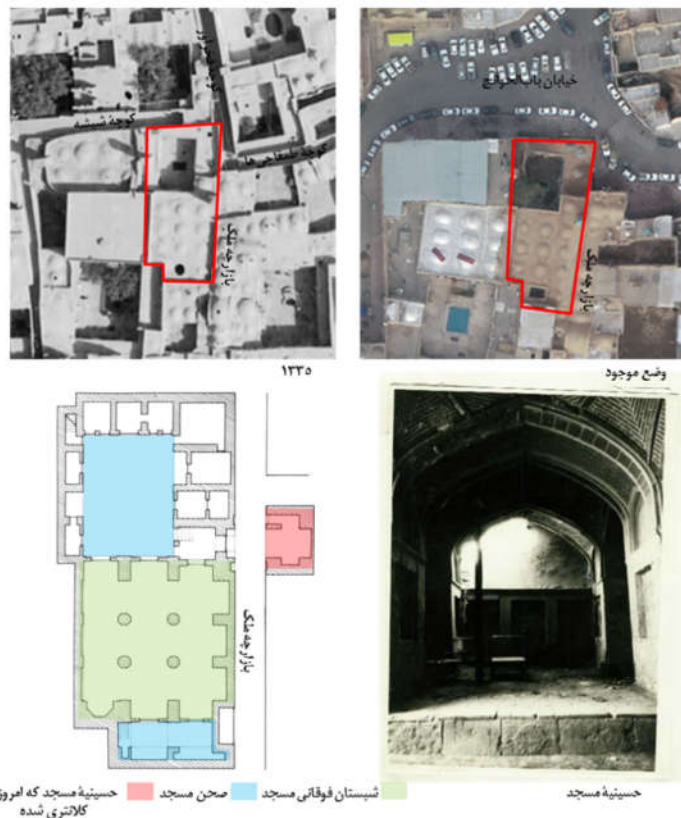
## ۶. مسجد تبریزی‌ها

این مسجد در مدخل بازارچه ملک که به راسته اصلی بازار اتصال دارد، قرار گرفته است؛ گفته می‌شود در محل مسجد فعلی، مسجد مخروبه قدیمی تری وجود داشته و حاجی محمدحسین تبریزی که یکی از بازرگانان دوره قاجار بوده، در سال ۱۲۱۲ق مسجد فعلی را بنا کرده است. بر روی قطعه سنگی که در بالای در ورودی قرار گرفته، نام بانی مسجد و تاریخ ساخت آن در پایان اشعار حاج میرمعصوم خاوری کوزه‌کنانی ذکر شده است (پرونده ثبتی مسجد تبریزی‌ها، ۱۳۵۳: ۴). کلانترضرابی (۱۳۷۸: ۴۲۵) این مسجد را از بناهای رفیعۀ عالیۀ کاشان معرفی می‌کند که حاجی محمدحسین ترک تبریزی در خلف مدرسه میان‌چال با گچ و آجر کاشی در نهایت خوبی ساخته است.

سردر مسجد تبریزی‌ها دارای چند ردیف مقرنس است و در زیر قطعه سنگی که نام بانی و تاریخ ساخت بنا روی آن آمده، کتیبه‌ای قرار دارد که شامل آیاتی از قرآن است. دو طرف در ورودی چوبی مسجد که به صورت کنده‌کاری است و طرح شبکه‌سازی دارد، با کاشی‌های خشتی الوان تزیین شده است. یک سنگ آب نیز در کنار ورودی مسجد و در جداره بازارچه ملک قرار گرفته است. هشتی مسجد نیز دارای کتیبه گچ‌بری شده است که در آن آیاتی از قرآن درج شده است. همچنین محراب مسجد دارای کتیبه‌هایی است که آیاتی از قرآن بر آن‌ها نگاشته شده و کاشی منقوش نیز دارد؛ قسمت فوقانی محراب نیز مقرنس‌کاری شده است. سطوح گچی این مقرنس‌ها و برخی جاهای دیگر با نقاشی تزیین شده است. از دیگر تزیینات این بنا می‌توان به کاشی‌کاری منقوش ازاره دیوارها و ستون‌ها اشاره کرد. در قسمت فوقانی ستون‌ها نیز آیاتی از قرآن نوشته شده است (نراقی، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

مسجد تبریزی‌ها دارای دو شبستان فوقانی و تحتانی است و شبستان فوقانی بر روی شبستان تحتانی ساخته شده است. صحن مسجد از کف هشتی و شبستان فوقانی حدود دو متر پایین‌تر است. بر چهار جانب شبستان فوقانی آیاتی از قرآن نوشته شده و لچکی‌های زیر کتیبه‌ها نیز مزین به نقش‌ونگار است. همچنین طاق‌های این شبستان تزیینات آجر و کاشی و رسمی‌سازی دارد. مسجد یک مأذنه نیز دارد. پیرامون صحن مسجد هشت اتاق قرار داشته است: سه اتاق در جبهه شرقی حیاط قرار گرفته‌اند که از یکی به عنوان نمازخانه‌ای کوچک استفاده می‌شود و دو فضای دیگر به سرویس بهداشتی تبدیل شده‌اند؛ اتاق‌های جبهه شمالی در دست تعمیر هستند. در جبهه غربی حیاط دو اتاق دیگر وجود دارند. این فضاها احتمالاً مربوط به زمانی هستند که مسجد دربردارنده مدرسه‌ای نیز بوده است و این حجره‌ها به منظور استفاده طلاب ساخته شده‌اند. یک

حیاط کوچک نیز در بخش جنوبی مسجد قرار گرفته است. این مسجد دارای یک حسینیه کوچک نیز بوده که به صورت یک تختگاه در مقابل ورودی بنا و در ضلع شرقی بازارچه ملک ساخته شده است. امروزه مسیر دسترسی به این حسینیه کوچک از طرف بازارچه ملک مسدود شده است و از آن به عنوان کلانتری بازار استفاده می شود. ورودی کلانتری از ضلع شمالی این فضا و از طرف خیابان باب الحوائج است (تصویر ۷).



تصویر ۷: مسجد تبریزی ها

گونه شناسی معماری  
مساجد بازار  
تاریخی کاشان

### ۷-۵. مسجد- مدرسه میانچال

بنای مسجد- مدرسه میانچال در بازارچه میانچال و شمال چهارسوق آن راسته واقع شده است. ورودی اصلی آن از سوی چهارسوق میانچال است. با توجه به اسلوب معماری، بنا از نوع مساجد عهد صفوی است، زیرا تنها شبستان آن را بر روی سقف آب‌انبار ساخته‌اند (نراقی، ۱۳۷۴: ۲۴۳). مسجد آب‌انبار معروفی داشته و کلانتر ضرابی یادآور (۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۴) شده که آب‌انبار یادشده به صورت مربع مستطیل ساخته شده و آب آن در سردی و گوارایی در حد کمال بوده است. ملا عبدالرسول مدنی کاشانی (۱۴۰۰: ۱۴۴-۱۴۷) که بعد از پدرش تولیت این مسجد- مدرسه را بر عهده داشته است، به مرمت بنای هشتصدساله در زمان پدر جد خود، ملا محمود و همچنین پدرش ملا محمد اشاره کرده است. طبق نوشته‌های وی، محمدحسین تبریزی، مسجد تبریزی‌ها را به منظور وسعت دادن به این مسجد ساخته و فاصله این دو مسجد یک اُرسی بوده است. بعدها تیغه‌امروزی بین این دو مسجد ساخته و دو بنا از هم جدا شده‌اند.

مسجد میانچال دارای دو صحن بوده: یکی صحن اصلی که حجره‌هایی نیز پیرامون آن قرار گرفته است و دیگری حیاطی بوده که در غرب شبستان واقع بوده و امروزه مسقف شده است. از عمده تغییرات این مسجد، آن‌هایی قابل ذکر هستند که در بخش مدرسه به انجام رسیده است. قسمت یادشده در طی دهه‌های اخیر تخریب شده و امروزه دارای ارتفاع و سقفی ناهماهنگ با محیط پیرامون است؛ همچنین در ضلع غربی صحن اصلی این مسجد یک ورودی جدید نیز در سال‌های اخیر ساخته شده است (تصویر ۸).

### ۸-۵ مسجد کفش‌دوزها

قدمت مسجد کفش‌دوزها در پرونده ثبتی بناو با توجه به معماری مسجد به دوره قاجار نسبت داده شده است.<sup>۸</sup> این مسجد در غرب راسته درب زنجیر (کفش‌دوزها) واقع شده است. مسجد یک شبستان دارد و با دو ورودی به راسته مجاور متصل می‌شود. از جمله تزیینات مسجد می‌توان به مقرنس‌کاری گچی محراب و همچنین به آجرکاری سقف‌ها اشاره کرد. بنا یک زیرزمین دارد که به شکل کامل در زیر طبقه همکف قرار نگرفته و لذا سقف این قسمت تبدیل به صحن مسجد شده است و البته شکل مقارنی هم ندارد. داخل زیرزمین فضای وضوخانه و سرویس‌های بهداشتی ساخته شده‌اند. به‌تازگی و طی مراحل مرمت زیرزمین مسجد مشخص شده که زیرزمین یادشده در واقع حوضخانه مسجد بوده است (تصویر ۹).







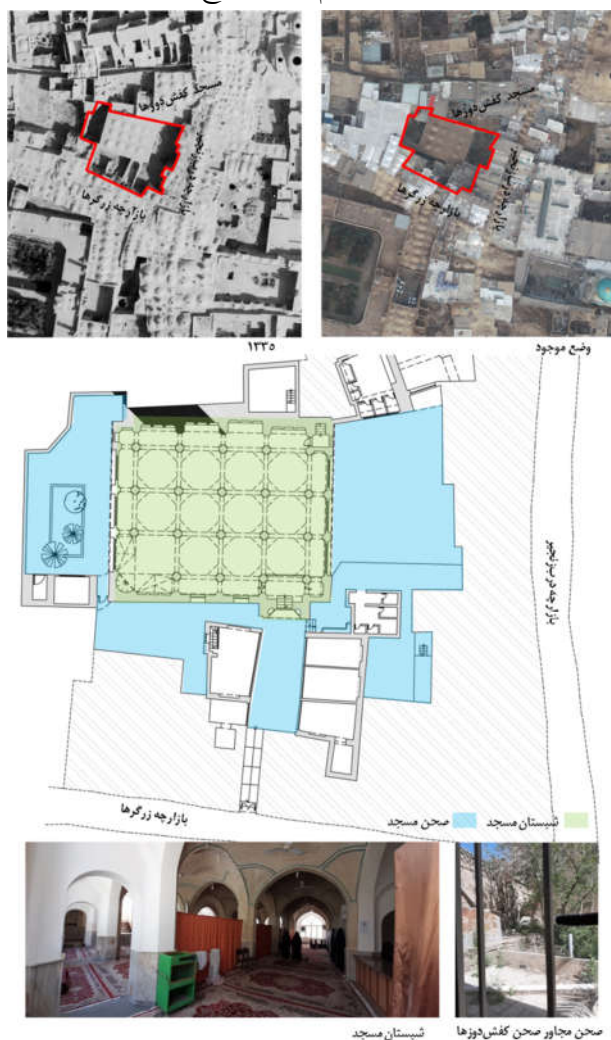
تصویر ۹: مسجد کفش دوزها

### ۹.۵. مسجد مهدیه

این مسجد در غرب راسته درب زنجیر (کفش دوزها) و شمال بازار زرگرها قرار گرفته است. از قدمت بنا اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. تنها در پرونده ثبتی بازار کاشان از این مسجد به عنوان یکی از بناهای مجاور بازار زرگرها که قدمت آن به دوران زندیه می رسد، یاد شده است. این مسجد

کاشان شناسی  
شماره ۲ (پایه ۲۹)  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

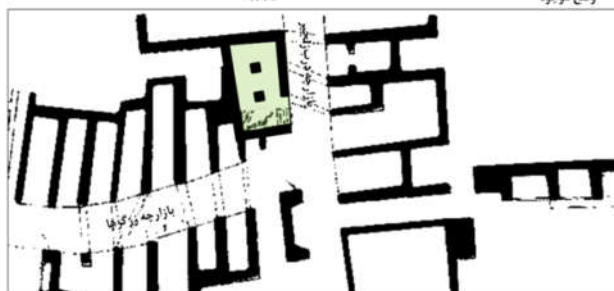
که ورودی آن از سوی بازار زرگرها است در نزدیکی<sup>۹</sup> مسجد کفش دوزها قرار دارد و در حقیقت متصل به آن است. یک صحن مسجد در غرب بنا و یک صحن دیگر در شرق آن قرار گرفته است. صحن شرقی در جنوب صحن مسجد کفش دوزها واقع شده است و تراز کف آن پایین تر از تراز صحن مسجد کفش دوزهاست. مسجد مهدیه یک شبستان دارد و سقف شبستان یادشده کمی بالاتر از تراز سقف زیرزمین مسجد کفش دوزهاست. دسترسی به بنا از طریق حیاط کوچکی میسر است که در جنوب مسجد قرار گرفته و به بازار زرگرها راه دارد. سه صحن ذکرشده این مسجد شکل های نامنظمی دارند. این مسجد امروزه به نام مسجد حاج حمزه شناخته می شود (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: مسجد مهدیه

### ۱۰۵. مسجد درب زنجیر

مسجد درب زنجیر در غرب راسته درب زنجیر و جنوب شرقی مسجد مهدیه قرار گرفته است، به نحوی که روبه روی زیارت درب زنجیر و نیز در ابتدای بازار زرگرها واقع شده است. سابقه راسته درب زنجیر را به دوره زندیه و پیش از آن مربوط می‌دانند (پرونده ثبتی بازار کاشان، ۱۳۵۵: ۱۶). با وجود این از سابقه این مسجد اطلاعات دقیقی در دست نیست. مسجد شبستانی و فاقد صحن است. و از طریق راسته درب زنجیر می‌توان وارد آن شد. مسجد پنج پله بالاتر از کف راسته واقع شده و از همین رو اهالی بازار به این آن، مسجد بالا نیز می‌گویند (تصویر ۱۱).



شبستان مسجد



شبستان مسجد، دید به محراب

ورودی مسجد از بازارچه درب زنجیر

تصویر ۱۱: مسجد درب زنجیر



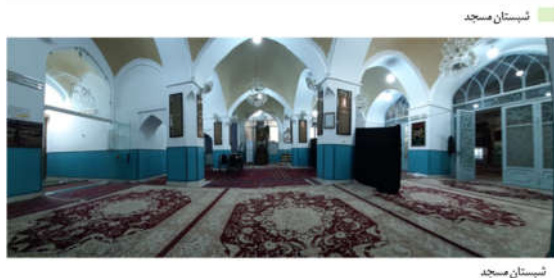
### ۱۱-۵. مسجد گذر نو

در منابع تاریخی دوران قاجار به مسجد گذر نو اشاره شده است (سپهر، ۱۳۵۵: ۴۳۸). حسن نراقی (۱۳۴۸: ۳۰۴) نیز این بنا را از ساخته‌های حاجی سید حسین عطار در دوره قاجار معرفی کرده است. این مسجد در شمال بازارچه گذر نو و شرق کوچه گذر نو قرار گرفته است. بنا یک ورودی از راسته بازار و یک ورودی نیز از معبر مجاور دارد. مسجد گذر نو یک شبستان دارد و فاقد صحن است. بنای شمالی مسجد حسینیه‌ای است که از ضلع شمالی شبستان مسجد نیز قابل دسترس است (تصویر ۱۲).

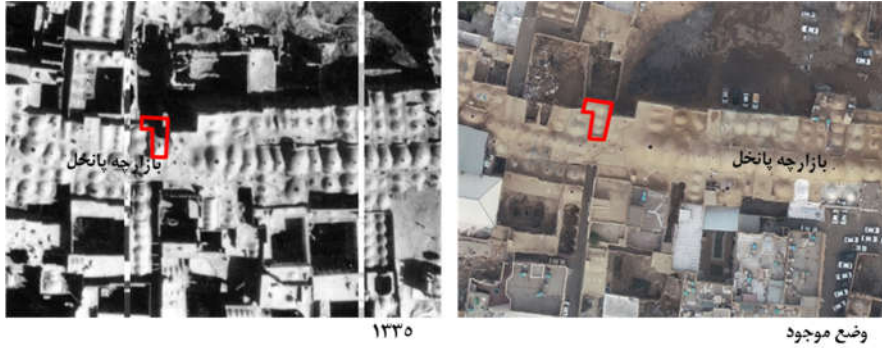


### ۱۲-۵. مسجد پانخل

اگرچه ممکن است هسته نخستین بازار کاشان در حوالی بازار پانخل باشد اما وضعیت فعلی راسته یادشده احتمالاً خیلی قدیمی نیست. در عین حال از قدمت مسجد پانخل نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست. این مسجد در شمال بازار پانخل قرار گرفته و ورودی آن نیز در بر همین راسته واقع شده است. این مسجد نیز از جمله مساجد شبستانی و فاقد صحن است. در عین حال مسجد بسیار ساده است و ستونی نیز ندارد. تزیینات خاصی در بنا مشاهده نمی‌شود (تصویر ۱۳).

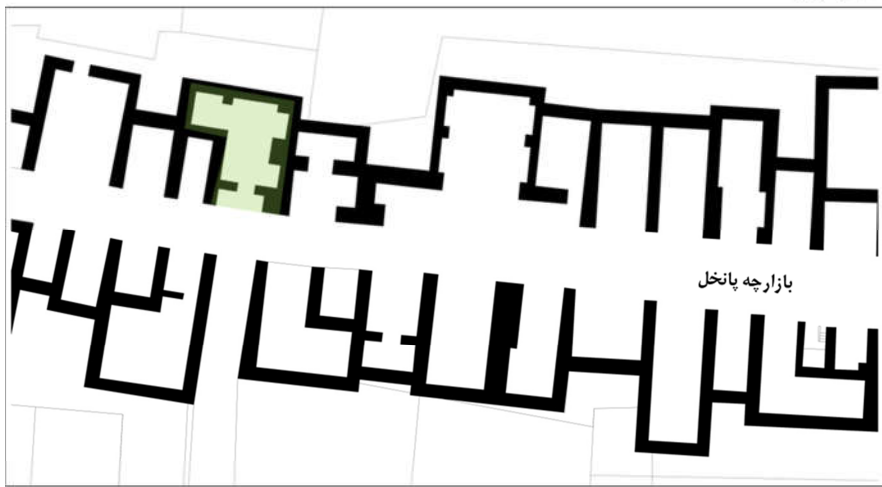


تصویر ۱۲: مسجد گذر نو



۱۳۳۵

وضع موجود



شهبستان مسجد



شهبستان مسجد

ورودی مسجد از بازارچه پانخل

تصویر ۱۳: مسجد پانخل

کاشان‌شناسی  
شماره ۲ (پایه ۲۹)  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

## ۶. یافته‌ها و بحث

مساجد بازار کاشان که گاه در کتاب‌های تاریخی نیز به آن‌ها اشاره شده است، هرکدام به‌شکلی با بازار و محیط شهری پیرامونشان درهم تنیده شده‌اند و شکل اصیل آن‌ها اغلب به دلیل تغییرات شهری و مداخلات دهه‌های گذشته آسیب دیده است. اما نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است و بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، تفاوت الگوی این مساجد با مساجد مهم کاشان و همچنین شباهت جملگی آن‌ها با یکدیگر است. برخلاف مساجد جامع، میرعماد، وزیر، حبیب‌موسی، پیرچراغ و آقابزرگ که ایوان و گنبدخانه را می‌توان از اجزای اصلی آن‌ها برشمرد، تمامی مساجد بازار کاشان از نوع شبستانی هستند (جدول ۲). در این میان مساجد رباط، گذر نو، طمقاچی‌ها، پانخل و درب‌زنجیر مساجد شبستانی بدون صحن هستند. مسجد رباط و مسجد گذر نو نیز مساجد شبستانی ستون‌دار ساده‌ای هستند که به راسته بازا و معبر مجاورشان متصل بوده و از همین طریق در دسترس قرار می‌گیرند. در عین حال، مسجد رباط به دلیل ارتباط با حسینیه مجاورش شکل متفاوت تری نسبت به سایر مساجد ذکر شده دارد و می‌توان تصور کرد که نیاز به یک فضای آیینی در شکل اصیل این مسجد تأثیر گذاشته و صحنرا از شبستان جدا کرده است. مساجد درب‌زنجیر و طمقاچی‌ها را می‌توان کوچک‌ترین مساجد شبستانی ستون‌دار بازار دانست. و مسجد پانخل نیز یک مسجد شبستانی کوچک بدون ستون است.

مساجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی)، بالابازار، تبریزی‌ها، میانچال، کفش‌دوزها و مهدیه مساجد دارای صحن هستند. در میان این نمونه‌ها، سه مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی)، بالابازار و تبریزی‌ها شباهت‌های بیشتری با یکدیگر دارند. هر سه مسجد ذکر شده دارای دو شبستان فوقانی و تحتانی هستند، و ارتباط با شبستان‌های فوقانی و تحتانی و صحن از طریق هشتی میسر می‌شود. در عین حال، این مساجد نیز تفاوت‌هایی دارند. برای مثال در مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی) ساخت شبستان فوقانی به حدود هفتاد سال پیش بازمی‌گردد و سابقه تاریخی کمتری دارد. همان‌گونه که اشاره شد، به دلیل تخریب‌هایی که خیابان باب‌الحوائح ایجاد کرده است، هشتی، پلکان مقابل ورودی و صحن امروزی این مسجد متفاوت با شکل اصیل آن هستند. در این مسجد و مسجد بالابازار سقف شبستان تحتانی به مهتابی شبستان‌های فوقانی تبدیل شده است. در عین حال این نکته قابل توجه است که شبستان تحتانی مسجد بالابازار در زیر شبستان فوقانی آن ساخته نشده است. همچنین صحن مسجد بالابازار شکل نامنظمی دارد و در قسمت جنوبی آن طی نیم‌قرن اخیر حجره‌های مدرسه آیت‌الله امامی ساخته شده‌اند. در مسجد تبریزی‌ها

نیز حجره‌هایی پیرامون صحن وجود دارد و به نظر می‌رسد ساخت آن‌ها به کاربری مدرسه درون مسجد مرتبط باشد. این مسجد حیاط کوچک دیگری نیز در قسمت جنوب خود دارد. این نکته نیز حائز اهمیت است که مسجد یادشده به نسبت سایر مساجد شبستانی بازار کاشان دارای جزئیات و تزیینات بیشتری است. علاوه بر این، مسجد یادشده در همراهی با مدرسه درونش و حسینیه روبرو، شکل تکامل یافته‌ای از مساجد بازار کاشان را معرفی می‌کند.

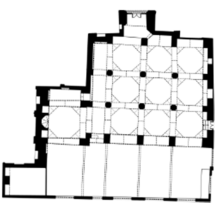
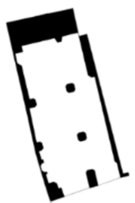
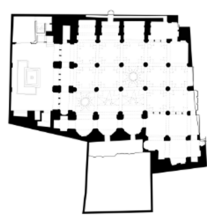
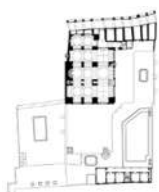
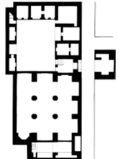
سه مسجد کفش دوزها، مهدیه و میانچال نمونه‌های تک‌شبستانی صحن دار بازار کاشان محسوب می‌شوند. مسجد کفش دوزها یک شبستان دارد و در زیرزمین آن حوضخانه نیز قرار گرفته است. سقف زیرزمین در نقش صحن مسجد است و البته شکل نامنظمی دارد. مسجد مهدیه مانند مسجد رباط یک مسجد شبستانی ستون‌دار ساده است. اما در عین حال نحوه ارتباط شبستان مسجد با سه صحن نامتقارن پیرامونی شکل متفاوتی به آن بخشیده است. با در نظر گرفتن این نکته که شبستان فوقانی مسجد طمقاجی‌ها (عبدالباقی) حدود هفتاد سال پیش به این مسجد اضافه شده، شباهت‌هایی نیز میان این مسجد و مسجد مهدیه آشکار می‌شود. بر این اساس و اگر شبستان فوقانی مسجد طمقاجی‌ها (عبدالباقی) را نادیده بگیریم، الگویی در این دو بنا تکرار شده است که شامل یک شبستان ساده است و در عین حال تراز کف شبستان و صحن پیرامونش از محیط اطراف پایین‌تر است. در این میان، مسجد مدرسه میانچال با یک شبستان ساده که بر روی آب‌انبار ساخته شده، به همراه صحن و حجره‌های پیرامونی و فضای وسیعی که به مدرسه اختصاص داشته، شکل و الگوی متفاوت‌تری را در نسبت با سایر مساجد مطالعه‌شده در بازار کاشان آشکار می‌کند.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که بازار کاشان دارای مساجد شبستانی است. در عین حال می‌توان این مساجد را به دو گونه شبستانی بدون صحن و شبستانی صحن دار تقسیم‌بندی کرد. نکته حائز اهمیت، ساختار هندسی صحن این مساجد است که با توجه به آن، مساجد شبستانی دارای صحن بازار را می‌توان به دو دسته مساجد دارای صحن با شکل متقارن یا دارای تشخیص فضایی و مساجد دارای صحن با شکل نامتقارن تقسیم‌بندی کرد (جدول ۳). همان‌طور که مطالعات نشان داد، این مساجد از لحاظ تعداد شبستان، ارتباط فضایی و تعداد صحن نیز شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، اما به‌ویژه دخل و تصرفاتی که در طی سال‌ها در این مساجد رخ داده است، موجب شده نتوان دسته‌بندی دیگری برای آن‌ها تعریف کرد. همچنین مشخص نیست به چه دلایلی این مساجد فاقد ایوان و گنبدخانه‌هایی هستند که ساختشان در مساجد کاشان برخلاف برخی شهرهای



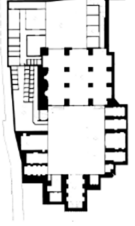
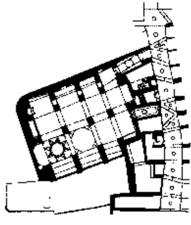
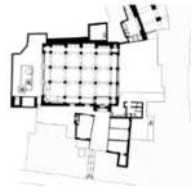
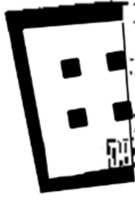


دیگر همواره رواج داشته است.

جدول ۲: بررسی مساجد بازار کاشان

شماره	نام مسجد	قدمت	توضیحات	پلان
۱	رباط	قاجاری	شبستانی، فاقد صحن، دارای یک قسمت الحاقی در بخش جنوبی	
۲	طمقچی‌ها	نامشخص	شبستانی و فاقد صحن است	
۳	طمقچی‌ها (عبدالباقی)	اوایل صفویه	دارای دو شبستان فوقانی و تحتانی است؛ شبستان فوقانی حدود هفتاد سال پیش ساخته شده، یک صحن دارد. قسمت شمالی مسجد در جریان احداث خیابان باب‌الحوائح آسیب دیده و تازه‌ساز است. در جنوب صحن نیز ساخت‌وساز تازه دارد.	
۴	بالابازار	قاجاری	دارای دو شبستان که بر روی یکدیگر ساخته نشده‌اند و یک صحن نامتقارن، در قسمت جنوبی صحن تعدادی حجره تازه‌ساز دارد	
۵	تبریزی‌ها	قاجاری	دارای دو شبستان است. یک صحن اصلی دارد که حجره‌هایی پیرامون آن قرار دارد و یک حیاط کوچک در قسمت جنوبی دارد. یک حسینیه داشته که امروزه کلاتری شده است.	

10.22052/KASHAN.2022.246005.1039

10.22052/KASHAN.2022.246005.1039

	شبستانی است. دو حیاط داشته که یکی از آن‌ها مسقف شده است. یک آب‌انبار دارد. فضای مدرسه نوسازی شده و ناهماهنگ با محیط پیرامون است. یک ورودی تازه در ضلع غربی ساخته شده است.	صفوی	مسجد- مدرسه میانچال	۶
	یک شبستان دارد و یک زیرزمین که حوضخانه مسجد بوده و بر روی یکدیگر ساخته نشده‌اند. سقف زیرزمین تبدیل به صحن مسجد شده است و شکل متقارنی هم ندارد.	قاجاری	کفش دوزها	۷
	یک شبستان دارد. سه حیاط در قسمت شرقی، غربی و جنوبی دارد. سه صحن مسجد شکل نامنظمی دارند.	نامشخص	مهدیه	۸
	شبستانی و فاقد صحن است.	نامشخص	درب زنجیر	۹
	شبستانی و فاقد صحن است.	قاجار	گذر نو	۱۰
	شبستانی و فاقد صحن است.	نامشخص	پانخل	۱۱

جدول ۳: گونه‌شناسی مساجد بازار کاشان

<p>مسجد پانخل</p>  <p>مسجد طمقاچی‌ها</p>  <p>مسجد رباط</p>  <p>مسجد گذر نو</p>  <p>مسجد درب‌زنجیر</p>  <p>شبستان مسجد</p> 	<p>گونه اول: شبستانی بدون صحن</p>	<p>انواع گونه</p>
<p>مساجد با صحن نامتقارن</p> <p>مسجد مهدیه</p>  <p>مسجد کفش‌دوزها</p>  <p>شبستان مسجد</p>  <p>صحن مسجد</p> 	<p>مساجد با صحن متقارن</p> <p>مسجد تبریزی‌ها</p>  <p>مسجد طمقاچی‌ها</p>  <p>مسجد - مدرسه میانچال</p>  <p>شبستان مسجد</p>  <p>صحن مسجد</p> 	<p>گونه دوم: شبستانی با صحن</p>

## ۷. نتیجه‌گیری

بازارها همواره در شهرهای ایرانی بخش مهمی از ساختار آن و دربردارنده فضاهای مهم شهری بوده‌اند؛ علاوه بر این، بازارها معمولاً دربردارنده مجموعه‌ای از فضاهایی محسوب می‌شوند که بخش مهمی از پیشینه و هویت یک شهر را آشکار می‌کنند. امروزه این فضاها عمدتاً به دلیل تغییرات شهری دچار آسیب و نابودی شده‌اند. بازار کاشان یکی از بازارهای تاریخی و ارزشمند ایران است که همواره با عناصر شاخصی نظیر تیمچه‌های امین‌الدوله و بخشی و کاروان‌سراهای گمرک و نو و مساجد تبریزی‌ها و بالابازار شناخته می‌شود. این بازار دارای یازده مسجد است که در طی سال‌ها و در کنار سایر عناصر بازار به دلیل تحولات شهری دچار آسیب و بی‌توجهی‌های فراوانی شده‌اند. این موضوع، به‌ویژه در مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی) و مسجد - مدرسه میانچال دیده می‌شود که تغییرات شهری موجب تحولات اساسی در آن‌ها شده و شناخت شکل اولیه و

اصیل آن‌ها را دشوار کرده است. در عین حال، با وجود آسیب‌ها و تغییرات ذکرشده، مطالعه و گونه‌شناسی مساجد بازار کاشان نشانی دهد که آن‌ها برخلاف مساجد شاخص کاشان فاقد فضاهای مهم و رایجی نظیر گنبدخانه و ایوان هستند و از یک الگوی کلی شبستانی پیروی می‌کنند. این مساجد در عین حال تفاوت‌های قابل توجهی در عناصر فضایی و یا نحوه ترکیب فضاها با یکدیگر دارند؛ و از این رو می‌توان آن‌ها را در دودسته شبستانی بدون صحن و شبستانی با صحن تقسیم‌بندی کرد. علاوه بر این گونه شبستانی صحن دار خود نیز بنابر شکل فضاهای باز قابل تقسیم‌بندی به دو زیرگونه است که وجه تمایزشان شکل و تشخیص فضایی صحن یا حیاط است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۱.
۲. برای اطلاعات بیشتر نک: بازار ایرانی، ۱۳۸۸.
۳. برای اطلاعات بیشتر نک: شاطری، ۱۳۸۵.
۴. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی مسجد و حسینیه رباط، ۱۳۸۳.
۵. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی مسجد میدان، ۱۳۱۰.
۶. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی مسجد طمقچی‌ها (عبدالباقی)، ۱۳۸۰.
۷. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی مسجد بالابازار، ۱۳۸۲.
۸. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی مسجد کفش‌دوزها، ۱۳۸۲.
۹. برای اطلاعات بیشتر نک: پرونده ثبتی بازار کاشان، ۱۳۵۵.

### منابع

۱. امین زاده، بهناز (۱۳۷۸)، «حسینیه‌ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی»، هنرهای زیبا، شماره ۶: ۵۵-۶۶.
۲. ایراندوست، کیومرث و بهمنی اورامانی، آرمان (۱۳۹۱)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دوم، شماره ۵: ۱۵-۵.

۳. بازار ایرانی (۱۳۸۸)، تجربه‌ای در مستندسازی بازارهای ایران، چ ۱، تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی.

۴. بلالی اسکویی، آزیتا، زارعی، سحر و حیدری ترکمانی، مینا (۱۳۹۹)، «الگوهای ترکیب اندام‌های بنیادین معماری مساجد شهر اصفهان در دوره صفوی»، نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، سال هشتم، شماره ۱۱: ۱۲۵-۱۵۰.

۵. بیرشک، ثریا (۱۳۷۵)، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چ ۱، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی، ۳۷۹-۳۹۹.

۶. بیرشک، ثریا (۱۳۹۹)، کاشان (روند شکل‌گیری و توسعه شهر کاشان در بستر تاریخ)، چ ۱، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.

۷. پاسیان‌خمیری، رضا، رجبعلی، حسن و رونده، محمدرضا (۱۳۹۶)، «گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجاریه تا معاصر»، نشریه مطالعات معماری ایران، سال ششم، شماره ۱۱: ۱۸۹-۲۰۵.

۸. پرونده ثبتی بازار کاشان (۱۳۵۵)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۹. پرونده ثبتی مدرسه سلطانی کاشان (۱۳۱۵)، میراث‌فرهنگی کاشان.

۱۰. پرونده ثبتی مسجد بالابازار (۱۳۸۲)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۱. پرونده ثبتی مسجد تبریزی‌ها (۱۳۵۳)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۲. پرونده ثبتی مسجد طمقاچی‌ها (عبدالباقی) (۱۳۸۰)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۳. پرونده ثبتی مسجد کفش‌دوزها (۱۳۸۲)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۴. پرونده ثبتی مسجد میدان (۱۳۱۰)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۵. پرونده ثبتی مسجد و حسینیه رباط (۱۳۸۳)، میراث‌فرهنگی کاشان و نطنز.

۱۶. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۰)، معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، چ ۳، تهران: انتشارات سروش دانش.

۱۷. جیحانی، حمیدرضا و صابری، ثمینه (۱۳۹۸)، «آسیب‌شناسی و ارزیابی اصالت و یکپارچگی در محله طمقاچی‌های کاشان»، مجله کاشان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲: ۵۷-۸۴.

۱۸. خادم زاده، محمدحسن، معماریان، غلامحسین و صلواتی، کامیار (۱۳۹۶)، «گونه شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران»، نشریه مطالعات معماری ایران، سال ششم، شماره ۱۱: ۱۰۳-۱۲۴.
۱۹. خان محمدی، اکبر (۱۳۸۶)، «بازار در ادب فارسی»، هفت شهر، سال دوم، شماره ۲۰: ۴-۱۰.
۲۰. دانش پژوه، محمدتقی و افشار، ایرج (۱۳۴۱)، «جامع الخیرات (وقفنامه سید رکن الدین یزدی)»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۹: ۶۸-۲۷۷.
۲۱. ذاکر حقیقی، کیانوش، ماجدی، حمید و حبیب، فرح (۱۳۸۹)، «تدوین شاخص های موثر بر گونه شناسی بافت شهری»، فصلنامه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۷: ۱۰۵-۱۱۲.
۲۲. زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۴)، «گونه شناسی معماری مساجد محله ای شهر سنندج در دوره قاجار»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۵-۲۸.
۲۳. سپهر، عبدالحسین (۱۳۵۵)، «مختصر جغرافیای کاشان»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۲: ۴۳۰-۴۵۸.
۲۴. شاطری، علی اصغر (۱۳۸۵)، «بازار تاریخی کاشان»، فصلنامه فرهنگ مردم، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۷۴-۱۸۱.
۲۵. صارمی، حمیدرضا، خدابخشی، سحر و خلاق دوست، متین (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی جهت گیری شبستان در مساجد سنتی و معاصر»، نشریه شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۲۴: ۶۵-۸۴.
۲۶. طیارمراغی، محمود (۱۳۷۷)، «مدارس علمیه کاشان (قرون پنجم تا پانزدهم هجری)»، مجله وقف میراث جاویدان، سال ششم، شماره ۲: ۶۸-۷۹.
۲۷. کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۲۸. گلمبک، لیزا و ویلبر، دونالد (۱۳۷۴)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۹. مدنی کاشانی، ملاعبدالرسول (۱۴۰۰)، کلمات انجمن، به کوشش سید محمود سادات بیدگلی، چ ۲، تهران: شیرازه کتاب ما.

۳۰. معماریان، غلامحسین، غفاری، عباس و قلی‌زاده، فرزانه (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز»، نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال سوم، شماره ۱: ۶۴-۴۳.
۳۱. معماریان، غلامحسین و دهقانی تفتی، محسن (۱۳۹۷)، «در جست‌وجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه‌گونه تالاردار شهر تفت)»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال سی‌وهفتم، شماره ۱۶۲: ۳۸-۲۱.
۳۲. مهدوی‌نژاد، محمدجواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹)، «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی - اجتماعی»، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، سال سوم، شماره ۵: ۷۸-۶۵.
۳۳. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، مشایخی، محمد و بهرامی، منیره (۱۳۹۳)، «الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر»، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال دوم، شماره ۴: ۱۹-۳.
۳۴. نراقی، حسن (۱۳۴۸)، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، چ ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، چ ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۵)، تاریخ اجتماعی کاشان، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
۳۷. نژادابراهیمی، احد و مرادزاده، سام (۱۳۹۷)، «مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار»، فصلنامه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، سال دهم، شماره ۷۴، ۹۸-۸۷.
۳۸. ودیعی، کاظم (۱۳۵۱)، «بازار در بافت نوین شهری»، مجله یغما، سال بیست‌وپنجم، شماره ۲۸۳: ۱۹-۹.
۳۹. هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۹)، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چ ۵، تهران: روزنه.

10.22052/KASHAN.2022.246005.1039

40. Petruccioli, A. (2018), Religious Monumental Buildings in Kashan, *Kashan An Iranian City in Change*, Berlin: EB-Verlag Dr. Brandt Berlin, 107-142.

کاشان‌شناسی  
شماره ۲ (پیاپی ۲۹)  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱





دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۱۰۱-۱۲۲  
مقاله علمی پژوهشی

## ارزیابی اثر ابعاد توسعه گردشگری بر میزان شادی ساکنان نمونه موردی: شهر کاشان

ابراهیم مولوی\*

یونس غلامی\*\*

راضیه کریمی آغچه\*\*\*

### چکیده

امروزه صنعت گردشگری به یکی از بزرگ‌ترین صنایع خدماتی جهان از لحاظ درآمدزایی تبدیل شده است. گسترش صنعت گردشگری افزون بر تأثیر بسزایی که بر ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در جامعه دارد، به‌عنوان یک محرک توسعه شهری تلقی می‌شود که در شادی ساکنان از طریق افزایش رضایت از زندگی نقش دارد. نگارنده در پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی ابعاد توسعه گردشگری و اثرات آن بر شادی ساکنان شهر کاشان است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه از آزمون آماری T تک‌نمونه و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان داده‌اند که شهر کاشان از نظر ابعاد توسعه گردشگری، از لحاظ رشد اقتصاد کلان، بعد اجتماعی اقتصادی، بعد فرهنگی، بعد محیطی، بعد اجتماعی در سطح پایداری قرار دارد. یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان‌دهنده این است که ابعاد توسعه گردشگری بر شادی با بار عاملی ۰/۵۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بوده است. بنابراین می‌توان گفت با اطمینان ۹۹٪ ابعاد توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان اثرگذار بوده است. سپس با تحلیل جزئی‌تر مشخص شد که عامل اجتماعی اقتصادی، بیشترین نقش را در تبیین اثرات توسعه گردشگری به خود اختصاص داده است. دیگر عامل مهم تحت تأثیر توسعه گردشگری، عامل فرهنگی و در درجه آخر عامل بعد اجتماعی است. وجود کمترین بار عاملی ۰/۶۸ نسبت به سایر ابعاد، گویای این امر است که بافت اجتماعی کاشان همچنان هویت محلی خود را حفظ کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** شادی، توسعه گردشگری، شهر کاشان، گردشگری شهری.

\* استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / dr.emolavi1969@gmail.com

\*\* دانشیار گروه جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / yonesgholami@ymail.com

\*\*\* کارشناس ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / r.karimi.a73@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳

ارزیابی اثر ابعاد  
توسعه گردشگری  
بر میزان شادی ساکنان  
نمونه موردی: شهر کاشان



## ۱. بیان مسئله

بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد، شورای گردشگری و مسافرت‌های جهانی، صنعت گردشگری چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، تمامی جنبه‌های (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی) یک اجتماع را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (فرجی راد و افتخاریان، ۱۳۹۱: ۵۰؛ نرگسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱؛ 200؛ Butcher, 2003؛ Marin, 1992: 678). توسعه گردشگری می‌تواند بر سرمایه‌های انسانی (آموزش، سلامت و کیفیت کار) ساکنان تأثیر بگذارد که البته این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد که از تأثیرات مثبت آن می‌توان به توسعه بخش اقتصادی که نتیجه آن افزایش کیفیت زندگی ساکنان است، اشاره کرد (Rivera et al., 2015: 237؛ Ozturk et al., 2015: 535؛ Kim et al., 2013: 67؛ Diener et al., 2013: 1؛ al., 2015). پس برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، گردشگری اغلب به عنوان یک عنصر کلیدی، هم برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی و هم برای توسعه و نوسازی دیده می‌شود که رشد اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد. در کشور ایران این امر در طی دهه‌های قبل به رسمیت شناخته شده که منجر به توسعه گردشگری در مقیاسی بزرگ شده و یکی از محرک‌های توسعه شهری است که می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی از جمله شادی ساکنان و عاطفه از طریق افزایش رضایت از زندگی نقش داشته باشد (Kler, 2013: 362؛ Tsaur et al., 2013: 42؛ McCabe & Johnson, 2012: 30). البته به عنوان یکی از اهداف و دغدغه‌های مدیران و برنامه‌ریزان هم به شمار می‌رود، زیرا زندگی ساکنان جامعه میزبان به عنوان مقصد گردشگران تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ لذا حمایت همه‌جانبه ساکنان در جامعه گردشگری برای توسعه برنامه‌ریزی، عملکرد موفقیت‌آمیز و پایداری گردشگری ضروری است (Kim, 2002).

مطالعه و تحقیق درباره رفاه ذهنی به قرن بیستم برمی‌گردد. طبق مطالعات انجام‌شده، کشورهای شرق آسیا و آمریکای جنوبی به سطح بالایی از رفاه و رضایت از زندگی دست یافته و پیشرفت چشمگیری در زمینه شادی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که آن‌ها این اجازه را دارند که زندگی را فراتر از آنچه هست تجربه کنند، درحالی‌که در کشورهای اروپایی وضعیت همچنان ثابت است. طبق بررسی‌های انجام‌شده کشور ایران از مجموع ۱۴۲ کشور جهان در رتبه ۱۰۱ قرار دارد و همچنین بررسی‌ها روند نزولی ایران را در طول سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ را نشان می‌دهد (گزارش شاخص رفاه لگاتوم، ۲۰۱۳؛ Diener et al, 2013). از طرفی ارتباط بین توسعه گردشگری و شادی برای ساکنان و گردشگران در بهترین حالت ممکن نیز مبهم است و یکی از مشکلات محققان در

به‌کارگیری مفهوم شادی، عملیاتی کردن آن است. این مفهوم به‌دلیل اهمیت و جایگاه آن در جوامع امروزی به‌سرعت در میان رشته‌های علمی پذیرفته شده است. در این بین، مطالعات نسبتاً کمی در زمینه تأثیر گردشگری بر شادی ساکنان، چه در داخل کشور و خارج از کشور انجام شده است. بنابراین بررسی این موضوع در شهرهایی همچون کاشان که یک شهر در حال توسعه و به‌شدت وابسته به گردشگری برای توسعه اقتصادی، حائز اهمیت است. شهر کاشان به این دلیل انتخاب شده است که مهد و زادگاه یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان به نام سیلک، قدمتی بیش از هفت هزار سال دارد. این شهر به‌واسطه تاریخ کهن خود دارای بناها بیش از ۱۷۰۰ آثار تاریخی ثبت ملی و یکی از شهرهای مساعد برای جذب گردشگر است. بدین ترتیب هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر ابعاد توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان است. در این راستا پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: ۱. وضعیت ابعاد توسعه گردشگری در شهر کاشان چگونه است؟ ۲. آیا توسعه ابعاد گردشگری در محدوده مورد مطالعه بر مقیاس شادی ذهنی اثر معناداری داشته است؟ فرضیه تحقیق به قرار ذیل است:

- ابعاد توسعه گردشگری در محدوده مورد مطالعه از نظر ساکنان جایگاه مطلوبی دارد.

- پارامترهای توسعه گردشگری با شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان رابطه معناداری دارد.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. پیشینه تحقیق

پژوهشگران متعددی به بررسی و مطالعه اثرات ابعاد توسعه گردشگری و نقش آن بر مقیاس شادی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود. فارالا و بیمونته<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) به بررسی انواع گردشگری و تأثیر آن بر شادکامی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد وجود انواع مختلف گردشگری باعث تفاوت و تغییر در نگرش‌ها، رفتارها، و سبک زندگی ساکنان و همچنین افزایش میزان شادی آن‌ها شده است. جرمی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) مقاله‌ای با عنوان تأثیر گردشگری داخلی بر شادی ساکنان را بررسی کرده‌اند؛ نتایج آن‌ها نشان می‌دهد شادی ساکنان به‌عنوان یک دارایی فرهنگی، در جذب گردشگران خارجی مؤثر است. همچنین کشورهایی که مردم شادی دارند می‌توانند از نظر اقتصادی پیشرفت قابل توجهی داشته باشند. پرات<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی میزان شادی ساکنان در روستایی گردشگرپذیر پرداخته‌اند؛ نتایج آن‌ها نشان می‌دهد توسعه ابعاد گردشگری باعث بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان روستای مورد مطالعه شده و همچنین تأثیر مثبتی بر روستاهای همجوار داشته است. ریورا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی توسعه گردشگری و

ارزیابی اثر ابعاد  
توسعه گردشگری  
بر میزان شادی ساکنان  
نمونه موردی: شهر کاشان



شادمانی را با چشم‌انداز مردم محلی یک جزیره کوچک انجام داده‌اند. آن‌ها همچنین نقش میانجی متغیرهایی نظیر کیفیت زندگی و درآمد را در ارتباط میان توسعه گردشگری و شادمانی سنجیده‌اند؛ نتایج حاکی از آن است که توسعه ابعاد گردشگری و شادمانی به‌طور مثبت رابطه معنی‌دار دارند. همچنین نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان‌دهنده تأثیر زیاد عامل‌های غیراقتصادی مثل مسائل اجتماعی بر شادمانی است. چن و لی<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) به بررسی نقش مقصد شاد گردشگری در شادی گردشگران کشور سوئیس پرداخته‌اند؛ نتایج آن‌ها نشان می‌دهد تصویر مقصد به‌طور مثبت با رضایت از زندگی و عواطف مثبت و منفی مرتبط است و به‌طور خاص رضایت از زندگی می‌تواند تا حد زیادی عواطف مثبت و منفی را پیش‌بینی کند. کوبان<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آیا گردشگری واقعاً بر شادی شهروندان تأثیر می‌گذارد؟ شواهدی از ترکیه» یافته‌ها نشان می‌دهد که ساکنان مناطق گردشگری توده‌ای مبتنی بر دریا رضایت کمتری نسبت به مناطق گردشگری مبتنی بر میراث فرهنگی دارند. غلامی و همکاران (۱۳۹۸) به ارزیابی ادراک شهروندان از توسعه گردشگری شهری و اثر آن بر شادمانی ذهنی کلان‌شهر مشهد پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیرات اجتماعی اقتصادی خرد بر شادمانی ذهنی شهروندان مؤثر است همچنین با توجه به عدم تأثیرات محیطی، فرهنگی و اقتصاد کلان بر شادمانی ذهنی شهروندان، به نظر می‌رسد می‌توان متغیرهای میانجی همچون کیفیت زندگی را در این بین مورد توجه قرار داد. نتایج حاصل از پیشینه پژوهش بیانگر این موضوع است که در شهر کاشان تحقیقی در این زمینه شناسایی نشده و به نظر می‌رسد بررسی تأثیر توسعه ابعاد گردشگری بر مقیاس شادمانی ذهنی ساکنان موضوعی جدید و حائز اهمیت در ایران و کاشان است که لزوم پرداختن به آن احساس می‌گردد. از این‌رو و با نظر به مباحث مذکور، هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر توسعه ابعاد گردشگری بر مقیاس شادمانی ذهنی ساکنان شهر کاشان است. امید است که این تحقیق بر دانش موجود در زمینه گردشگری در ایران بیفزاید و زمینه‌ساز مطالعات وسیع در زمینه ابعاد توسعه گردشگری در ایران باشد. همچنین این پژوهش با نگاهی سیستمی و به‌دور از نگاه تک‌بعدی است. در این پژوهش از قابلیت‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحلیل‌های یکپارچه دقیق و هم‌زمان متغیرهای پژوهش به کار گرفته شده است که از جنبه‌های نوآورانه پژوهش به شمار می‌آیند.

## ۲-۲. چهارچوب نظری

### ۲-۲-۱. گردشگری

گردشگری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و شکل خاصی از اوقات فراغت که در زندگی روزمره

افراد مورد مطالعه است (Cashman, 1986: 29) و به‌عنوان یک صنعت خدماتی شامل ترکیبات مادی و غیرمادی است (صیدالی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰). همچنین به‌عنوان فعالیتی چندمنظوره با هدف تفریح، تفرج، تجارت یا فعالیت‌های دیگر است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸: ۳) و نقش بسیار مهمی در توسعه ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه - که با مشکلاتی از جمله بیکاری، کمبود منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه‌اند - دارد که با جذب گردشگر و توسعه این صنعت می‌تواند مشکلات را به حداقل برساند (حبیبی و محمدی، ۱۳۹۶: ۳). دهه‌های اخیر رشد و توسعه صنعت گردشگری چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه کشورهای در حال توسعه، برنامه‌ریزان را بر آن داشته است تا با افزایش درآمدهای حاصل از فعالیت‌های گردشگری به دو مقوله مهم توجه کنند: اول، افزایش رضایت، ارتقای لذت و کیفیت تجربه گردشگری گردشگران و دوم، تلاش برای حفظ منافع جوامع میزبان؛ به همین دلیل اغلب کشورهای میزبان تلاش می‌کنند تا از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات خود استفاده کنند تا به منافع و مزایای مورد نظر خود دست یابند (قالیباف و شعبانی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۴۸). این صنعت هم‌گامی برای تقویت فرهنگ است و هم برای تحول اقتصاد اجتماعی که با برنامه‌ریزی بجا و بهره‌مندی از پتانسیل‌ها می‌تواند از اقتصاد تک‌محصولی فاصله بگیرد (لطفی خاچکی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

## ۲-۱-۱. دیدگاه‌های مرتبط با گردشگری

در زمینه گردشگری تاکنون دیدگاه‌های گوناگونی مانند انبوه‌گرایی، فضای-جغرافیایی، اقتصادی، و اجتماع‌محور مطرح شده است (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱).

### الف. دیدگاه انبوه‌گرایی

توسعه انبوه گردشگری مدت‌های مدید نگرش مسلط در برنامه‌ریزی گردشگری قلمداد شده است. طبق این دیدگاه به اثرات منفی گردشگری توجه کمتری مبذول شده و منابع طبیعی به‌عنوان عناصر شکل‌دهنده گردشگری مورد استفاده بیش از حد قرار گرفته‌اند. بر اساس سنت انبوه‌گرایی، ساکنان مقاصد گردشگری در فرایندهای توسعه گردشگری وارد نمی‌شوند. برنامه‌ریزان نیز نهایت تلاش خود را به کار می‌بندند تا بالاترین بهره‌برداری از منابع را داشته باشند (شاه‌مرادی، ۱۳۹۵: ۴۳).

### ب. دیدگاه اقتصادی

در دیدگاه اقتصادی، گردشگری می‌تواند به‌عنوان ابزاری در اختیار دولت‌ها قرار گیرد و در جهت دستیابی به اهداف ویژه رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و توسعه منطقه‌ای از طریق تأمین

انگیزه‌های مالی، تحقیق، بازاریابی و ابزارهای توسعه‌ای از آن استفاده کنند. گرچه به‌طور کلی اثرات مثبت اقتصادی گردشگری مورد تأیید است، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که گردشگری به‌طور معمول باعث افزایش هزینه‌های اقتصادی جامعه میزبان می‌شود؛ مانند افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت زمین، افزایش هزینه زندگی، برگشت کم سرمایه، فصلی بودن فرصت‌های شغلی، جابه‌جایی در اشتغال افراد بومی و منسوخ شدن برخی فعالیت‌های مرسوم مانند کشاورزی و ماهیگیری در نواحی روستایی (کیانی، ۱۳۹۴: ۳۹).

### ج. دیدگاه فضایی- جغرافیایی

منشأ دیدگاه فضایی- جغرافیایی به کار جغرافی دانان، برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای کاربری زمین و حامیان حفاظت از منابع طبیعی برمی‌گردد. برنامه‌ریزی فضایی یا جغرافیایی به برنامه‌ریزی با مؤلفه فضایی یا جغرافیایی اشاره دارد که در آن هدف عمومی تأمین ساختار فضایی فعالیت‌ها (یا کاربری اراضی) است. برنامه‌ریزی فضایی چندبعدی و چندموضوعی است. در این رویکرد، گردشگری اغلب دارای یک مبنای اکولوژیکی همراه با نیازی اساسی به توسعه است که بر الگوهای فضایی ویژه پایه‌ریزی می‌شود تا اثرات منفی گردشگری را در یک محیط فیزیکی به حداقل برساند. موضوعات مورد توجه در این چهارچوب، مباحث مرتبط با ظرفیت‌سازی فیزیکی و اجتماعی، آستانه‌های محیطی و محدودیت‌ها با میزان‌های قابل قبول تغییر است (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۴).

### ۲-۲-۲. رویکرد اجتماع‌محور

رویکرد اجتماع‌محور در برنامه‌ریزی گردشگری به‌شکل «برنامه‌ریزی از پایین به بالا» است که بر توسعه درونی اجتماع تأکید دارد تا توسعه بیرونی. بنابراین توسعه و مدیریت صنعت گردشگری باید به‌طور مؤثر در درون اجتماعات انجام گیرد. بر اساس این رویکرد، ساکنان به‌عنوان نقطه کانونی فعالیت برنامه‌ریزی گردشگری مورد توجه قرار می‌گیرند (شاه‌مرادی، ۱۳۹۵: ۴۳).

### ۲-۲-۳. شادی

شادی در لغت به‌معنای خشنودی، سرور، خوشحالی و... است (فرهنگ عمید). این گرایش از رشته‌های روان‌شناسی است که به‌دلیل جنبه چندبعدی آن مورد مطالعه روان‌شناسان و فیلسوفان بوده و به‌تازگی نیز مورد مطالعه اقتصاددانان قرار گرفته است (Croes, 2012: 542-543; Diener et al., 2002: 83). نه‌تنها تحقیق در زمینه شادی جنبه علمی یافته بلکه وارد رشته‌های دیگر از جمله رشته گردشگری شده است (Croes, 2012: 542; Bimonte & Faralla, 2016: 200). با

توجه به مطالعات انجام شده هدف شادی ارتقای سلامت روانی برای بهبود کیفیت زندگی برای عموم است (Park et al., 2005: 39) و از طریق آن می توان رفتارهای افراد را درباره زندگی و جنبه های کلی زندگی مورد ارزیابی قرار داد. از نظر روان شناسان شادی دارای دو جنبه است: ۱. جنبه عینی که زودگذر و متأثر از جنبه های فردی، جمعی و زمینه ای همچون محیط های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی است (Diener et al., 2002: 83)؛ ۲. جنبه ذهنی که روی احساسات، حالات درونی و ادراک شخصی تأثیرگذار است و به آن بعد شادمانی ذهنی یا احساس شادی می گویند. همچنین این حس نشان دهنده رضایت از زندگی، مولد انرژی، شور و نشاط، خرسندی و پویایی است (Easterlin, 2004: 32; McGillivray & Clark 2006: 13؛ حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۵). تحقیق پیش رو نیز همین جنبه ذهنی شادی را مورد ارزیابی قرار داده است. از نظر وینهوون<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) شادی، رفاه ذهنی و خوشبختی مقیاسی است برای ارزیابی کیفیت زندگی و فرد تلقی می شود (طاهریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲؛ Powd thavee, 2007: 560; Rojas, 2011: 275).

#### ۲-۲-۴. تأثیر ابعاد توسعه گردشگری بر شادمانی ذهنی

طبق تجربیات، گردشگری توانایی ایجاد شادی در بین ساکنان را از طریق کسب درآمد دارد؛ همچنین تنوع در فعالیت ها و خدمات گردشگری بر جنبه های مختلف شادی از جمله رضایت از زندگی اثرگذار است (Tsaur et al., 2013: 371; Voigt et al., 2010: 560). البته شایان ذکر است که شادی گردشگران و ساکنان متغیر و در نوسان است زیرا تأثیر شادی کوتاه مدت است (Strauss et al., 2000). طبق تحقیقات، تجربه شاد و با رضایت از سفر در تعطیلات می تواند در رضایت کلی افراد از زندگی اثرگذار باشد (Neal et al., 1999: 153). طبق استدلال هپس و لوزبری<sup>۷</sup> تعطیلات نه تنها در رضایت از زندگی اثرگذار است، بلکه بر سایر حوزه های زندگی نفوذ می کند و منجر به افزایش رضایت هم برای ساکنان (میزبان) و هم برای گردشگران می شود (همان). احساس رضایت از اوقات فراغت و خاطرات، ناشی از میزان خدماتی است که ساکنان در اختیار گردشگران قرار می دهند (Neal et al., 2007: 154). همچنین از اثرات توسعه گردشگری، وجود امکانات رفاهی جدیدی است که ساکنان می توانند از آن لذت ببرند (Zafar & Franklin, 1993: 85).

#### ۲-۳. روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی تحلیلی و از نوع کاربردی است. گردآوری داده ها به دو روش کتابخانه ای

و میدانی صورت گرفته است. در روش کتابخانه‌ای با مرور مطالعات گذشته و نیز مبانی نظری تحقیق از منابع خارجی و داخلی منتشر شده به صورت مقاله و پایان‌نامه، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. روش میدانی مبتنی بر روش پرسشنامه‌ای است. به این ترتیب ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ای است که با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته متشکل از سه بخش معرفی ابزار، سؤالات عمومی و سؤالات تخصصی است. پرسشنامه مذکور در قالب طیف لیکرت و ۶ شاخص اقتصاد کلان، اجتماعی اقتصادی، اثرات اجتماعی، زیست‌محیطی، شادی و کیفیت زندگی طراحی شد. روایی ابزار تحقیق با بهره‌گیری از نظر متخصصان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ مورد تأیید قرار گرفته است. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار sample power با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای احتمالی ۵٪، ۱۶۰ نفر محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده از آزمون آماری T-test در نرم‌افزار spss و برای تبیین و مدل‌سازی اثرات نیز از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos است (بسحاق، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

جدول ۱: آلفای کرونباخ محاسبه شده برای شاخص‌های تحقیق

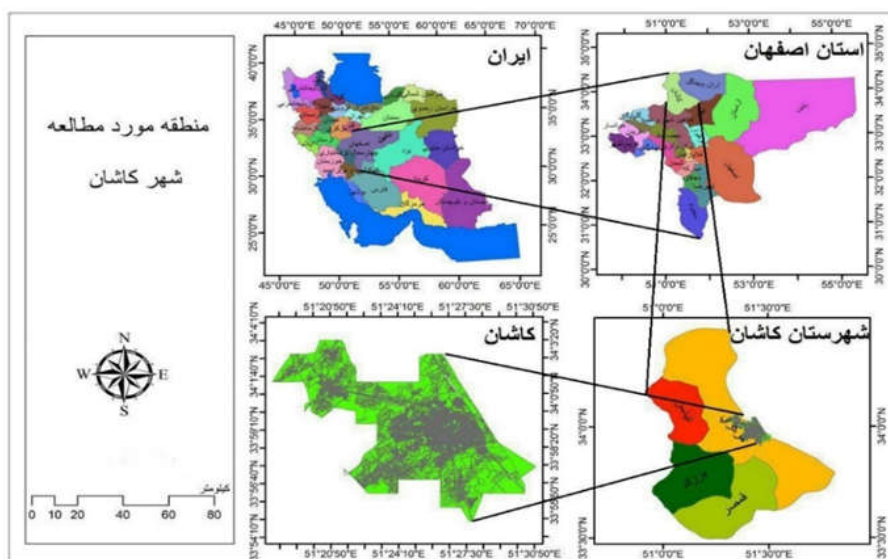
منبع	آزمون پایایی	
Rivera et al., 2015 Ap & Crompton, 1998 Weaver & Lawton, 2001	عامل	آلفای کرونباخ
	اثرات رشد اقتصاد کلان	۰/۶۱۸
	اثرات اجتماعی	۰/۶۱۳
	اثرات زیست‌محیطی	۰/۹۳۷
	اثرات اجتماعی اقتصادی	۰/۷۲۸
	اثرات فرهنگی	۰/۷۹۹
Sonja Lyubomirsky, 1998 Rivera et al., 2015	مقیاس شادی	۰/۷۸۳

#### محدوده مورد مطالعه

شهر کاشان در مرکز شهرستان کاشان با مختصات ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و طول جغرافیایی و طول ۳۴ درجه عرض جغرافیایی واقع شده است. طبق بررسی‌ها شهر کاشان با ۳۰۲۶۳۷ نفر جمعیت، حدود ۶/۶٪ از جمعیت استان اصفهان را از آن خود کرده است (کیانی سلمی و بسحاق، ۱۳۹۵: ۷۶). کاشان از دیرباز در مسیر گردشگری قرار داشته و گردشگران بسیاری از آن بازدید می‌کنند. از جمله آثار گردشگری آن می‌توان به مواردی مانند تپه‌های باستانی سیلک،



چشمه سلیمانیه فین، باغ شاه فین، قلعه جلالی، مناره زین‌الدینی (مناره کج کاشان)، مسجد و مدرسه آق‌بزرگ، مسجد جام کاشان، بازار بزرگ سرپوشیده کاشان، خانه‌های تاریخی کاشان، حمام‌های تاریخی، آب‌انبارها و بقاع متبرکه و موارد بسیاری دیگر اشاره کرد (فلاح‌تبار و مدیری، ۱۳۹۰: ۹۳).



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی شهر کاشان (نگارندگان)

#### ۴-۲. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۲-۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌های حاصل از پرسشنامه نشانگر آن است که ۴۲٪ پاسخ‌گویان مرد و ۵۸٪ پاسخ‌گویان زنان هستند. نتایج بررسی وضعیت سن پاسخ‌گویان نشان می‌دهد ۲۹/۳٪ در گروه سنی ۲۰ تا سال قرار داشته‌اند. میزان مشارکت گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۰/۷٪ بوده است. ۳۵/۳٪ افراد در گروه سنی ۴۱-۵۰ سال قرار داشته‌اند که بالاترین درصد مشارکت مربوط به این گروه سنی است. گروه‌های سنی ۵۱-۶۰ سال و بالاتر از ۶۱ سال به ترتیب درصدهای ۱۲/۷، ۲/۰ را کسب کرده است. وضعیت سواد اکثر پاسخ‌گویان با ۳۸/۷٪ به مدرک تحصیلی کارشناسی اختصاص پیدا کرد و در آخر بیشترین میزان سابقه سکونت به افراد دارای ۵ تا ۱۰ سال، کمتر از ۵ سال و ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه سکونت با ۲۲٪ به‌عنوان بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

ارزیابی اثر ابعاد  
توسعه گردشگری  
بر میزان شادی ساکنان  
نمونه موردی: شهر کاشان

جدول ۲: توزیع فراوانی گویه‌ها

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها
اثرات اجتماعی			اثرات رشد اقتصادی کلان		
۰/۹۷۸	۳/۸۷	تا چه اندازه گردشگری در مختل زندگی شهروندانی مؤثر است؟	۰/۹۷۴	۲/۵۴	تا چه میزان گردشگری سرمایه‌گذاری بیشتری را برای اقتصاد جامعه موجب می‌شود؟
۱/۰۴۹	۴/۳۵	تا چه اندازه گردشگران منجر به سلب آسایش و آرامش ساکنان شده‌اند؟	۰/۹۶۲	۳/۳۱	تا چه میزان یکی از جنبه‌های مهم گردشگری، ایجاد انواع مختلف شغل برای شهروندان است؟
۰/۹۵۹	۳/۵۵	تا چه اندازه گردشگران به‌عنوان مزاحم از سوی شهروندان تلقی می‌شوند؟	۰/۹۴۲	۳/۱۸	تا چه میزان کسب‌وکارها سود بیشتری را از طریق گردشگران کسب می‌کنند؟
۱/۰۴۱	۲/۳۸	تا چه اندازه شهروندان مورد سوءاستفاده گردشگران قرار گرفته‌اند؟	اثرات فرهنگی		
اثرات اقتصادی و اجتماعی			۰/۹۷۲	۴/۲۹	تا چه اندازه گردشگری موجب ارتقای اصالت بومی شهروندان می‌شود؟
۱/۰۴۶	۳/۱۱	تا چه اندازه گردشگری در اقتصاد آینده کاشان نقش دارد؟	۰/۸۷۱	۳/۸۹	تا چه اندازه گردشگری در مشارکت مردمی مؤثر است؟
۱/۰۳۴	۲/۵۵	تا چه اندازه گردشگری فرصت استخدامی همیشگی را برای ساکنان فراهم کرده است؟	۱/۰۰۵	۳/۳۲	تا چه اندازه گردشگری در حفظ میراث فرهنگی تاریخی مؤثر است؟
۱/۲۱۲	۳/۲۳	تا چه میزان گردشگری در بهبود وضعیت اقتصادی کاشان نقش دارد؟	۱/۰۰۵	۳/۳۶	تا چه اندازه گردشگری، مشوق غذای محلی است؟
۰/۹۳۹	۳/۵۱	تا چه میزان گردشگری در شور نشاط اجتماعی شغلی ساکنان نقش داشته است؟	۰/۹۳۰	۳/۱۹	تا چه میزان گردشگری در افتخار به فرهنگ بومی مؤثر است؟
مقیاس شادی			اثرات زیست‌محیطی		
۱/۱۱۲	۳/۲۸	تا چه میزان اوقات فراغت خود را با تفریح و گردش سپری می‌کنید؟	۱/۲۱۷	۳/۵۷	رضایت شهروندان از برنامه‌ریزی گردشگری
۱/۱۶۴	۳/۰۱	تا چه میزان شرایط زندگی خود را با دیگران مقایسه می‌کنید؟	۱/۰۳۲	۳/۱۵	تا چه میزان توسعه گردشگری منجر به بهبود وضع ظاهری کاشان می‌شود؟
۱/۱۰۸	۳/۱۵	تا چه اندازه از امکانات و تسهیلات مناسبی برخوردارید؟	۱/۱۸۸	۳/۶۵	تا چه میزان توسعه گردشگری در حفظ محیط زیست اثرگذار است؟
۱/۲۹۹	۳/۴۹	تا چه اندازه از امنیت شغلی برخوردارید؟			

منبع: یافته‌های پژوهش

## ۲-۴-۲. یافته‌های استنباطی

برای تحلیل و بررسی وضعیت پایداری شاخص‌های توسعه گردشگری در شهر کاشان در قالب پنج عامل رشد اقتصاد کلان، اثرات اجتماعی اقتصادی، اثرات زیست محیطی، اثرات فرهنگی و اثرات اجتماعی از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون T تک‌نمونه‌ای در جدول ۳، وضعیت اثرات شاخص رشد اقتصاد کلان را ارائه می‌دهد. آماره سطح معنی داری و کرانه‌های پایین و بالای اطمینان در سطح ۹۵٪ به همراه مقدار آماره T برای اظهار نظر در مورد وضعیت شاخص رشد اقتصاد کلان در میزان شادی ذهنی ساکنان مورد استناد قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد نظر ساکنان شهر کاشان در خصوص شاخص رشد اقتصادی با توجه به مقدار آزمون و منفی شدن سطوح پایین و بالای معناداری در شاخص گردشگری و افزایش میزان سرمایه‌گذاری کمتر از وضعیت متوسط و به عبارتی کمتر اثرگذار است. صنعت گردشگری موجب ایجاد مشاغل فصلی همراه با سود و منفعت در شهر کاشان برای ساکنان شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون T برای تحلیل وضعیت رشد اقتصادی در شهر کاشان از نظر ساکنان

مقدار آزمون (مبنای مقایسه) = ۳						
گروه‌های اقتصاد کلان	T	سطح معناداری	درجه آزادی	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان = ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
گردشگری و افزایش سرمایه‌گذاری	-۵/۷۶۸	/۰۰۰	۱۵۹	-/۶۰۴	-/۶۲	-/۳۰
گردشگری و ایجاد شغل‌های فصلی	۳/۴۰۹	/۰۰۰	۱۵۹	/۳۰۷	/۱۵	۰/۴۶
گردشگری و سود بیشتر	۲/۱۳۴	/۰۲۱	۱۵۹	/۱۸۰	/۰۳	۳/۳
اقتصاد کلان	۹/۵۱۹	/۰۰۰	۱۵۹	/۴۶۳۸۳	۳۱۷۸	۱/۵۸۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۴، مقدار آماره T به منظور سنجش متغیرهای بعد اجتماعی در شهر کاشان ارائه شده است. چنان‌که مشهود است توسعه بعد اجتماعی اثراتی را از خود بر جای گذاشته و سبب تغییراتی منفی از جمله مختل شدن زندگی شهرنشینی و سلب آسایش و آرامش شهروندان شده که این امر خود دلیل بر این موضوع است که گردشگران از سوی ساکنان به‌عنوان مزاحم تلقی شوند. تنها نماندگی که در سطح پایینی ارزیابی شده، سوءاستفاده گردشگران از ساکنان است که از نظر ساکنان چنین مسئله‌ای اتفاق نیفتاده است.

ارزیابی اثر ابعاد توسعه گردشگری بر میزان شادی ساکنان نمونه موردی: شهر کاشان



جدول ۴: نتایج آزمون T برای تحلیل وضعیت شاخص اجتماعی در شهر کاشان از نظر ساکنان

مقدار آزمون (مبنای مقایسه) = ۳					
گویه‌های اثرات اجتماعی	T	سطح معناداری	درجه آزادی	اختلاف میانگین	
				فاصله اطمینان = ۹۵٪	
				حد پایین	حد بالا
گردشگری و مختل شدن زندگی شهروندی شهروندان	۱۰/۳۴۹	/۰۰۰	۱۵۹	۰/۷۸۳	۰/۷۲
سلب آسایش آرامش شهروندان توسط گردشگران	۱۵/۲۲۷	/۰۰۰	۱۵۹	۱/۴۳۷	۱/۱۸
گردشگران به‌عنوان مزاحم از نظر شهروندان	۶/۸۷۹	/۰۰۰	۱۵۹	۰/۵۴۷	۰/۳۹
شهروندان مورد سوءاستفاده گردشگران	-۷/۹۷۲	/۰۰۰	۱۵۹	-۲/۶۰	-۰/۷۹
شاخص اجتماعی	۶/۳۲۲	/۰۰۰	۱۵۹	۲/۳۹۳۳	۰/۲۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵ با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای به ارزیابی متغیرهای فرهنگی توسعه گردشگری در شهر کاشان پرداخته است. نتایج بررسی شده حاکی از وجود اثرات بعد فرهنگی در نماگرهای مختلف مورد بررسی در سطح منطقه مورد مطالعه است. سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ در این شاخص نشان می‌دهد میزان اثربخشی بعد فرهنگی در توسعه گردشگری را بالا دانسته و این امر مورد تأیید شهروندان بوده است.

جدول ۵: نتایج آزمون T برای تحلیل وضعیت اثرات فرهنگی در شهر کاشان از نظر ساکنان

مقدار آزمون (مبنای مقایسه) = ۳					
گویه‌های اثرات فرهنگی	T	سطح معناداری	درجه آزادی	اختلاف میانگین	
				فاصله اطمینان = ۹۵٪	
				حد پایین	حد بالا
گردشگری و ارتقای اصالت بومی	۱۶/۲۸۱	/۰۰۰	۱۵۹	۱/۸۷۲	۱/۳۱
گردشگری و مشارکت مردمی	۱۲/۶۶۴	/۰۰۰	۱۵۹	۷/۸۸	۰/۵۷
گردشگری و حفظ میراث فرهنگی و تاریخی	۳/۹۸۸	/۰۰۰	۱۵۹	۰/۲۰۳	۰/۱۶
گردشگری و مشوق غذاهای محلی	۴/۶۸۴	/۰۰۰	۱۵۹	۶/۳۰	۲/۰
گردشگری و افتخار به فرهنگ بومی	۲/۵۹۴	/۰۱۵	۱۵۹	۱/۸۷۱	۱/۰۴
اثرات فرهنگی	۵/۵۶۳	/۰۰۰	۱۵۹	۳/۹۶۸۸	۲/۸۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۶ با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای به ارزیابی متغیرهای بعد اجتماعی اقتصادی پرداخته شده است. طبق یافته‌ها در این شاخص سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ برای متغیرهای گردشگری است؛ زیرا گردشگری نوید بخش رشد اقتصاد آینده کاشان و بهبود وضعیت کیفیت زندگی ساکنان کاشان می‌شود. همچنین منجر به افزایش شور و نشاط ساکنان می‌شود که نشان‌دهنده بالا بودن اثرگذاری شاخص اجتماعی اقتصادی در توسعه گردشگری بوده است. البته باید متذکر شد که شهر کاشان از نظر گردشگری و ایجاد فرصت استخدامی دائمی، از ضعف‌هایی برخوردار است.

جدول ۶: نتایج آزمون T برای تحلیل وضعیت اثرات اجتماعی اقتصادی در شهر کاشان از نظر ساکنان

مقدار آزمون (مبنای مقایسه) = ۳						
گویه‌های اثرات اجتماعی اقتصادی	T	سطح معناداری	درجه آزادی	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان = ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
گردشگری نوید آینده اقتصاد کاشان	۱/۲۳۷	۱/۱۸۷	۱۵۹	۱/۱۱۳	-۱/۰۶	۱/۲۸
گردشگری و فرصت استخدامی دائمی شهروندان	-۵/۳۲۷	۱/۰۰۰	۱۵۹	-۵/۴۳	-۱/۶۲	-۱/۲۹
گردشگری حقیقتاً اقتصاد مشهد را بهبود بخشیده است.	۲/۵۸۳	۱/۰۲۰	۱۵۹	۳/۳۲	۱/۰۴	۱/۴۳
گردشگری به وسیله خلق شغل و ایجاد درآمد، موجب افزایش نشاط اجتماعی	۶/۹۶۳	۱/۰۰۰	۱۵۹	۱/۱۳۵	۳/۶	۱/۶۶
اثرات اجتماعی اقتصادی	۴/۳۰۷	۱/۰۰۰	۱۵۹	۲/۴۸۷۱	۱/۱۸۷۴	۱/۴۰۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

اثرات محیطی با توجه به جدول ۷ مقدار آماره T (۵/۷۰۳) به دست آمده و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ این آزمون مورد تأیید است. با توجه به کرانه بالا و پایین مثبت، فرضیه پژوهش نیز مورد تأیید و نشان‌دهنده این است که اثرات محیطی از حد متوسط جامعه بالاتر است. متغیر «شهروندان از شیوه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری راضی هستند» معنی‌دار نیست که نشان‌دهنده عدم برنامه‌ریزی درست مدیران و برنامه‌ریزان در زمینه گردشگری است.

ارزیابی اثر ابعاد توسعه گردشگری بر میزان شادی ساکنان نمونه موردی: شهر کاشان



جدول ۷: نتایج آزمون T برای تحلیل وضعیت اثرات محیطی توسعه گردشگری شهر کاشان از نظر ساکنان

مقدار آزمون (مبنای مقایسه) = ۳						گویه‌های محیطی
فاصله اطمینان = ۹۵٪		اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری	T	
حد بالا	حد پایین					
-۳۰	-۰/۶۲	-۰/۶۰۴	۱۵۹	/۰۰۰	-۵/۷۶۸	رضایت شهروندان از شیوه برنامه‌ریزی صنعت گردشگری
۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۳۰۷	۱۵۹	/۰۰۰	۳/۴۰۹	توسعه گردشگری و بهبود وضع ظاهری کاشان شده است.
۰/۳۳	۰/۰۳	۰/۱۸۰	۱۵۹	/۰۲۱	۲/۱۳۴	توسعه گردشگری از محیط زیست شهر کاشان محافظت می‌کند.
۰/۵۸۴۶	۰/۳۱۷۸	۰/۴۶۸۳۳	۱۵۹	/۰۰۰	۹/۵۱۹	اثرات محیطی

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه فرایند تحقیق برای تشخیص اثرات شاخص‌ها و ابعاد توسعه گردشگری در میزان شادی ذهنی ساکنان از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در تصویر ۲، مدل ساختاری تبیین اثرات ابعاد توسعه گردشگری و نقش آن در شادی ذهنی ساکنان داده شده که در آن ضریب پنهان و مشاهده‌شده متغیرهای تحقیق به صورت استاندارد محاسبه شده است. بارهای عاملی ارائه شده در تصویر ۲ نشان می‌دهد بعد اجتماعی اقتصادی، بیشترین نقش را در تبیین اثرات توسعه گردشگری کاشان به خود اختصاص داده است. توسعه گردشگری هم باعث شده است میزان شور و نشاط اجتماعی در سطح شهر افزایش یابد و هم نویدبخش بهبود اقتصاد ساکنان و افزایش فرصت‌های استخدامی برای شهروندان است.

اثرات بعد فرهنگی عامل مهمی است که تحت تأثیر توسعه گردشگری قرار گرفته است. در این عامل، پنج شاخص بارگذاری شده که عبارت‌اند از: ۱. گردشگری مشوق تولید و تهیه غذاهای محلی است؛ ۲. گردشگری مشوق مشارکت شهروندان و لذت بردن از هنرهای بومی و

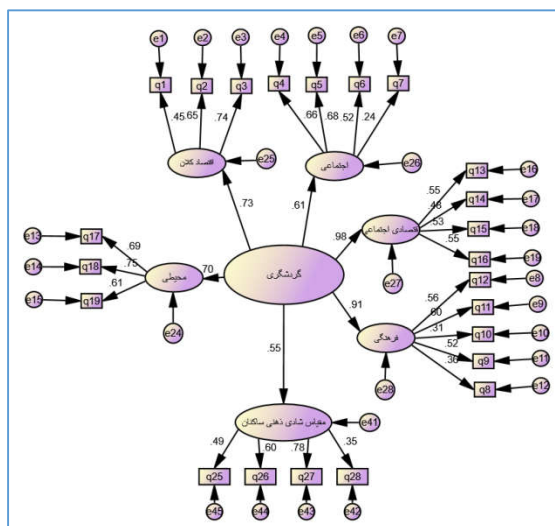
موسیقی و... است؛ ۳. گردشگری موجب افتخار شهروندان به فرهنگ و آداب و رسوم خود می‌شود؛ ۴. گردشگری موجب ارتقای اصالت بومی شهروندان می‌شود؛ ۵. گردشگری موجب حفظ میراث و هویت فرهنگی شهروندان می‌شود.

بعد اقتصاد کلان در رتبه سوم تبیین اثرات توسعه گردشگری قرار دارد. در این عامل، سه شاخص بارگذاری شده است که عبارت‌اند از: ۱. گردشگری باعث ایجاد انواع مختلف شغل برای شهروندان می‌شود؛ ۲. گردشگری موجب سود بیشتر کسب‌وکارها می‌شود؛ ۳. گردشگری موجب سرمایه‌گذاری بیشتر برای اقتصاد جامعه می‌شود.

عامل مهم دیگر تحت تأثیر توسعه گردشگری، عامل محیطی است. متغیرهایی که بیشترین اثرگذاری را در ایجاد عامل محیطی داشته‌اند، عبارت‌اند از: ۱. شهروندان از شیوه برنامه‌ریزی و توسعه صنعت گردشگری راضی هستند؛ ۲. توسعه گردشگری از محیط زیست محافظت می‌کند. البته شایان ذکر است که اگرچه توسعه گردشگری دارای مزیت‌ها و منافع فراوانی برای جامعه محلی بوده است، باید حفظ محیط زیست ساکنان را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

عامل مهم دیگر تحت تأثیر توسعه گردشگری، عامل اجتماعی است. در این عامل چهار شاخص بارگذاری شده است که عبارت‌اند از: ۱. مختل شدن زندگی شهرنشین؛ ۲. زندگی شخصی شهروندان به سبب حضور گردشگران؛ ۳. شهروندان گردشگران را همچون یک عامل سلب آرامش می‌پندارند؛ ۴. شهروندان توسط گردشگران مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. همچنین یافته‌های حاصل از مدل ساختاری بیانگر آن است که توسعه ابعاد گردشگری نقش مهمی در افزایش مقیاس

شادی ساکنان شهر کاشان به خود اختصاص داده است. این اثرگذاری با بار عاملی ۰/۵۵ دارای سطح معناداری ۰/۰۰۰ بوده است. بنابراین می‌توان گفت با اطمینان درصد توسعه ابعاد گردشگری اثر مؤثری بر افزایش مقیاس شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان دارد.



تصویر ۲: مدل نهایی ارزیابی توسعه گردشگری بر میزان شادی ساکنان شهر کاشان

ارزیابی اثر ابعاد توسعه گردشگری بر میزان شادی ساکنان نمونه موردی: شهر کاشان

همچنین در جدول ۸ متغیرهای مورد استفاده در مدل‌سازی ساختاری و مقادیر غیراستاندارد، خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح پوشش (P) نشان داده شده است. نتایج جدول حاکی از آن است که تمام پارامترهای لامداری دارای تفاوت معناداری با مقادیر صفر هستند. مقدار P در تمام روابط فوق کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد همه روابط موجود در مدل مورد حمایت داده‌های تجربی قرار گرفته است.

جدول ۸: برآورد غیراستاندارد با سطح تحت پوشش

شاخص‌ها	کد	عامل	تخمین غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری
اقتصاد کلان	Q1	گردشگری و افزایش سرمایه‌گذاری	۱/۶۹۹	۱/۱۵۶	۴/۴۸۳	۱/۰۰۰
	Q2	گردشگری و ایجاد شغل	۱/۰۰۰			
	Q3	گردشگری و سود بیشتر	۱/۰۵۱	۱/۱۷۸	۵/۸۹۷	۱/۰۰۰
اثرات اجتماعی	Q4	گردشگری و مختل شدن زندگی شهروندان	۱/۰۰۰			
	Q5	گردشگری و مختل شدن زندگی خانوادگی	۱/۱۵۹	۲/۲۱۸	۵/۳۱۸	۱/۰۰۰
	Q6	گردشگر به‌عنوان مزاحم	۱/۸۴۵	۱/۱۷۶	۴/۸۰۳	۱/۰۰۰
اثرات فرهنگی	Q7	سوءاستفاده گردشگران از شهروندان	۳/۳۸۱	۱/۱۶۷	۲/۲۸۳	۱/۰۲۲
	Q8	گردشگری و ارتقای اصالت بومی	۱/۷۲۵	۱/۲۰۳	۳/۵۷۶	۱/۰۰۰
	Q9	گردشگری و مشارکت مردمی	۱/۹۷۲	۱/۲۰۴	۴/۱۷۶	۱/۰۰۰
اثرات اقتصادی	Q10	گردشگری و حفظ میراث فرهنگی و تاریخی	۱/۶۷۶	۱/۲۰۶	۳/۲۸۴	۱/۰۰۱
	Q11	گردشگری و مشوق غذای محلی	۱/۱۶۹	۱/۲۳۹	۴/۸۹۶	۱/۰۰۰
	Q12	گردشگری و افتخار فرهنگ بومی	۱/۰۰۰			
اثرات اجتماعی	Q13	گردشگری نوید اقتصاد آینده کاشان	۱/۰۰۰			
	Q14	گردشگری و فرصت استخدامی	۱/۹۰۶	۱/۲۰۹	۴/۳۳۴	۱/۰۰۰
	Q15	گردشگری و بهبود اقتصاد کاشان	۱/۲۰۴	۱/۲۵۶	۴/۷۰۷	۱/۰۰۰
اثرات محیطی	Q16	گردشگری و شور نشاط اجتماعی شغلی	۱/۹۶۷	۱/۲۰۱	۴/۸۰۹	۱/۰۰۰
	Q17	رضایت شهروندان از برنامه‌ریزی گردشگری	۱/۹۷۸	۱/۱۶۱	۶/۰۷۰	۱/۰۰۰
	Q18	توسعه گردشگری و بهبود وضع ظاهری کاشان	۱/۲۵۸	۱/۲۰۰	۶/۲۹۹	۱/۰۰۰
مقیاس شادی	Q19	توسعه گردشگری و محافظت از محیط زیست	۱/۰۰۰			
	Q20	سپری اوقات فراغت و تفریح خوب	۱/۹۰۵	۱/۱۶۵	۵/۴۹۸	۱/۰۰۰
	Q21	مقایسه شرایط زندگی و احساس خود با شهروندان	۱/۰۸۶	۱/۱۵۱	۷/۱۸۸	۱/۰۰۰
مقیاس امنیت شغلی	Q22	برخورداري از امکانات مناسب	۱/۱۱۲	۱/۱۵۳	۷/۲۸۳	۱/۰۰۰
	Q23	عدم مقایسه شرایط خود با دیگران	۱/۰۰۰			
	Q24	امنیت شغلی	۱/۹۵۸	۱/۱۵۲	۶/۳۱۰	۱/۰۰۰



منبع: یافته‌های تحقیق

پس از بررسی معناداری پارامترها به مقدار صفر به ارزیابی مدل نهایی پژوهش توسط شاخص برازش پرداخته می‌شود. در جدول ۹، شاخص اصلی برازش مدل نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش به خوبی توانسته‌اند مدل مفهومی پژوهش را نمایندگی کنند.

جدول ۹: رگرسیون وزنی مدل پیش فرض

شاخص‌ها	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF	GFI	CFI	PCFI	RMSEA	PCLOSE
نمرات	۶۵	۶۴۲/۳۳۶	۳۴۱	/۰۰۰	۱/۸۸۴	/۷۰	/۷۷۱	/۶۹۵	/۰۷۷	/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر ابعاد توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ذهنی ساکنان پس از شناسایی متغیرها، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌ها مؤید آن است که در محدوده مورد مطالعه، نتایج استنباطی نشان می‌دهد که به نظر شهروندان، شهر کاشان از نظر ابعاد توسعه گردشگری، از وضعیت مناسبی برخوردار است؛ لذا فرضیه اول مورد تأیید است. چنان‌که ارزیابی ساکنان از کم بودن فرصت استخدامی همیشگی، سلب آسایش و آرامش ساکنان، خود دلیلی بر مزاحم تلقی شدن گردشگران است، در کنار آن مختل شدن زندگی شهرنشین ساکنان نتیجه عدم رضایت شهروندان از نحوه برنامه‌ریزی در صنعت گردشگری است؛ زیرا ظرفیت بخش دولتی با ایجاد زیرساخت‌های مدیریتی که عامل مکمل و مهمی در راستای ارتقای میزان شادی و رفاه ساکنان است، نقش اساسی در امنیت روانی و اجتماعی ساکنان دارد. نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر معنی‌داری اثر توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ذهنی کاشان مؤید آن است که توسعه گردشگری نقش مهم و معنی‌داری در مقیاس شادمانی ذهنی ایفا می‌کند. نتیجه حاصل شده با نتایج تحقیقات ریورا و همکاران (۲۰۱۵) و آرچیل (۱۹۹۰) در اثرگذاری توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ساکنان در ابعاد متفاوت مورد بررسی، قرابت دارد. این اثرگذاری با بار عاملی ۰/۵۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است؛ بنابراین می‌توان گفت با اطمینان ۹۹٪ ابعاد توسعه گردشگری بر مقیاس شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان اثرگذار بوده است و فرضیه دوم پژوهش مبنی بر پارامترهای توسعه گردشگری با شادی ذهنی ساکنان شهر کاشان اثر معناداری دارد و مورد تأیید است. پس از تحلیل جزئی‌تر مطابق نظر ساکنان، بعد اجتماعی اقتصادی با بار عاملی ۰/۹۸ بیشترین نقش را در

ارزیابی اثر ابعاد  
توسعه گردشگری  
بر میزان شادی ساکنان  
نمونه موردی: شهر کاشان

تبیین اثرات توسعه گردشگری شهر کاشان به خود اختصاص داده است، طبیعتاً تنوع شغلی و بهبود شرایط اقتصادی در شور نشاط ساکنان متمر ثمر خواهد بود که در تحقیق حاضر نیز ساکنان بر قابلیت آن صحنه گذاشته‌اند. دومین سنجه معنادار با بار عاملی ۰/۹۱ مربوط به متغیر فرهنگی است که در ارتقای سطح شادی ساکنان منطقه اثرگذار است. دیگر عامل مهم تحت تأثیر توسعه گردشگری، عامل اقتصاد کلان است. این عامل با توجه به بار عاملی ۰/۷۳ پس از عامل فرهنگی قرار گرفته است. عامل محیطی دیگر عامل مهم تحت تأثیر توسعه گردشگری است. این عامل با توجه به بار عاملی ۰/۷۰ بعد از شاخص محیطی است. آخرین عامل تحت تأثیر توسعه گردشگری، عامل اجتماعی است. وجود کمترین بار عاملی نسبت به سایر ابعاد گویای این واقعیت است که بافت اجتماعی شهر کاشان همچنان هویت محلی خود را حفظ کرده و به اصول سنتی خود پایبند هستند. به عنوان نتیجه پایانی نیز می توان اذعان داشت که شهر کاشان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، دارای آب و هوای متنوع و به واسطه تاریخ کهن و وجود فضاها و بناهای تاریخی متعدد، توانایی و پتانسیل بالقوه لازم را برای ارتقای سطح مقیاس شادی ساکنان خود را دارد. این تحقیق شامل پیشنهاداتی به پژوهشگران است؛ از جمله اینکه با توجه به تأثیر ۰/۵۵٪ در شادمانی ذهنی به وسیله ابعاد توسعه گردشگری قابل پیش بینی بوده است، به نظر می رسد که متغیرهای دیگر نیز می تواند به عنوان نقش میانجی تعیین کننده باشد.

#### پی نوشتها

- |                       |           |              |
|-----------------------|-----------|--------------|
| 1. Faralla & Bimonte  | 2. Jeremy | 3. Pratt     |
| 4. Chen & Li          | 5. Coban  | 6. Veenhoven |
| 7. Hoopes & Lounsbury |           |              |

#### منابع

۱. اسماعیل زاده، حسن، صرافی، مظفر، و توکلی نیا، جمیله (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر رویکرد گردشگری در اجتماعات محلی»، مجله علوم محیطی، سال نهم، شماره ۲: ۱۱۹-۱۴۲.
۲. بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۴)، *مدل سازی معادلات ساختاری در علوم انسانی* Amos، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۳. حبیبی، فاتح، و محمدی، سمیرا (۱۳۹۶)، *بررسی تأثیر توسعه گردشگری بر شاخص توسعه انسانی (HDI)*، اولین همایش بین المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای رویکردها و کاربردها، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، دانشگاه کردستان.

۴. حقیقی، جمال، خوش کنش، ابوالقاسم، شکرکن، حسین، شهنی ییلاق، منیجه، و نیسی، عبدالکاظم (۱۳۸۵)، «رابطه الگوی پنج‌عاملی شخصیت با احساس شادکامی در دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید چمران»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱۳: ۱۶۳-۱۸۸.
۵. شاه‌مردی، صفورا (۱۳۹۵)، *تحلیل اثرات فضایی مجموعه گردشگری سازمان عمران زاینده‌رود بر شهر جادگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان.
۶. صیدالی، محسن، سلیمان‌گلی، رضا، و قراگوزلو، هادی (۱۳۹۰)، «بررسی اثرات گردشگری در توسعه روستایی (مورد مطالعه: روستاهای دهستان چهل‌چای شهرستان مینودشت)»، *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، سال اول، شماره ۳: ۶۹-۸۷.
۷. طاهریان، حسین، فیض، داوود، و حیدرخانی، زهرا (۱۳۹۳)، «عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر شادی و نشاط در دانشگاه‌ها و تأثیر آن‌ها بر تولید علم»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۷۲: ۹۹-۱۱۶.
۸. عمید، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
۹. فرجی‌راد، عبدالرضا، و افتخاریان، بهنام (۱۳۹۱)، «بررسی نقش معماری در صنعت گردشگری (مطالعه موردی: معماری ایران)»، *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، دوره ۱، شماره ۳: ۴۹-۶۷.
۱۰. فلاحتبار نصرالله، و مدیری، مهدی (۱۳۹۰)، «گردشگری؛ به‌ویژه گردشگری دینی و زیارتی مهم‌ترین قطب توسعه پایدار، مطالعه موردی: شهر کاشان»، *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، شماره ۱۳: ۱۷۱-۱۸۶.
۱۱. قرخلو، مهدی، رمضان‌زاده لسبوئی، مهدی، و گلین شریف‌دینی، جواد (۱۳۸۸)، «اثرات زیست‌محیطی گردشگری بر سواحل شهر رامسر»، *فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال اول، شماره ۳: ۱-۱۳.
۱۲. قالیباف، محمدباقر، و شعبانی‌فرد، محمد (۱۳۹۰)، «ارزیابی و اولویت‌بندی جاذبه‌های گردشگری برای توسعه گردشگری شهری بر اساس مدل‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره (مطالعه موردی: شهر سنندج)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست‌وششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰۱): ۱۴۸-۱۷۲.
۱۳. کیانی سلمی، صدیقه، و بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۵)، «تبیین اثرات جشنواره گلاب‌گیری از دیدگاه ساکنان محلی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، سال یازدهم، شماره ۳۴: ۶۵-۹۲.
۱۴. کیانی، مریم (۱۳۹۴)، *بررسی تصویر ذهنی ساکنان محلی در توسعه گردشگری در شهر آران و بیدگل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان.
۱۵. غلامی، یونس، خاکی، مریم، صادقیان، سمانه، و قاسمپور، سیده فاطمه (۱۳۹۸)، «ارزیابی ادراک شهروندان از توسعه گردشگری شهری و اثر آن بر شادمانی ذهنی؛ نمونه موردی: کلان‌شهر مشهد»،

- فصلنامه گردشگری شهری، دوره ششم، شماره ۱: ۱۰۷-۱۲۰.
۱۶. لطفی خاکچی، بهنام (۱۳۸۷)، «گردشگری به مثابه یک صنعت»، راهبرد/انجمن پردیس قم دانشگاه تهران، سال اول، شماره ۲: ۱۷۱-۲۰۶.
۱۷. نرگسی، شهین، بابکی، روح‌الله، و عفتی، مهناز (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه بین گردشگری، رشد اقتصادی و توسعه مالی در ایران» (۱۳۶۸-۱۳۹۵)، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۴۴: ۴۱-۶۷.
18. Ap, J., & Crompton, J. L. (1998). *Developing and Testing a Tourism Impact Scale*. *Journal of Travel Research*, 37 (2): 120-130
19. Butcher, G., Fairweather, J. R. & Simmons, D. G. (2003), "The Economic Impact of Tourism on Christchurchcity and Akaroa Township", *Journal of Economic Dynamics and Control*, No. 11: 200-211.
20. Bimonte, S. & Faralla, V. (2016), Does residents' perceived life satisfaction vary with tourist season? A two-step survey in a Mediterranean destination, *Tourism Management*, No. 55: 199-208.
21. Chen, Yong & Li, Xiang (2017), "Does a happy destination bring you happiness? Evidence from Swiss inbound tourism", *Journal Tourism Management*, p. 256-266
22. Cushman, G. (1986), Trends and issues in leisure and recreation: An Australian perspective, *World Leisure and Recreation*, p. 26-31.
23. Croes, R. (2012), Assessing tourism development from Sen's capability approach. *Journal of Travel Research*, 51 (5): 542-554.
24. Çoban, Omer (2018), Does Tourism Really Affect the Happiness of Residents? The Evidence from Turkey, *International Journal of Social Science Research*, Vol. 6 No.1: 18-28.
25. Diener, E. & Seligman, M. E. P. (2002), Very happy people. *Psychological Science*, 13 (1): 81-84.
26. De Neve, J.E, Diener, E, Tay, L, & Xuereb, C. (2013), The objective benefits of subjective well-being.
27. Easterlin, R. A. (2004), The economics of happiness. *Daedalus*, 133 (2): 26-33.
28. Faralla, V, Bimonte, S. (2012). *Tourist types and happiness a comparative study in maremma, Italy, 1929- 1950*.
29. Jeremy, N., Gholipour, H. F., & Tajaddini, R. (2015), Happiness and inbound tourism. *Annals of Tourism Research*, No. 57: 251-253
30. Kim, K., Uysal, M. & Sirgy, M. J. (2013), How does tourism in a community impact? the quality of life of community residents? *Tourism Management*, No. 36, p. 527-540.
31. Kim, K. (2002), *The effects of tourism impacts upon quality of life of residents in the community* (Doctoral dissertation. Virginia Polytechnic Institute and State University).
32. Kler, B. K. & Tribe, J. (2012), Flourishing through scuba: Understanding the

- pursuit of dive experiences. *Tourism in Marine Environments*, 8 (1e2): 19-32.
33. Legatum Prosperity Index (2013), A Global Assessment of Wealth and Wellbeing.
34. Marin, D. (1992), Is the Export-Led Hypothesis Valid For Industrialized Countries? *Review of Economics and Statistics*, 74 (4): 678-688.
35. McGillivray, M. & Clarke, M. (2006), Human well-being: Concepts and measures. In M. McGillivray & M. Clarke (Eds.), *Understanding Human Well-Being* (p. 3-15). Basingstoke: Palgrave MacMillan.
36. McCabe, S. & Johnson, S. (2013), The happiness factor in tourism: subjective wellbeing and social tourism. *Annals of Tourism Research*, 41 (1): 42-65.
37. Neal, J. D., Uysal, M., & Sirgy, M. J. (2007), The effect of tourism services on travelers' quality of life, *Journal of Travel Research*, No. 46: 154-163.
38. Neal, J. D., Sirgy, M. J. & Uysal, M. (1999), The role of satisfaction with leisure travel/ tourism services and expenditure in satisfaction with leisure life and overall life. *Journal of Business Research*, No. 44: 153-163.
39. Ozturk, Ahmet Bulent, Ozer, Ozgur & Çaliskan, Usur (2015), "The relationship between local residents perceptions of tourism and their happiness: a case of Kusadasi, Turkey", *Tourism Review*, Vol. 70, No.3: 232 -24.
40. Pratt, S., Mc Cabe, S. & Movono, A. (2015), Gross happiness of a tourism village in Fiji. *Journal of Destination Marketing and Management*, vol 5(1): 26-35.
41. Powdthavee, N. (2007), Economics of happiness: A review of literature and applications. *Chulalongkorn Journal of Economics*, 19 (1): 51-73.
42. Rojas, M. (2011), Happiness, income, and beyond. *Applied Research Quality Life*, 6 (3): 265-276
43. Rivera, M., Croes, R. and Seung, H. L. (2015), "Tourism Development and Happiness: A residents perspective", *Journal of Destination Marketing & Management*, p. 1-11
44. Strauss-Blasche, G., Ekmekcioglu, C. & Marktl, W. (2000), Does vacation enable recuperation? Changes in well-being associated with time away from work.
45. Sonja Lyubomirsky & Kari L. Tucker. (1998), Implications of Individual Differences in Subjective Happiness for Perceiving, Interpreting, and Thinking About Life Events, *journal Motivation and Emotion*, 22: 155-186.
46. Tsaour, S.-H., Yen, C.-H., & Hsiao, S.-L. (2013), Transcendent experience, flow and happiness for mountain climbers, *International Journal of Tourism Research*, 15 (4): 360-374.
47. Voigt, C., Howat, G. & Brown, G. (2010), "Hedonic and eudemonic experiences among wellness tourists: An exploratory enquiry", *Annals of Leisure Research*, 13 (3): 541-562
48. Weaver, D. B., & Lawton, L. J. (2001). Resident perceptions in the urban-rural fringe. *Annals of Tourism Research*, 28: 439-458.

49. Zafar, U. A. & Franklin B. K. (1993), "Understanding the Unique Consumer Behavior of Japanese Tourists", *Journal of Travel & Tourism Marketing*, p. 73- 86.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۱۲۳-۱۴۸  
مقاله علمی پژوهشی

## بازخوانی قالی میرزا کوچک منسوب به کاشان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی\*

سید محمدرضا طبسی\*\*

ایمان زکریایی کرمانی\*\*\*

### چکیده

یکی از تحولاتی که قالی تصویری ایران در دوره قاجار از آن متأثر می‌شود، انقلاب مشروطه و وقایع پس از آن است که موجب می‌گردد تصاویری از قهرمانان مردمی و جان‌باختگان این انقلاب بر روی قالی‌های تصویری بافته شود. قالی میرزا کوچک‌خان، قالی شاخص تصویری متأثر از تحولات پس از انقلاب مشروطه تا ظهور پهلوی اول بوده که محل بافت آن به کاشان نسبت داده شده است. مسئله این پژوهش، چگونگی بروز نشانه‌های بصری متأثر از جنبش جنگل در این قالی و درک معانی ضمنی و صریح عناصر تصویری در پیوستگی با کتیبه‌های شعری است. هدف از این پژوهش دست یافتن به دلالت‌های معنایی پیکره مطالعاتی است. نگارندگان تلاش دارند با مطالعات اسنادی و میدانی در چهارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر به توصیف و تحلیل قالی میرزا کوچک‌خان بپردازند و به این سؤال پاسخ دهند که «عناصر تصویری - واژگانی بازنمایی شده در این قالی چه دلالت‌های معنایی دارند؟». یافته‌های پژوهش از این قرار است: کارکرد زنجیره ابیات حاشیه قالی در معرفی هویت کنشگر انسانی و محیط طبیعی، تلاش با هدف گذر از الگوی بصری مفهومی در متن به سوی الگوی روایی با کمک اشعار معرف، چینه‌ایات قصیده در حاشیه قالی با توجه به قسمت‌های مختلف در نوع ادبی قصیده، ایجاد مشروعیت سیاسی از طریق بازنمایی کنشگر اصلی در مشابهت با قالی‌هایی که در آن‌ها پهلوانان و پادشاهان مقتدر ایران تصویر شده‌اند، ایجاد هماهنگی بین فرم شمشه‌های بازوبندی و محتوای حماسی مصرع‌ها و گسترش مفهوم ملی‌گرایی در ایران در زمان بافت، برجسته‌سازی میرزا کوچک، بیان تصویری مفهوم قبله آمل، تقدیس امر جهاد و جنبش جنگل در عناصر نوشتاری و معمارانه به‌ویژه انتخاب قاب محرابی. شناسایی مکان دقیق بافت قالی و بافنده آن از دیگر یافته‌های این تحقیق است.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر، قالی کاشان، قالی تصویری، میرزا کوچک‌خان.

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان مطالعه گفتمانی تجدد در قالی‌های تصویری ایران از دوران انقلاب مشروطه تا پایان عصر پهلوی از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی است که با راهنمایی دکتر ایمان زکریایی کرمانی در دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی دانشگاه هنر اصفهان در بهمن ماه ۱۴۰۱ خورشیدی دفاع شده است.

\*\* دانشجوی دکتری گروه پژوهش هنر، اصفهان، ایران / m\_rezatabasi@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه فرش، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) / i.zakariaee@aui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی



## ۱. مقدمه

یکی از تحولاتی که قالی تصویری ایران در دوره قاجار از آن متأثر می‌شود، انقلاب مشروطه و وقایع بعدی آن است که موجب می‌گردد تصاویری از قهرمانان و جانباختگان این انقلاب روی قالی‌های تصویری بافته شود. همچنین در این دوره، تحولات هنری ایران تحت‌تأثیر کشاکش دائمی ایران در مرزها با دو قدرت استعماری روسیه و انگلستان و وجود مراوداتی با فرانسه و آلمان است. درون چنین آرایشی از ساختارهای جهانی و رویارویی نیروهای سیاسی جهانی با یکدیگر، نظام نشانه‌ای هنر ایران شکلی تازه از دلالت‌ها را می‌یابد (Scheiwiller, 2012: 17). یکی از قالی‌هایی که تحت‌تأثیر کشاکش داخلی و خارجی ایران کمی پس از انقلاب مشروطه و در زمان قیام جنگل بافته شده، قالی میرزا کوچک است. این قیام پس از اقدام‌های مختلف از جمله تشکیل جمعیت انقلاب سرخ ایران و برپایی جمهوری شورایی گیلان و انجام نبردهای متعدد با یخ زدن میرزا کوچک و بریده شدن میرزا کوچک در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ش به پایان می‌رسد (پرتو، ۱۳۹۱: ۲۷۸-۲۷۹ و ۳۸۱). مسئله این پژوهش شناخت چگونگی تأثیرپذیری نقوش قالی مذکور از یکی از جنبش‌های مهم سیاسی و اجتماعی پسامشروطه و درک معانی ضمنی و آشکار این نقش‌ها در پیوستگی با کتیبه‌های شعری است. هدف از این پژوهش، دستیابی به دلالت‌های معنایی در پیکره مطالعاتی بوده و سؤال اصلی پژوهش این است که عناصر تصویری واژگانی بازنمایی شده در قالی میرزا کوچک دارای چه دلالت‌های معنایی هستند؟ ضرورت پژوهش به کمبود منابع موجود در خصوص تبیین نشانه‌شناسانه قالی مذکور و به‌طور کلی قالی‌های پسامشروطه تا پایان عصر قاجار بازمی‌گردد. در این مقاله، نگارندگان تلاش دارند با روش کیفی و مطالعات اسنادی و میدانی در چهارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر و تجزیه و تحلیل بر روی قالی میرزا کوچک‌خان منسوب به شهر کاشان، به شناسایی عناصر نشانه‌ای موجود در متن پردازند و به تشریح ترکیب‌بندی پیکره مطالعاتی با هدف تفسیر دلالت‌ها توجه کنند. افزون بر این برای تشریح دلالت‌های معنایی موجود به ارجاعات خارج از متن در بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز نیم‌نگاهی داشته باشند.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

#### ۱-۱-۱. پیشینه مرتبط با قیام جنگل

علم (۱۳۸۶) در مقاله «ریشه‌های هویت ایرانی در قیام میرزا کوچک جنگلی» با پرداختن به زمینه‌های قیام میرزا کوچک جنگلی و سابقه همراهی وی در فتح تهران و پایان استبداد صغیر، به



این نکته‌ها می‌پردازد: سازگاری بین اندیشه و عمل میرزا کوچک‌خان با مباحث سیاسی جدید از جمله هویت تاریخی، منافع ملی و انگاره‌های سیاسی که بیانگر اعتقاد به کلیتی تاریخی است و همچنین انگاره‌های استقلال‌خواهی، دموکراسی‌خواهی و گرایش به اسلام‌خواهی ملی‌گرایانه را در این قیام بررسی می‌کند. در نتیجه‌گیری این مقاله میرزا کوچک و قیام وی موجب ظهور همه آموزه‌های هویت ملی و کلیت تاریخی ایران از قبیل استقلال، تمامیت ارضی، بیگانه‌ستیزی، تساوی حقوق، اسلام‌گرایی و آزادی می‌شود.

حاج سیدجوادی (۱۳۷۴) در فصل سوم از جلد دوم کتاب *گیلان با نام «نهضت جنگل»*، به عوامل شکل‌گیری نهضت، تشکیل کنگره کسما و تعیین مشی آینده جنگل بر مبنای اصول سوسیالیسم و معرفی مرامنامه مصوب، معرفی مجاهدان هم‌رزم میرزا کوچک، مرادوات نهضت جنگل با دول خارجی، معرفی روزنامه جنگل و مبارزات صورت‌گرفته تا شکست این نهضت می‌پردازد. این مقاله عکس‌های متعددی از میرزا کوچک‌خان جنگلی و هم‌زمان وی را ارائه می‌کند.

ژانت آفاری (۱۹۹۵) در مقاله «تاریخ‌نگاری مناقشه‌برانگیز جمهوری گیلان در ایران: یک کاوش انتقادی، ظهور و نابودی جمهوری سوسیالیستی ایران (۱۹۲۰-۱۹۲۱م)»، به ظهور این جمهوری به رهبری میرزا کوچک‌خان به‌عنوان نمونه‌ای از جنبش آزادی‌بخش در ایران - که از حمایت دهقانان برخوردار بوده است - توجه می‌کند و آن را آمیخته‌ای از ملی‌گرایی و باور قدرتمند مذهب تشیع می‌بیند و میرزا کوچک را رهبری انقلابی و سیاست‌مداری می‌داند که برای حفظ استقلال گیلان از تعرض قدرت‌های امپریالیستی، به هر شکل ممکن مبارزه می‌کند. این مقاله تاریخ‌نگاری در قبل و بعد از انقلاب اسلامی درباره جمهوری گیلان را هم مقایسه می‌کند. فخرایی (۱۳۵۷) در کتاب *سردار جنگل میرزا کوچک‌خان* که تاریخ قیام میرزا کوچک‌خان است، به شخصیت، افکار و اخلاق میرزا کوچک و ایدئولوژی جنگلی‌ها، توسعه و تکامل قیام جنگل، جنگ‌ها، تأثیر سیاست شوروی و انگلستان بر نهضت جنگل و همچنین تأثیر سردار سپه و دولت وقت بر سرانجام قیام می‌پردازد.

شولتز<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش «پرتره‌ها، عکس‌ها و سیاست در رسانه فرس: ایران، اتحاد جماهیر شوروی و فراتر از آن»، به برخی از قالی‌های تصویری می‌پردازد که در آن پرتره‌هایی از رهبران کشورهای مذکور در انتهای قرن نوزدهم و دهه‌های اول قرن بیستم بازنمایی می‌شود. در این مقاله به کارکرد سیاسی این قالی‌ها توجه شده است. وی قالی‌های تصویری ایران را در دوره

مدنظر دارای رابطه‌ای تجربی و خلاقانه با رسانه‌های مختلف می‌داند و نحوهٔ جانمایی قالی‌ها را در ایجاد معنای ضمنی آن مؤثر فرض می‌کند. همچنین این پژوهش تأثیرپذیری قالی‌های تصویری را از هنر جدید عکاسی، تصاویر سنتی و تازه‌نقش‌شده از سلسلهٔ ساسانی در دورهٔ ذکرشده، مدنظر دارد.

### ۲-۱-۱. پیشینهٔ مرتبط با قالی‌های تصویری

چیت‌سازیان (۱۳۸۸) در تألیفی به نام *نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان*، سوابق تاریخی، هنر و صنایع و فرش کاشان را در دوره‌های مختلف تاریخ ایران از جمله قاجار بررسی و از ملامحمود مدیحی در قسمت تولیدکنندگان فرش یاد می‌کند. در این پژوهش، تصویری از قالی میرزا کوچک وجود دارد که در کارخانهٔ ملامحمود تولید شده است.

حصوری (۱۳۷۷) در مقالهٔ «میرزا کوچک‌خان»، علاوه بر معرفی قالی و تولیدکننده‌اش، علت بافت این فرش و تاریخ بافتش را بیان می‌کند. نکتهٔ درخور توجه در این مقاله، بازنویسی اشعاری است که در مدح میرزا کوچک سروده و در حاشیهٔ قالی ذکر شده است. وی در این مقاله به تأثیر لهجهٔ کاشانی در سرایش شعر اشاره کرده است.

### ۳-۱-۱. پیشینهٔ مرتبط با روش

ریوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پایان‌نامهٔ خود با نام *رمزگشایی تصاویر: نشانه‌شناسی اجتماعی عشق بسازید نه دیوار*، به چگونگی بصری شدن استعاره‌های فرهنگی و اجتماعی در پوشش «عشق بسازید نه دیوار» برند دیزل در فوریهٔ ۲۰۱۷ میلادی (اسفند ۱۳۹۵) به بعد می‌پردازد. این پوشش با هدف ترویج عشق، گریز از ناعدالتی در قالب تبلیغات مد و بر هم زدن موانعی تفسیر شد که به دور شدن انسان‌ها از یکدیگر می‌انجامد. نکتهٔ درخور توجه در این پایان‌نامه این است که پژوهشگر، هنگام تدوین چهارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی تصاویر و متن‌های مدنظر به مفهوم مشارکت اجتماعی فرهنگی هم توجه کرده است. از سوی دیگر در این پایان‌نامه چگونگی دست یافتن تصاویر این پوشش به قدرت اقناعی مخاطب هم مدنظر قرار گرفته است.

کیپل<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در کتاب *عکاسی خبری: رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی*، به ضرورت و چرایی انتخاب عکاسی خبری از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی پرداخته و چگونگی مطالعهٔ عکس در روزنامه را شرح می‌کند. همچنین ارزش‌های خبری را در تکرار و چینش خاص تصاویر به مخاطب نشان می‌دهد و به چگونگی ترکیب عناصر در تصویر از منظر زیبایی‌شناسی و نشانه‌شناسی می‌پردازد و به تعادل در ترکیب عناصر داخل تصویر دقت و سعی می‌کند شبکهٔ

معانی وابسته به آن را با به‌کارگیری روش نشانه‌شناسی اجتماعی آشکار نماید. جیوت و اوایاما<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) در مقاله «معنای بصری: رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی» به توصیف منابع نشانه‌شناختی و گستره آن و تجزیه و تحلیل روابط درون تصاویر از منظر چهارچوب نظری نشانه‌شناسی اجتماعی می‌پردازد. از سویی دیگر، معنای بازنمایی و ساختار روایی در تصاویر را واکاوی و همچنین معنای ترکیبی را در ادامه مقاله تعریف می‌کند و به اهمیت مفهوم مدالیتی<sup>۵</sup> در این رویکرد می‌پردازد.

با جست‌وجو در پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد تنها پژوهشی که مستقیم و متمرکز به قالی میرزا کوچک پرداخته است، پژوهش حصوری (۱۳۷۷) باشد. پژوهش یادشده به‌میزان کمتری وارد حوزه معناشناسی این اثر شده و از روشی بر پایه نشانه‌شناسی بی‌بهره است. پژوهش حاضر به حوزه معناشناسی با توجه به روش نشانه‌شناسی اجتماعی توجه دارد و از این‌رو با پژوهش‌های پیشین متمایز است.

## ۲-۱. روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی و بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر‌گوتر کرس و تئوون لیوون است که برای بازخوانی پیکره مطالعاتی و دریافت وجوه متنوع و کارکردهای اجتماعی نشانه‌های موجود در متن استفاده شده است. انتخاب نمونه مورد مطالعه هدفمند و از نوع سهمیه‌ای نمونه شاخص بوده است. در این پژوهش برای پاسخ به سؤال اصلی علاوه بر توصیف و تحلیل درون‌متنی نشانه‌های پیکره مطالعاتی به تأثیرپذیری این نشانه از تحولات تاریخی و متون مشابه نیز توجه شده است. همچنین برای درک بهتر از فرایند بافت این قالی، علاوه بر مطالعات اسنادی با روش میدانی نیز اطلاعات لازم گردآوری شده است که به تصحیح برخی از نکته‌های پیشین ذکرشده در پژوهش حصوری (۱۳۷۷) انجامید و همچنین منجر به شناخت بافنده قالی مذکور شد.

## ۲. مفاهیم نظری

کرس و ون لیوون<sup>۶</sup> در پژوهشی با عنوان *خوانش تصاویر: دستور طراحی بصری* (۲۰۰۶) گرامری را در حیطه خوانش تصاویر بر پایه زبان‌شناسی انتقادی عرضه می‌کنند. روش آن‌ها تحت‌تأثیر دستور نقش‌گرای مایکل هالییدی است که در بخش‌بندی نظام معنایی زبان، فرانش‌های اندیشگانی بین‌فردی و فرانش‌متنی را معرفی می‌کند (هالییدی و حسن، ۱۳۹۳: ۷۲-۹۴). آن‌ها این سه فرانش را به سه فرانش بازنمودی، تعاملی و ترکیبی در مطالعه تصویر تبدیل می‌کنند.

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی

## ۱-۲. فرانقش بازنمودی

فرانقش بازنمودی متناظر فرانقش اندیشگانی است. این فرانقش قابلیت نظام‌های نشانه‌شناختی برای بازنمود اشیا و ارتباط بین آن‌ها در جهانی فراتر از نظام بازنمودی یا در نظام‌های نشانه‌شناختی یک فرهنگ دانسته می‌شود (Kress & Van Leeuwen, 2006: 47). در نشانه‌شناسی اجتماعی برای عناصر تصویرشده، از عنوان مشارکت‌کنندگان استفاده می‌شود. در این نگاه، تولید و ارائه تصویر عملی اجتماعی است. معنای بازنمودی به واسطه عناصری که به تصویر کشیده شده‌اند؛ یعنی مشارکت‌کنندگان در تصویر مانند انسان‌ها، اماکن و چیزها انتقال داده می‌شود. مشارکت‌کنندگان نیز در زیر عنوان «شرکت‌کنندگان تعاملی» و «شرکت‌کنندگان بازنموده‌شده» تقسیم‌بندی می‌شوند. گروه اول در برقراری ارتباط سهمی دارند؛ یعنی کسانی که صحبت می‌کنند، می‌شنوند، می‌نگارند، متنی را می‌خوانند، تصاویری را می‌سازند یا به آن‌ها توجه و نگاه می‌کنند. گروه دوم موضوع ارتباط را شکل می‌دهند؛ یعنی افراد، مکان‌ها، مباحث انتزاعی یا اشیایی که در گفتار، نوشتار و تصویر بازنموده می‌شوند (همان: ۴۸). ساختار نحوی در فرانقش بازنمودی دارای دو الگوی خاص است. این الگوها عبارت‌اند از: روایتی و مفهومی. در الگوی روایتی، کنش وجود دارد. عنوان عامل کنش یا کنشگر، برای اشاره به عاملی به کار می‌رود که در ارتباط با یک مفعول، موجب تغییر می‌شود. در نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر کنشگر منحصر به شرکت‌کننده فعال در فرایند کنشی است. در این فرایند، بردارها یا از کنشگر منشعب یا با او ترکیب می‌شوند (همان: ۷۴). طبق نظر کرس و ون لیوون الگوهای مفهومی، شرکت‌کنندگان را با توجه به دسته‌بندی، ساختار، معنی یا از نظر جوهره ثابت و پایدارشان بازنمود می‌کنند؛ درحالی‌که الگوهای روایی به ارائه کنش‌ها، رویدادها، فرایندهای متغیر و ترکیب‌بندی‌های مکانی گذرا می‌پردازند. در الگوی مفهومی، ساختار بازنمودی خود را در تقسیم‌بندی سه‌گانه طبقه‌بندی، تحلیلی و نمادین باز می‌یابد (همان: ۵۹). در طبقه‌بندی، تصویرگر آنچه به تصویر می‌کشد، در رده‌های مختلفی جای می‌دهد. بلاغت تصویر، یعنی استفاده از شیوه‌های استعاره و مجاز مرسلی (نمادین و تحلیلی) در این حوزه اتفاق می‌افتد و امکان دارد پایگاه گفتمانی تفسیرکنندگان، تفسیرهای متفاوتی را از کارکردهای نمادین تصویر فراهم سازد.

## ۲-۲. فرانقش تعاملی (بین‌فردی)

در روند تعامل، کنش‌های انسان در پاسخ یا در انتظار کنش‌های دیگران انجام می‌شود. اهمیت تعامل در آن است که تنها از این راه، رخدادها و نهادهای اجتماعی معنا می‌یابند، واقعیت

اجتماعی ساخته می‌شود و هویت شخصی شکل می‌گیرد (ادگار، ۱۳۸۷: ۹۴). در نگرش نشانه‌شناسی اجتماعی فرایند ساخت معنی دارای دو بُعد درونی و بیرونی (ظاهری) است. در بُعد بیرونی فرایند، کنشی اجتماعی وجود دارد که به میانجیگری آن، معنا پیوسته‌وار در روندی تحول‌آفرین تولید می‌شود. در این فرایند دگرساز، بین معنا، محیط فرهنگی موجود و محرک‌های اجتماعی بیرونی، کنش و واکنش برقرار می‌شود که معنی تولیدشده را می‌توان یک واکنش ذاتی دائمی و در تعامل پیوسته با جهان دانست (Kress, 2010: 93-94). کرس و ون لیوون برای بررسی این فرآیندهای مؤلفه‌های تماس، قاب تصویر و فاصله اجتماعی و زاویه دید را پیشنهاد می‌کند.

## ۲-۱. تماس

تماس به حضور فیزیکی دلالت می‌کند. این موضوع خود می‌تواند امری تعاملی مستقیم و بی‌واسطه یا واسطه‌ای باشد. هاپر به نقل از پارک و بورگس می‌نویسد تماس را می‌توان مرحله ابتدایی برهم‌کنش اجتماعی و مقدمه مراحل بعدی تلقی کرد. این بیان نشان می‌دهد که تماس اجتماعی، تماسی میان اشخاص یا گروه است و پیش‌شرط ورود به برهم‌کنش اجتماعی است (هاپر، ۱۳۹۲: ۲۶۵). کرس و ون لیوون با تمرکز بر گرامر تصویر، تماس را به مفهوم دیدگانی و چشمی تقلیل می‌دهند و بر نقش نگاه خیره تأکید دارد. با این تقسیم‌بندی تماس (چشمی) به دو شاخه نگاه تقاضا و نگاه عرضه تقسیم می‌شود. نگاه تقاضا، نگاهی است که به سمت بیننده هدایت می‌شود و نگاه عرضه به سمت بیننده هدایت نمی‌شود (Kress & Van Leeuwen, 2006: 148).

## ۲-۲. قاب تصویر و فاصله اجتماعی

معنای تعاملی که به واسطه ارتباط میان عناصر موجود در تصویر و بینندگان ایجاد می‌شود، دارای بعد خاصی با نام قاب تصویر است. نوع نمایی که بر اساس آن تصویری ارائه می‌شود، معانی خاص و متفاوت را ایجاد می‌کند. این نماها شامل نمای بسته، متوسط و باز است.

اصطلاح فاصله اجتماعی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی برای اشاره به درجه تفاهم مبتنی بر همدلی (صمیمیت) به کار برده می‌شود؛ همدلی‌ای که یک طرف رابطه اجتماعی نسبت به طرف دیگر احساس می‌کند و برحسب نقطه کامل، تفاهم را می‌توان اندازه‌گیری کرد. احساسات طرف مربوط هرچقدر از این نقطه دورتر باشد، فاصله اجتماعی افزون‌تر می‌شود. گاهی اصطلاحی که به معنی بالا به کار می‌رود، با صفت افقی توصیف می‌شود. اصطلاح فاصله اجتماعی عمودی نیز برای اشاره به درجات فرمانروایی - فرمان‌برداری در رابطه اجتماعی همراه

با درجهٔ اختلاف در حیثیت، قدرت و اختیار استفاده می‌شود (اتو دالک، ۱۳۹۲: ۶۰۹). فاصلهٔ اجتماعی افقی به معنای داشتن تعامل بدون حس خودبرتربینی با دیگرانی که به لحاظ فرهنگی متمایزند (Cavan, 1971: 94). اما در فاصلهٔ اجتماعی عمودی تفاوت‌های فرهنگی پررنگ است و مبنای تفاوت خود و دیگران محسوب می‌شود (Bogardus, 1928: 78). کرس و ون لیوون فاصلهٔ اجتماعی را به سه شاخهٔ صمیمانه/ شخصی، اجتماعی و غیرشخصی تقسیم‌بندی می‌کنند که متناظر نماهای یادشده است (Kress & Van Leeuwen, 2006: 148).

همچنین زاویهٔ دید و تأثیر آن بر جهت‌گیری‌های شخصی در تصویر در معانی تعاملی، مدنظر نشانه‌شناسی اجتماعی است. تاونزند اظهار می‌کند پرسپکتیو صرفاً بازآفرینی واقعیت به شمار نمی‌رود بلکه خودش یکی از شیوه‌های قراردادی دیدن است که باید آن را از راه تجربه فراگرفت (تاونزند، ۱۳۹۳: ۲۵۵). شیوه‌های قراردادی دیدن در نشانه‌شناسی اجتماعی این‌گونه تعریف می‌شود: زاویهٔ مستقیم از روبه‌رو معرف رابطه با پدیدهٔ درون تصویر، زاویهٔ مورب به معنای رابطه نداشتن با پدیده، زاویه از بالا به پایین به معنی تسلط بیننده بر پدیده و زاویهٔ هم‌سطح چشم بیانگر برابری بیننده با پدیده است و سرانجام زاویه از پایین به بالا تسلط شرکت‌کنندهٔ بازنمودشده بر بیننده را نشان می‌دهد (Kress & Van Leeuwen, 2006: 148).

### ۳-۲. فرانقش ترکیبی

از نظر آن‌ها ترکیب‌بندی می‌تواند معانی بازنمودی و گذرای تصویر را به سه شیوهٔ بهم‌پیوسته به یکدیگر مرتبط سازد. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱. ارزش اطلاعاتی یا محل قرارگیری عناصر موجود در تصویر؛
۲. برجستگی یا وجوه ظاهر شدن عناصر درون تصویر برای توجه بینندگان؛
۳. قاب‌بندی یا حضور یا غیاب ابزارهای قاب‌بندی ارتباط‌دهنده یا جداکنندهٔ عناصر درون تصویر.

از دیدگاه کرس و ون لیوون این سه اصل ترکیب‌بندی بر تصویرها اعمال نمی‌شود، بلکه می‌توان آن‌ها را در متون ترکیبی، یعنی متونی که متن را در کنار تصویر دارند و همچنین دربارهٔ دیگر عناصر گرافیکی به کار برد. بنابراین هر متنی که معانی آن با بیش از یک شیوهٔ نشانه‌شناختی محقق شود، متن چندشیوه به حساب می‌آید (همان: ۱۷۷). در متون چندشیوه، اولین فرض در نشانه‌شناسی اجتماعی آن است که معنی‌سازی همواره چندوجهی است؛ ژست، حالت، نگاه، حرکت و... در معنی‌سازی، توانایی مشارکت برابر دارند (Wong, 2019: 2).

### ۳. معرفی پیکره مطالعاتی

قالی میرزا کوچک در کارخانه قالی‌بافی ملامحمود مدیحی (۱۲۵۸-۱۳۳۰) بافته شده است (تصویر ۱). این فرش در ابعاد ۲۲۰×۱۳۰ سانتی‌متر به تاریخ تقریبی ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۹ در شهر کاشان بافته شده و بدین سبب که پیکره میرزا کوچک‌خان در قالی محرابی در زمینه آن بافته شده، به این نام موسوم است.



تصویر ۱: قالیچه محرابی کتیبه‌دار با تصویر میرزا کوچک‌خان محل بافت: کاشان، کارخانه ملامحمود مدیحی (چیت‌سازیان، ۱۳۸۸: ۱۴۷؛ حصوری، ۱۳۷۷: ۳۵)

هرچند حصوری از روی فعالیت‌های ملامحمود مدیحی این احتمال را داده که این قالی در روستای ابوزیدآباد بافته شده است (حصوری، ۱۳۷۷: ۳۷). اما در مرحله مطالعات میدانی این پژوهش با دسترسی به بازماندگان و خانواده دخترى ملامحمود مدیحی مشخص شد حدس

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی

حضور درستی نبوده و این قالی جدا از فضای کارگاهی قالی‌های دیگر و دور از انظار عموم بافته شده است و محل بافت آن را می‌توان منزل ملامحمود مدیحی دانست. با توجه به اینکه خانه بزرگ ملامحمود موسوم به پنج‌دری در کاشان دارای دو فضای مجزا برای دو همسر وی بوده است، این قالی در خانه پستی بافته شده که محل زندگی همسر دومش، خاور شیروانی (خاورخانم ۱۲۸۴-۱۳۵۹ش) محسوب می‌شد و این بافنده، قالی مورد نظر را در اوان جوانی بافته است. از سوی دیگر مشخص شد ملامحمود با بازرگانان اروپایی و یکی از تبعیدیان گیلانی به نام خلعتبری<sup>۷</sup> معروف به دکتر، ارتباط کاری و مراوداتی داشته است. این موضوع می‌تواند نشانی از علاقه وی به اندیشه‌های تجددخواهانه باشد؛ اما هیچ‌یک از اعضای خانواده‌اش این را تأیید نکرده‌اند که وی در آن دوره، کنشگری سیاسی بوده است (سهیلی اصفهانی، ۱۴۰۱). بر مبنای این مصاحبه، تصاویری از بافنده و صاحب قالی به دست آمد که در تصاویر ۲ تا ۵ نشان داده شده است.



تصویر ۲ و ۳: خاور شیروانی همسر دوم ملامحمود مدیحی و بافنده قالی میرزا کوچک (آلبوم عکس خاندان مدیحی)



تصویر ۵: ملامحمود مدیحی و پسرانش (آلبوم عکس خاندان مدیحی)



تصویر ۴: ملامحمود مدیحی (آلبوم عکس خاندان مدیحی)



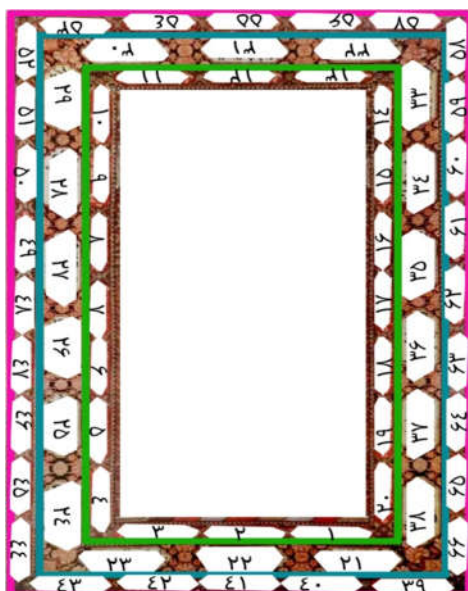
### ۱-۳. معنای باز نمودی (الگوی بصری چیدمان، اشیا و اجزای همراه)

#### ۱-۱-۳. الگوی بصری

در این قالی تنها یک کنشگر انسانی دیده می‌شود؛ الگوی بصری در تصویر از نوع مفهومی است که دارای دوسویه نمادین و تحلیلی است. سویه نمادین مربوط به بازنمایی شخص میرزا کوچک در مقام یک مبارز است که وجوه توصیفی نمادین شخصیت وی در مضمون کتیبه‌های این قالی در سه حاشیه بیان شده است. از سویی دیگر، این تصویر سویه تحلیلی نیز دارد. سویه تحلیلی از این‌روست که حضور یک شخص در این تصویر بر جریانی سیاسی و اجتماعی دلالت می‌کند که افراد بسیاری را تحت‌تأثیر خود قرار داد و نوعی مجاز جز به کل اتفاق افتاده است. از سویی دیگر، قطار فشنگی که حمایل شده است و قرار دادن دست راست روی جلد کیف اسلحه کمربندی و گرفتن لوله تفنگی که قنடاق آن بر زمین است با دست دیگر، مجازی بر مبارز بودن و مهیا بودن برای نبرد است. در این تصویر، فضای پس‌زمینه و پیش‌زمینه که گیاهان و درختان در آن تصویر شده، تداعی‌کننده جنگل است.

آشکاری سویه نمادینی که سفارش‌دهنده و طراح قالی از شخصیت میرزا کوچک دارند، وابسته به خوانش تک‌مصراع‌هایی است که در سه حاشیه قالی در ترنج‌های بازوبندی شکل آمده که ذکر متوالی‌شان، ابیاتی پیوسته را ایجاد کرده است. اساس طرح قالی و شعر که در وصف میرزا کوچک است، زاده طبع ملامحمود مدیحی است (حصوری، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۷). حصوری این اشعار را خواننده

است و در آن بعضی از ادات گویش کاشانی و اغلاط املائی به چشم می‌خورد (همان: ۳۸ و ۳۹). برای دریافت چرایی بازنمایی میرزا کوچک در این قالی و همچنین درک سویه استعاره‌ای یا نمادینی که ملامحمود مدیحی و طراح سعی در ارائه آن داشته‌اند، لازم است به متن این شعر و ساختار جایگیری مصرع‌ها توجه شود (تصویر ۶ و جدول ۱).



تصویر ۶: ساختار تصویری حاشیه‌های سه‌گانه و نحوه جایگیری مصرع‌ها در متن (نگارندگان)

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی

## جدول ۱: ساختار فرمی و مضمونی حاشیه‌های قالی میرزا کوچک

(نگارندگان: منبع اشعار کتبی‌ها: حصوری، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۹)

ردیف	نوع حاشیه	رکن قصیده	مضمون	تعداد کتبی‌ها
۱	حاشیه یا طره داخلی	تشیب/ گریزگاه	تغزلی	۲۰ ۱-۲۰

## محتوای کتبی‌های بازبندی طره داخلی

آشفته‌ام ز طره لیلی شمایی  
بی‌زلف او تفرج صحرا نیایدم  
کرده دراز قصه به هم یاد زلف او  
بر یاد زلف دوست به دیوانگی خوشم  
در باغ روزگار نیاید دگر به دست  
بگرفت دست پیش رخسار یار جام می  
از موج زنده‌رود سرشکم مکن تو پاک  
عشقش قیامت است و بلا کز نصیب او  
قسمت و راست عیش و برد غم گمان مبر  
خرم شو ای بسیط زمین کاین بساط ما

زنجیر کو که نیست به همچون تحملی  
انکار می‌کنم که نرسته است سنبلی  
داریم با دو سلسله دور و تسلسلی  
دیوانگی به است در اینجا ز عاقلی  
مانند تو گلی و چه من نیز بلبلی  
خورشید و ماه راست به هم خوش تقابلی  
بگذر که رویش از مژه برسته‌ام پلی  
بگرفته است کوه بسان تزلزلی  
کاین را تغییری بود آن را تبدلی  
کرده است با بساط سلیمان مقابلی

ردیف	نوع حاشیه	رکن قصیده	مضمون	تعداد کتبی‌ها
۲	حاشیه اصلی یا میانی	گریزگاه/ تنه اصلی	معرفی کنشگر یا ممدوح و بیان حماسه‌های او	۱۸ ۲۱-۳۸

## محتوای کتبی‌های بازبندی حاشیه اصلی یا میانی

گشته فضای قالی بر ما چه صحن باغ  
سلطان جود و کان کرم کز نصیب او  
زد تکیه بر بساط چه هارون به اقتدار  
نازد کنون به تخت جم و تاج اردشیر  
بندد قضا طناب به گردن اسیروار  
با تیغ غیرت از تن دشمن ربود سر  
گوش سپهر کر شده ز آواز الامان  
اندر سخا و جود بود حاتم جهان  
بگذشته است در ره ملت ز جان و سر

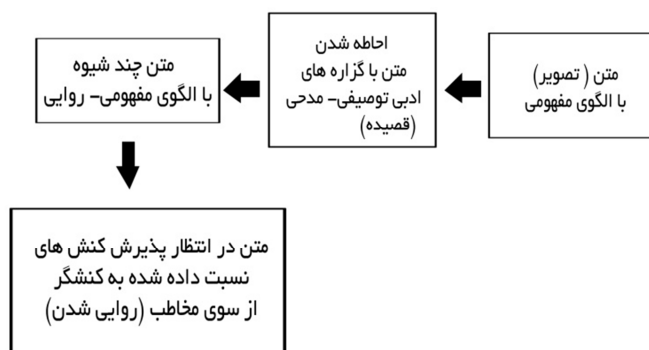
بر او چه تکیه داد کوچک‌خان جنگلی  
برپا شده ز خلق عجب شور و غلغلی  
مرغان زنند تار چه اسحاق موصلی  
از شوکت و جلال ز شیری و پردلی  
در بندگیش گر بکنند چرخ کاهلی  
اندر جلد نکرد به او کس مقابلی  
بس کشت دشمنان خود از رشت و انزلی  
نوشیروان ثانی باشد ز عدلی  
کرده به شاه ملک خراسان توکلی

ردیف	نوع حاشیه	رکن قصیده	مضمون	تعداد کتیبه‌ها
۳	حاشیه یا طره بیرونی	ادامه تنه اصلی قصیده و مقطع (پایان) اخلاقی	بیان حماسی و پندهای اخلاقی	۲۸ ۳۹-۶۶
<b>محتوای کتیبه‌های بازوبندی طره بیرونی</b>				
فالی زدیم یار سفرکرده در رسید چون شاهباز سر کند از آشیان برون سروی نوشته است چه بالای او ز باغ در بندگان حضرت او آشکار بین بر بود دشمنان خود از صحنه زمین خدمت تمام کرد به ایرانیان تمام داده ندای مردی انسان که در جهان شور و نواز گیلان تا بر عراق شد بر دفع خصم تا که کوچک‌خان قدم نهاد انصاف می‌دهد که گلستان روزگار ای دوست دل منه تو بر این تنگنای خاک هارون هلاک شد که دوصد خانه گنج داشت		بهرتر از این نیامده هرگز تفالی دشمن چه صعره گیرد هر دم به چنگلی در لاله‌زار نیست به مانند او گلی دیهیم طغرلی و کمر بند هرقلی کرد در نهان به چاه چه هاروت بابلی بنهاد بر خلیق گیلان تطلولی نادیده روزگار چنین نامور یلی وز ترک‌تاز خصم به آهنگ زابلی بنمود کردگار به ما خوش تفضلی ناورد (در) وجود بدین رنگ و بو گلی دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی نوشیروان نمرود که دم زد ز عادل		

چنان‌که مشاهده می‌شود این شعر در زمره قصیده قرار می‌گیرد، لحن و موضوع قصاید سستی حماسی است و در آن از مدح، مفاخره، ذم و امثال آن سخن می‌رود و مطالب دیگر از قبیل نکات اخلاقی و حکمی و دینی در آن جنبه فرعی و ثانوی دارد. به آغاز قصیده، «تشبیب، نسیب یا تغزل» می‌گویند و در مدح معشوق و توصیف زیبایی‌های طبیعت و وصف مجلس بزم و امثال این است. در قسمت دوم قصیده، شاعر «مقدمه» یا همان «تغزل» را با یکی دو بیت که به آن «تخلص» و «گریزگاه» می‌گویند به قسمت بعدی قصیده یعنی «مدح» مربوط می‌کند. قسمت سوم «تنه قصیده» یا «قسمت اصلی» است. شاعر در این بخش به مدح ممدوح می‌پردازد و با اغراق، او را به صورت قهرمانی حماسی و موجودی مافوق طبیعی توصیف می‌کند که اعمال محیرالعقولی انجام می‌دهد. قسمت چهارم «شریطه» نام دارد که شاعر در این بخش در حق ممدوح دعا می‌کند. این دعا مانند دعای تأیید است؛ یعنی عمری ابدی خواستن برای ممدوح (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۷۶-۲۷۸). بخش آغازین قصیده در داخلی‌ترین حاشیه قالی قرار گرفته و از زیر پای تصویر

میرزا کوچک آغاز شده است. بخش دوم یا همان گریزگاه قصیده، سخن از این قالی خاص می‌شود و معرفی کوچک جنگلی، خوی و خصال و اعمال حماسی وی است به صورت بزرگ‌تر که در حاشیه میانی جای گرفته و با بیت «گشته فضای قالی بر ما چه صحن باغ/ بر او چه تکیه داد کوچک‌خان جنگلی» آغاز شده است و با بیت «بگذشته است در ره ملت ز جان و سر/ کرده به شاه ملک خراسان توکلی» پایان می‌یابد. این بیت می‌تواند دالی بر مفهوم ملی‌گرایی با گرایش به مذهب شیعه باشد. به عبارت دیگر در این حاشیه میانی، گریزگاه و قسمتی از تنه اصلی قصیده درهم آمیخته است. حاشیه بعدی یا تنها حاشیه باقی‌مانده قالی به بقیه شعر اختصاص یافته است. این قصیده، فاقد بخش چهارم (شریطه) است و در سه بیت آخر مضمون حماسی خود را وا گذاشته و درون‌مایه‌ای تعلیمی در رد دنیا و دل نبستن به آن یافته است که می‌تواند تأکیدی باشد بر منش و شخصیت میرزا و از طرف دیگر نامعلوم بودن سرانجام قیام جنگل در زمان سروده شدن شعر و بافت. میرزا کوچک در تنه قصیده در محور جانشینی نمادهای مشهور در ادب فارسی قرار گرفته است. وی در این شعر اقتدار هارون، جود و کرم حاتم، نامور یلی رستم، دادگری نوشیروانی را یافته است. می‌توان گفت شاعر، او را نماد انسانی کامل در دوره خود دانسته است. از این نظر که بازنمایی صرف تصویر از چنین بیانگری‌ای در وصف کنشگر بی‌بهره است، احتمال دارد سفارش دهنده و طراح قصد داشته‌اند از بیان کنش مفهومی فراتر روند و با واسطه شعر به نوعی کنش روایی با مخاطب دست یازند و با توجه به اینکه کلمات بیننده را دعوت به خواندن می‌کنند، مخاطب با دریافت ابیات و در پاسخ به نگاه شخص تصویر شده، کنش‌پذیر و تأییدکننده شود (نمودار ۱).

نمودار ۱: روند تبدیل الگو برای روایی شدن متن از نظر مخاطب (نگارندگان)



## ۲-۳. معنای تعاملی (تماس، فاصله اجتماعی، رمزگان بدن و نگرش)

### ۱-۲-۳. تماس

کنشگر انسانی در این تصویر، نگاه تقاضا به بیرون قالی یا همان مخاطب دارد. عناصر مشارکت‌کننده دیگری نیز در تصویر وجود دارد. کلمات حاشیه تصویر از آن رو که روبه‌روی مخاطب قرار گرفته‌اند، تقاضای دیده شدن، فهم شدن و خوانده شدن دارند. انتظار نصب قالی روی سطحی عمودی، نه در زیر پا افتادن قالی از مصرع «بر او چه تکیه داد کوچک‌خان جنگلی» شناخته می‌شود. شاید منظور از تکیه دادن به فرش، نزدیک به چنین تصویری باشد (تصویر ۷). یکی از همراهان میرزا کوچک می‌گوید چند بار این بیت را از میرزا شنیده است: «اگرچه فرش من از بوریاست، طعنه مزین/ چراکه خوابگاه شیر در نیستان است» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۹). مشخص نیست ملامحمود این بیت را از زبان تبعیدیان گیلانی به خطه کاشان - که همکاران نهضت جنگل یا مخالفان حکومت وقت بوده‌اند مثل خلعتبری - شنیده است یا خیر؟ (حصوری، ۱۳۷۷: ۳۷). اما در صورت شنیدن این بیت می‌توان گفت دلیلی مناسب برای ملامحمود مدیحی به‌عنوان سفارش‌دهنده بوده است تا قالی را ببافد و به میرزا کوچک اهدا کند.



تصویر ۸: کارت پستال تصویر میرزا کوچک‌خان رئیس مجاهدین گیلان به‌همراه تصویر سر بریده وی در قسمت راست بالای تصویر و عبارات معرفی وی به زبان‌های آلمانی و روسی در قسمت پایین کارت پستال. چاپ‌شده در سال ۱۳۰۳ش / ۱۳۴۲ق. دو سال بعد از خاموشی نهضت جنگل (fardanews.com و حاج سیدجوادی، ۱۳۷۴: ۲۳۸).

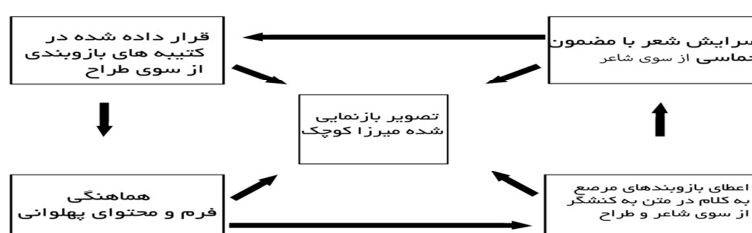


تصویر ۷: میرزا کوچک‌خان با پس‌زمینه قالی ترنجی. اواخر اردیبهشت ۱۲۹۹ش / اوایل رمضان ۱۳۳۸ق (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۴: ۲۰۴).

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشان‌شناسی اجتماعی

با توجه به پیش‌متن‌های ادبیات حماسی ایران از جمله *شاهنامه* فردوسی و پیشینه دیرین ایرانیان در بستن بازوبند، ممکن است قرار گرفتن ابیات یادشده در فرم کتیبه‌های بازوبندی در تعامل مستقیم با شرح پهلوانی‌ها و رشادت‌های میرزا کوچک باشد؛ چنان‌که پادشاهان، جنگاوران بزرگ و پهلوانان هریک بازوبند ویژه خود را داشتند و بعضی از این بازوبندها با گوهرها و جواهرهای بسیار تزیین می‌شده است (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۱۱۴). می‌توان گفت کلمات نگاشته‌شده به خط نستعلیق، در کتیبه‌های بازوبندی این قالی، نقش همان جواهر و گوهرها را دارند. این سلسله بازوبندهای توصیفی که ویژگی‌های متعددی را در خصایل پهلوانی و قهرمانی میرزا کوچک بیان می‌کند، به‌منزله بازوبندهای فرضی است که از سوی شاعر و طراح قالی به شخصیت میرزا کوچک هدیه شده است. این موضوع به هماهنگی کلمه و تصویر در متن یاری رسانده است (نمودار ۲).

نمودار ۲: روند هماهنگی کلمه (شعر) و تصویر در قالی میرزا کوچک (نگارندگان)

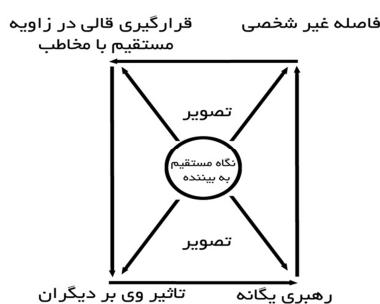


### ۲-۲-۳. فاصله اجتماعی

در بحث فاصله اجتماعی، هیچ‌گونه کنشگر انسانی دیگری در کنار میرزا کوچک دیده نمی‌شود و او تنهاست. قالی‌هایی که نمایانگر قهرمانان مشروطه یا قهرمانان استعمارستیزند، غیر از استثنائاتی، اغلب کنشگر به‌تنهایی بازنمایی شده است. این نوع خاص از بازنمایی، علاوه بر آنکه امکان دارد متأثر از عکس‌های تک‌نفره به‌جامانده از این اشخاص باشد، می‌تواند به مفهومی برآمده از تجدد اشاره کند که آنتونی گیدنز<sup>۸</sup> آن را تجدد و تشخیص<sup>۹</sup> می‌نامد (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۱۳). تنه اصلی قصیده که به قلم درشت‌تر در این قالی بافته شده، بیان قسمتی مهم از زندگی‌نامه میرزا کوچک به زبان شعر حماسی است که به‌تعبیر گیدنز، نوعی انگشت نهادن بر تجربیات و عملکردهای انحصاری شخصیت مدنظر و جدا کردن وی از مردم عادی است (همان). برای ثبت تصویر تمام‌قد میرزا کوچک‌خان جنگلی فاصله دوربین از وی دست‌کم سه متر یا بیشتر بوده است. با توجه به اینکه تصویر نقش‌شده روی قالی نیز به‌احتمال بسیار الگوی اولیه‌ای همچون

تصویر ۸ داشته و طراح سعی در ارائه مدالیتۀ مناسبی از پیکرۀ میرزا کوچک و محیط پیرامونی وی کرده است؛ نوع فاصلۀ دوربین عکاسی و عکاس از میرزا کوچک به طراح انتقال یافته است و با توجه به ابعاد فرش می توان گفت این موضوع به بیننده هم منتقل می شود. البته طراح قصد ایجاد مدالیتۀ ای کاملاً عکس وار را نداشته است؛ زیرا در تصویر بازنمایی، اثری از سایه ها و چین و شکن لباس ها در دست نیست. فاصله ای که با توجه به نمای باز موجود پدید می آید، موجب ارتباط غیرشخصی با بیننده می شود و بر اثر آن بر متفاوت بودن جایگاه فرد تأکید می کند. در اینجا استثنایی پدید می آید، این فاصله با نگاه مستقیم تنها کنشگر انسانی قالی به سوی مخاطب در بیرون متن تلفیق می شود و به شرط قرارگیری قالی در زاویۀ مستقیم از روبه رو، با وجود فاصلۀ غیرشخصی، موجبی برای پیوستگی بیننده با پدیدۀ درون تصویر پدید می آید. می توان گفت که با این تمهید، مفهوم دوگانۀ رهبری یگانه و تأثیر وی بر دیگران شکلی بصری می یابد (نمودار ۳).

نمودار ۳: تمهید بیان یگانگی و تأثیرگذاری کنشگر (نگارندگان)



### ۲-۲-۳. رمزگان بدن

بدن میرزا کوچک به صورت تمام قد و ایستاده بافته شده است. در بیشتر عکس هایی که از میرزا کوچک با لباس و تجهیزات نظامی باقی مانده، غیر از معدودی، وی ایستاده است. تفنگی که قنداق آن بر زمین است نیز به حالتی نزدیک به پافنگ است. این ایستادن به موازات درخت هایی است که در پس زمینه نقش شده اند و تنها یک درخت، طولی بلندتر از قد میرزا دارد، در قیاس با درختچه هایی که تا نیمه چکمه های وی بالا آمده اند و تفاوت قطر نازک تنۀ درختان با بدن ستبر میرزا که قسمت عمده ای از فضای تصویری قالی را پر کرده است، از تسلط کنشگر انسانی بر طبیعت تصویر شده خیر می دهد و از سویی دیگر به واژۀ جنگلی مصداقی بصری می بخشد. سعی در تصویر کردن اندام متناسب برای میرزا در شکل، کمری استوار و دارای عرض کمتر نسبت به شانه ها، نحوه ایستادن و دست بر اسلحه داشتن، تصویرهایی نقش شده بر قالی ها از پهلوانان

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه شناسی اجتماعی

ایرانی همچون رستم و پادشاهانی چون نادرشاه را به یاد می‌آورد. برای نمونه می‌توان به قالی صورت نادرشاه افشار بافت اصفهان در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری اشاره کرد که هم از لحاظ فرم بازنمایی و هم از منظر اندازه، شباهت نزدیکی به قالی میرزا کوچک دارد (تصویر ۹). البته در قالی نادرشاه سعی در نشان دادن سایه‌روشن‌هاست و اشعار قصیده‌وار نیز وجود ندارد که این موضوع در قالی میرزا کوچک کاملاً برعکس است. با توجه به نزدیکی دو مرکز قالی‌بافی ایران، یعنی کاشان و اصفهان به یکدیگر، می‌توان گفت طراح قالی میرزا کوچک به طراحی قالی نادرشاه یا قالی‌های مشابه نگاهی داشته است.



تصویر ۹: قالی نادرشاه با کتیبه صورت نادرشاه افشار. بافت اصفهان. اوایل قرن چهاردهم هجری قمری. اندازه: ۲۱۵×۱۳۸ (Tanavoli, 1994: 151)

نوع بازنمایی بدن میرزا کوچک وی را در محور جانشینی و هم‌طراز پهلوانان شاهنامه و پادشاهان قدرتمند ایران قرار می‌دهد که ایرانیان به هر دو گروه علاقه‌مندند و به ایشان احترام می‌گذارند. این موضوع همراه با مضمون قصیده، مشروعیت میرزا کوچک را در مقام ادامه‌دهنده نسل برگزیده پهلوانان شاهنامه و شاهان مقتدر ایران تأکید می‌کند. مو، ریش و سیبیل بلند میرزا



کوچک که بیشتر صورت او را پوشانده است هم می‌تواند دالی بر پیشینه‌ای متأثر از تحصیلات طلبگی وی باشد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۶-۳۷) یا دالی بر مشغله بسیار وی و امکانی برای استتار بهتر در سایه‌روشن جنگل‌های انبوه گیلان فرض شود. این نشانه خاص بدنی، یعنی مو و ریش و سیبل بلند میرزا از این بابت اهمیت دارد که به وجه ممیزه میرزا و یارانش با دیگر مجاهدان در آن عصر تبدیل می‌شود. به این موضوع نیز اشاره شده است که ناپیراستن ریش و موی جنگلی‌ها به پیمانی در اوایل کار جنگلی‌ها (۱۲۹۳ش) در بین هفت تن از جمله میرزا کوچک‌خان و دکتر حشمت بازمی‌گردد که بر اساس آن تصمیم گرفته‌اند تا نرسیدن به خواسته بزرگ خود، رهایی از چیرگی استعمار، از ریختن موی سر و رویشان پرهیز کنند (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۷). احتمال دارد در بخش آغازین شعر، عبارت زلف دوست، علاوه بر رعایت سنت ادبی توصیف معشوق در وصف موهای بلند میرزا هم باشد.

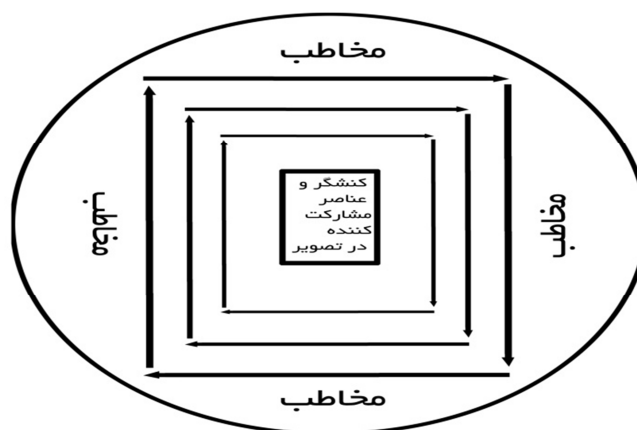
### ۳-۲-۳. نگرش

چنان‌که اشاره شد، زاویه دید از روبه‌رو و هم‌سطح چشم است. زاویه هم‌سطح چشم، نشان‌دهنده برابری بیننده با پدیده درون تصویر است. اما انتخاب این زاویه با توجه به قرارگیری فرضی فرش میرزا کوچک روی دیوار و نشستن در پای آن، چنان‌که مرسوم است، زاویه دید را نسبت به بیننده تغییر می‌دهد؛ به نحوی که نگاه بیننده از پایین به بالا خواهد بود و این موضوع نشان‌دهنده تسلط شرکت‌کننده انسانی بازنمودشده در قالی، بر مخاطب خواهد بود. همچنین این موضوع نیز می‌تواند دالی بر پایگاه اجتماعی بالاتر یا رهبری بلامنازع کنشگر تلقی شود. نکته درخور توجه این است که در صورت ایستادن مخاطب و نگریستن به فرش، زاویه دید تغییر می‌کند و تا اندازه‌ای هم‌سطح می‌شود. به عبارت دیگر، به پا خواستن نوعی امتیاز همراهی و همپایی با میرزا کوچک را ایجاد و نشستن این امتیاز را سلب می‌کند. زاویه دید از منظر دیگری هم بحث‌کردنی است و آن الزام تغییر زاویه دید از سوی بیننده برای خواندن دنباله ابیات است. به تعبیر دیگر، آن‌گونه که به راحتی، اجزای تصویر بازنمایی شده از میرزا کوچک و محیط وی برای مخاطب دریافت‌شدنی است، کلمات این چنین نیستند و برای خواندن آن‌ها چشم باید از قسمت پایین قالی، یعنی از زیر تصویر بازنمایی شده به سمت عقربه‌های ساعت، سه دور بچرخد و به علت نوع ترکیب‌بندی، برای خواندن دقیق مخاطب مجبور باشد جای ایستادن خود را تغییر دهد و به نوعی دور تصویر میرزا بچرخد. این موضوع علاوه بر آنکه موجب معماگونگی و سختی در فهم اشعار می‌شود، چرخش و به تعبیر دیگر طواف بیننده را دور تصویر میرزا کوچک ضروری می‌کند. این

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی

موضوع می‌تواند هم تمهیدی برای احترام بیشتر به این کنشگر در تصویر تلقی شود و هم می‌تواند دالی بر این موضوع باشد که این فرم زنجیره‌ایات صرفاً نقش قاب عکسی بزرگ را از منظر ترکیب‌بندی ایفا می‌کند و بیشتر از منظر زیبایی، ظرافت و متمایز بودن حاشیه مد نظر طراح بوده تا خواندن دقیق کلمات و درک کامل اشعار از سوی مخاطب (نمودار ۴).

نمودار ۴: چرخه شناخت واژگان کتیبه‌ها از سوی مخاطب (نگارندگان)



### ۳-۳. معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی و قاب)

#### ۳-۳-۱. ارزش اطلاعات

در ساختار فرش محرابی، به‌طور معمول خوانش از بالا به پایین انجام می‌شود. در این خوانش، قالی دارای هفت حاشیه، چهار حاشیه زنجیره‌ای و سه حاشیه کتیبه‌ای مجزاست که هر سه به مصرع‌هایی به خط نستعلیق اختصاص یافته‌اند. حاشیه میانی تقریباً قطری دو برابر حاشیه اول دارد و فاصله بین ترنج‌های بازویی این حاشیه را نقوش هندسی و گیاهی پر کرده است (تصویر ۱۰). پس از حاشیه‌ها دو ستون و یک طاق وجود دارد که نقش دو لچک را در زمینه قالی دارند و با نقوش گیاهی تزیین شده است. تصویر میرزا کوچک در جنگل در فاصله بین دو ستون نقش شده است. وی ایستاده، دارای لباس نظامی، چکمه‌هایی به پا، اسلحه‌ای در دست، کلتی بر کمر و قطار فشنگی نیز بر سینه دارد. بالای سر میرزا شمس‌ای دوازده‌پر قرار دارد که داخل آن «زنده باد کوچک‌خان جنگلی» نوشته شده است. در این شمس‌ه علامت تشدید نیز دیده می‌شود. در قسمت راست شمس‌ه مذکور، عبارت کارخانه ملامحمود نوشته شده است. زیر پای میرزا کوچک و در فاصله بین دو پایه ستون، برجستگی‌های رنگی دوزنقه‌ای شکل قرار دارد که گیاهانی بر آن روییده و بیشتر به نظر می‌آید نوعی

معرفی پالت رنگی است که برخی از رنگ‌های به‌کاررفته در قالی را معرفی می‌کند (تصویر ۱۱). در این بین باید توجه داشت همان‌گونه که قطر حاشیه میانی از اهمیت این بخش خاص شعر خیر می‌دهد، در میانه قرار گرفتن کنشگر انسانی در متن نیز چنین اهمیتی را بازنمون می‌شود.

### ۲-۳-۳. برجستگی

مهم‌ترین برجستگی در بازنمایی پیکره کنشگر است که هم از دیگر عناصر تصویری، بزرگ‌تر نقش شده است و این نوع بازنمایی می‌تواند نوعی پرسپکتیو مقامی تلقی شود و هم از نظر گونه نشانه‌ای با دیگر عناصر مشارکت‌کننده در تصویر متمایز است. کتیبه‌های موجود در قالی به چند روش برجسته‌سازی شده‌اند. ابتدا آنکه رنگ زمینه حاشیه اول و سوم هم‌رنگ و به رنگ سرخ و کتیبه‌ها در آن‌ها به رنگ سپید طراحی شده است؛ اما زمینه ردیف میانی به رنگ سفید و کتیبه‌ها به رنگ مشکی می‌باشد که در مقایسه با دو حاشیه دیگر، بالاترین کنتراست و تمایز را در بیننده ایجاد می‌کند. روش دیگر برجسته‌سازی در نوع انتخاب جایگاه مصراع‌ها رخ داده است. قسمت تغزل قصیده از قسمت راست حاشیه سوم در قسمت زیرین تصویر میرزا کوچک آغاز شده و این قسمت از تغزل چنان‌که قبلاً گفته شد، حاشیه مذکور را کاملاً به خود اختصاص داده است. تنه اصلی قصیده و آنجا که معرفی قالی و میرزا کوچک آغاز می‌شود، دقیقاً زیر حاشیه اول و همان نقطه آغازین قرار می‌گیرد که می‌توان آن را نوعی پانویس برای معرفی قالی و شاید دلیل بافته‌شدنش و معرفی کنشگر انسانی آن دانست. شکل دیگر برجستگی در نوع طراحی برای نگارش اتفاق افتاده که موجب آن تفاوت خط زمینه برای نگارش کتیبه‌هاست. اندازه شمشه‌های بازویی نیز در ایجاد برجستگی مؤثر است و بر توجه مخاطب به حاشیه میانی می‌افزاید. وجود شمشه ۲۴ ضلعی بالای سر میرزا کوچک که در آن عبارت «زنده باد کوچک‌خان جنگلی» آمده است هم از دیگر شگردهای برجسته‌ساز در این قالی می‌باشد. این شمشه را می‌توان با برداری مستقیم به کتیبه «بر او چه تکیه داد کوچک‌خان جنگلی» متصل کرد. با توجه به اینکه علامت تشدید، نقش مؤکد کردن را دارد، این علامت در شمشه بالای سر میرزا کوچک هم می‌تواند این نقش را ایفا کند و هم می‌تواند صرفاً بار تزئینی داشته باشد که در هر دو صورت برجسته‌ساز است (تصویر ۱۲). عبارت کارخانه ملامحمود نیز با توجه به اینکه در سمت راست قاب تصویر بافته شده و برخلاف سایر کتیبه‌ها بدون شمشه است، در متن قالی نمود یافته است. استفاده از زیبایی خط نستعلیق نیز تمهیدی مناسب برای برجسته کردن حاشیه‌ها به شمار می‌رود.



تصویر ۱۲: برجسته‌نمایی با استفاده از شمشه و تشدید درون متن (همان: ۳۵)



تصویر ۱۱: پالت رنگی در قالی (همان: ۳۵)



تصویر ۱۰: تفاوت قطر حاشیه‌ها (حصوری، ۱۳۷۷: ۳۵)

### ۳-۳-۳. قاب‌بندی

در این قالی، حاشیه، مانند قابی بزرگ و با تزیینات عمل کرده است. شمشه‌های بازوبندی هرکدام نقش یکی از اجزای قاب‌ها را دارند. ترکیب این شمشه‌ها و نقشی که در معرفی بر عهده دارند، یادآور شمشه‌ها و کتیبه‌های موجود در معماری عصر قاجار است؛ از جمله بدنه تخت مرمر، شمشه‌ها و کتیبه‌هایی که بر گوشواره‌های ضلع شرقی و غربی فضای پیرامونی تخت مرمر در کاخ گلستان وجود دارد. این شمشه‌های برگرفته از معماری، زمینه‌ساز حضور عنصری دیگر از معماری در این قالی می‌شود که آن قابی محرابی است. این قاب متشکل از دو ستون و دو هلال طاق‌دیدی است. با توجه به آنکه محراب، مفاهیمی چون قبله، توجه، معنویت و دین اسلام را منتقل می‌کند، به نظر می‌آید این قاب‌بندی با توجه به مفاهیم مندرج در ابیات قصیده نوعی مفهوم قبله‌آمال را با خود به همراه داشته باشد. همچنین می‌تواند بر جایگاه دین‌مداری و مذهب‌مآبی میرزا کوچک نیز تأیید کند و به وجه تقدس جهاد نیز اشاره داشته باشد. از منظر دیگری هم می‌توان به این موضوع نگریست که در حقیقت نوعی بدعت است و آن‌هم قرار دادن تصویری انسانی در قابی با پیش‌متنی مذهبی که به نظر می‌آید متأثر از نمودها و مؤلفه‌های تجدد در قالی‌های تصویری این دوره باشد. در مورد حاشیه‌ی خاص این قالی می‌توان به نمونه‌ی دیگر بافته‌شده در کاشان اشاره کرد که با توجه به فرم تقریباً همسانی که در حاشیه‌ها با قالی میرزا کوچک دارد و نیز با توجه هم‌زمانی تقریبی بافت آن با قالی مذکور به نظر می‌آید در کارخانه‌ی ملامحمود مدیحی بافته شده باشد (تصویر ۱۳). این قالی نیز در خارج از کشور نگهداری می‌شود و با عنایت به اشعار بافته‌شده مربوط به مجلس «دیدن خسرو شیرین را و سخن گفتن با او» از خمسه‌ی نظامی گنجوی است. به نظر می‌آید چون این قالی مضمون بزمی داشته از تعداد

رنگ‌های متنوع‌تری در بافت آن استفاده شده است. با اینکه در حاشیه برخی از قالی‌های تصویری کاشان ایباتی منظوم رؤیت می‌گردد، احتمال آن وجود دارد که این نوع خاص از طراحی حاشیه‌ها و کتیبه‌های آن‌ها چنان‌که در این دو قالی دیده می‌شود، ارتباط مستقیمی با کارخانه ملامحمود مدیحی داشته باشد.



تصویر ۱۳: قالی مجلس «دیدن خسرو شیرین را و سخن گفتن با او». بافت کاشان. احتمالاً کارخانه ملامحمود مدیحی. دهه اول ۱۳۰۰ش. اندازه ۱۴۰×۱۹۶ سانتی‌متر

<https://www.christies.com/lot/lot-a-pictorial-kashan-mohtasham-rug-central-persia-5118793/?from=sale-summary&intObjectID=5118793>

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی

## نتیجه‌گیری

آنچه ابتدا در بررسی فرانش‌ها مشخص می‌شود، کارکرد کلمات و زنجیره‌ی ابیات بافته‌شده در حاشیه‌ی قالی در معرفی تصویر است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که «عناصر تصویری-واژگانی بازنمایی‌شده در این قالی دارای چه دلالت‌های معنایی می‌باشند؟» می‌توان گفت استفاده از نوع ادبی قصیده که هم توصیف‌کننده است و هم ستایش‌کننده، به ساخت معنای مدنظر تولیدکننده این اثر یاری می‌رساند. با دقت در نوع تقسیم‌بندی ابیات در حاشیه‌های مختلف مشخص می‌شود طراح به اهمیت تنه‌ی اصلی قصیده در توصیف آگاه بوده است و از سویی دیگر این موضوع بر نفوذ نوع ادبی شعر (قصیده) در جامعه‌ی ایرانی زمان طراحی و بافت قالی و سابقه‌ی حاشیه‌نویسی در اطراف یک متن دلالت می‌کند. عناصر بازنموده‌شده هم در سطح مشارکت‌کنندگان در تصویر اغلب بیانگر مجاز جز به کل در معرفی مکان، شخص و نوع هویت و کنشگری وی است. همچنین مشخص شد که الگوی بصری در متن، مفهومی می‌باشد و دارای دو سویه‌ی نمادین و تحلیلی است و سفارش‌دهنده یا طراح خواسته‌اند که با کمک اشعار از بیان کنش مفهومی فراتر رفته و به نوعی کنش روایی با مخاطب دست یازند. نگاه تقاضای تنها کنشگر متن در فرانش تعاملی موجب فراخواندن مخاطب برای همراهی تلقی می‌شود و تنها بازنموده‌شدن او در تصویر در کنار بهره‌گیری از عناصری چون نمای فاصله‌ی غیرشخصی بر یگانه بودن وی و همچنین به جایگاه رهبری و اجتماعی ویژه‌ی او اشاره دارد. از سویی دیگر این نوع بازنمایی ریشه در بازنمایی‌های مشابه از پادشاهان مقتدر ایران همچون نادر در قالی‌های تصویری است که دالی بر مشروعیت میرزا کوچک و قیام جنگل تلقی می‌شود و همچنین بیانگر تشخیص وی از هم‌قطاران است. در بحث تعامل مخاطب با این اثر، ایستاده بودن در پای این قالی حائز معنای امتیاز همراهی برای مخاطب است. نوع استفاده از قالی‌های تصویری و دلیل بافت آن هم در قصیده مشخص شده است که می‌تواند بازگوکننده‌ی تأثیر مستقیم تحولات سیاسی و اجتماعی آن روز ایران بر بعضی از قالی‌های تصویری باشد. فرم شمسه‌های بازویی نیز که برای جایگیری ابیات انتخاب شده است، نشان‌دهنده‌ی نوعی از وجه پهلوانی در شخصیت و اعمال میرزا کوچک است. نوع بازنمایی میرزا کوچک در میانه‌ی تصویر و اهمیت تنه‌ی اصلی قصیده که با قطر بیشتری با خط نستعلیق برجسته شده، موجب شده است که این عناصر بازنموده‌شده حائز ارزش اطلاعاتی بیشتری باشند. حضور شمسه‌های بازویی در همخوانی با عناصر دیگری از معماری از جمله شمسه‌ی دوازده‌پر و قاب محرابی است. این قاب می‌تواند همراه با دیگر عناصر از جمله نیاز احتمالی به گردش مخاطب به دور قالی برای خواندن

درست ایات، نوعی بیان تصویری از مفهوم قبله آمال برای وصف شخصیت میرزا کوچک و قیام وی و تقدیس امر جهاد تلقی شود. تأثیر بعضی از وقایع سیاسی و اجتماعی در ناحیه‌ای خاص از ایران روی طراحی و بافت قالی‌های تصویری در منطقه‌ای دیگر در اواخر سلسله قاجار نیز می‌تواند دلالت بر گسترش مفهوم ملی‌گرایی در این دوره باشد. از دیگر نتایج این پژوهش به تصحیح احتمالات پیشین در خصوص مکان دقیق بافت قالی و همچنین شناسایی بافنده آن می‌توان اشاره کرد. با توجه به یافته‌های مذکور، برای پژوهش‌های آتی عناوین و موضوعاتی چون تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطه و جنبش‌های پس از مشروطه بر قالی‌های تصویری کاشان، شناسایی قالی‌های تصویری کارخانه ملامحمود، شناخت قالی‌هایی که خاور شیروانی بافته است و وجوه اشتراک در بازنمایی قهرمانان ملی در قالی‌های تصویری پیشنهاد می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Schulz
2. Raevara
3. Caple
4. Jewitt & Oyama
5. Modality
6. Kress & Van Leeuwen
7. تصویری هم به این نام اشاره می‌کند.
8. Antony Giddense
9. Modernity&Self Identity

#### منابع

۱. اتو دالکه، اچ. (۱۳۹۲)، *فاصله اجتماعی در فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه فریبرز مجیدی. جولیوس گولد و ویلیام ل. کولب (ویراستاران)، محمدجواد زاهدی (ویراستار فارسی)، تهران: انتشارات مازیار.
۲. ادگار، اندرو (۱۳۸۷)، *تعامل در مفاهیم بنیادین نظریه فرهنگی*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، اندرو ادگار و پیتر سچ ویک (ویراستاران)، تهران: انتشارات آگاه.
۳. انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳)، *بازوبند در تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر مرکز مردم‌شناسی ایران.
۴. پرتو، افشین (۱۳۹۱)، *گیلان و خیزش جنگل: تاریخ گیلان در دوران احمدشاه قاجار*، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
۵. تاونزند، دینی (۱۳۹۳)، *ژرفنمایی در فرهنگنامه تاریخی زیبایی‌شناسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۶. چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۸۸)، *نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان*. تهران: انتشارات سروش.
۷. حاج سیدجواد، حسن (۱۳۷۴)، *نهضت جنگل در همه‌جای ایران: کتاب گیلان*، ابراهیم اصلاح عربانی (سرپرست)، تهران: گروه پژوهشگران ایران، ص ۱۸۱-۲۳۸.

بازخوانی قالی  
میرزا کوچک منسوب  
به کاشان از منظر  
نشانه‌شناسی اجتماعی



۸. حصوری، علی (۱۳۷۷)، «قالی میرزا کوچک‌خان»، فصلنامه فرش دستباف ایران، شماره ۱، ص ۳۵-۳۹.
۹. سهیلی اصفهانی، بهروز (۱۱ خرداد - ۱۰ فروردین ۱۴۰۱). گفت‌وگوی تلفنی. ایمیل. پیام متنی و صوتی واتس‌آپ.
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، *انواع ادبی، ویراست چهارم*. تهران: انتشارات میترا.
۱۱. علم، محمدرضا (۱۳۸۶)، «ریشه‌های هویت ایرانی در قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی»، *مطالعات ملی*، شماره ۳، ص ۹۹-۱۱۹.
۱۲. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷)، *سردار جنگل میرزا کوچک‌خان*، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۱۴. هاپر، رکس دی. (۱۳۹۲)، *تماس اجتماعی در فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمدجواد زاهدی، جولیوس گولد و ویلیام ل. کولب. (ویراستاران)، محمدجواد زاهدی (ویراستار فارسی)، تهران: انتشارات مازیار.
۱۵. هالیدی، مایکل، و حسن، رقیه (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن: ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات سیاه‌رود.
16. . Afary, J (1995), The contentious historiography of the Gilan republic in Iran: a critical exploration. *Iranian Studies*, 28 (1-2): 3-24.
17. Bogardus, Emory (1928), "Occupational Distance", *Sociology and Social Reserch*, No. 13: 73-81.
18. Caple, H. (2013), *Photojournalism: A social semiotic approach*. Springer.
19. Cavan, Ruth shonle (1971), "A Dating-Marriage scale of Religious Social Distance", *Jornal for the Scientific Study of Religion*, No. 10: 93-100.
20. Jewitt, C. & Oyama, R. (2004), *Visual Meaning: a Social Semiotic Approach*. Theo Van Leeuwen and Carey Jewitt (editors), *Hand Book of Visual Analysis*. London. California And new Delhi: SAGE Publications Ltd.
21. Kress, G. & Van Leeuwen (2006), "*Reading ImagesThe Grammer of Visual Design*", 2 Ed. London & New York: Routlege.
22. Kress, G. (2010), "*Multimodality a Social Semiotic Approach ToContemporary*", New York: Routlege.
23. Raevaara, P. A. (2019), *Decoding visuals: The social semiotics of Make Love Not Walls* (Master's Thesis, Malmö University, Malmö, Sweden), Retrieved from <http://muep.mau.se/handle/2043/30745>.
24. Scheiwiller, S. G. (2012), *Referaming the Rise of Modernism in Iran*, in: majella munro (editor), *Modernism Beyond the West: A History of Art From Emerging Markets*, uk: Enzo Art and Publishing, 11-32.
25. Schulz, V. S. (2014), *Portraits, photographs, and politics in the carpet medium: Iran, the Soviet Union and Beyond*. *Konsthistorisk tidskrift / Journal of Art History*, No. 83 (3): 244-265.
26. Tanavoli, P. (1994), *Kings, Heroes, and Lovers: Pictorial Rugs from the Tribes and Villages of Iran*, Interlink Publishing Group Incorporated.
27. Wong, M. (2019), *Multimodal Communication A social semiotic approach to text and image in print and digital media*. Pok Fu Lam. Hong Kong: Springer Nature Switzerland AG
28. fardanews.com
29. <https://www.christies.com/lot/lot-a-pictorial-kashan-mohtasham-rug-central-persia-5118793/?from=salesummary&intObjectID=5118793> .Access: 2021/12/28



دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۱۴۹-۱۶۶  
مقاله علمی ترویجی

## قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

سمانه کاکاوند\*

### چکیده

کندوکاو جایگاه قالی در مناسک قالی‌شویان مشهد اردهال مسئله اصلی مقاله حاضر است. در این پژوهش سعی بر آن است تا به کارکرد فرهنگی قالی در مراسمی مذهبی با ریشه‌های ایرانی اسلامی پرداخته شود. قالی در آیین قالی‌شویی نمادی از پیکر مطهر و تابوت مقدس امامزاده سلطان‌علی به حساب آمده و از نقش زیراندازگونه فاصله قابل توجهی گرفته است. قالی به‌عنوان عنصری فرهنگی و محصول بومی در کاشان عاملیت فیزیکی داشته و از منظر انسان‌شناسی، بستری برای تجلی معنا فراهم می‌آورد. به‌عبارتی دیگر، قالی ابزار انتقال معنا بوده و به‌مثابه سند هویتی ایفای نقش می‌کند. این پژوهش از نوع کیفی بوده و به‌دیگر سخن به‌سبب کشف و شناخت قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در رسته پژوهش‌های نظری قرار می‌گیرد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و مشاهده اسناد و تصاویر مربوط نیز ملحوظ گردیده و در نهایت، داده‌ها از منظر انسان‌شناسی فرهنگی تحلیل شده است. پرسش این‌گونه طرح می‌شود که تحلیل فرهنگی قالی در مراسم قالی‌شویی مشهد اردهال چه نتایجی در بر دارد؟ کارکردها و کارویژه‌های قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی چگونه تبیین می‌شوند؟ نتایج نشان از آن داشت که با اتکا بر انسان‌شناسی، قالی از ابعاد گوناگون معناشناختی، عاملیتی و عاطفی در مناسک قالی‌شویی (جمعه قالی) برخوردار است. قالی با وجود رویکرد عموم، در آیین‌ها کارکردی فراتر از زیرانداز داشته و عاملیت فرهنگی دارد. از سویی دیگر، ترسیم سه لایه معنایی بیرونی (نخست)، میانی (دوم) و درونی (سوم) برای تحلیل کارکرد فرهنگی قالی حکایت از وجود نقش‌های گوناگونی چون بافته، پیکر امامزاده، تابوت و ابزار باران‌طلبی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** قالی، مناسک، قالی‌شویان، مشهد اردهال، عنصر فرهنگی.

قالی به‌مثابه عنصر  
فرهنگی در مناسک  
نمادین قالی‌شویی  
مشهد اردهال

\* استادیار گروه فرش، دانشگاه هنر، تهران، ایران / art.ac.ir/kakavand.s

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۸



## ۱. مقدمه

هنرهای بومی ایران علاوه بر نقش تزئینی اهمیت بسزایی در انتقال سنت فرهنگی دارند. در این میان، قالی به‌عنوان زیراندازی شناخته‌شده مبین هویت ایرانی است؛ اما تاکنون کمتر جایگاه غیرکاربردی آن مورد نظر بوده است. به نظر می‌رسد استفاده از آثار هنری در مصادیق میراث ناملموس یکی از راهکارهای زنده نگاه داشتن آن‌ها و پیشگیری از خطر فراموشی باشد. خشکسالی‌های مکرر در مقاطع گوناگون تاریخی در اقصانقاط ایران، مردم را به فکر واداشته تا برای طلب باران چاره‌جویی کنند؛ در مشهد اردهال نیز آیین باران‌خواهی منطبق با زمان مهرگان در گاه‌شمار باستانی و مورد توجه کشاورز در راستای طلب باران بوده است. پژوهش حاضر سعی دارد قالی را از منظر فرهنگی تحلیل نماید و به کارویژه آیینی آن توجه بیشتری نماید. مراسم قالی‌شویی (قالی‌شورون) مشهد اردهال همه‌ساله در ماه مهر برگزار می‌شود. هم‌زمانی مراسم نام‌برده با جشن باستانی مهرگان از یک‌سو و وجود آیین‌های متنوع آب‌خواهی، پژوهشگران را متوجه کارویژه نمادین قالی به‌مثابه داشته‌ای مقدس و شناخته‌شده می‌کند. مسئله اصلی پژوهش واکاوی جایگاه قالی به‌مثابه عنصری آیینی است. اینکه قالی در مناسک قالی‌شویان نه به‌عنوان زیرانداز بلکه در جایگاه تابوتی مقدس و پیکر مطهر امامزاده حضور دارد. وجود نمادین قالی را به چه نحو می‌توان تبیین نمود؟ انسان‌شناسی هنر چگونه در درک ابعاد فرهنگی قالی یاری می‌رساند؟ از میان ابعاد گوناگون معناشناختی، زیبایی‌شناختی، عاملیتی و حسی یا عاطفی، کدام‌یک قابلیت مطالعه دارند؟ کارویژه قالی در مناسک قالی‌شویان در چند سطح و چگونه قابل تحلیل است؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

دربارۀ مطالعات فرهنگی بافته‌های سنتی ایران، منابع محدود و انگشت‌شمار است. طی سالیان متمادی دغدغه پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی توصیف و سبک‌شناسی طرح و نقش قالی یا مطالعه فن بوده است. برخی منابع به شرح ذیل مرتبط با مسئله پژوهش پیش رو نگارش شده‌اند: صمدنژاد آذر و منصوری (۱۳۹۷) در شرح پرونده‌های ثبت‌شده در حافظه جهانی یونسکو به قالی‌شویان مشهد اردهال و توضیح مراسم پرداخته‌اند. پازوکی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «مطالعه ریشه‌های مشارکت متناقض‌نما در نمایشگرهای کاروانی نمونه‌موردی قالی‌شویان مشهد اردهال کاشان» ریخت‌شناسی مناسک نام‌برده را مورد مذاقه قرار داده و قالی به هیچ‌عنوان برجسته نشده است. حمدیه (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل مردم‌شناسی میراث فرهنگی غیرمادی در

فرایند جهانی شدن (مطالعه فرش بافی کاشان و رابطه آن با آیین قالی شویان اردهال)» پس از توصیف مناسک، به جایگاه قالی بافی در اقتصاد کاشان اشاره نموده و نمادشناسی قالی را با توجه به اقلیم و آرزومندی مردم انجام داده است. خیرخواه (۱۳۸۴) در مقاله «از مهرگان و حدیث مهر تا آیین قالی شویان مشهد اردهال» مطالعه‌ای تطبیقی میان جشن باستانی مهرگان و آیین قالی شویان داشته است. شهنواز (۱۳۸۰) در گزارشی با عنوان «یادواره مراسم سنتی - مذهبی قالی شویان مشهد اردهال» توصیفی از مراسم داشته و مبتنی بر مستند به نمایش درآمده، ابعاد آیینی آن را تحلیل نموده است. بلوکباشی (۱۳۷۹) به مناسک نمادین قالی شویی در مشهد اردهال پرداخته و اثری جامع و کامل در زمینه مردم شناسی است؛ اما به جایگاه فرهنگی و کارویژه قالی توجه نشده و وجه نوآورانه مقاله حاضر با تمامی پژوهش های انجام شده اولویت قرار دادن قالی است. سعی بر آن شده قالی به مثابه عنصری فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. به عبارتی، تحلیل جایگاه فرهنگی قالی و نقش مؤثر آن در مراسم محور اصلی پژوهش است.

## ۲-۱. روش پژوهش

این مقاله به لحاظ هدف، در زمره تحقیقات توسعه‌ای قرار دارد؛ زیرا عنصری فرهنگی به نام قالی را در یکی از رسوم خاص کاشان مورد مطالعه قرار داده است. از این رهیافت به کارکردی دیگر از فرش فراتر از زیرانداز پرداخته و از منظر انسان شناسی هنر کندوکاوی در وجوه و ابعاد گوناگون فرش همچون معناساختی، عاملیتی و حسی یا عاطفی صورت گرفته است. پژوهش به لحاظ ماهیت، توصیفی تحلیلی است؛ چون پس از توصیف مناسک قالی شویان مشهد اردهال، به تبیین جایگاه مقدس قالی می پردازد. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و تمامی کتابها، مقالات، پایان نامه‌ها، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها بررسی شده است و ابزار آن به برگه شناسه و تصویر خلاصه می شود.

## ۲. چهارچوب نظری

### ۲-۱. مشهد اردهال

در گذشته، بر فراز این کوهها [کوه‌های درهم و پیوسته اردهال] نیایشگاه‌ها و آتشکده‌هایی بود که مردم پیش از گرویدن به اسلام در آنها گرد می آمدند و دعا و نیایش می کردند. آثاری از برخی از آنها هنوز در کوه‌های اردهال باقی مانده است. ظاهراً به سبب همین نیایشگاه‌های کوهستانی، رشته کوه‌های اینجا را «اردهار» یا «اردهال» (تبدیل آوای «ر» به «ل»)، به معنای کوه یا رشته کوه مقدس نامیده بودند (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۱۱).

قالی به مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی شویی مشهد اردهال



اردهال را به سبب شهادت حضرت سلطان‌علی، فرزند امام محمدباقر (ع)، در آن «مشهد سلطان‌علی» یا «مشهد اردهال» و به سبب حرمت تخته‌ای قالی که پیکر امامزاده علی را روی آن قرار دادند و قالی را به جای پیکر او غسل دادند و شستند، «مشهد قالی»، «مشهد قالی شورون» (قالی شویان) می‌نامند (همان: ۱۲).

### ۲-۲. شهادت امامزاده سلطان‌علی و قالی

نقل است که به درخواست مردم محال کاشان از امام محمدباقر (ع)، امامزاده سلطان‌علی پسر ایشان، از مدینه به فین می‌آید تا راه و رسم دین را تبیین نماید و آن‌ها را ارشاد نماید. محبوبیت وی در نزد مردم رشک و حسد حارث ملقب به زرین کفش، حاکم اردهال را برمی‌انگیزد و به ازرق والی قم، پیغام می‌فرستد. ازرق نیز سر بریده امامزاده را طلب می‌کند. به روایتی، جنگی ده‌روزه از یکم تا دهم پاییز میان سپاه زرین کفش و یاران امامزاده درمی‌گیرد... (همان: ۱۳۷۹). به روایتی، در روز سوم شهادت امامزاده، فینی‌ها پیکر ایشان را در یک تخته قالی می‌گذارند و به سر جوی آبی که اکنون به نهر شازده حسین معروف است، می‌برند و غسل می‌دهند. به روایتی دیگر، چون پیکر امامزاده پاره‌پاره و بی‌سر و خونین بود، او را بی‌آنکه غسل بدهند روی قالی می‌گذارند و به سر تپه می‌برند و خاک می‌کنند. بعد قالی آغشته به خون امامزاده شهید را با آب جوی می‌شویند و غسل می‌دهند (همان: ۲۰).

### ۳-۲. آداب قالی‌شویی

سنت‌ها نقشی مهم در زنده نگه داشتن فرهنگ دارند. واژه «سنت» عربی و در لغت به معنی راه، روش، طریقه و عادت است. «اصطلاح «سنت‌ها» یا «سنن» در مردم‌شناسی معادل کلمه «ترادیسیون» به کار می‌رود که بخشی از فرهنگ غیرمادی است» (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۳۹). مناسک قالی‌شویان مانند بسیاری دیگر از رسوم ایرانی از چند بخش تشکیل شده و مشابهت‌هایی با سایرین دارد:

الف. جمعه‌جار: در بین آداب و رسوم ایرانی اجتماع و جمعیت و در پی آن اتحاد مردم رکنی مهم و فراموش‌نشده است. یک هفته پیش از مناسک قالی‌شویان، معمولاً در نخستین جمعه فصل پاییز، مراسم جار در فین و کاشان برگزار می‌گردد. این جمعه که در میان کاشی‌ها و فینی‌ها به «جمعه‌جار» معروف است، روز فراخوانی مردم به مراسم قالی‌شویی در مشهد اردهال است (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۳۸).

ب. تعیین جمعه‌قالی: مطالب گوناگونی مبتنی بر انطباق مراسم با آیین و گاهشماری ایران

باستان یا روایت‌های شفاهی زمان شهادت امامزاده فصلی برای تعیین دقیق جمعه‌قالی موجود است. برخی آیین و جشن مهرگان و اهمیت آن را برای جامعه کشاورزان و دامداران مبنا قرار داده و رسم مربوط را تناسخی از آن دانسته و بدان رجوع می‌کنند و جمعه‌قالی را مصادف با مهرگان باستانی می‌دانند.

کسانی که به روایت‌های شفاهی از زمان شهادت امامزاده تکیه دارند، زمان شهید شدن وی را دهمین روز از فصل پاییز و دفن ایشان را سیزدهمین روز یاد می‌کنند و به همین واسطه جمعه‌قالی را در روز تدفین امامزاده یا به عبارتی، نزدیک‌ترین جمعه به ۱۳ مهر برگزار می‌کنند. مراسم قالی‌شویی مشهد اردهال در دومین جمعه مهرماه یا به عبارتی نزدیک‌ترین جمعه به ۱۳ مهر برگزار می‌شود. دست‌مایه اصلی این مراسم اعتقادات مذهبی است و متعلق به مکتب تشیع می‌باشد که البته رگه‌هایی از آداب و رسوم ایرانی و مناطق محلی کاشان نیز در آن موجود است (شهنواز، ۱۳۸۰: ۳۱۵). برخی مردم‌شناسان به تعیین زمان دقیق برگزاری مراسم توسط ریش‌سفیدان فین اشاره دارند: تعیین روز قالی‌شویی و اعلام آن به مردم بر عهده بزرگان و ریش‌سفیدان فینی است. این گروه روز مراسم قالی‌شویان را معمولاً در دومین جمعه پاییز تعیین می‌کنند. اگر این جمعه به روزهای سوگواری مذهبی مانند تاسوعا، عاشورا، قتل امیرالمؤمنین و...، یا به روزهای جشن مذهبی مانند مبعث حضرت رسول، میلاد امیرمؤمنان، نیمه شعبان میلاد امام زمان بیفتد، مراسم را به یک هفته قبل یا یک هفته بعد می‌اندازند. پیش یا پس انداختن جمعه‌قالی‌شویی می‌بایستی از سویی به قبل از ماه مهر و از سویی دیگر به بعد از ۱۷ مهر نیفتد (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۳۹).

ج. جمعه‌قالی: تجمیع دسته‌های چوب به دست مردان فین پایین و فین بالا نخستین حرکت مراسم است. سپس بزرگان شروع به جمع‌آوری کمک‌های مردمی می‌کنند. افراد به‌سوی دروازه جنوبی بقعه حرکت و وارد صحن پاک می‌شوند و «پایه‌نک آرائی»<sup>۱</sup> را لعن می‌نمایند. چوب به دستان سیاه‌پوش با ورود به صحن به زائران با «حسین حسین» گفتن، احترام نموده و هم‌آوا می‌شوند. بعد هم خطیب خطبه‌ای می‌خواند و در مناقب و فضایل حضرت سلطان‌علی سخن می‌گوید و در نهایت هم با ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا به سخنانش خاتمه می‌دهد. اعانه جمع‌آوری‌شده را به‌عنوان هدیه به متولی آستانه می‌دهد تا قالی را تحویل گیرند. جوانان قالی را که با پارچه‌ای سیاه پوشانده شده است، از بزرگان فینی تحویل گرفته با ندای «حسین حسین» به سمت سرچشمه نهر شاهزاده حسین می‌روند. در پیشاپیش دسته حاملان قالی، مردی میانسال از اهالی چهل‌حصاران کاشان، سوار بر اسب حرکت می‌کند. این مرد با خود یک جانماز ترمه را که

قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

بر روی شانه راستش افکنده، حمل می‌کند. این جانماز را مظهر و نمادی از جانماز حضرت امامزاده سلطان‌علی می‌دانند و این مرد چهل حصارانی را از نوادگان جانمازدار حضرت می‌انگارند (همان: ۱۵۶-۱۵۷). در پی حامل جانماز، مردم خاوه عَلمی را که با پارچه‌های سبز پوشانده شده، می‌کشند. مردم فین و حمل‌کنندگان قالی نیز به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند. افرادی که نذر دارند تا گوسفند یا گوساله‌ای قربانی کنند، پیش پای دسته ذبح می‌کنند. در تمام مسیر رسیدن به سرچشمه نهر شاهزاده حسین ذکر و نوای «حسین حسین» و «الله اکبر» ادامه دارد. به محض اینکه به سرچشمه رسیدند، قالی را روی زمین می‌گذارند و پیش از شستن تمثیلی قالی مراسم لعن‌خوانی را اجرا می‌کنند.

د. شستن تمثیلی قالی: آوردن واژه شست‌وشو نمادین بوده و ریختن آب و خیس کردن قالی در کار نیست و صرفاً قطراتی آب روی قالی می‌پاشند. برای شستن قالی، یا غسل دادن قالی شهید، چوب به دست‌های فینی سرچوب‌های خود را در آب چشمه فرومی‌کنند و بیرون می‌آورند و قطرات آب چوب‌ها را روی قالی و مردمی که دورادورشان ایستاده‌اند، می‌پاشند. به این شیوه، قالی را که نمادی از شهید دشت اردهال است، به صورت تمثیلی می‌شویند و غسل می‌دهند (همان: ۵۸). پس از شست‌وشو جوانان حامل قالی آن را به بقعه برده و بزرگان فینی و خاوه‌ای سعی می‌کنند قالی را بگیرند که جوانان امتناع می‌ورزند؛ اما در نهایت بزرگان فینی می‌گیرند و به نمایندگان خاوه‌ای تحویل می‌دهند. آن‌ها قالی را با احترام تحویل گرفته، به متولی می‌سپارند.

#### ۴-۲. ارتباط پیشینه‌های سنتی و هنرهای بومی با مناسک آیینی

باورها، اعتقادات، اقلیم خشک و کویری کاشان زمینه‌ای مناسب برای رشد قالی‌بافی فراهم آورده است. اقتصاد فرش در کاشان حائز اهمیت بوده و ساکنان بسیاری از راه تولید قالی امرار معاش می‌کنند. تنوع و تعداد زیاد طرح‌های باغی و گلدانی و درختی نشان از ارتباط تنگاتنگ جغرافیا، باورها و قالی در کاشان دارد. «قالی‌بافی تاریخ مفصلی در کاشان و روستاها و آبادی‌های اطراف دارد. اگر در جهان یک روستای بسیار مهم در بافندگی وجود داشته باشد، بی‌گمان جوشقان است. این را در نامه‌هایی که درباره هنرهای دستی در جهان چاپ می‌شود، می‌توان دریافت. جوشقان قالی دست‌کم از دوره صفوی قالی‌بافی بسیار خوبی داشته و همه بافته‌های صفوی بازمانده از در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی است» (حصوری، ۱۳۹۴: ۱۳۸). ذکر چنین پیشینه‌ای از قالی در منطقه کاشان دلالت دوچندان بر اهمیت قالی برای مردم دارد. هنگامی که از

قالی‌های نفیس و مرغوب شرق صحبت می‌شود، نام اصفهان و کاشان در صدر هستند. کاشان شهری است دارای آب و هوای مساعد در حاشیه غربی کویر نمک که در طول قرن‌ها قالی‌های بسیار زیبا و گران‌بها تولید و صادر می‌کرده است. قالی طرح شکاری وین در موزه هنرهای دستی اتریش، قالی اردبیل در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و قالی ابریشمی معروف در موزه هنر متروپولیتن نیویورک، از بهترین بقایای تاریخی عصری است که با بافت قالی‌های پولونزی<sup>۲</sup> [قالی‌های نفیس صادرشده به دربار لهستان] به سفارش دربارهای اروپای شرقی به پایان رسید (یساولی، ۱۳۷۹: ۱۵). رونق اقتصادی و صادرات فرش و تنوع موضوعات و مضامین داستانی و ادبی در طرح‌های قالی کاشان، از جمله عوامل مهم شکوفایی هنر صنعت قالی‌بافی در این کهن‌شهر [کاشان] طی حداقل یک قرن اخیر محسوب می‌گردد (عزیزی و خاتمی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). تحلیل انواع گوناگون میراث معنوی در ایران حاکی از این است پیشه‌های سنتی و بومی در اجرای مراسم و مناسک نقش دارند. ساقه برنج در مناطقی که شالی‌کاری دارند، گندم در استان‌های دارنده آن، خرما و نخل در نواحی دربردارنده درخت نام‌برده، همه مصادیقی از این ادعا هستند. قالی در مراسم قالی‌شوینان مشهد اردهال در جایگاه مهم‌ترین محصول تولیدی حاضر می‌شود. مردم کاشان خیلی زحمتکش و صنعتگرند و برای هر فن و ذوقی مهارت دارند؛ به‌ویژه در صنعت بافتن کمربند و دستمال و منسوجات گلابتون، انواع مخمل و اطلس و زری و تافته و پارچه‌ای که در اروپا معروف به اورمزمین (منسوب به هرمز) می‌باشد. همچنین انواع قالی و قالیچه و ظروف چینی و کاشی که انسان را متعجب می‌سازد (افروغ، ۱۳۹۲: ۴۲).

هم‌زمانی برگزاری این آیین [قالی‌شوینان] با فصل درو و جشن‌های آبریزان که مختص جامعه کشاورزی بوده، گواه این [ارتباط قالی با مناسک مربوط] ادعاست. همان نماد آب که پیش‌تر بیان شد، برای مردمان کشاورز عنصری حساس و مهم تلقی می‌شده و غسل دادن قالی با آب نهر روان، خود نشان از باورهای سنتی کشاورزان برای تطهیر و پاکی دارد (حمدیه، ۱۳۹۲: ۱۶۲). در ایران یکی از مصادیق آیین باران‌خواهی تابوت‌گردانی، علم‌گردانی و نخل‌گردانی بوده است که پیشینه‌ای طولانی دارد. برخی پژوهشگران به اسطوره خدای شهیدشونده و طلب برکت و رویش برای از سوی کشاورزان نسبت می‌دهند. همان‌گونه که با ریختن خون سیاوش از زمین گیاه (پرسیاوشون) روید و موجب حاصلخیزی شد. «برخی از پژوهشگران داستان سیاوش و آیین مربوط به سوگ سالیانه وی را مصداقی از این خدای شهیدشونده می‌دانند» (بهار، ۱۳۹۷: ۴۴۷-۴۴۸). در مراسم قالی‌شوینان، قالی به‌عنوان تابوت امامزاده سلطان‌علی (شهید) ایفای نقش می‌کند.

قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

«افزون بر این، شواهد دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند تأییدی بر ارتباط تابوت گردانی با خدای شهیدشونده و برکت‌بخش یا فعالیت‌های کشاورزی باشد» (جعفری، ۱۳۹۸: ج ۲، ۱۲۹).

## ۵-۲. قالی ابزار انتقال هویت فرهنگی

قالی در مناسک قالی‌شویان مشهد اردهال به‌دور از کارکرد زیراندازی، به‌مثابه ابزار انتقال فرهنگ لحاظ می‌شود. اشیای تاریخی اغلب حامل مفاهیم تاریخی‌اند - که خود شکلی اساسی از فرهنگ غیرمادی است - و در انتقال فرهنگی نقشی اساسی دارند. «مکان‌های حافظه» از این‌رو از آثار باستانی و بقایای مادی گرفته تا اشیایی که در حوزه‌های زندگی روزمره قرار می‌گیرند و ثبت مکتوب روایت‌های تاریخی و تاریخ شفاهی، ابزارهای اساسی انتقال فرهنگی در یک جامعه‌اند که توجه خاص فرهنگ‌شناسان را می‌طلبد (فکوهی، ۱۳۹۴: ۱۱۳) به‌تعبیری دیگر، قالی در انتقال حس هویت‌بخشی، رسانه‌ای کارآمد به حساب می‌آید. هویت فرهنگی شناختن و ارج نهادن به گذشته تاریخی، به سرزمین نیاکان، به حماسه‌های پدران، به زبان مادری، به آسوه‌های دینی، به شکوهمندی‌های ملی، به هنر و ادبیات موروثی، از جمله معیارهای تبلور هویت فرهنگی است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). در مقایسه با ابزار و ادواتی که جوانان طی سالیان اخیر در دسته‌های عزاداری استفاده می‌کنند، تمامی عناصر فرهنگی اعم از قالی و علم چوبی و جانماز ترمه که در مناسک قالی‌شویان به کار می‌آیند، به درک هویت فرهنگی یاری می‌رسانند. در میان پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع قالی، توصیف و تحلیل طرح و نقش، مطالعه تکنیک، سبک‌شناسی و به‌طور کلی تحقیقات توصیفی در رده نخست بوده است. این در حالی است که کارویژه‌های قالی در مناسک و مراسم گوناگون ایران به‌عنوان بستری پرمعنا قابل توجه است. فرش به‌عنوان زیرانداز به‌تنهایی مطرح نیست بلکه آن را بدان سبب به خانه خود می‌برند که مفاهیمی را بازگو سازد. برای کسانی که فرش می‌بافند و یا به هر شکل دست‌اندرکار تهیه آن هستند، موضوع از جنبه دیگری نمود پیدا می‌کند. آنان معانی دیگر را نیز برای این کار برمی‌شمرند و آن را به پشتوانه‌های اعتقادی و اصول نمادین و نشانه‌های معنوی مرتبط می‌دانند (حمدیه، ۱۳۹۲: ۱۵۴). به‌اعتقاد برخی انسان‌شناسان مانند کلود لویی استراوس، انسان‌شناس ساختارگرای قرن بیستم، گاهی اشیاء به‌عنوان مصادیق امر مناسکی معرفی می‌شوند و در مراسم قالی‌شویان مشهد اردهال، بافته بخشی از امر مناسکی است. «و در نهایت امر مناسکی را در حالت خاص آن، که شامل گفتارهای مقدس (فهم‌ناپذیر)، حرکات بدنی و اشیاء است، ارائه می‌دهد. به نظر این، انسان‌شناس حرکات و اشیاء چیز دیگری غیر از کاربرد روزمره آن‌هاست» (کوپانس، ۱۳۹۴: ۱۲۸). مبتنی بر نظریه ذکرشده



سال هاست قالی در جایگاه امر مناسکی ظاهر شده تا رویدادی از گذشته بازیابی شود و با تکرار مراسم در هر سال از انقطاع آن اجتناب می‌شود. آداب و رسوم مجموعه‌ای از رفتارها و باورهای اجتماعی است که طی درازمدت در جامعه‌ای خاص شکل گرفته و جا افتاده (فکوهی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). مناسک قالی‌شوینان طی سالیان متمادی برگزار شده و افراد بسیاری به اجرای آن پایبند هستند. اگر دو فرهنگ قابل تعریف، مثلاً دو فرهنگ ملی با یکدیگر وارد نوعی «مجاورت» فیزیکی یا مجازی شوند، یعنی امکان عملی تبادل عناصر فرهنگی میان آن‌ها فراهم شود، تماس فرهنگی شکل می‌گیرد (همان: ۱۳۰). قالی نیز به‌عنوان عنصری فرهنگی موجب تماس فرهنگی می‌شود.

## ۲-۶. قالی و پدیده زنده حیات انسانی در مناسک قالی‌شوینان

حفظ و تداوم مراسم جمعه قالی دستاوردهای بسیاری از جمله وحدت و اتحاد اهالی، جذب گردشگر و توجه به ارزش‌ها را در بر دارد که در این میان قالی در تقویت هویت ایرانی نقش مهمی دارد. اجرای مناسک قالی‌شوینان موجبات زنده ماندن فرهنگ ایرانی - اسلامی مشهد اردهال را فراهم می‌سازد. باید توجه داشت که فرهنگ همچون موجود زنده نیازمند ایجاد رابطه با محیط است. در این راستا عناصر فرهنگی و اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ کل همانند مجموعه مادر، به‌منظور بقا و تداوم نیازمند ارتباط با محیط هستند که قالی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همه‌ساله در اجرای مناسک قالی‌شوینان کارکرد خاص و ویژه قالی به‌مثابه پیکر مطهر امامزاده سلطان‌علی یادآوری می‌شود. چه بسا میل و رغبت کاشانیان با توجه به پیشینه مذهبی منطقه، به بافت و تولید قالی بیشتر شده و قالی کاشان حیاتی دوباره می‌یابد. این در حالی است که بسیاری از اشیاء در موزه‌ها به‌سبب دور شدن از کاربری واقعی و بافت فرهنگی، به‌مرور دچار شیء‌شدگی می‌شوند. وقتی اروپاییان وسایل زندگی روزمره، لباس‌ها، لوازم آرایش و حتی تابوت اجساد مومیایی شده را در موزه‌های خود به نمایش می‌گذاشتند، این پدیده‌های فرهنگی را در موقعیتی که در علوم اجتماعی به آن «شیئی شدن» می‌گویند، قرار می‌دادند و از وضعیت پدیده‌های فرهنگی در معنای پدیده‌های زنده حیات انسانی خارج می‌کردند (همان: ۱۴۰). برگزاری مراسم قالی‌شوینان یکی از راه‌هایی است که قالی در بستر فرهنگی خود زنده بماند و مورد توجه قرار گیرد و به‌عبارتی از شیء‌شدگی مصون باشد.

## ۲-۷. تحلیل انسان‌شناسانه قالی در مناسک قالی‌شوینان مشهد اردهال

انسان‌شناسان هنر در پژوهش‌های خود بنا به ماهیت اثر هنری بر ابعاد گوناگون هنر تدقیق

قالی به‌مثابه عنصر  
فرهنگی در مناسک  
نمادین قالی‌شویی  
مشهد اردهال



داشته‌اند: بُعد معناساختی، بُعد زیبایی‌شناختی، بُعد عاملیتی، بُعد عاطفی (حسی). قالی در مراسم قالی‌شویان نیز از ابعاد گوناگون قابل مطالعه و تحلیل است. اصلی‌ترین تلاش نگارنده در این مقاله تأکید بر عاملیت قالی به مثابه «عاملی اجتماعی» است. «تنها قراری که می‌گذاریم این است که درباره هر داد و ستد معینی بین "عاملان"، یک عامل اعمال "عاملیت" می‌کند، درحالی‌که دیگری (موقتاً) "پذیرنده" است» (جل، ۱۳۹۰: ۵۱). با این توضیح، قصد بر آن است نقش قالی در مراسم قالی‌شویان مشهد اردهال خارج از ماهیت شیء‌گونه، به‌عنوان عاملی اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.

بُعد معناساختی: در این بُعد، هنر همچون نظامی معناساختی تصور می‌شود که با استفاده از دال‌های دیداری به دنبال انتقال مدلول‌ها یا مفاهیم مختلف است. هریک از عناصر درونی آثار هنری از پیش بر اساس فرهنگ غیرمادی جامعه کدگذاری شده‌اند و مخاطب با کدگشایی، اثر را می‌فهمد و در واقع آن را همچون متن می‌خواند (قانی، ۱۳۹۸: ۱۲). در مراسم قالی‌شویان مشهد اردهال به سبب ماهیت مناسکی، قالی به‌عنوان نمادی حامل و ناقل معنی، پیام‌های فرهنگی را به مخاطب منتقل می‌کند. به نظر می‌رسد قالی به‌عنوان اصلی‌ترین تولید هنری منطقه کاشان بهترین ناقل معناست. درک چگونگی و چیستی معنای به‌دست‌آمده از قالی در مناسک جمعه قالی اصلی‌ترین رسالت بُعد معناساختی در انسان‌شناسی هنر است.

بُعد زیبایی‌شناختی: یکی دیگر از ابعاد انسان‌شناسی اثر هنری، بُعد زیبایی‌شناختی است که شاخصه‌های گوناگون اثر هنری را در سنجه ضرباهنگ، تقارن، تنوع، رنگ و هماهنگی تأثیرگذاری آن روی مخاطب را در ارتباط با مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ اما از آنجا که قالی در مناسک قالی‌شویی به صورت جمع و لوله‌شده دیده می‌شود، نگارنده از شرح بُعد زیبایی‌شناختی چشم می‌پوشد. تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که از تصاویر قالی موجود در آستانه مقدس امامزاده سلطان‌علی برمی‌آید، طرح قالی از انواع جوشقانی است. طرح‌های مورد علاقه بافنده‌های کاشان اغلب در مایه طرح‌های گلدار با خطوط منحنی شامل طرح‌های شاه‌عباسی لچک و ترنج، شاه‌عباسی افشان، گلدانی سرتاسری، ترنج‌دار قندیلی، طرح درختی محرابی، هندسی جوشقانی، گلدانی حاج خانمی، منظره‌بافی و همچنین چهره‌بافی است (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۶۰). به نظر می‌رسد قالی آیینی دارای طرح جوشقانی باشد (شکل ۱ الف و ب). «از جمله طرح‌های قالی‌های جوشقان می‌توان به طرح‌های کشمیری، جنگلی (گیاهی) یا جوشقانی، قابی یا خانه‌بندی اشاره کرد» (میرزایی و احمدپور سامانی، ۱۳۹۸: ۲۹۳). اهمیت طرح‌های جوشقانی در تاریخ

فرش های آیینی قابل اثبات است که روپوش مقبره شاه عباس دوم در قم نیز اثر استاد نعمت الله جوشقانی است که هم اکنون در موزه حضرت معصومه نگهداری می شود (تصویر ۲).



تصویر ۱ الف و ب: سمت راست قالی موجود در آستان مقدس امامزاده و سمت چپ طرح جوشقان قالی

(URL1)



تصویر ۲: قالی مقبره شاه عباس دوم در موزه آستان حضرت معصومه (س)، اثر استاد نعمت الله جوشقانی، ابعاد

۸۵ در ۱۱۸ سانتی متر (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ۱۲۵۸)

بُعد عاملیتی: شاید دو بُعد معناشناختی و عاملیتی، قابلیت مطالعه بیشتری نسبت به ابعاد دیگر داشته باشند. آلفرد چل از متقدمان نظریه بُعد عاملیتی، شیء هنری را همچون اشخاص در نظر می گیرد که بر اساس آن اشیاء هنری، در جایگاه کنشگران (عاملان) اجتماعی قرار می گیرند. درباره ماهیت شیء هنری پیشاپیش نمی توان تصمیم گرفت، زیرا این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که ماهیت شیء هنری، کارکرد شبکه اجتماعی - ارتباطی است که شیء هنری در آن قرار می گیرد؛ شیء هنری مستقل از زمینه ارتباطی، فاقد ماهیتی ذاتی است» (چل، ۱۳۹۰: ۳۱). به نظر

قالی به مثابه عنصر  
فرهنگی در مناسک  
نمادین قالی شویی  
مشهد اردهال

می‌رسد در مناسک قالی‌شوینان مشهد اردهال، قالی به‌عنوان شیء هنری حامل نشانه است که معنا را انتقال می‌دهد و عاملیت دارد. از منظر انسان‌شناسی هنر میان دو بُعد معناشناختی و زیباشناختی قالی (شیء هنری) برای حاضرین در مراسم، وجه کارکردی منظور نظر است. بنا بر نظریهٔ جل قالی در بستر اجتماعی - ارتباطی مراسم قرار گرفته، تولید معنا می‌کند؛ قالی به‌مثابهٔ پیکر مطهر امامزاده سلطان‌علی یا تابوت ایشان بر روی دست و دوش مردم به حرکت درمی‌آید. بسیاری برای شفایابی و طلب حاجات نوارهای سبزرنگ را متبرک می‌کنند (تصویر ۳ الف و ب). قالی در واقع نمادی است که بار معنایی مناسک را بر دوش می‌کشد. «وقتی نماد آنقدر اهمیت می‌یابد که در بین اشکال مجموعه جایی برایش در نظر گرفته شود، می‌تواند کل اشکال داخل صحنه را تحت پوشش کامل قرار دهد» (بوآس، ۱۳۹۱: ۱۴۴) پس از پایان مراسم، قالی به تولیت بقعه متبرکه تحویل می‌گردد تا به‌عنوان نمادی آیینی حفظ و نگاهداری شود.



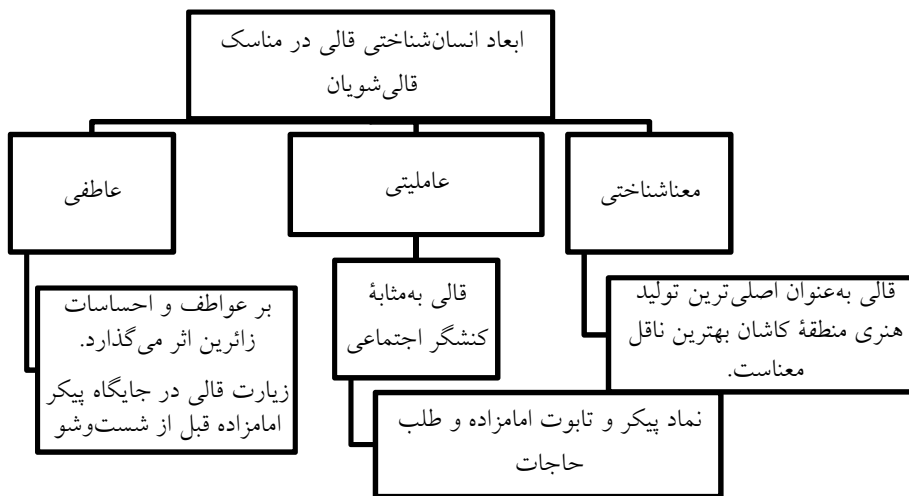
تصویر ۳ الف و ب: عاملیت فیزیکی قالی؛ تبرک جستن و طلب حاجات (URL2)

بُعد عاطفی (حسی): محققانی معتقد بودند اثر هنری می‌تواند بر عواطف انسانی اثر گذارد و هیجانانگیز و احساسات او را برانگیزد. برخی انسان‌شناسان دو بُعد عاطفی و حسی را از یکدیگر جدا نموده و در دو طبقه گنجانده‌اند؛ اما بُعد معناشناختی و عاملیتی قالی در مراسم قالی‌شوینان مشهد اردهال چنان به قوت خود باقی است که ابعاد دیگر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. از این میان، تنها می‌توان به ارتباط حسی میان قالی و پیکر امامزاده شهید اشاره کرد. قالی به‌عنوان اثری هنری مقبول و شناخته‌شدهٔ مردم کاشان نمودی فرهنگی یافته است. مردم علاوه بر دیدن قالی در جایگاه پیکر مطهر یا تابوت مقدس امامزاده سلطان‌علی می‌توانند پیش از شست‌وشو آن را ببینند، لمس کنند یا ببوسند و زیارت کنند، ولی پس از شست‌وشو دیگر امکان‌پذیر نیست. اگر زائری یا تماشاگری به قصد تیمن یا تبرک‌جویی جسارت ورزد و حرمت منع و «تابو»ی تماس با قالی را بشکند و پا در حریم ممنوعه بگذارد و برخلاف عرف و سنت فینی‌ها دستی به قالی برساند، ده‌ها چوب و چماق بر سر و رویش فرود خواهد آمد (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۵۸) این‌گونه بُعد عاطفی و

حسی قالی به‌عنوان اثر هنری تبیین می‌شود (تصویر ۳).



تصویر ۴: بُعد حسی و عاطفی قالی به‌مثابه اثر هنری. مردم به‌عنوان تابوت و پیکر مطهر امامزاده قالی را زیارت می‌کنند (URL3).



نمودار ۱: ابعاد انسان‌شناختی قالی در مناسک قالی‌شویان (نگارنده)

قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

علاوه بر شیوه‌های تحلیل انسان‌شناختی مرسوم، به روش‌های دیگری نیز می‌توان اهمیت قالی را از منظر کارویژه فرهنگی آن تبیین نمود. نگارنده با در نظر داشتن لایه‌های گوناگون از برون به درون یا از ظاهر به باطن، سه لایه را متصور شده است:

۱. لایه رویین یا نخست: قالی به‌عنوان یک بافته اصیل و سنتی کاشان، در جایگاه محصول نهایی و تولیدی منطقه در مراسم وجود دارد. قالی‌بافی پیشه سنتی مردم کاشان بوده و از این راه امرار معاش می‌کنند؛ لذا قالی از این دیدگاه مهم می‌نماید.

۲. لایه میانی یا دوم: با توجه به روایت‌های گوناگون از شهادت و نحوه تشییع و تدفین امامزاده سلطان‌علی، قالی به‌عنوان نماد پیکر مطهر ایشان یا تابوت وی ایفای نقش نموده و هر ساله نمادی مقدس به حساب می‌آید.

۳. لایه درونی یا سوم: سنت طلب باران یا باران‌خواهی در مناطق کویری همچون کاشان پیشینه‌دار بوده و به‌سبب اینکه یکی دیگر از پیشه‌های رایج کشاورزی است، بارش باران آن‌هم در اقلیم خشک کاشان موهبتی بزرگ محسوب می‌شود. از گذشته در بسیاری از شهرها و روستاها مردم کارهای جمعی گوناگونی مثل پخت آش، به جا آوردن نماز و دعا و... برای باران‌خواهی انجام می‌دادند. آب پاشیدن به قالی به‌همراه نیایش، به‌عقیده مردم‌شناسان به نیت طلب باران در ابتدای فصل پاییز انجام می‌شود (نمودار ۲). آیین قالی‌شورون یا قالی‌شویان در روستای ارده‌ال کاشان که هر سال در پاییز، یعنی موسم تیر در دهه دوم مهرماه صورت می‌گیرد و آیین تیرماسینه، یعنی تیرگان دیلمی در ماه تیر و روز تیر... و مراسم دعای باران در گوشه‌وکنار استان فارس... همه گواه‌های بازمانده آیین ستایش تیر و ناهیدند (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۸۳). به‌منظور مذاقه بیشتر روی آیین‌های مربوط به آب، مقاله‌ای با عنوان «صدای پای آب بر تاریخ کهن کاشان» یافت شد که نویسنده به آیین‌های قدیمی و سنتی مرتبط با عنصر آب، پژوهشی مستند انجام داده و بر اهمیت موضوع تأکید نموده است. این جستار با تأمل بر آخرین آثار مستند و مکتوب درباره کاشان، یک سرنخ مهم شناسایی گذشته کاشان را در گزارش مکتوب مراسم و «آیین آبی» می‌جوید که در منطقه ارده‌ال و هم‌زمان با جشن تیرگان و طی مراسمی به اجرا درمی‌آمده و در روستای قالهر هر ساله برگزار می‌شده است. این نوشته با تحلیل متون و عناصر آیینی و اسطوره‌ای این جشن و آیین آب در آثار قرن سوم و رصد بازمانده‌های این رسوم تا عصر حاضر (آبریزان در برخی روستاهای ناحیه ارده‌ال، آیین لتو در کاشان تا عصر پهلوی و...) بر آن است که یکی از روزنه‌های شنیدن صدای پای گذشته و برخاسته از اعماق قرون نیاکان این شهر، در آیین‌های آب و تداوم کاوش‌ها و بررسی‌های بعدی و جزئی‌تر در آن‌هاست.



نمودار ۲: لایه‌های گوناگون مربوط به جایگاه قالی در مناسک قالی‌شویی مشهد اردهال (نگارنده)

### ۳. نتیجه‌گیری

از منظر انسان‌شناسی، صنایع دستی و هنرهای بومی ایران علاوه بر بُعد زیبایی‌شناختی دارای ابعاد گوناگونی چون معناشناختی، عاملیتی، حسی یا عاطفی هستند. قالی نیز مشمول چنین قاعده‌ای شده و تحلیل فرهنگی قالی در مناسک قالی‌شویی از وجوه چندگانه بر این ادعا که بافته به‌مثابه عنصری فرهنگی و امری مناسکی است، صحه گذارد. بُعد عاطفی به تأثیرگذاری قالی بر عواطف و احساسات زائرین و زیارت قالی در جایگاه پیکر امامزاده قبل از شست‌وشو دلالت دارد. بُعد عاملیتی قالی را به‌مثابه کنشگر اجتماعی و نمادی از پیکر و تابوت امامزاده به‌منظور طلب حاجات معرفی می‌کند (مهدیزاده، ۱۳۹۸: ۳۳). در نهایت، بُعد معناشناختی بیانگر این است که قالی به‌عنوان اصلی‌ترین تولید هنری منطقه کاشان بهترین ناقل معنا بوده و در مراسم یادشده، نقشی اساسی و بی‌جایگزین ایفا می‌کند. به‌دلیل اینکه حاضرین در مراسم با عاملیت حسی و عاطفی قالی به‌عنوان حامل معنا مواجه‌اند تا با طرح و نقش آن، از بُعد زیبایی‌شناختی چشم پوشیده شد و فقط به طرح جوشقانی قالی اشاره شد. قالی در ابتدا به‌سبب اینکه اصلی‌ترین بافته و محصول کاشان است، به بستر مفهومی مناسک راه پیدا کرده و به‌مرور از سطوح رویین و واقعی به لایه‌های ژرف‌تر و معناگرایانه‌تر رفته است. قالی به‌عنوان عنصری

قالی به‌مثابه عنصر فرهنگی در مناسک نمادین قالی‌شویی مشهد اردهال

فرهنگی، نمادی از پیکر امامزاده سلطان‌علی، قالی به منزله تابوت شهید دشت اردهال، قالی ابزار انتقال هویت فرهنگی و بومی و در نهایت رسانه طلب باران است که همه شواهد دال بر اهمیت قالی در مراسم قالی‌شوین مشهد اردهال است. آیین قالی‌شوین سرشار از نمادها و رمزگان است. شستن تمثیلی قالی یادآور مصادیق باران‌خواهی در حاشیه کویر است. حمل قالی تا سرچشمه نهر شاهزاده حسین و آب پاشیدن بدان همراه با دعا و ذکر بستری فراهم آورده تا پژوهشگران را به سمت ریخت‌شناسی آیین‌های باستانی باران‌طلبی سوق دهد. مطالعات یادآور نمود شرط زنده ماندن فرهنگ کلی و اجزای آن ارتباط با محیط و دوری از شیء‌شدگی است. به همین سبب حضور قالی در مناسک جمعه قالی، این هدف را پوشش داده، از زوال و فراموشی قالی جلوگیری می‌کند. قالی موجود در آستانه مقدس حضرت سلطان‌علی علاوه بر آنکه شناسنامه هویتی مربوط به پیشه اصلی و رایج منطقه کاشان است، با ورود به ساختار منسجم آیین قالی‌شویی حیات دوباره یافته و مبادله فرهنگی با محیط موجب بروز و تجلی کارویژه‌های نو به مثابه عنصری فرهنگی شده است. اگر هریک از آثار هنری به سرنوشتی مشابه مبتلا شوند، از گزند فراموشی و نسیان در امان مانده و در بافت فرهنگی و شبکه اجتماعی - ارتباطی زندگی مردم باقی خواهند ماند. پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران به تحلیل فرهنگی تمامی آثار هنری موجود و مؤثر در آیین‌های ایرانی بپردازند؛ چراکه کمبود منابع این حوزه چشمگیر است و همت محققان را می‌طلبد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. پاپهنک آرائی نامی از بزرگان آران کاشان و از معاندان سلطان‌علی است که یکی از صحن‌های بقعه نیز صحن پاپک نام دارد. پله‌های پلکان، سراسری و به پله «پاپک» مشهور است. عامه مردم نام این پلکان را به «پاپهن» می‌شناسند. می‌گویند چون این مرد پاهایی پهن و بزرگ داشته به «پاپهن» یا «پاپهنک» معروف بوده و بعداً این نام در گردش زبان مردم به صورت «پاپک» درآمده است. برای تحقیر و خوار شمردن او این پله را «پاپک» خواندند تا زائران به هنگام گذر از پلکان، پاپک را لگد کنند و به او لعن فرستند (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۲۹)

۲. شوربختانه برخی نام‌های غیرایرانی مصطلح در بین واژگان تخصصی فرش باید بازنگری شود که از آن میان «پولونزی» است. برخی پژوهشگران بر اساس تکنیک بافت واژه «سوزنگرد» را پیشنهاد داده‌اند که بایسته است تحقیق و پژوهش بیشتری در این زمینه انجام شود.



## منابع

۱. افروغ، محمد (۱۳۹۲)، مجموعه مقالات هنر بر اساس فهرست ایرج افشار، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۲. بلوکباشی، علی (۱۳۷۹)، *از ایران چه می‌دانم؟* ۵/ (قالی شویان؛ مناسک نمادین قالی شویی در مشهد اردهال)، چ ۱، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. بوآس، فرانتس (۱۳۹۱)، *مردم‌شناسی هنر*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، چ ۱، تهران: گل آذین.
۴. بهار، مهرداد (۱۳۹۷)، *کتاب پژوهشی در اساطیر ایران*، چ ۱۳، تهران: آگه.
۵. بازوکی، شهاب، مختاباد، سید مصطفی و پورمند، حسینعلی (۱۳۹۳)، «مطالعه ریشه‌های مشارکت متناقض نما در نمایشگرهای کاروانی نمونه موردی قالی شویان مشهد اردهال کاشان»، *نامه هنرهای نمایشی و موسیقی*، شماره ۱۶: ۱۹-۵.
۶. پوپ، آرتور ابهام و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، ویرایش سیروس پرهام، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. جعفری (قنوتی)، محمد (۱۳۹۸)، «باران خواهی»، *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. جل، آلفرد (۱۳۹۰)، *هنر و عاملیت*، ترجمه احمد صبوری، چ ۱، تهران: فرهنگستان هنر.
۹. حصوری، علی (۱۳۹۴)، *سفرنامه حاجی مهندس*، چ ۱، تهران: نشر چشمه.
۱۰. حمدیه، زهره (۱۳۹۲)، *تحلیل مردم‌شناختی میراث فرهنگی غیرمادی در فرایند جهانی شدن (مطالعه فرش بافی کاشان و رابطه آن با آیین قالی شویان اردهال)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۱. خیرخواه، سعید (۱۳۸۴)، «از مهرگان و حدیث مهر تا آیین قالی شویان مشهد اردهال»، *حافظ*، شماره ۱۹: ۲۰-۲۳.
۱۲. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶)، *درگستره فرهنگ*، چ ۴، تهران: اطلاعات.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، چ ۱، تهران: انتشارات عطار.
۱۴. شهنواز، آرش (۱۳۸۰)، «یادواره مراسم سنتی - مذهبی قالی شویان مشهد اردهال»، *بخارا*، شماره ۲۰: ۳۱۲-۳۲۰.
۱۵. صمدنژاد آذر، یونس و منصوری، فردین (۱۳۹۷)، *میراث معنوی فرهنگی*، تهران: ساکو.
۱۶. عزیزی، حسن و خاتمی، حسن (۱۳۹۲)، *گل در قالی کاشان*، چ ۲، کاشان: دانشگاه کاشان.
۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، *مبانی انسان‌شناسی*، چ ۴، تهران: نی.
۱۸. قانی، افسانه (۱۳۹۸)، *تحلیل فرهنگی قالی خشتی چالستر*، چ ۱، تهران: سمت.
۱۹. کوپانس، ژان (۱۳۹۴)، *درآمدی بر مردم‌شناسی و انسان‌شناسی*، ترجمه حسین میرزایی، چ ۲، تهران:

نشر ثالث.

۲۰. مهدیزاده، محمدرضا (۱۳۹۸)، «صدای پای آب بر تاریخ کهن کاشان»، نشریه کاشان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۲۲): ۵۴-۳۳.

۲۱. میرزایی، عبدالله، و احمدپور سامانی، ویدا (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی طرح لچک و ترنج قالی‌های جوشقان کاشان با سامان بختیاری»، نشریه کاشان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۲۲): ۳۰۶-۲۸۷.

۲۲. نصیری، محمدجواد (۱۳۸۹)، *افسانه جاویدان فرش ایران*، چ ۱، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

۲۳. یساولی، جواد (۱۳۷۹)، *قالی‌ها و قالیچه‌های ایران*، چ ۳، تهران: انتشارات یساولی.

24. URL1: <https://www.rugman.com/carpet-design/joshaghan-rugs/۱۴۰۱> مرداد ۵

25. URL2: <https://www.mehrnews.com/news/4105796/۱۴۰۱> مرداد ۳

26. URL3: <https://www.mehrnews.com/news/4105796/۱۴۰۱> مرداد ۳

as a cultural element, explained? The findings showed that carpets, from an anthropological view, include different semantic, functional, and emotional dimensions in Qali Shouyan Ritual. On the other hand, the drawing of the outer (first), the middle (second), and the inner (third) semantic layers of the analysis of the cultural function of the carpet indicated the existence of variety of roles such as weaving, the figure of Prophet's grandson, coffin, rain-seeking tool.

**Keywords:** carpet, ritual, Qali Shouyan, Mashhad Ardehal, cultural elements.

## **Carpet as a Cultural Element in the Symbolic Ritual of Carpet Washing (Qali-shuyan) in Mashhad Ardehal**

**Samaneh Kakavand**

*Assistant Professor, Department of Carpet, Faculty of Applied Arts,  
University of Art, Tehran, Iran  
s.kakavand@art.ac.ir*

### **Abstract**

In addition to a decorative role, the traditional (folk) arts of Iran have significant roles in the transmission of cultural tradition. In the meantime, carpets, as well-known Iranian underlay, manifest Iranian identity; however, their non-applicability has been less desired. Exploring the status of carpets in the ritual of Carpet Washing (Qali Shouyan) in Mashhad Ardehal is the main aim of this article. In this research, an attempt is made to address the cultural function of carpets in a religious ceremony with Islamic Iranian roots. In the ritual of Qali Shouyan, the carpet is considered a symbol of a pure body and a holy coffin for Sultan Ali (a grandson of Prophet Mohammad). Thus, it has taken a significant distance from its role as an underlay. As cultural elements and traditional products, carpets have physical agency in Kashan and provide a platform for the manifestation of meaning from an anthropological point of view. In other words, carpets are means of conveying meaning and play roles in documenting an identity. This research is qualitative, or to put it differently, developmental. The research method is descriptive and analytical, and the data are collected through library studies and the observation of relevant documents and images having taken a cultural, anthropological perspective. The questions posed in this study include: what results can be drawn from the cultural analysis of the carpet in Qali Shouyan Ritual? How are the functions and special role of the carpet,

introducing the picture at first when analyzing the meta-functions. It can also be concluded that the use of ode, as a descriptive and laudatory poem, and its epic theme has helped form the meaning that the weavers of rug had in mind when weaving it. The represented elements, at the level of participants in the image, often act as synecdoches in introducing the place, people, and their identities and activism.

**Keywords:** social semiotics, Kashan, pictorial rug, Mirza Khoukhk Khan).

## **A Social Semiotic Reading of Mirza Kouchak Rug, Attributed to Kashan**

**Seyed Mohammadreza Tabasi**

*Ph.D. Student of Research of Art, Faculty of the High Research Art and  
Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran  
mrezatabasi@yahoo.com*

**Iman Zakariaee Kermani**

*Assistant Professor, Faculty of Handicraft, Art University of Isfahan,  
Isfahan, Iran, (Corresponding Author)  
i.zakariaee@au.ac.ir*

### **Abstract**

Mirza Kouchak Khan Jangali underpinned the emergence of one of the most important post-constitutional movements in the North of Iran with the aim of bringing fundamental changes to Iranian political and social system. This movement in Gilan was affected by the conflict between Iranian internal forces and foreign neighbors and was eventually suppressed by the government of the time. During the Jungle Uprising, a rug was produced in Kashan. It is one of the few pictorial rugs, in which there is an ode introducing the emergence of a new political activist in Iran and described his activities in the region under his control; verse by verse, the poem has been placed around the picture in armband inscriptions and woven into three edges of the rug in Nastaliq script. To find the semantic implications of the studied object is the purpose of this research. The main question of this study tries to answer the semantic implications of the visual-lexical elements represented in this rug. The findings have identified the role of the words and the chain of verses woven in the three edges of the rug in

# **An Evaluation of the Effects of Tourism Development on the Happiness Level of Residents: A Case Study in Kashan**

**Ebrahim Molavi**

*Assistant Professor, Department Art and Architecture, BoaliSina University,  
Hamedan, Iran*

*dr.emolavi1969@gmail.com*

**Yones Gholami**

*Associate Professor, Department of Geography and Ecotourism, University of  
Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author)*

*yonesgholami@ymail.com*

**Razieh Karimi Aghcheh**

*M. A. Graduate of Geography and Urban Planning, University of Kashan,  
Kashan, Iran*

*r.karimi.a73@gmail.com*

## **Abstract**

Tourism has turned into one of the most significant and influential industries in the world economy. In addition to its effects on the macroeconomic environment, this industry through its development has had variety of positive and negative effects, one of which is concerned with citizens' levels of happiness. The purpose of the current research is to evaluate tourism development and its effects on the happiness level of residents in the city of Kashan. The research method is descriptive-analytical. One-sample T-test and a structural equation modeling were used to analyze the data of the questionnaire. The results, obtained from the one-sample T-test, showed the significance of macroeconomic indicators, cultural dimension, social dimension, economic-social dimension, environmental dimension, and the quality of life on the happiness levels of the residents of Kashan. The results of a structural equation modeling displayed that among the measured indicators the social-economic index has the highest factor loading with a weight of 0.91. The cultural and environmental factors are ranked second with the same factor loadings of 0.86. The factors such as macroeconomics, the social dimension, the quality of life, and happiness index are ranked next with factor loadings of 0.71, 0.58, 0.84, and 0.63 respectively. After a more detailed analysis of the indicators, the creation of job and the earning of income, among positive effects of tourism, have led to the well-being and happiness of residents as well as the improvement of their appearance and authenticity.

**Keywords:** happiness, tourism development, Kashan, urban tourism.

has tried to compare the designs and compositions of these mosques. The surveys revealed that these mosques were mostly hypostyle ones; none had chambers and domes, while in the city of Kashan some grand mosques such as Jame Mosque, Mir-Emad Mosque, and Wazir Mosque included two key spaces, i.e., chambers and domes. This study also demonstrated that these mosques could be split into two types; that is, hypostyle mosques without and with courtyards. Furthermore, the hypostyle ones with courtyards could be put into two groups: those with courtyards and spatial identity and those in which courtyards had no special design or position, yet they contained open spaces without a shape or an identity.

**Keywords:** Kashan, historical Bazaar, historical mosque, typology.



## **The Architectural Typology of the Mosques within the Historical Bazaar of Kashan**

**Hamidreza Jayhani**

*Associate Professor, Centre for Documentation, Architectural Studies and Restoration, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran*

*h\_jayhani@sbu.ac.ir*

**Samineh Saberi**

*MA Student, Department of Restoration, School of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

*(Corresponding Author)*

*samineh.saberi@yahoo.com*

### **Abstract**

The historical Bazaar of Kashan includes 11 mosques. These mosques along other buildings and places form the basic elements of Bazaar structure. Besides, these historical mosques play a significant role in the identity formation of the bazaar. Hence, shedding light on the given mosques, including their patterns, formation, and positions can provide accurate knowledge of the Bazaar and will be helpful. Like other historical elements in this city, these mosques have also undergone changes; that is, some parts have been destroyed, and others have been reconstructed. Regarding this background, the present study aims at figuring out the patterns, the assemblage of the principal elements, and the space of these mosques. In other words, the main objective is to identify and categorize these mosques inside the Bazaar of Kashan. In this respect, the following questions were addressed: what are the main spaces in these mosques? What changes and transformation have these mosques had undergone? How many types do they have in terms of spatial organization? Using a descriptive-historical method along with field surveys, the researcher

precision in the amount of high political participation among citizens indicates that as political socialization and social capital increase, the low political participation of citizens decreases while high participation of citizens illustrates an increasing trend and political sociability from 7.2 to 26.9 and social capital from 13.4% at the minimum to 23% at the maximum. The findings of research show that there is a meaningful and confirmed correlation between the variables of social capital and political participation, based on the Pearson correlation coefficient, ( $r=0.195$  and  $sig=0.000$ ) as well as between political socialization and political participation, based on the Pearson correlation coefficient ( $r=0.344$  and  $sig=0.000$ ). A comparative study of research findings regarding cities of Kashan as well as Aran and Bidgol depicts that the citizens of Aran and Bidgol have higher political participation.

**Keywords:** political participation, political behavior, elections, spatial pattern of participation, political awareness.

# **An Elaboration on the Relationship between Political Participation and Political Socialization as well as Social Capital: A Case Study of Cities of Kashan, Aran and Bidgol**

**Mehdi Mohammadzadeh**

*PhD Student of Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
Mahdi\_ravandi@yahoo.com*

**Hojat Mahkoui**

*Assistant Professor of Political Geography, Department of Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
(Corresponding Author)  
hojat\_59\_m@yahoo.com*

**Hamid Saberi**

*Assistant Professor of Geography, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
Hamidsaberi2000@gmail.com*

## **Abstract**

A study of political participation of any society makes the political behavior of its people known while specifying not only the ways the political participation of citizens changes in different social contexts but also the factors influence it. This research tries to answer the following question: which spatial pattern does the relationship between political participation and political socialization as well as social capital follow in cities of Kashan, Aran and Bidgol? Considering the main indicators and components affecting political participation, a questionnaire was prepared and distributed among 870 citizens of these two cities. The independent variables in this research are political socialization and social capital, and the dependent variable is political participation. Descriptive statistics and inferential statistics and SPSS software were used to analyze the data. The

architecture and urban design section from Kashan who were selected through a Non-probability sampling. The tool of data collection was a researcher-made questionnaire taken from the first phase; face and content validity of which had been confirmed, and the reliability of which had been estimated at 0.7 with Cronbach alpha. Confirmatory factor analysis was used for the analysis of the data. The results showed that the requirements and challenges of sustainability of cultural landscapes included 5 categories: a technical and infrastructural one, the category of care and safety, management category, a socio-cultural one, and a natural one with 43 components. The results of the quantitative part showed that the factors of natural, infrastructural, cultural, and social elements have the highest coefficients respectively. According to experts' average opinions, the cultural and social dimensions as well as the category of care and safety, respectively, have the higher priority in the sustainability of cultural landscapes in cultural maps.

**Keywords:** cultural landscapes, framework of city, Kashan, cultural maps.

# **Cultural Frameworks of Cities: An Analysis of Requirements and Challenges of Sustainability of Cultural Landscapes in Compiling Cultural Maps**

**Meisam Namaki**

*PhD Student of Cultural Management and Planning, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran  
namakiarani.m@gmail.com*

**Saeid Sharifi**

*Department of Cultural Management, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (Corresponding Author)  
sa.sharifi@khuisf.ac.ir*

**Mohammad Latifi**

*Department of Architecture and Urban Design, Islamic Azad University, Naein Branch, Naein, Iran  
mlatifi@khuisf.ac.ir*

## **Abstract**

A cultural landscape, as the common product of intentional interventions of man in nature, is considered one of the multifaceted assets in cultural maps. In urban studies, compiling a cultural map requires checking the sustainability of cultural landscapes; therefore, the problem of current research is to analyze the requirements and challenges of the sustainability of cultural landscapes in the compilation of the cultural map of city of Kashan. The research method was combined and conducted in two qualitative phases with a phenomenological and quantitative approach using a survey method. The sample research in the first phase included 15 experts selected in a purposeful way; the data collection tool included a semi-structured, in-depth interview; Colaizzi's method was used to analyze the data and to measure the validity of the research data through the agreement coefficient and two coders. In the second phase, the statistical sample included 150 experts of tourism cultural heritage, urban section, and

anyone reading this poem. The poet has used elements perceived by external and inward senses to help him transfer his message; this method can make an inseparable connection between the inside and the outside of global readers. By focusing on the literary role, Alavi Boroujerdi has actually neglected the connection between the linguistic and literary aspects and since the emphasis on the literary role is on the message, by using these literary works he wants to convince and delight the addresser.

**Keywords:** Al-arba'in poem- Alavi Broujerdi, elegy, Jacobsen, connective theory.

## **A Study of Connective Language in “Al-arba’in” by Alavi Broujerdi: A Jacobsenian Perspective**

**Mohammad Montazemi**

*PhD Student, Department of Arabic Language and Literature, University of  
Kashan, kashan, Iran  
mh.montazamipor@gmail.com*

**Rohollah Sayadi Nezhad**

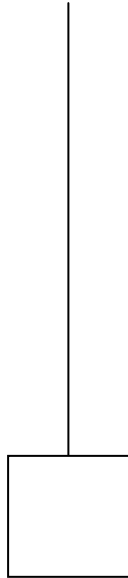
*Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature,  
University of Kashan, kashan, Iran (corresponding author)  
saiiadi57@gmail.com*

**Maryam Jalae Paykani**

*Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University  
of Kashan, kashan, Iran  
maryamjalaei@gmail.com*

### **Abstract**

Prague linguistics has presented the theory of connection between normal and literal languages based on Jacobsen theories and distinguished the poetic role of language from its connective role. Followers of this school believed that the connective role of language included those of normal, routine, automatic, and normative. In this way, language acted just as a referent; however, the poetic role of language tends towards signs, symbols, and their significance. Writers of this research try to study the connective language of poems by Mohammad Ibne Ibrahim Al-Mousavi, known as Alavi Broujerdi (1272- 1362); he is one of the poets of fourteen centuries. This study has used an analytic- descriptive method. The findings showed that this poet explained his thoughts and senses truthfully and his emotions were displayed so much in his poems. A hidden pronoun in imperative verbs in this poem has no special address, but it can be used to address



## **ABSTRACTS**

- 2 ▶ A Study of Connective Language in “Al-arba’in” by Alavi Broujerdi: A Jacobsenian Perspective
- 4 ▶ Cultural Frameworks of Cities: An Analysis of Requirements and Challenges of Sustainability of Cultural Landscapes in Compiling Cultural Maps
- 6 ▶ An Elaboration on the Relationship between Political Participation and Political Socialization as well as Social Capital: A Case Study of Cities of Kashan, Aran and Bidgol
- 8 ▶ The Architectural Typology of the Mosques within the Historical Bazaar of Kashan
- 10 ▶ An Evaluation of the Effects of Tourism Development on the Happiness Level of Residents: A Case Study in Kashan
- 11 ▶ A Social Semiotic Reading of Mirza Kouchak Rug, Attributed to Kashan
- 13 ▶ Carpet as a Cultural Element in the Symbolic Ritual of Carpet Washing (Qali-shuyan) in Mashhad Ardehal